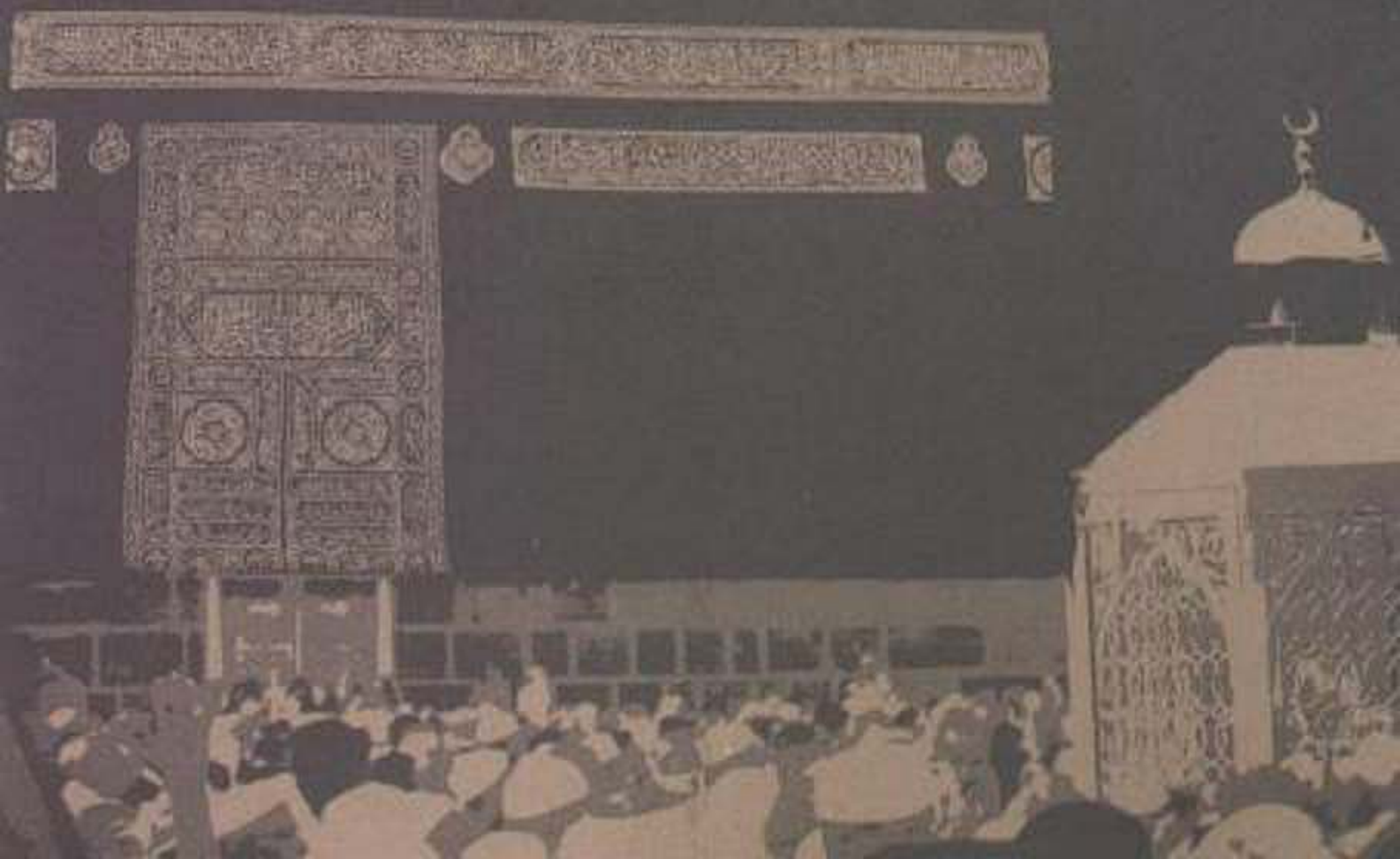




آراء البرامجع في الجمع

المجلد الثاني

بإشراف:
سباحة آية الله الشيخ علي الفتخاري







مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

کتابخانه	
مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی	
شماره ثبت:	۲۹۵۲۵
تاریخ ثبت:	

آراءالمراجع فی الجمع

المجلد الثاني
مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

بإشراف:
سماحة آية الله الشيخ علي الافتخاري

سرشناسه: افتخاری گلپایگانی، علی، گردآورنده.
 عنوان و نام پدید آور: ملحقات آراء المراجع في الحج / بإشراف علي الافتخاري.
 مشخصات نشر: تهران: مشعر، ۱۳۸۶.
 مشخصات ظاهري: ۲۱۲ ص.
 شابک: 978-964-540-041-3
 وضعیت فهرست نویسی: فیا.
 یادداشت: عربی.
 موضوع: حج - مناسک حج.
 موضوع: فقه جعفری - مناسک حج.
 رده بندی کنگره: ۸۷۶۷ الف / ۹ BP۱۸۲
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۴۲۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۵۲۳۸۵

آراء المراجع في الحج
 على ضوء فتاوى الإمام الخميني (المجلد الثاني)

- بإشراف: آية الله علي الافتخاري
- تنضيد الحروف والإخراج الفني: مركز أبحاث الحج
- الناشر: دار مشعر
- المطبعة: دار الحديث
- المطبعة: الأولى - ۱۴۲۸ هـ. ق.
- الكمية: ۳۰۰۰ نسخة
- السعر: ۱۵۰۰ تومان

جميع حقوق الطبع محفوظة

ISBN 978-964-540-041-3

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۰۴۱-۳

مراكز بختش و فروشگاه های مشعر:

تهران: تلفن: ۰۲۱-۶۴۵۱۲۰۰۳ / قم: تلفن: ۰۲۵۱-۷۷۴۶۵۳۲

فهرست

مقدمه	۱۵
-------------	----

ملحقات استطاعت

لزوم تحصیل مقدمات بر مستطیع	۱۹
وجوب حفظ استطاعت	۲۰
تمکّن مالی دارد، ولی تمکّن جسمی ندارد	۲۱
رجوع به کفایت	۲۳
لزوم ثبت نام	۲۴
استطاعت با فروش شخص دیگر	۲۵
تمن هدی را ندارد	۲۷
حج خود یا مادر	۲۸
مدعوین برای حج مستطیع باشند یا نه	۳۰

۱۲۱ ملحقات نیابت

الجمع بین الأصلي والنيابي في العمرة المستحبة	۲۵
نیابت معذورین	۲۶
استنابه دائم الحدث	۲۸
تبرّع معذورین در حج و عمره مستحب از والدین و مضمومین <small>علیه السلام</small>	۲۹
نیابت مستطیع از غیر تبرعاً یا به اجاره	۳۹

- ایمان نائب ٢١
- تقلید متوب عنه یا نائب ٢٢
- علم به استطاعت خود بعد از عمره نیایی ٢٣
- عمره برای نانی ٢٣
- فوت الحاج في الحرم ٢٥
- علم النائب باستطاعته في الميقات ٢٥
- منع از نیابت حج بعد از عمره تمتع ٢٧
- وظیفه النائب في طواف النساء ٢٨
- طواف نساء به قصد متوب عنه ٢٩
- جواز للنیابة للنائب في أثناء عمله لخبر المتوب عنه ٥٠
- آمدن نائب به بلد قبل از موسم برای حج بلدی ٥٠
- عمره و حج به نیابت حضرت حجت علیه السلام ٥١
- احرام الحائض وإتيان الشاسك مع النيابة ٥٢

ملحقات نذر

- نذر احرام از جدّه در تهران ٥٥
- احرام حائض یا نذر قبل از میقات ٥٦
- نذر زوجه ٥٧
- نذر احرام قبل از میقات برای نائب ٥٨
- یا نذر احرام در ایران لازم نیست به میقات پرود ٦٠
- نذر الصيام في حال السفر ٦١
- نذر برای کعبه مقدسه و ضرایح مقدسه ٦١

ملحقات احرام

- متفرقات احرام ٦٥
- الأحوط لزوم النسل للإحرام ٦٧
- صلاة الإحرام ٦٧
- الإحرام في الطيارة ٦٧
- آیا احرام از محاذات هوایی مجزی است؟ ٦٨
- احرام در ماهی و احلال در ماه دیگر ٦٩

۷۰	الجنون بعد الإحرام
۷۱	معاذات الميقات (در زمین و دریا و فضا)
۷۲	احرام از خارج مسجد شجره
۷۳	جواز الإحرام مع العلم بإرتكاب المحرم
۷۳	تلبية الإحرام مع الريبة
۷۴	اعزام به ایران بعد از انعقاد احرام
۷۵	نسک مستحبی بدون اذن زوج
۷۶	حكم من دخل مكة بغير إحرام عامداً
۷۷	المرور في فضاء الحرم للإحرام
۷۷	جواز الرجوع إلى المدينة بعد الإحرام في الشجرة
۷۷	نسيان احرام و تذكر قبل از افعال خمسة مكة
۷۸	فوت مُحرم بعد از دخول در حرم



۸۳	الخروج عن المطاف
۸۳	فساد المعرة أو الحج
۸۴	دقة العامة في الوقت
۸۴	مس جدار الحجر والبيت
۸۶	تنازع زوجين در بطلان طواف
۸۶	قضاء طواف در غير موسم
۸۸	عدم جواز قران بين طوافين
۸۹	قران بين طوافين
۹۰	تقديم طواف بر وقوف بدون إحرام
۹۱	ابطال الطواف عن جهل والتذكر بعد الموسم
۹۲	اگر با لزوم استثناء خود مباشرت کرد
۹۲	یک طواف به قصد تکمیل طواف - طواف از داخل حجر
۹۳	علم به بطلان طواف بعد از حج
۹۵	تبذل شك به یقین در طواف و سعی
۹۶	المعذور من الطهارة المائية
۹۷	طرو الحدث أثناء الطواف

- وظيفة مستحاضه ۱۹
- وظيفة حائض یا قرص جلوگیری ۱۰۱
- طواف زن مضطربه ۱۰۳
- احتیاط یا تسه بعد از پنجاه سال ۱۰۴
- حیض در اثناء طواف ۱۰۶
- حکم الدم بعد الرأس ۱۰۸
- حج بدون طهارت مع النسيان ۱۱۰
- طواف مستحبی با اصطکاک یا نامحرم ۱۱۱
- فرع ۱۱۱
- فرع ۱۱۲
- اگر رعایت ستر نشد طواف چه حکمی دارد ۱۱۲
- وظیفه مسلوس و مبطلون ۱۱۴
- الطواف مع النجاسة المنسية ۱۱۵
- محمول متنجس ۱۱۷
- جواز مبادرت وعدم جواز ۱۱۸
- حج بدون طهارت مع الجهل ۱۱۹
- نسیان اصل طواف ۱۲۱
- نسیان غسل من المیت ۱۲۱
- خون قروح و جروح ۱۲۲
- قطع طواف برای نظافت مسجد ۱۲۴
- قطع طواف واجب ۱۲۵
- ترک طواف پس از چهار دور ۱۲۶
- عجز از اتمام طواف و استتابة ۱۲۷
- قطع طواف برای درک جماعت ۱۲۹
- لک در ایام عادت ۱۳۰

ملحقات نماز طواف

- الصلاة خلف المقام ۱۳۵
- اگر تصحیح نماز ممکن نشد ۱۳۷
- نماز طواف با یومیه ۱۳۹

- ۱۴۰ نسیان الصلاة و تركها عن جهل أو عمد
- ۱۴۱ معاذات زن و مرد در نماز
- ۱۴۲ تقدم النساء في الصلاة في مكة
- ۱۴۳ وضو یا آب های شرب

ملحقات سعی

- ۱۴۷ ترك سعی جهلاً
- ۱۴۸ تأخير السعي
- ۱۴۹ لزوم سعی عقیب طواف مستأنف
- ۱۵۰ سعی رکوعی
- ۱۵۱ شروع سعی از مروه خطأً
- ۱۵۲ بعض اشواط سعی در حال خواب
- ۱۵۳ سعی با عربانه و چرخ
- ۱۵۴ اعتبار الموالاة في السعي
- ۱۵۵ تکرار سعی برای استحباب هروله
- ۱۵۶ چهارده مرتبه سعی
- ۱۵۷ ترك سعی نسیاناً
- ۱۵۸ قطع السعي اختياراً
- ۱۵۸ انجام شوط ششم سعی و اعزام به ایران

ملحقات تقصیر

- ۱۶۳ اكتفا به ناخن گرفتن در تقصیر
- ۱۶۴ تقصیر با موی عانه و زیر پتل
- ۱۶۵ ترك التقصیر مع الجهل

ملحقات كفارة

- ۱۶۸ كفارة مخصوص صورت عمد است
- ۱۷۰ شرایط كفارة
- ۱۷۱ محل ذبح كفارة
- ۱۷۲ مصرف الكفارة

ملحقات عمره

- جواز احرام برای عمره مفرده از أدنى للحل ۱۷۵
- عدم جواز ۱۷۶
- جواز عمره در تمام سال حتی در شهر حج ۱۷۶
- المعزم دو خصوص الجماع ۱۷۷
- العمرة المفردة قبل الحج و بعده ۱۷۷
- الخروج من المدينة جواً ۱۷۷
- الخروج في أثناء عمرة التمتع ۱۷۸
- احرام از جدّه ۱۷۸
- للمراد، الشهر الهلالي ۱۷۸
- أحكام العمرة المفردة ۱۷۹
- فاصله بین دو عمره ۱۸۰
- المقيمون في جدة ۱۸۱
- عمره تمتع مفرده می شود ۱۸۲
- الجمع بين الأصلي والنيابي في العمرة المفردة ۱۸۳

ملحقات حج تمتع

- تبدل حج آفاقی به مکی ۱۸۷
- میقات حج تمتع مکه معظمه ۱۸۸
- خروج از مکه قبل از حج ۱۸۹
- فرع ۱۹۱
- الرجوع إلى مكة بعد مضي الشهر الهلالي ۱۹۳
- احرام مجدد در یک ماه لازم نیست ۱۹۴
- تبدل تمتع به حج افراد ۱۹۵
- حج افراد مستحبی عمره مفرده ندارد ۱۹۶
- الجمع بين الأصلي والنيابي في المستحبات ۱۹۶
- عذر از انجام حج بعد از عمره ۱۹۷
- تقديم طواف وسعی بر عرفات وكشف خلات ۱۹۷

ملحقات وقوفین

- ۲۰۱ الإختلاف في الهلال
- ۲۰۳ وقوف بأهل سنت
- ۲۰۴ خواب در تمام وقت مشعر
- ۲۰۵ الحيض في المشعر
- ۲۰۶ كفاية الوقوف الإضطرابي ولو بخمس دقائق
- ۲۰۶ قصد الوقوف قبل الوقت
- ۲۰۶ ترك البيتوة
- ۲۰۷ المشعر الحرام (كوج قبل از طلوع)

ملحقات جمرات

- ۲۱۱ رمی در شب
- ۲۱۳ رمی در طبقه فوقانی
- ۲۱۴ عجز از بعض رمی
- ۲۱۵ استنابه در رمی
- ۲۱۷ رمی در یک شب یا دو شب
- ۲۱۸ لزوم ترتیب در جمرات مطلقاً
- ۲۱۹ موالات در رمی جمره
- ۲۱۹ استنابه در رمی برای مریض
- ۲۲۰ الإستنابة فضولاً و الرمي قضاءً

ملحقات قربانی

- ۲۲۳ تأخير قربانی عمداً
- ۲۲۴ قربانی در مسلخ جدید
- ۲۲۶ تثلیث قربانی
- ۲۲۷ تأخیر قربانی
- ۲۲۸ ذبح در شب
- ۲۲۹ تأخیر قربانی از روز عید و جواز حلق
- ۲۳۰ جواز الذبح في مطلق الحرم إذا منع الذبح في منى
- ۲۳۱ الشاة التي لا قرن لها

۲۳۲	مصرف الكفارة
۲۳۲	وكيل يا بول مشترك ده قربانی می خرد با تعیین وقت ذبح
۲۳۳	قطع سر قربانی در حال حیات
۲۳۴	ذبح با استیل
۲۳۵	الهدی التام و الهدی الناقص
۲۳۶	قربانی در وطن کافی نیست

ملحقات حلق

۲۴۱	حلق در شب
۲۴۲	الأحوط للمصرورة الحلق
۲۴۳	حلق قبل از قربانی
۲۴۴	محل حلق و تقصیر منی است
۲۴۵	حلق باید در روز باشد
۲۴۶	تقصیر به جای حلق
۲۴۷	الحلق أفضل للمصرورة
۲۴۸	جواز حلق و تقصیر در شب
۲۴۸	خلاف احتیاط
۲۴۹	ان علم الإدماء مع الحلق
۲۵۰	کسی که از حلق معذور است
۲۵۱	حلق با تیغ

۲

مسائل متفرقه

۲۵۵	جواز بقا بر تقلید میت
۲۵۶	تغسیل عامه برای شیعه
۲۵۷	ماسک در حال ضرورت
۲۵۷	الصلاة منفرداً في المسجد أفضل
۲۵۸	الفرق بين الشك والوسواس
۲۵۹	جواب سؤال عامه
۲۵۹	بين المطلوعين
۲۶۰	جواز الصيام للمسافر في المدينة (مخصوص بثلاثة أيام)

۲۶۰ الزوج سني و الزوجة شهية
۲۶۱ الأضال المستحبة
۲۶۳ بوی گازوئیل و پتزن
۲۶۳ احرام از تعمیم در روز و استظلال
۲۶۴ النفل الثابت (مثل تونل)
۲۶۵ استظلال در مکه بعد از نزول
۲۶۶ سیر پسوی مسجد یا عرفات یا جمرات
۲۶۷ استظلال در شب
۲۶۸ الطواف المستحب مع الشمس
۲۶۹ نظافة المسجد
۲۷۰ خاک و سنگ حرم و قرآن در مسجدین
۲۷۱ حرمة التظليل مع العمرة المستحبة
۲۷۱ گوشت منجمد و مرغ بلغاری و مهر ذبح شرعی
۲۷۲ طواف نساء در عمره مفرد و حج بر همه واجب است
۲۷۳ یک طواف نساء یا چند طواف نساء
۲۷۵ قصد الإبطال
۲۷۵ اگر تتر بعد از ظهر حرجی باشد
۲۷۶ وظیفه غنثای مشکل در حج
۲۷۷ حج مخالف
۲۷۸ فوت الصلاة في الحرمين
۲۷۸ الخروج عن المطاف
۲۷۸ فرع
۲۷۸ فرع
۲۷۹ لزوم لباس احرام در اعاده طواف و سعی
۲۷۹ غسل حیض
۲۷۹ جواز الإحرام مع العلم بأنه يرتكب الاستظلال
۲۸۰ تقديم الطواف و السعي
۲۸۰ جواز الخروج من مكة قبل طواف للحج
۲۸۰ نماز مقیم در مکه معظمه در عرفات و مشعر و منی
۲۸۰ و مکه بعد از رجوع

- سؤالات حج سال ۱۴۲۰ هـ ق ۲۸۱
- تخمیس پرل حج ۲۸۴
- أجوبة من السيد السيستاني مدّ ظلّه ۲۸۶
- نماز با عامه ۲۸۸
- بعض للفروع المتفرقة ۲۹۰
- نماز مسافر در حرمین شریفین ۲۹۱
- نوافل در حرمین ۲۹۲
- نماز مقيم در مکه مکرمه بعد از مراجعت از مواقف ۲۹۳
- الصلاة في الكعبة وفوقها ۲۹۴
- نماز جماعت با عامه ۲۹۵
- نماز جماعت بالاستئذارة ۲۹۶
- انتماء نماز به خیال ماندن ده روز ۲۹۸
- استفتاءات جدید ۲۹۹



مرکز تحقیقات رایانه‌ای در علوم اسلامی

مقدمه

بر کسی پوشیده نیست که مناسک و مسائل فقهی حج دارای گستره عظیم بوده و هر روز که می‌گذرد با وقوع مسائل مستحدثه، بر گستره آن افزوده می‌شود.

زرارة بن أعین که از شاگردان برجسته امام صادق علیه السلام است، خطاب به آن حضرت می‌گوید:

«حدود چهل سال است که از حج می‌پرسم و شما پاسخ می‌دهید و هنوز هم مسائل آن تمام نشده است.

و امام صادق علیه السلام در پاسخ وی فرمودند:

«خانه‌ای که دو هزار سال پیش از پیدایش آدم علیه السلام حج گزارده می‌شده است، توقع داری در چهل سال مسائل آن پایان یابد؟»^۱

اکنون در این زمان با وقوع مسائل مستحدثه و تعدد فتاوی مراجع، کار برای عموم مردم و به ویژه روحانیون محترم کاروان‌ها مشکل‌تر گردیده است.

آیه‌الله حاج شیخ علی افتخاری از پیش‌گامانی هستند که با تألیف کتاب ارزشمند «آراء المراجع في الحج» تلاش کردند تا نظریات فقهی مراجع معظم

(۱) وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۱۲، ح ۱۱ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۱۹، باب نوادر الحج.

تقلید را یکجا گردآورند تا روند پاسخگویی به مسائل حج تسهیل گردد. معاونت آموزش و پژوهش بعثه مقام معظم رهبری در راستای وظایفی که برعهده دارد و با توجه به اینکه سالها از تألیف کتاب «آراء المراجع» می‌گذشت و برخی نظریات و فتاوی دستخوش تغییر گردیده بود، از حضرت آیت الله افتخاری درخواست کرد تا در این کتاب ارزشمند تجدید نظر نموده، آن را تکمیل نمایند، ایشان نیز علی‌رغم گرفتاری‌هایی که داشتند پذیرفتند و سال گذشته این کتاب چاپ و در اختیار عموم قرار گرفت و از آنجا که برخی مسائل در جلد نخست وجود نداشت لذا تصمیم گرفته شد همراه با مسائل ضروری دیگر با عنوان «ملحقات آراء المراجع في الحج» به آن افزوده و این اثر تکمیل گردد.

از حضرت آیه الله افتخاری به خاطر تألیف این کتاب و از فاضل ارجمند جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای مقدادی و نیز آقای صدرالدین افتخاری که کار تنظیم، مقابله و تصحیح کتاب را برعهده داشتند تشکر نموده توفیق همگان را از خداوند متعال مسألت داریم.

معاونت آموزش و پژوهش

بعثه مقام معظم رهبری

ملحقات استطاعت



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

لزوم تحصیل مقدمات بر مستطیع

السید الخوئی رحمته: إذا حصلت الإستطاعة وتوقف الحج على مقدمات وجبت المبادرة فإن وثق بالإدراك مع التأخير والإ وجب الخروج.^١

السید گلپایگانی رحمته: يجب على المستطیع المبادرة إلى تهيئة ما يتوقف عليه إدراك الحج في عام الإستطاعة ولو ببيع أو شراء بحيث تمكن من أدائه في وقته.^٢

السید الشيرازي: اگر تشرف به حج مقدماتی لازم دارد تحصیل آن مقدمات بر مستطیع واجب است، به طوری که در این سال ممکن به حج برسد و اگر مخارجی داشته باشد باید پردازد و اگر کوتاهی کرد حج بر او مستقر می شود.^٣

السید السيستاني: إذا وجب الخروج إلى الحج وجب تحصیل مقدماته، نعم إذا تأخر في الخروج للوثوق بإدراكه مع التأخير ولكن اتفق أنه لم يدركه لسبب ذلك لا يستقر عليه الحج على الأظهر.^٤

الشيخ البهجت: هرگاه استطاعت حاصل شد و متوقف بر مقدمات بود باید فوراً به تحصیل آن پردازد و اگر اطمینان دارد که اگر با قافله اولیٰ نرود با قافله بعدی موفق می‌شود بنابر اظهر تأخیر جایز است و الا باید با اول قافله حرکت کند.^۱

الشيخ التبريزي^۲: نفس عبارة السيد الخوئي^۳.
 الشيخ الوحيد: ولو قصر في تحصيلها ففاته الحج استقر عليه الحج ولو مع زوال الإستطاعة^۴ وإن وثق...^۵
 المؤلف: الأنظار في الفرع متوافقة.

وجوب حفظ استطاعت

السيد الخوئي^۶: نعم يجب المحافظة مهما أمكن فلو صرفه ولم يحفظه استقر عليه الحج ولم يكن معذوراً.^۷
 السيد الكلایپگانی^۸: اگر مطمئن است که در سال نوبت، متمکن از انجام حج است پس گرفتن پول جایز نیست و اگر پس گرفت و بعداً نتواند حج به جا آورد حج بر او مستقر شده است.^۹
 السيد السيستاني: إذا أحرز أن سائر شروط الإستطاعة سوف تكون متوفرة له في العام القادم لزمه التحفظ على استطاعته المالية وإلا لم يجب على الأظهر.^{۱۰}
 السيد الشبيري: اگر می‌داند یا احتمال می‌دهد که بعداً از جهات دیگر استطاعت پیدا کند واجب است مال را حفظ کند و اگر نیاز مبرم به مال داشته باشد می‌تواند صرف کند و مستطیع نیست و اگر بداند در سالی که سایر شرایط فراهم

(۱) ص ۳ (۴) إلى آخر عبارة الخوئي.

(۲) ص ۸

(۳) ص ۷

(۵) ص ۸۵

(۶) الملحق، ص ۶

(۷) احکام، ص ۶۷

می‌شود از نظر مالی هم تمکن خواهد داشت حفظ این مال لازم نیست.^۱

الشیخ التبریزی^۲: در سالی که تمکن مالی دارد به حج پرود ولو از طریق غیر رعایت نوبت، باید تحفظ بر مال کند، ولی اگر تمکن ندارد حفظ استطاعت برای سال‌های دیگر واجب نیست و اگر در غیر اشهر حج تمکن مالی پیدا کرد در صورت اطمینان و علی‌الاحوط در صورت احتمال به اجتماع سایر شرایط تحفظ واجب است.^۳

الشیخ الصافی: احتیاط این است که اگر مطمئن است...^۴

تمکن مالی دارد، ولی تمکن جسمی ندارد

س: کسی که از نظر مالی مستطیع بوده و برای حج ثبت‌نام کرده، لکن در سال جاری که زمان اعزام وی رسیده، پزشک قانونی به دلیل بیماری یا کهولت سنّ اذن حج نداده، آیا مستطیع است و حج واجب است یا نه؟ و آیا تا زنده است استنابه بکند یا نه؟

الإمام الخميني^۵: بر مریضی که قدرت رفتن ندارد یا برای او حرج و مشقت زیاد دارد واجب نیست.^۶

السید الخوئی^۷: بر مریض مباشرت واجب نیست، ولی باید نایب بگیرد.^۸
السید گلپایگانی^۹: بلکه درباره کسی که حج بر او مستقر نشده است اگر از نظر مالی در مشکل نمی‌افتد نائب گرفتن مطابق با احتیاط است.^{۱۰}
وفي المناسك العربي: بل الأحوط ذلك لمن لم يستقرّ عليه الحجّ أيضاً إن كان

(۴) م ۲۷

(۳) في الحاشية.

(۲) الضميمة، ص ۱۰

(۱) ص ۱۶

(۶) آداب، ص ۲۲

(۵) مناسك، م ۶۳

موسراً من حيث المال متعذراً من المباشرة كما أن الأحوط ذلك ولو كان مرجو الزوال.^۱

السید السیستانی: وكذلك من كان موسراً ولم يتمكن من المباشرة ووجوب الإستناة فوري كفورية الحج المباشري.^۲

السید الشیرازی: م ۵۱ ملخصاً - کسی که از جهت مالی مستطیع است و از جهت بدنی استطاعت ندارد و مأیوس از استطاعت بدنی است واجب است در اولین سال ممکن کسی را به نیابت خود به حج بفرستد و احتیاط مستحب آن که اگر منوب عنه مرد است مرد صروره را به حج بفرستد.

الشیخ البهجت: و همچنین کسی که ثروتمند است و توانایی مباشرت حج را ندارد باید نایب بگیرد ولیکن اظهر عدم وجوب فوریت است.^۳

اگر در سال اول که مستطیع بوده بدون تأخیر ثبت نام کرده و حال که زمان اعزام رسیده توانایی جسمی ندارد کشف می شود که مستطیع نبوده و اگر تأخیر کرده بوده مستطیع است.

در صورتی که مستطیع بوده و از توانایی خود مأیوس باشد باید نایب بگیرد و اگر بعد از استنا به رفع عذر باشد وجوب اعاده با بقاء استطاعت بلکه مطلقاً احوط است.^۴

الشیخ التبریزی: حج مباشرتی غیر از فرستادن نایب به حج است، سلامتی در اولی معتبر است و در صورت دوّم مقتضای بعضی روایات معتبره ارسال نایب است.^۵

اگر تمکن از رفتن به حج ولو از طریق آزاد را دارد، باید به حج برود و اگر به علت بیماری یا کهولت سن نمی‌تواند به حج برود بنابر احتیاط واجب باید کسی را به نیابت خود بفرستد.^۱

الشیخ الصافی: احتیاط واجب در صورت بقاء استطاعت مالی این است که شخصی را به نیابت خود بفرستد که حج به‌جا آورد و اگر استطاعت مالی او باقی نیست، اگر در سنوات گذشته به غیر از طریق ثبت‌نام امکان تشریف به حج برای او نبوده و فعلاً که امکان حاصل شده استطاعت مالی ندارد حج بر او واجب نیست.^۲ الشیخ المکارم: همان عبارت امام علیه السلام (حاشیه ندارد).^۳

الشیخ الفاضل: چنانچه حج قبلاً بر او مستقر نشده در فرض مزبور مستطیع نیست و حج بر او واجب نیست و نیابت گرفتن در حج مستحبی مانع ندارد و در صورتی که مستقر شده و توانایی تا آخر عمر ندارد باید نایب بگیرد.

رجوع به کفایت

السید الگلپایگانی علیه السلام: در استطاعت بنابر اقوی رجوع به کفایت معتبر است.^۴ السید السیستانی: الخامس: الرجوع إلى الكفاية وهو التمكن بالفعل أو بالقوة من إعاشة نفسه وعائلته بعد الرجوع...^۵

السید الشبیری: داشتن پول و شغل مناسب (پس از بازگشت از حج) از شرایط نیست، بلی اگر رفتن به حج مستلزم اختلال در زندگی باشد (پس از مراجعت) حج واجب نمی‌باشد.^۶

الشيخ البهجت: چهارم: رجوع به كفايت است به نحوی باشد كه پس از رجوع بتواند خود و عائله را اداره كند.^۱

الشيخ التبريزي: الرابع: الرجوع إلى الكفاية وبعبارة واضحة يلزم أن لا يكون صرف ما عنده من المال في سبيل الحج موجباً لوقوعه في الحرج.
الشيخ الصافي: با متن السيد الكلبيگاني موافق هستند.

الشيخ الفاضل: نفس عبارت فوق كه متن عبارت مناسك امام است.^۲

الشيخ المكارم: رجوع به كفايت شرط است.^۳

الشيخ النوري: رجوع به كفايت در استطاعت شرط است.^۴

الشيخ الوحيد: الرابع: الرجوع إلى الكفاية وهو التمكن بالفعل أو بالقوة من إعاشة نفسه وعائلته بعد الرجوع بحسب حاله وشأنه.^۵

لزوم ثبت نام

الإمام الخميني: س: برای پنج سال یا بیشتر ثبت نام می کنند آیا ثبت نام لازم است؟ ج: اگر احتمال دهند كه قرعه در همان سال اول به نامشان بیرون آید لازم است شركت كنند و حج بر آنها مستقر می شود.^۶

السيد الكلبيگاني: (خلاصه سؤال و جواب) کسانی كه در وقت نام نویسی برای حج تمكّن مالی دارند واجب است ثبت نام كنند هرچند نوبت حج ممكن است به سال های بعد برسد و چنانچه مسامحه كردند و ثبت نام نكردند حج بر آنها مستقر می شود.^۷

(۴) ص ۲۰

(۳) ص ۲۶، ۲۹

(۲) ص ۲۹

(۱) ص ۱۰

(۶) متفرقه استطاعت، م ۳۱ (۷) احكام، ص ۶۶

(۵) ص ۱۶

السید الشیرینی: برای حج واجب لازم است، اگر راه انحصار به آن داشته باشد.^۱

* * *

الشیخ الصافی: محل تأمل است و استقرار حج بر او معلوم نیست، اگرچه احتیاط آن است که با بقاء استطاعت تا مدت مضروب اگر فوت کرد برای او استیجار حج نمایند.^۲

الشیخ الفاضل: معظم له در فرع مذکور حاشیه ندارد.^۳

الشیخ المکارم: اسم نویسی برای این اشخاص واجب است و اگر یقین به اصابت قرعه داشته باشند، حج بر آنها مستقر می شود، ولی احتمال، کافی نیست.^۴
الشیخ النوری: معظم له در فرع مذکور حاشیه ندارد.

استطاعت با فیش شخص دیگر

السید الکلایگانی^۵: س: شخصی برای حج پول به حساب ریخته و سالی که نوبت او رسیده فوت کرده و او وصیت کرده شخص خاصی به جای او حج به جا آورد و آن شخص از نظر مالی و جسمی استطاعت دارد، فقط از جهت طریق استطاعت نیست که ممکن است با استفاده از نوبت موصی به حج برود، اگرچه او و وصی و همچنین ورثه راضی نباشند.

ج: حج نیایی برای مستطیع صحیح نیست و اگر با استفاده از فیش مذکور خود را به میقات برساند باید حج را برای خود به جا آورد و ضامن قیمت ساقیه فیش است و باید ورثه شخص دیگری را برای حج موصی اجیر کنند.^۵

(۳) ص ۴۲ معش.

(۲) ۱۵۷م، مناسک السید الکلایگانی.

(۱) کتبی.

(۵) احکام، ص ۵۹.

(۴) ۳۶م.

السيد السيستاني: إذا أجر نفسه للنيابة عن غيره في السنة الحاضرة ثم حصلت الإستطاعة فإن كان واثقاً من أداء حجّه في عام لاحق يعمل بمقتضى الإجارة وإلا فهي باطلة فيحج لنفسه.^۱

السيد الشيرازي: استفاده از فیش حج دیگری موجب استطاعت نمی‌شود و باید حج نیایی را انجام دهد و همچنین اگر وصیت کسی را قبول کرده که حج نیایی را انجام دهد، ولی اگر قرارداد الزامی برای انجام حج نیایی نباشد و با فیش دیگری راه برای او باز شود مستطیع است و باید حج خود را به‌جا آورد. و اگر تعهد مقید به سال حاضر نباشد و بتواند بعداً به تعهد خود عمل کند، باید امسال برای خود حج کند.



الشيخ البهجت: اگر قبل از استطاعت اجیر شده که در سال حاضر حج منوب‌عنه را به‌جا آورد باید به مقتضای عقد اجاره حج منوب‌عنه را به‌جا آورد و وفای به عقد اجاره لازم است و تا عقد اجاره را فسخ نکنند استطاعت حاصل نمی‌شود و اگر اجاره اعم از مباشرت و تسبیب باشد حج خود را به‌جا آورد و شخص دیگری را از میت نیابت کند. (اطلاق اجاره قید مباشرت را برمی‌دارد).^۲

منه أيضاً: خلاصه جواب: اگر مستطیع نبوده و اجیر شده که برای صاحب‌فیش حج به‌جا آورد ظاهراً اجاره لازم است و نمی‌تواند فسخ کند و بدون فسخ هم مستطیع نمی‌شود و اگر مستطیع بوده و نمی‌دانسته اجیر شدنش بی‌مورد بوده و اجاره باطل است، اگر بتواند ولو با استقراض برای خود حج به‌جا آورد و با احراز رضایت صاحب‌فیش برای او حج میقاتی بگیرد و خسارت صاحب‌فیش را هم بدهد.

الشیخ الصافی: خلاصه مسأله ۱۲۴: اگر یکی از ورثه توانست که با فیش تا میقات برود و سایر شرایط بود، حج بر او واجب می‌شود.

الشیخ الوحید: با توجه به این که استطاعت طریقی برای شخص بدون فیش دیگران فراهم نمی‌شود، اگر موصی شخص خاصی را برای حج تعیین کرده و یا ورثه شخصی را به استنباه گرفته‌اند، زمینه برای استطاعت آن شخص فراهم نمی‌شود، مگر به نحو دور مصرّح و باید حج منوب عنه را به جا آورد، ولی اگر گفته با این فیش برای من حج به جا آورند منافات ندارد که شخص واجد فیش حج خود را به جا آورد و برای منوب عنه هم حج میقاتی استیجار نماید.^۱

مؤلف: اگر بدون مشکل فیش دیگران تحت اختیار او قرار گرفت و چنانچه عوض خواست، از عهده عوض هم برآید و سایر شرایط موجود بود باید برای خود حج به جا آورد.

مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

ثمن هدی را ندارد

الإمام الخميني: بلی مستطیع است و پول هدی جزء استطاعت نیست.^۲
السید الخوئی: مستطیع نیست و عنوان استطاعت صادق نیست مگر با تمکن از تمام مصارف حج و از جمله ثمن هدی.^۳

السید السیستانی: س: هل فقد الثمن - ثمن الهدی - يمنع من تحقق الاستطاعة أم لا؟ ج: لا يمنع منه فیصوم بدل الهدی.^۴

السید الگلپایگانی: ثمن الهدی علی البازل إن كان المبذول له ممن يجب علیه الهدی بأن يكون واجداً له وإلا فينتقل إلى الصوم.^۵

(۳) معتمد، ص ۱۸۲

(۲) مغرقات استطاعت، ۲۴م

(۱) شفاوی.

(۵) ص ۲۶

(۴) الملحق، ص ۱۱

أيضاً منه: در مجمع، ج ۱، ص ۴۳۷ فرع ۳۸ بعض محشین استفاده عدم استطاعت کرده‌اند، ولی این استنباط با جواب‌های متعدد آن مرحوم شفاهاً مخالف است و می‌فرمود مستطیع است.

السید الشیرینی: پول قربانی و کفارات برعهده باذل نیست، اگر حاجی توانایی قربانی دارد قربانی کند و الاً وظیفه او روزه است.

الشیخ البهجت: الظاهر انّ ثمن الهدي على البازل فلو لم يبذله لم يجب الحج إلا إذا كان متمكناً من شرائه من ماله.^۱

الشیخ الصافي: س: پول قربانی ندارد و روزه می‌تواند بگیرد، ولی سوغات خریده؛ ج: مستطیع است باید قربانی کند و روزه به جای قربانی صحیح نیست و سوغات لازم نیست.^۲

الشیخ الفاضل: با مرحوم امام موافق است.^۳

الشیخ المكارم: مستطیع است.^۴

الشیخ النوري: مستطیع است (موافق با امام).^۵

مؤلف: مقتضي الإحتياط أن يقصد بالحج، وظيفته الفعلية أعم من الواجب والندب:

حج خود یا مادر

س: پسری با فیش حج مادر به مدینه آمده و خودش مستطیع است، ولی مادر می‌گوید باید خودت امسال حج مرا به جا آوری و الاً تو را عاق می‌کنم،

(۱) ص ۲۷ - مثل ذلك كلام الشيخ الوحيد دام ظلّه، ص ۲۶ (۲) ص ۸، الألف مع التلخيص.

(۳) محشی، ص ۴۹ (۴) محشی، ص ۵۰ (۵) ۲۳ استطاعت.

تکلیف فرزند چیست؟

السید الشیرازی: اگر موجب قطع رابطه بین مادر و پسر شود جایز نیست برای خود از فیش مادر استفاده کند.^۱

السید السیستانی: س: أوصی إلى بعض ولده بالحج عنه والولد مستطيع مالياً ولكن لا يسمح له بالذهاب إلى الحج لأنه لم يأت دوره، هل يعمل بوصية الأب أو يستفيد من حق أبيه فيحج لنفسه؟

ج: ينفذ وصية أبيه في الحج عنه فإنه لا استطاعة سربية له ليحج عن نفسه.^۲

الشیخ البهجت: اگر فرزند از همه جهات مستطیع است، باید برای خودش حج به جا آورد و حج نیایی صحیح نیست و گفتن مادر که عاقت می‌کنم اثر ندارد، ولی اگر از جهت راه استطاعت نداشته، مگر با فیش مادر و راه با این فیش برای او باز شده برای مادر حج به جا آورد. در صورتی که قبلاً اجیر شده بوده برای انجام حج مادر که در این صورت اجازه لازم است و باید به مفاد اجازه عمل کند.

الشیخ التبریزی: باید برای خود حج به جا آورد و با اجازه مادر برای او نائب بگیرد.

الشیخ الصافی: در مورد سؤال چنانچه اجیر شده که برای مادر حج به جا آورد و استطاعت طریقی برای او با فیش حج مادر بوده، باید حج را جهت مادر انجام دهد.^۳

الشیخ الفاضل: اگر قبل از فوت وصیت کند که فرد خاصی برای او حج به جا آورد، ولی او را اجیر نکند این فرد می‌تواند طبق وصیت عمل کند، ولی اگر

خودش استطاعت داشته باشد و با فیش حج موصی راه بر او باز شود، احتیاط اقتضا می‌کند که حج را برای خودش انجام دهد و برای میت استثناء کند.^۱

مدعّوین برای حج مستطیع باشند یا نه

السید السیستانی: س: الطیب الذی یرسل البعثة إلى الحج کیف یحج وهل یکفی عن حجة الاسلام أم لا؟

ج: إذا كان واجداً لسائر شروط الإستطاعة فحجّه حجة الاسلام.^۲

السید الخامنشی: لا یرصدق علی حجّه عنوان البذلی فیما إذا اشترط علیه القيام بعمل ما مقابل دعوته إلى الحج.^۳

السید الشبیری: أهل العلم والأطباء وخدمة القوافل ونحوهم من الذين يدعون لبعثة الحج أو لتقديم الخدمات الدينية وغيرها في قوافل الحج لا يجب عليهم القبول لكن لو قبلوا وجب عليهم الحج بشرط أن لا يكون الإتيان بمناسك الحج منافياً للخدمات المفروضة عليهم ولا يؤدي إلى اختلال أمورهم وأجزاء حجّهم عن حجة الاسلام.^۴

الشیخ البهجت: س: من جاء إلى المیقات بمهمة عمل كخدمة حملات الحجّج وأطبائها وموظّفي الاسعافات الاوليّة فهل هو مستطیع تجب علیه حجة الاسلام أم لا؟ ج: نعم، يجب علی من ذکر أداء حجة الاسلام إلا إذا كانت مهمّته علی نحو لا یستطیع معها القيام بالمناسك.^۵

(۲) ص ۸، طبع بیروت و فی الملحق الثاني ص ۶

(۱) مناسک حج، ۱۵۶ م، ص ۶۷

(۴) ص ۲۰، مع التلخیص، (۵) ص ۱۸۴

(۳) ص ۲۴

- الشيخ التبريزي^١: في الجواب عن السؤال: مستطيع و يجب الحج.^١
- الشيخ الصافي: اشخاصی که به عنوان روحانی و یا مدیر و کارمند یا سازمان‌های مربوطه به حج بروند، اگر بعد از رسیدن به میقات دارای آنها وافی به لباس احرام و قربانی و مخارج عائله باشد با رجوع به کفایت مستطيع می‌باشند و واجب است برای خود حج به‌جا آورند.^٢
- الشيخ الفاضل: خدمه کاروان‌ها و پزشکان و امدادگران و افراد دیگری که با مأموریت به میقات آمده‌اند چنانچه واجد رجوع به کفایت باشند که نوعاً چنین است مستطيع هستند و باید حجة الاسلام به‌جا آورند.^٣
- الشيخ المكارم: کسانی که برای خدمت در سفر حج استخدام می‌شوند خواه به عنوان روحانی کاروان یا معاون کاروان یا اعضاء ستاد و بعثه حج و یا طبیب و پرستار یا مأمورین انتظامی و مسئولین بانک و غیر اینها، حج آنها حج واجب محسوب می‌شود به شرط این که هزینه خانوادهاش در این مدت تأمین شده باشد.^٤

(١) الصراط، مع التلخیص ج ٤، ص ٢٢

(٢) ص ١٥، مناسک الألف، (٣) ص ٢٧ حج و عمره.

(٤) ص ١٨



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

ملحقات نیابت



مرکز تحقیقات و توسعه در علوم اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

• الجمع بین الأصلي والنیابی فی العمرة المستحبة

النسید السیستانی: س: هل يجوز الإتيان بعمرة مفردة إصالاً ونيابة عن نفسه ونيابة عن آخر؟ ج: لا يبعد جوازه.^١
السید الشیري: مانع ندارد.^٢

الشیخ التبریزی: جایز است.^٣
الشیخ الصافی: ظاهراً مانعی نداشته باشد.^٤
الشیخ الفاضل: ملخص دو مسأله: در حج مستحبی و عمره مفردة مستحبی قصد انجام آن برای خود و به نیابت پدر و مادر یا چند نفر دیگر مانع ندارد.^٥
الشیخ المکارم: احتیاط آن است که آن را به نیت خود به جا آورد و هر مقدار ثواب که می خواهد به دیگری هدیه کند.^٦

(١) شفاهی.

(٢) شفاهی.

(٣) شفاهی.

(٤) کتبی.

(٥) استفتائات حج و عمره، ص ١٩٦

(٦) استفتائات حج و عمره، ص ٧٦

نيابت معذورين

الإمام الخميني: در عذر طاری هم محل اشکال است^۱. (و در مستفرقات مشعر، م: ۵؛ س: نائب قبل از طلوع فجر برای اثاث به منی رفته و قصد رجوع داشته، ولی خوابش برده؟ ج: اگر نائب است کافی نیست).

السید الخوئی: قد ذكرنا في بحث قضاء الصلاة أنّ من كان مكلفاً بإتيان واجب^۲ من الواجبات يجب عليه أن يأتي به تام الأجزاء والشرايط... ومقام الإستنابة كذلك فإنّ الواجب على الوصي مثلاً إستنابة القادر على إتيان الواجب بأجزائه وشرائطه ولا وجه للإكتفاء بنيابة العاجز...

السيد الغلپایگانی: اگر نائب در اثناء عمل عذر پیدا کند و به تکلیف مربوط به خود عمل نماید کافی است و مبرء ذمه است^۳.

منه أيضاً: س: خدمه قبل از طلوع فجر با زن ها به منی می روند و قبل از طلوع آفتاب به مشعر بر می گردند و درک رکعی وقوف را به عمل می آورند، نیابت آنها چگونه است؟ ج: اگر از ذوی الأعذار نبوده اند، نیابت آنها صحیح است هر چند مرتکب حرام شده اند^۴.

السید السیستانی: الظاهر أنّ حال النائب حال من حج عن نفسه فيما إذا طرأ عليه العجز عن أداء بعض المناسك مطلقاً أو على النهج المقرر لها فيصح حجّه ويجزىء عن المنوب عنه في بعض الموارد ويبطل في البعض الآخر^۵.

السيد الخامنشي: إذا أدى عروض العذر أثناء الحجّ النيابي إلى نقص في أعمال النائب فلا يبعد بطلان الاجارة والأحوط في هذه الصورة التصالح على الأجرة وإعادة الحجّ عن المنوب عنه^۶.

(۱) مسائل نیابت، م: ۳۶، و در مستفرقات مشعر، م: ۵
(۲) فی المتمد، م: ۱۱۳ (۳) ص: ۱۷۴
(۴) احکام، ص: ۷۳ (۵) ص: ۳۰۳ احکام
(۶) ص: ۵۲ (۷) المناسك الصغير، ص: ۳۹

السيد الشبيري: اگر عذر طاری شده و به وظیفه عمل کرده، نیابت صحیح و مجزی است و مستحق تمام اجرت.^۱

الشيخ البهجت: إذا كان عذره طارياً فعمله بالوظيفة الإضطرارية كاف ومجز.^۲
 الشيخ التبريزي: نیابت کسی که در بین اعمال عذری برای او پیش آید به نیابت او ضرر نمی زند ولی احتیاطاً در اجرت با طرف خود ترازی حاصل نماید.^۳
 ولا بأس بعجزه الطاری وقت الوقوف.^۴

الشيخ الصافي: اگر عذر طاری شده، مضرّ به نیابت نیست.

الشيخ الفاضل: عذر طاری ضرری ندارد.^۵

الشيخ المكارم: اگر نائب است و عذر مزبور قابل پیش بینی نبوده، نیابتش صحیح است.^۶

منه أيضاً: اگر عذر در اثناء عارض شده اشکال ندارد نیابت صحیح و مستحق اجرت است.^۷

الشيخ النوري: نایب شدن معذور صحیح نیست.^۸ و در ص ۶۵: س: بعد از عقد اجاره و در موقع عمل یا قبل از محرم شدن جزء معذورین شده و در هر عذری مطابق وظیفه عمل کرده کافی است یا نه؟ ج: محل اشکال است.

الشيخ الوحيد: ولا بأس بعجزه الطاري وقت الوقوف^۹ وتصحّ نیابة من كان معذوراً في ارتكاب ما يحرم على المحرم كمن اضطر إلى التظليل وكما لا بأس بنيابة النساء أو غيرهنّ ممن تجوز لهم الإفاضة قبل طلوع الفجر والرمي ليلاً للحجّ عن الرجل والمرأة.

(۴) م ۱۱۰

(۳) ضمیمه، ص ۱۲

(۲) ص ۱۹۲

(۱) ص ۲۱

(۷) م ۲۸ محصل حاشیه.

(۶) متفرقات مشعر، م ۵

(۵) ص ۸۳، م ۲۰۹ مع التلخیص.

(۹) م ۱۱۰

(۸) ص ۵۲

استنابه دائم الحدث

السيد الخوئي^١: س: إذا كان الشخص دائم الحدث فهل يجوز أن يوجر نفسه للحج؟ ج: لا يجوز ذلك وإن ابتلى بعد الاستنابة وجب عليه ردّ النياية إلى من استناب منه إن أمكنه وإلا استناب واحداً غير معذور.^١

السيد السيستاني^٢: س: هل يتجزأ باستنابة دائم الحدث لأداء الحج الواجب؟ ج: لا يبعد ذلك بناءً على ما هو المختار من عدم انتقاض طهارته ما لم يصدر منه غير ما ابتلى به من سائر الأحداث أو نفس الحدث المبتلى به غير مستند إلى مرضه.^٢

وعنه أيضاً: س: من يرافق النساء والمرضى ليلة العيد ويكتفي بالوقوف في المزدلفة معهم لعدم استغنائهم عن مرافقته أصلاً هل يجوز أن يكون نائباً في الحج عن الغير؟ ج: لا يبعد الإجتزاء بنيابته.^٣

عنه أيضاً: س: من استوجر للحج عن غيره فطراً عليه العذر المسوغ للإستنابة في الطواف أو الرمي أو غيرها فقام بذلك فهل يستحق تمام الأجرة المسماة أم يسقط منها؟ ج: الظاهر إستحقاقه تمام الأجرة المسماة.^٤

الشيخ التبريزي^٥: اگر نائب وقوف بین الطلوعین را درک کرد، ولی بیتوته شب مشعر را درک نکرد، نیابت او صحیح است، ولكن به نسبت از اجرت او کسر می شود.^٥

و در دو مسأله بعد فرموده: اگر بعد از طلوع فجر به مشعر رسید، حج صحیح است و احتیاط مصالحه در اجرت است.

(١) الصراط، ج ٢، ص ٢٠٦ (٢) الملحق الثالث، ص ٣٣ (٣) نفس المصدر، ص ٣٢ (٤) الملحق الثالث، ص ٣٦

(٥) مناسک صفر، ص ٣٣٢

تبرّع معذورین در حج و عمره مستحب از والدین و معصومین علیهم السلام

الإمام الخميني علیه السلام: مستحب است انسان از طرف خویشاوندان یا غیر اینها حج به جا آورد تبرعاً چه زنده باشند یا مرده و همچنین از جانب معصومین علیهم السلام.^۱
السید گلپایگانی علیه السلام: اگر تبرّع از حج استحبابی باشد صحت آن بعید نیست.^۲
السید السیستانی: س: إذا كان النائب معذوراً في بعض الأفعال فهل يصح إستيجارته في الحج الندي؟ ج: يصح إستيجارته إذا كان عمل الأجير صحيحاً في حق نفسه ولكن يلزمه إعلام المستأجر بالحال.
السید الشیرازی: به قصد رجاء مانع ندارد و مثاب خواهد بود.

الشيخ التبريزي علیه السلام: رجاءاً مانع ندارد.^۳ و یا بعد از آن که عمره و حج قربة الى الله به جا آورد ثوابش را اهدا کند.
الشيخ الصافي: موافق است و حاشیه ندارد.
الشيخ الفاضل: در فرع مذکور حاشیه ندارد.
الشيخ المكارم: موافق است و حاشیه ندارد.
الشيخ النوري: حاشیه ندارد.

نیابت مستطیع از غیر تبرعاً یا به اجاره

الإمام الخميني علیه السلام: کسی که حج بر او واجب باشد، جایز نیست نیابت کند از غیر و اگر نیابت کند باطل است چه عالم به حکم باشد و چه جاهل.^۴
السید الخوئی علیه السلام: این شرط شرط صحت اجاره است نه شرط صحت حج نائب

و(در فرض مسأله) حج نایب صحیح است و ذمه منوب عنه بریء می شود، ولی نایب اجرتی را که قرار داده شده مستحق نخواهد بود بلکه مستحق اجرة المثل است.^۱

السید الگلپایگانی^۲: الخامس: أن لا يكون ذمة النائب مشغولة بحج واجب إلى قوله هذا في العالم بوجوب الحج وأما الجاهل والغافل فقد يقال بصحة نيابتهما لكن فيها وكذا في صحة حجتهما إشكال والأحوط عدم الاكتفاء به في برائة ذمة المنوب عنه.^۲

السید الشیرازی: بر کسی که امسال حج منجز باشد چه حجة الاسلام یا حج استیجاری یا قبول وصیت یا کفاره یا نذر باید حج مذکور را بهجا آورد و اگر حج نیایی را بهجا آورد معصیت کرده، ولی ظاهراً حج او صحیح است و کفایت از منوب عنه می کند.^۳

السید السیستانی: در صورت جهل به وجوب حج منجز بر خودش، حج نیایی صحیح است و حق اجرة المثل دارد و شرط صحت اجاره است نه حج.^۴



الشیخ البهجت: کسی که حج واجب فوری دارد، نیابت او جایز نیست و اگر نیابت کرد خلاف تکلیف کرده و مشهور بطلان حج نیابتی است از اجیر و متبرع، و اظهر صحت آن است.^۵

الشیخ التبریزی^۶: في الفرض الذي أوصى إلى ابنه ليحج عنه والإبن مستطيع أو صار مستطيعاً بعد موت أبيه، يحج عن نفسه ويستنيب عن أبيه من بلده.^۶

الشیخ الفاضل: اجاره و حج نیایی هر دو صحیح است اگرچه مرتکب حرام شده. قائل به صحت نیابت: آیات عظام: خوئی، شبیری، بهجت و فاضل.

(۲) ص ۷۲، ۱۰۳

(۳) ص ۱۹

(۴) مناسک، ۱۰۳، چهارم. (۲) ص ۴۱

(۵) الجامع، ص ۱۹۰ (۶) الصراط الرابع، ص ۱۹ مع التلخیص.

ایمان نائب

الإمام الخميني: الثالث: الإيمان.^۱

السيد الغلپایگانی: الثالث الإيمان فلا يصح من غير المؤمن وإن كان مسلماً معتقداً بوجوبه وتحقق منه قصد القرية.^۲

السيد السيستاني: نعم الإيمان شرط في النائب فيما سوى الذبح والنحر على الأحوط.^۳

السيد الشيرازي: اگر نائب عمل عبادی را به جای منوب به جا می آورد باید مؤمن باشد، ولی کسی که فقط ذبح می کند یا ناخن می گیرد لازم نیست نائب هم باشد بنابراین لازم نیست مؤمن باشد.^۴

الشيخ البهبهتي: نائب باید مؤمن باشد، یعنی علاوه بر خدا و پیامبر ﷺ دوازده امام را قبول داشته باشد، پس نیابت غیر مؤمن کافی نیست، هرچند عمل را بر طبق مذهب ما به جا آورد.^۵

الشيخ التبريزي: فلا عبرة بنیابة غیر المؤمن وإن أتى بالعمل على طبق مذهبا.^۶

الشيخ الفاضل: الثالث: الإيمان.^۷

الشيخ النوري: سوم از شرایط ایمان است.^۸

الشيخ الوحيد: فلا تصح نیابة غیر المؤمن وإن أتى بالعمل على طبق مذهبا وحصل منه قصد القرية.^۹

(۱) تحرير الوسيلة، شرائط النائب، م ۱

(۲) ص ۴۹

(۳) ص ۲۶

(۴) ص ۲۴ (۵) ص ۳۷

(۶) مناسک، ص ۵۰

(۷) ص ۴۱

(۸) فصل النیابة. (۹) ۱۰۰ م

تقليد منوب عنه يا نائب

الإمام الخميني^(ع): میزان وظیفه خود او است، ولی اگر اجیر شده به کیفیت خاصی باید طوری عمل کند که وظیفه خودش و کیفیت ذکر شده بشود.

السید الخوئی^(ع): علی تقلید المنوب عنه.^١

السید الغلپایگانی^(ع): اجیر باید مطابق وظیفه خودش عمل کند مگر این که بر او شرط کرده باشند که علاوه بر واجبات و شرایط صحت به نظر اجیر بعضی از امور لازمه به نظر منوب عنه را نیز به جا آورد که باید به شرط عمل کند.^٢

السید السیستانی: يعمل علی طبق تقلید نفسه نعم إذا كان أجيراً وفرض تقييد متعلق بالإجارة بالصحيح في نظر المنوب عنه أو المستأجر صريحاً أو لانصراف إطلاقه إليه كانت وظيفته حينئذ العمل بمقتضاه ما لم يتيقن بفساد العبادة.^٣

السید الشیرازی: يجب عليه أن يراعي تقلید نفسه فيما يتعلق بالنسك وشروط صحتها ولا فرق في ذلك بين كون الحج عن الحي أو الميت كما لا فرق بين أن يكون أوصى به الميت أم لم يوص، كان تبرعاً أو بإجارة.^٤

* * *

الشيخ البهجت: النائب يعمل بوظيفة نفسه المطابقة لفتوى مرجعه سواء كان المنوب عنه حياً أم ميتاً.^٥

الشيخ التبريزي^(ع): يجب مراعاة تقلید المنوب عنه إذا كان حياً وأما إذا كان ميتاً فيراعى على الأحوط تقلید الورثة والوصي أيضاً إن كان للميت وصي.^٦

الشيخ الصافي: اجیر باید مطابق وظیفه خود عمل کند، بلی اگر با او شرط کنند که علاوه بر واجبات و شرایط صحت به نظر اجیر بعضی از امور لازمه در

(٤) الفرع ٧٢ مع التلخيص.

(٣) الملحق، ص ٢

(١) مناسک صغیر، ص ٢٣٦ (٢) ص ٩٠ احکام.

(٦) الصراط، ج ٤، ص ٢٧

(٥) ص ١١١

نظر منوب عنه را نیز به جا آورد و یا بعض منافیات به نظر او را ترک نماید، به شرط عمل نماید.^۱

الشیخ الفاضل: نفس عبارة الإمام^۲.
 منه أيضاً: كل وظائف الحج والعمرة يأتي بها النائب بقصد المنوب عنه سوى الكفارات.^۳ وفي ص ۱۶: يعمل النائب على تقليد مقلده.
 الشیخ المکارم: نفس عبارة الإمام^۴.
 الشیخ النوری: میزان وظیفه خود اوست ولی اگر اجیر شده به کیفیت خاصی، باید طوری عمل کند که وظیفه خودش و کیفیت ذکر شده انجام شود.

علم به استطاعت خود بعد از عمره نیابتی

السید السیستانی: في الصورة الأولى إذا كان واثقاً بتمكّنه من الحج لنفسه في عام لاحق أتمّ الحج نيابتي وإلا تركه وذهب إلى بعض المواقيت وأحرم للحج لنفسه وأمّا في الصورة الثانية فالظاهر أنّه لا عبرة بالاستطاعة المتجدّدة ولو كانت بغير مال الإجارة.^۵

السید الشیرینی: باقی اعمال را از طرف منوب عنه انجام می دهد و مجزی است.^۶

عمره برای نائی

في العروة: فلا تجب على الأجير وإن كان مستطیعاً لها وهو في مكة.
 الإمام الخميني^۷: لا تجب على الأجير وإن كان مستطیعاً لها وهو في مكة.

(۱) الألف، ص ۵۸ (۲) ۲۵م (۳) حول الحج، ص ۲۲ (۴) ۲۵م (۵) الملحق، ص ۵ (۶) ص ۲۰، ۶۰م (۷) ص ۲۰۳

السيد الخوئي^۱: ولا يجب على الأجير بعد فراغه عن عمل النيابة وإن كان مستطعاً من الإتيان بها.

السيد الغلپایگانی^۲: لا يجب على النائب النائي وإن كان مستطعاً لها.^۱

السيد السيستاني: ولكن الاحتياط بذلك كله مما لا ينبغي تركه.^۲

السيد الخامنئي: الظاهر أنها لا تصير واجبة على النائب النائي، نعم الأحوط أن يأتي بها.^۳

السيد الشبيري: کسی که تنها استطاعت عمره مفرده داشته باشد، اگر در مکه و حوالی آن حضور دارد، باید عمره مفرده بهجا آورد، ولی بر نائی لازم نیست.^۴ و عمره را از ایام تشریق تأخیر اندازد.^۵

الشيخ البهجت: واجب نیست بر اجیر عمره مفرده، لکن بهجا آوردنش احوط است.^۶

الشيخ التبریزی^۷: لا تجب على الأجير لكن الإتيان بها أحوط.^۷

الشيخ الصافي: بر کسانی که شانزده فرسخ و بیشتر فاصله دارند واجب نیست.^۸

الشيخ المكارم: احتياط واجب اتيان عمره مفرده است.

الشيخ النوري: این احتياط برای نائب واجب نیست، لکن خیلی مطلوب است.^۹

الشيخ الوحيد: لا تجب على الأجير لكن الإتيان بها أحوط.^{۱۰}

(۴) ص ۱، کتبی.

(۳) ص ۲۶

(۲) ص ۶۲

(۱) ص ۷۲

(۸) کتبی.

(۷) ص ۶۲

(۶) ص ۲۸

(۵) ص ۳۸

(۱۰) ص ۵۲

(۹) ص ۲۶۱

فوت الحاج في الحرم

السيد السيستاني: في فرض المسألة قال دام ظلّه: يجب الإستيذان من ورثته ولا تكفي إجازة الحاكم الشرعي، والنّص الدال على أنّه يجعل نفقته وزاده وراحلته في الحجّ عنه لا يدلّ على جعل الولاية في ذلك لغير ورثته.^١

* * *

الشيخ التبريزي^٢: س: إذا مرض الحاج ومات يوم العيد ولم يدرك الوقوفين أو مات قبل يوم عرفة في حال إحرام الحجّ أو قبله فهل يجب عليه الحج لو كان مستقراً عليه في السنوات السابقة؟ ج: يسقط عنه الحجّ.^٣

وفي ص ٢٩: س: جاء شخص إلى المدينة المنورة قاصداً أداء حجة الإسلام فمات قبل مباشرة الأعمال، هل يجوز للمرافقين له أن يستنيبوا له من يحج عنه من أمواله التي تركها بلا حاجة إلى الإستيذان عن الحاكم الشرعي أو ورثة الميت؟ ج: إذا استقرّ عليه الحجّ للمرافقين أن يستنيبوا من أمواله من يحج عنه بلا حاجة إلى الإستيذان من الورثة أو من الحاكم الشرعي.

الشيخ الفاضل: يجب الإستيذان من ورثته ولا تكفي إجازة الحاكم الشرعي.^٤

علم النائب باستطاعته في الميقات

السيد السيستاني: الرابع: أن لا يكون النائب مشغول الذمّة بحجّ واجب عليه في عام النيابة إن تنجز عليه ولا بأس باستنابته فيما إذا كان جاهلاً بالوجوب أو غافلاً عنه وهذا الشرط شرط في صحّة الإجارة لا في صحّة حجّ النائب فلو حجّ والحال هذه برئت ذمّة المنوب عنه ولكنّه لا يستحق الأجرة المسماة بل يستحق

(١) الملحق الأول، ص ٢٧ (٢) الصراط، ج ٤، ص ٣٠ (٣) جامع المسائل، ص ٢٥

أجرة المثل.^١

السيد الشبيري: من وجب عليه الحج وتنجز في عامه الحالي كان حجة الإسلام أو غيره كالحج الواجب بالإجارة أو النذر أو قبول الوصية أو بعنوان الكفارة يجب عليه أدائه في نفس العام ولو أتى بحج آخر غير ما تنجز عليه صح الحج وإن كان آثماً بتركه ما تنجز عليه إلا أن يكون هو حجة إسلامه ففي هذه الصورة يحكم بفساد الحج المأتي به.^٢

* * *

الشيخ البهجت: لما علم أنه كان مستطيعاً من قبل فقد تبين له بطلان الإجارة. وفي الجواب عمن وصل المدينة بواسطة فيش غيره بالنيابة: ففي الفرض إن أمكنه الاقتراض والحج عنه نفسه وجب ذلك وأما بالنسبة إلى المنوب عنه فإنه مع إحراز رضا صاحب الفيش يستنيب من يحج عنه من الميقات فإن إطلاق الإجارة ينفي إعتبار مباشرته... وأما لو عيّن شخصاً خاصاً للنيابة فإن كان عقد الإجارة وقع قبل استطاعته وجب الوفاء به، وأما إذا كان استطاعته قبل العقد أو لم يكن عقد أصلاً فله أن يحج عن نفسه ويستنيب عن الميت.^٣

الشيخ التبريزي: عدم حج واجب در ذمه نائب شرط صحت اجاره است نه شرط صحت حج نائب، پس هرگاه در حالی که بر خودش حج واجب بوده از جانب دیگری نیابت کند، ذمه منوب عنه بری می شود و نائب استحقاق اجرة المثل دارد نه اجرة المسمى.^٤

الشيخ الصافي: باید حج واجب خود را به جا آورد.^٥
الشيخ الفاضل: کسی که حج واجب بر عهده او است نباید نیابت قبول کند،

(٣) ص ١٨٩، مع التلخيص من فرعين.

(٢) ص ٢٧

(١) ص ٢٩

(٥) فرع ١١٩ مع التلخيص.

(٣) ص ٦٩

ولی اگر اجیر شد هرچند معصیت کرده، ولی حج نیابی او صحیح است و مبرء ذمه منوب عنه است و استحقاق اجرة المسمى را دارد، هرچند حج بر خودش مستقر می شود.^۱

منع از نیابت حج بعد از عمره تمتع

س: طلبه سیدی به نیابت شخصی که مأیوس از سلامتی بوده به حج آمده و اعمال عمره تمتع را انجام داده، پس از انجام عمره تمتع به او خبر داده اند که منوب عنه حالش خوب است، باید خودش حج به جا آورد و نیابت شما صحیح نیست؛ تکلیف این نائب از نظر اتمام اعمال حج و عدم اتمام و از نظر اجرت چیست؟
السید الشبیری: در فرض مزبور خوب شدن منوب عنه کاشف از بطلان اجاره است و نائب مستحق اجرة المثل می باشد و عمل نائب برای خودش نیز حساب نمی شود مگر این که اعمال را به نیت عمل مشروع، نه خصوص نیابت به جا آورده باشد که در این صورت عمل مزبور برای خود حساب می شود.^۲



الشیخ البهجت: بنابر احتیاط، نائب عمل را تمام کند و به آن اکتفا نشود و در اجرت مصالحه نمایند. (اجاره از عقود لازمه است، باید تمام اجرت را بدهد مگر این که اجیر به کمتر حاضر شود).^۳

الشیخ التبریزی: چنانچه قصد حجة الاسلام برای منوب عنه کرده لازم نیست حج را تمام کند، ولی بنابر احتیاط طواف نساء به جا آورد و اجاره بر حجة الاسلام منحل می شود و بنابر احتیاط واجب باید مستأجر نسبت به اجرت

اعمالی که اجیر تا کنون انجام داده او را راضی کند.^۱

الشیخ الصافی: در فرض سؤال چنانچه راه برای منوب عنه باز است و وقت هم برای عمره تمتع باقی است و استطاعت مالی هم دارد علاوه بر اجرت نائب، باید خودش عمره تمتع و حج را به جا آورد و در این صورت نائب موظف به انجام حج نیست، بلکه حجش برای منوب عنه صحیح نیست و اجرت انجام عمره و بازگشت را طلبکار است و اگر وقت عمره گذشته و یا راه برای منوب عنه مسدود است، نایب باید حج را هم انجام دهد و مجزی از منوب عنه و مستحق تمام اجرت است.^۲

وظيفة النائب في طواف النساء

الإمام الخميني: نائب در طواف نساء نیز باید قصد منوب عنه بنماید و احتیاط استحبابی قصد ما فی الذمة.^۳

السید الگلپایگانی: بقصد منوب عنه انجام دهد.^۴

السید السیستانی: یأتی بطواف النساء عن المنوب عنه لا عن نفسه.^۵

الشیخ التبریزی: ولو أتى النائب بطواف النساء عن المنوب عنه كفى والأحوط أن يأتيه بقصد الأعم، يعني بقصد ما هو الوظيفة.^۶

الشیخ الصافی: باید به قصد منوب عنه انجام دهد.^۷

الشیخ الوحید: یأتی به بقصد المنوب عنه لا عن نفسه.^۸

(۱) کتب، (۲) کتب، (۳) ص ۲۲، طبع پنجم، (۴) احکام عمره، ص ۸۹، (۵) ص ۲۱۰، (۶) ص ۲۰۵، (۷) الألف، ص ۵۸، (۸) ص ۱۷۶

طواف نساء به قصد منوب عنه

الإمام الخميني: نائب در طواف نساء نیز باید قصد منوب عنه نماید و احتیاط استحبابی آن است که به قصد مافی الذمة به جا آورد.

السید گلپایگانی: نایب باید طواف را به قصد منوب عنه انجام دهد.^۱
السید السیستانی: والنائب عن الغير في الحج يأتي بطواف النساء عن المنوب عنه لا عن نفسه.^۲

السید الشیرازی: نائب در تمام اعمال حج حتی طواف نساء باید نیت منوب عنه نماید.^۳

الشیخ التبریزی: ولو أتى النائب في الحج عن الغير لطواف النساء عن المنوب عنه كفى والأحوط أن يأتيه بقصد الأعم يعني بقصد ما هو الوظيفة.^۴

الشیخ الصافي: موافق است با السید گلپایگانی.^۵
الشیخ الفاضل: با حضرت امام موافق است.^۶
الشیخ المکارم: با حضرت امام موافق است.^۷
الشیخ النوري: نفس عبارت امام است.^۸
الشیخ الوحید: والنائب عن الغير يأتي بطواف النساء عن المنوب عنه لا عن نفسه.^۹

(۳) ص ۲۲ وفي العربي فرع ۷۰

(۲) ص ۲۱۰

(۱) احکام، ص ۸۹ و شفاهی.

(۶) مناسک محشی، م ۱۵۲، (۷) ۶م

(۵) احکام، ص ۸۹

(۴) ص ۲۰۵

(۹) ص ۱۷۶، ۲۱۴م

(۸) ۶م

جواز النيابة للنائب في أثناء عمله لغير المنوب عنه

في الوسائل في باب ٢١ من أبواب النيابة: عن صفوان بن يحيى الأزرق، قلت لأبي الحسن عليه السلام في الرجل يحج عن الرجل أيصح أن يطوف عن أقاربه؟ قال عليه السلام: إذا قضى مناسك الحج فليصنع ما شاء.

السيد الخوئي رحمته الله: لا بأس للنائب بعد فراغه من أعمال الحج النيابة أن يأتي بالعمرة عن نفسه أو غيره كما لا بأس أن يطوف عن نفسه أو عن غيره.^١ ووافق هذا المتن السيد الكلبي گاني في مناسك العربي^٢ والسيد الخامنشي^٣ والسيد السيستاني^٤ والشيخ البهجت.^٥

السيد الشيرازي: يجوز للأجير في الحج أو العمرة أن يطوف عن نفسه أو عن غيره ولو في أثناء الحج أو يسعى أو يرمي أو يذبح كما إذا كان عليه قضاء بعض منها.^٦ أقول: در سال ١٤٢٣ هـ قمين مسأله از مراجع عظام استفتاء شد كه استفتاء كتبی آنها موجود است؛ غالباً مراجع جواب مثبت دادند كه مانع ندارد برای نائب در اثناء عمل نیابی خود برای خود یا دیگری طواف بهجا آورد. مراجع مشارالیهم حضرات آقایان تبریزی، بهجت، فاضل، صافی و سیستانی. قد يستظهر الخلاف ممّا في مناسك السيد الخوئي وجمع آخر.

آمدن نائب به بلد قبل از موسم برای حج بلدی

الإمام الخميني رحمته الله: چند ماه قبل کافی است.^٧
السيد الكلبي گاني رحمته الله: کافی است.^٨ ودر مناسك جدید ص ٩٧ م ٢٢٢: کافی است.

(١) ١٢٩ م (٢) ص ٦١ (٣) ٦٢ م (٤) ١٢٩ م (٥) ١٢٦ م (٦) ص ٢٣، الفرع ٨٨ (٧) نیابت، ص ٦٩، ٣٧ (٨) شفاهی.

السید السیستانی: یتوجّه الأجیر إلى بلد المیت قبل موعد الحج بشهر مثلاً ثمّ رجع إلى بلده قاصداً به الشروع في سفر الحج یجزیه حجّه ویكون حجّه بلدیاً.^۱
السید الشبیری: با چنین آمدنی حج شخص، حج بلد محسوب نمی شود، مگر در بعضی از فروض نادره.^۲

* * *

الشیخ الصافی: اگر وطن خودش یا محل دیگر که به آن جا می رود در مسیر مکه معظمه باشد و از بلد منوب عنه به قصد مکه معظمه حرکت کرده باشد، کافی است.^۳
الشیخ الفاضل: حاشیه ندارد.
الشیخ المکارم: چند ماه قبل به بلد منوب عنه رفته است کافی است.^۴
الشیخ النوری: س: چند ماه قبل از حج به بلد آمده به قصد منوب عنه؛ ج: کافی است.

عمره و حج به نیابت حضرت حجت علیه السلام

الإمام الخميني علیه السلام: حج به نیابت حضرت ولی عصر علیه السلام هر چند در موقف تشریف داشته باشند اشکال ندارد.^۵
السید الگلپایگانی علیه السلام: جواز آن بعید نیست.^۶
السید السیستانی: یجوز الإتيان بالحج والعمرة نيابة عن مولانا صاحب العصر والزمان علیه السلام.^۷

السید الشبیری: انجام عمره و حج و نماز مستحبی اشکال ندارد، ولی انجام طواف مستحبی از طرف کسانی که در موسم حضور دارند صحیح نیست و انجام

(۴) مناسک محشی، ص ۷۱، م ۲۷

(۳) کتبی، حاشیه.

(۲) کتبی.

(۱) الملحق، ص ۲۴

(۷) الملحق، ص ۳۰

(۶) احکام، ص ۹۲

(۵) نیابت، م ۳۱

طواف و اهداء ثواب آن به پیشگاه مبارک حضرت ولی عصر توفیق بزرگی است.^۱

الشیخ الصافی: حاشیه ندارد.^۲

الشیخ الفاضل: موافق با امام علیه السلام است.

الشیخ المکارم: به امید مطلوبیت (حاشیه)

الشیخ النوری: با امام موافق است.

احرام الحائض وإتيان المناسك مع النيابة

السید السیستانی: س: إذا كانت المرأة حائضاً وهي تعلم أن الرفقة لا ينتظرونها للإتيان بأعمال العمرة المفردة بعد طهرها فهل يجوز لها من أول الأمر أن تقصد الإحرام ثم تستنيب للطوافين؟ ج: الاستنابة في مفروض السؤال محل إشكال.^۳

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

الشیخ البهجت: در حال حیض احرام بستن مانع ندارد، لذا پس از ورود به مکه اگر فرصت صبر دارد، باید صبر کند و الاً برای طوافها استنابه کند.^۴

الشیخ التبریزی علیه السلام: فرقی بین حیض بعد از احرام و قبل از احرام نیست؛ محرم می شود و برای طوافها استنابه می کند.^۵

الشیخ الفاضل: في مفروض السؤال (زن نمی تواند از کاروان جدا شود) إذا كانت المرأة في المدينة أو جدة ولا تقدر على مفارقة الرفقة وملزمة بدخول مكة فتحرم وتستنيب للطواف والصلاة وأما إذا كانت في مكة فصحة إحرامها في الفرض مشكلة، نعم لو أحرمت جهلاً بالمسألة فعليها الاستنابة لهما.^۶

(۳) الملحق الأول، ص ۱۰۳ (۴) شفاهی.

(۲) احکام، ص ۹۲

(۱) ص ۲۷

(۶) الجامع، ص ۶۹

(۵) شفاهی.

ملحقات نذر



مرکز تحقیقات علوم دینی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

نذر احرام از جَدّه در تهران

س: در تهران نذر می‌کند که من از جَدّه محرم می‌شوم؛ آیا این نذر صحیح است؟
السید الشیرازی: بلی صحیح است به شرط این که در مسیرش میقات قرار نگیرد.^۱

* * *

الشیخ البهجت: در عمره تمتع و در حج افراد چون محرز نیست که جَدّه قبل از میقات باشد این نذر اشکال دارد، ولی در عمره مفرده بنا بر این که میقات عمره مفرده برای نائی هم مواقیت معروفه و هم ادنی الحل باشد نذر مذکور مانع ندارد، ولی بنا بر این که ادنی الحل برای نائی میقات نباشد، نذر صحیح نیست و این مبنی صحیح است.^۲

الشیخ التبریزی^{رحمته}: چون که محرز نیست جَدّه قبل از میقات باشد، نذر

منعقد نمی شود.^۱

الشیخ الصافی: صحیح نیست.^۲

احرام حائض با نذر قبل از میقات

الإمام الخميني: زن های حائض می توانند در مدینه با نذر برای عمره محرم شوند و لازم نیست به مسجد شجره بروند، ولی باید با اذن شوهر باشد.^۳

السید الخوئی: اگر شوهر از نذر زن جلوگیری نماید، زن نمی تواند در صورتی که وفاء به نذرش منافی با حق شوهر باشد نذر کند.^۴

السید گلپایگانی: موافقت شوهر با زن در انجام حج کفایت از اذن می کند، زیرا صحت حج او متوقف است بر نذر احرام قبل از میقات.^۵

السید السیستانی: یصح نذرها إذا لم تكن منافياً لحق الزوج في الاستمتاع كما لو كان بعيداً عنها خلال هذه الفترة.^۶

السید الخامنی: لا بأس بنذر الزوجة بلا إستیذان من زوجها فيما لو كان غائباً عنها.^۷

السید الشیرازی: برای کسی که از میقات عبور می کند نذر احرام قبل از میقات صحیح نیست.



الشیخ البهجت: زن حائض می تواند قبل از میقات با نذر محرم شود اگرچه نائب باشد.^۸

الشیخ التبریزی: حائض می تواند قبل از میقات با نذر محرم شود و

(۴) توضیح ص ۲۶۹

(۳) ص ۸۱

(۲) کتبی.

(۱) کتبی.

(۸) ص ۷ ملحق.

(۷) ص ۲۰ (۶) الملحق الأول، ص ۶۲

(۵) شاهی.

چنانچه نذر او منافی حق زوج نیست، مانعی ندارد.^۱
 الشيخ الصافي: نذر احرام قبل از میقات صحیح است و باید به آن وفا کند.^۲
 الشيخ الفاضل: إذا نذر الإحرام قبل الميقات فإنه يجوز ويصح ويجب العمل به ولا يجب تجديد الإحرام في الميقات.^۳
 الشيخ المكارم: احرام از داخل مسجد واجب نیست، بنابراین زن های حائض می توانند در بیرون مسجد محرم شوند.^۴
 الشيخ النوري: زن های حائض می توانند در مدینه با نذر برای عمره محرم شوند، ولی باید با اذن شوهر باشد.^۵
 الشيخ الوحيد: الأول أن ينذر الإحرام قبل الميقات من مكان معين فإنه يصح ولا يلزمه التجديد في الميقات ولا المرور عليه.^۶

نذر زوجه

الإمام الخميني: احرام قبل از میقات صحیح است و زن های حائض می توانند در مدینه با نذر محرم شوند، ولی نذر زن باید با اذن شوهر باشد.^۷
 السيد الغلپایگانی: یمین زوجه و نذر او بدون اذن زوج منعقد نمی شود.^۸
 السيد الخوئي و السيد الغلپایگانی: احرام از خارج مسجد صحیح است.^۹
 السيد الشبيري: برای کسی که از میقات یا نزدیک میقات می گذرد نذر احرام قبل از میقات صحیح نیست، (زن حائض می تواند خارج مسجد محرم شود و هم می تواند در حال عبور در مسجد محرم شود)^{۱۰}

(۱) ص ۲۶	(۲) ص ۲۴	(۳) تعریض، ص ۷۳	(۴) ص ۲۴
(۵) ص ۹۲	(۶) ص ۷۲	(۷) میقات، ص ۱۳	(۸) احکام، ص ۷۰
(۹) مناسک.	(۱۰) ص ۴۲		

الشيخ البهجت: زنهایی که به واسطه عادت زنانه معذورند می توانند قبل از میقات با نذر محرم شوند، هرچند نائب باشند^۱ و در صورتی که منافعی با حق زوج نباشد می تواند بدون اذن نذر کند.^۲ و در توضیح ص ۴۲۷ نذر زن بدون اجازه شوهر بنا بر احتیاط واجب وصفاً منعقد می شود.

منه أيضاً: الذين يسافرون إلى جدة بالطائرة وكان ذهابهم إلى الجحفة أو غيرها من المواقيت شاقاً عليهم يجزيهم الإحرام من جدة بالنذر.^۳

الشيخ التبريزي^۴: اگر شوهر حاضر نباشد استیذان لازم نیست.^۴
الشيخ الصافي: یمین زوجه بدون اذن زوج منعقد نمی شود و اما نذر زوجه در غیر آن چه متعلق حق زوج است، خصوصاً در غیر مالیات حکم یمین را داشته باشد اشکال است.^۵

الشيخ الفاضل: حاشیه ندارند.
الشيخ المكارم: اگر نذر زن مزاحم حق شوهر نباشد، اجازه لازم نیست.^۶
منه أيضاً: احرام در خارج مسجد جایز است.^۷
الشيخ النوري: در مناسک محشی حاشیه ندارند.^۸

نذر احرام قبل از میقات برای نائب

الإمام الخميني^۹: چون احرام قبل از میقات با نذر صحیح است، زنهای حائض می توانند در مدینه با نذر محرم شوند.^۱
السيد الخوئي^{۱۰}: يجوز الإحرام لساكن جدة للمفردة والتمتع إذا بقي فيها مدة

(۱) جدید، ص ۷ (۲) ص ۲۸ (۳) ص ۱۹۷ (۴) شفاهی.
(۵) م ۱۷۰ (۶) محشی، م ۱۳ (۷) محشی، ص ۱۰۷، م ۱۳ (۸) میقات، م ۱۳
(۹) مفرقه میقات، ۱۳

يصدق أن منزله فيها.

ووافقه الشيخ التبريزي رحمه الله ثم قال: إذا شك في صدق العنوان لابد أن يذهب إلى أحد المواقيت.^١

السيد گلپایگانی رحمه الله: نذر احرام قبل از میقات برای نائب هم جایز است.^٢
السيد السيستاني: في سؤال ١٠١ في الملحق: وهل يشرع النذر في المواقيت المعلومه سواء كان النذر قبل الوصول إليها أم بعده؟ ج: ... كما يصح الإحرام بالنذر قبل الوصول إلى المواقيت المعلومه وكذا نذر الإحرام في المواقيت نفسها.^٣
السيد الشبيري: بر کسی که از میقات یا نزدیک میقات عبور می کند لازم است از میقات محرم شود و نمی تواند به نذر قبل از میقات محرم شود.^٤



الشيخ البهجت: نذر احرام قبل از میقات جایز است، هر چند نایب باشد.^٥
الشيخ الصافي: با نظر آقای گلپایگانی رحمه الله موافق است.
الشيخ الفاضل: با نظر مرحوم امام رحمه الله موافق است.
الشيخ المكارم: اگر نذر کند که از محلی پیش از میقات احرام ببندد جائز است و باید از همان جا محرم شود.^٦

الشيخ النوري: با نظر مرحوم امام رحمه الله موافق است.
الشيخ الوحيد: يصح أن ينذر الإحرام قبل الميقات من مكان معين ولا يلزمه التجديد في الميقات ولا المرور عليه ولا فرق في ذلك بين الحج الواجب والمندوب والعمرة المفردة؛ نعم إحرام الحج وعمرة التمتع لابد أن يكون في أشهر الحج.^٧

(٢) ١١٥م

(٣) ٥٥ص

(١) الصراط، ج ٢، ص ٢١٨ (٢) ص ٨٩ احكام

(٧) ٧٢ص

(٥) مسائل جدید، ص ٧ (٦) مناسک محشی، ص ١٠٠

با نذر احرام در ایران لازم نیست به میقات برود

السید السیستانی: نذر صحیح است و احرام هم محقق می‌شود و لازم نیست به میقات برود مگر بداند که مجبور می‌شود در روز سوار هواپیما یا ماشین مسقف بشود که صحت نذر در این صورت محل اشکال است و نیز بنا بر احتیاط در شب‌های بارانی.^۱

السید الشیرازی: اگر مرور به میقات نکند احرام او صحیح است.^۲

السید الخامنه‌ای: بلی نذر او صحیح است، باید در ایران محرم شود و رفتن به میقات لازم نیست.^۳



الشیخ البهجت: می‌تواند با نذر احرام در ایران محرم شود و رفتن میقات لازم نیست.^۴

الشیخ التبریزی: نذر مذکور صحیح است و رفتن به میقات لازم نیست.^۵

الشیخ الصافی: نذر مذکور صحیح است و رفتن به میقات لازم نیست.^۶

الشیخ الفاضل: مانعی ندارد، مشروط بر این که احرام در ایران مستلزم انجام محرمات احرام مثل سفر در زیر سایبان در روز نباشد و الا احتیاط آن است که نذر نکند و محرم نشود و در فرض صحت رفتن به میقات لازم ندارد.^۷

الشیخ الثوری: نذر و احرام او صحیح است و رفتن به میقات لازم نیست.^۸

(۱) مهر دفتر. (۲) مهر شخصی. (۳) مهر خاص. (۴) مهر دفتر.
(۵) مهر شخصی. (۶) مهر شخصی. (۷) مهر دفتر. (۸) مهر شخصی.

نذر الصيام في حال السفر

السيد الغلباينگاني^۱: شفاهاً فرمودند: اشکال ندارد.

السيد السيستاني: فرع ۴۴ در دفتر استفتاءات: س: در جواز صوم در سفر فرق است بين آن که قبلاً نذر کرده باشد یا این که در حال سفر هم می تواند نذر کند؟ ج: فرق نمی کند، ولی اگر در اثناء روز بخواد نذر روزه همان روز را بکند، صحت آن محل اشکال است.

السيد الخامنئي: می تواند برای روزه نذر کند و در این صورت اعتکاف مانع ندارد.^۱

السيد الشيرازي: بلی می تواند بعد از سفر نذر کند که در همان سفر روزه بگیرد و معتکف شود.^۲



الشيخ البهبهتي: می تواند پس از وارد شدن به مکه مکرمه با نذر به اعتکاف پردازد.^۳

الشيخ التبريزي^۴: نذر روزه در حال سفر اگر روزه واجب در ذمه نداشته باشد اشکال ندارد.^۴

الشيخ الصافي: محل اشکال است.^۵

الشيخ المكارم: بدون قصد اقامه ده روز، گرفتن روزه اشکال دارد.^۶

نذر برای کعبه مقدسه و ضرایح مقدسه

السيد الخوئي^۷: س: هل يجوز رمي النقود بأضربة الأئمة المعصومين^۸؟

ج: نعم يجوز وأما لو نذر فلا يصح نذره. وفي مسألة ۱۰۴۸: أما النذورات

(۴) شفاهی.

(۳) المیقات، ص ۲۸

(۲) المصدر.

(۱) المصدر.

(۶) المصدر.

(۵) جامع الاحکام.

المخصصة للسيدة زينب عليها السلام والعباس عليهما السلام أو أحد الأئمة عليهم السلام المقيدة بوضعها في القفص أو المطلقة كيف يصرف؟ ج: ربّما لا يكون للوضع في القفص رجحان فلا ينعقد النذر وأمّا النذر المطلق لمن ذكر فمصرفه الإنفاق على حرمه أو على زوّاره الفقراء ونحو ذلك.^۱

السيد الكلایگانی رحمته الله: به مصرف زوار محتاج برسانند و نذر ضرایح مقدسه را هم اگر نمی‌توانند به نحو مطلوب عمل نمایند به زائرینی که محتاج هستند برسانند.^۲

السيد الشيرازي: محصل جواب: اگر در زمانی که تولیت اماکن مقدسه به نحو شرعی باشد جایز است تحت اختیار آنان قرار دهد و الا برحسب عرف محل اگر قصد ناذر روشن نشود به مصرف زواری که محتاجند برسانند مطابق احتیاط است.^۳

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

الشيخ البهجت: اگر برای حرم امامان عليهم السلام و یا امام زادگان نذر کرده باید به مصرف تعمیر و روشنایی و فرش حرم و مانند اینها برسد و اگر برای خود امامان نذر کرده و مصرف معینی ذکر نکرده باید به فقرا و زوار بدهند یا به مصرف مسجد و مانند آن برسانند و ثواب آن را برای امام عليه السلام هدیه کنند.^۴

الشيخ التبريزي رحمته الله: به مصرف فقرا و زوار مؤمنین برسانند.^۵

(۳) کتب.

(۲) شفاهی.

(۱) صراط النجاة، ج ۱، ص ۲۸۲.

(۵) ص ۳۷۸ صغیر.

(۴) توضیح ص ۲۲.

ملحقات احرام



مرکز تحقیقات علوم دینی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

متفرقات احرام

في العروة: الأقوى جواز الإحرام من خارج المسجد إختياراً.
الإمام الخميني^{ره}: احتياط واجب احرام از داخل مسجد است.
السيد السيستاني: احوط آن است که احرام در داخل مسجد بسته شود و
احرام در خارج مسجد برای غیر زن حائض و کسی که حکم او را دارد کافی
نیست.

السيد الخامنئي: لا يجزي الإحرام من خارج مسجد الشجرة^١ وأما المرأة ذات
العذر فعليها الإحرام من الجحفة أو محاذاتها ويجوز الإحرام بالنذر من منزلها في
المدينة المنورة^٢ و در ص ١٢: احرام از مسجد فعلی کافی است.

السيد الشيرازي: بنابر احتياط لازم باید نیت احرام و نماز احرام را در
داخل مسجد به جا آورد.^٣ و باید احرام بعد از نماز باشد و فرقی بین نماز
واجب و مستحب نیست. و زن حائض می تواند خارج مسجد محرم شود و

می‌تواند هم در حال عبور در مسجد محرم شود. و بنا بر احتیاط، غسل احرام هم لازم است و بعد از غسل مردها از لباس و زنها از روپند اجتناب کنند و الا باید مجدداً غسل کنند.

* * *

الشیخ البهجت: در حال اختیار باید از مسمی به مسجد الشجرة محرم شود. والأحوط الإحرام من المسجد القديم مع الإمكان.

الشیخ التبریزی: ويجوز الإحرام من خارج المسجد محاذياً له من اليمين أو اليسار.^١ وفي الضميمة: لا يلزم دخول المسجد.

الشیخ الصافي: بهتر بلکه احوط احرام از داخل مسجد است^٢ و از بیرون مسجد هم کافی است.^٣

الشیخ الفاضل: اگر امکان نداشته باشد یعنی مسجد دو درب نداشته باشد یا امکان عبور از مسجد به جهت ازدحام و موانع دیگر نباشد، کنار مسجد محرم شوند و در این فرض تجدید احرام در جحفه یا محاذات آن لازم نیست.^٤

الشیخ المکارم: در کنار مسجد هم می‌توان محرم شد و تفاوتی بین مسجد قدیم و جدید نیست.^٥

الشیخ النوري: احتیاط واجب احرام از داخل مسجد است.^٦

الشیخ الوحید: والأحوط الأفضل الإحرام من مسجدها المعروف بمسجد الشجرة.^٧

أقول: وافق متن العروة، السيد الخوئي والسيد الكلایگانی طاب ثراهما.

(٤) مناسک محقق، ۲۴۷م

(٣) کتبی.

(٢) ص ۲۲

(١) ص ۸۰

(٧) ص ۶۱

(٦) ص ۸۹

(٥) ص ۳۲

الأحوط لزوم الغسل للإحرام

في العروة: يستحب قبل الشروع في الإحرام أمور: ... الثالث: الغسل.
السيد الشبيري: به نظر این جانب غسل برای احرام وجوب شرطی دارد و اگر غسل نکنند احرام محقق نمی شود.

صلاة الإحرام

في العروة: الرابع: أن يكون الإحرام عقيب صلاة فريضة أو نافلة وقيل بوجوب ذلك.

مؤلف: كان السيد الشبيري دام ظلّه قائلاً بوجوب الشرطي للغسل والصلاة للإحرام وأن الإحرام لا يتحقق بدونهما ولكنه دام ظلّه رجع عن الفتوى إلى الإحتياط وقال بجواز الرجوع إلى الغير (المناسك الأخير).

الإحرام في الطيارة

س: شخصی از لبنان با هواپیما وارد جده شده و در طیاره مقابل جحفه یا شجره احرام بسته کافی است یا نه و اگر اعمال عمره تمتع را انجام داده محکوم به صحت است یا نه؟

السيد الشبيري: ظاهراً کافی نیست و عمره تمتع وی صحیح نمی باشد.^۱

الشيخ التبريزي: احرام از محاذات فضایی اشکال دارد، هرچند قریب

باشد.^۲

الشيخ البهجت: كفايت احرام از فوق مسجد شجره محل اشكال است، بلکه منع است و حکم کسی را دارد که بدون احرام اعمال را انجام داده است.^۱

الشيخ الصافي: صحت احرام به نحو مذکور به نظر این جانب محل اشكال است.^۲

الشيخ المكارم: صدق محاذات مشکل است.^۳

آیا احرام از محاذات هوایی مجزیء است؟

السيد الغلپایگانی^۴: محاذات در فضا میسر نیست.

السيد السيستاني: بنابر احتیاط واجب مجزی نیست.^۵

السيد الشبيري: احرام در مقدار هوایی که عرفاً تابع زمین است مجزی است و در غیر این فرض مجزی نیست.^۶

الشيخ التبريزي^۷: مجزی نیست.

الشيخ البهجت: مجزی نیست؛^۸ در سؤال از معظم له به طور شفاهی: جواز بعید نیست.

الشيخ الصافي: اگر محاذات را تشخیص بدهد مجزی است.^۹

الشيخ الفاضل: مشکل است، چون هواپیما مکث و توقف ندارد.^{۱۰}

الشيخ المكارم: در مسأله محاذات میقات فرقی میان صحرا و دریا نیست.^{۱۱}

و في مناسك العربي ص ۴۱: لا فرق في مسألة المحاذات بين الصحرا والبحر والهواء، فإذا عبر بالطائر...

(۴) مهر دفتر.

(۳) شفاهی.

(۲) کتبی.

(۱) کتبی.

(۸) کتبی.

(۷) مهر دفتر.

(۶) کتبی.

(۵) مهر شخصی.

(۱۰) ص ۱۰۲، ۲۵۶

(۹) شفاهی.

احرام در ماهی و احلال در ماه دیگر

س: شخصی قبل از غروب آفتاب شب اول ماه، محرم شد به احرام عمره مفرده و اعمال مکه را در ساعات اولیه ماه جدید انجام داد، این عمره به حساب کدام یک از دو ماه محسوب می شود و اگر بعد از غروب محرم شد چه نحو خواهد بود؟

السید السیستانی: به حساب ماهی که در آن محرم شده.^۱

الشیخ التبریزی: در فرض اول که قبل از غروب شب اول ماه، محرم شده، عمره از ماه قبل محسوب می شود و در فرض دوم که بعد از غروب آفتاب محرم شده از ماه جدید محسوب می شود.^۲

الشیخ الصافی: اگر قبل از غروب شرعی (مغرب) محرم شده عمره ماهی است که هنوز آفتاب آن غروب نکرده و اگر بعد از غروب شرعی محرم شده، عمره ماه بعد محسوب می شود.^۳

الشیخ الفاضل: ظاهراً در هر دو فرض اعمال عمره مربوط به ماه جدید است و تا ماه آینده نمی تواند مجدداً عمره به جا آورد.^۴

الشیخ المکارم: بعید نیست که معیار همان ماهی بوده که احرام در آن بسته شده است، هر چند احتیاط آن است که عمره ماه بعد را رجاء به جا آورد.^۵

الشیخ الثوری: به حساب ماهی محسوب می شود که در آن احرام بسته است.^۶ أقول: به نظر حقیر باید ببینیم از نصوص چه استفاده می شود؛ آیا میزان را

احرام در شهر قرار داده یا احلال از آن؟

(۴) مهر دفتر.

(۳) مهر خاص.

(۲) مهر خاص.

(۱) مهر دفتر.

(۶) مهر خاص.

(۵) مهر خاص.

الجنون بعد الإحرام

السيد السيستاني: س: امرأة جنيت في عرفات، ما هي وظيفة زوجها وهو معها؟ ج: إذا كان جنونها بعد إدراك مسعى الوقوف أو أنها أفاقت فيها بحيث أدركت الوقوف لزم على الزوج بأخذها إلى المزدلفة فإن أفاقت هناك وأدركت إختياري المشعر أو إضطراريه فقد أدركت الحج فإن أفاقت من جنونها وتمكنت من الإتيان ببقية المناسك فهو وإن عادت إلى الجنون فحينئذ يستنيب لها من يأتي عنها ببقية المناسك ويتم حجها.^١

السيد الشيرازي: حكم مغمی علیه را دارد برای او استنايه کنند.^٢



الشيخ البهجت: بعيد نیست که بر طبق قاعده بگویم این احرام منعقد نشده، چه عمره مفردة و چه عمره تمتع ولكن احوط استنايه است برای عمره.^٣

الشيخ التبريزي: با فرض این که زن بعد از احرام جنون پیدا کرده و مستمر است خود زن تکلیفی ندارد و شوهر هم فعلاً تکلیفی درباره زوجة ندارد و اصل احرام او باطل است برای این که احرام بستن برای انجام عمره است و این واجب ارتباطی است و مرکب است و در صورتی که متمکن نباشد این احرام (وقع غیر صحیح) و اگر زوج بخواهد مباشرت کند مانع ندارد.^٤

الشيخ الفاضل: بعيد نیست که بگویم این جنون بعد از احرام کشف از بطلان احرام می کند، پس نه زن تکلیفی دارد و نه زوج و مباشرت زوج هم مانع ندارد.^٥

(٢) شفاهی.

(٣) شفاهی.

(١) الملحق الثاني، ص ١٢٠ (٢) شفاهی.

(٥) شفاهی.

محاذات الميقات (در زمین و دریا و فضا)

السيد الغلپايگاني: یافتن محاذات ميقات در هواپیما میسر نیست تا بتوان از آن جا محرم شد.^۱

السيد السيستاني: محاذاة أحد المواقيت، فإن من سلك طريقاً لا يمر بشيء من المواقيت السابقة إذا وصل إلى موضع يحاذي أحدها أحرم من ذلك الموضع.^۲ وفي الملحق الثاني ص ۲۲: يمكن تصوير المحاذاة من جهة الفوق كما إذا مر بالطائرة على سماء الميقات وأمكن التوقف هناك بمقدار أداء التلبية لكن في كفايتها إشكال.

السيد الشبيري: کسی که از ميقات و یا نزديک ميقات عبور نمی کند، قبل از رسیدن به حرم محرم شود و لازم نیست محاذات ميقات باشد، چه قبل و چه بعد.^۳

الشيخ البهجت: باید از محاذات اولین ميقات نزديک به خود محرم شود.^۴
الشيخ التبريزي: نفس العبارة إلا أنه في آخر الفرع... ولكنه غير بعيد إذا لم يكن الفصل كثيراً.^۵

منه أيضاً: احرام از محاذات ميقات در فضا کافی نیست.^۶
الشيخ الفاضل: من لم يمر على أحد المواقيت جاز له الإحرام من محاذاة أحدها.^۷

الشيخ المكارم: کسانی که از ميقات عبور نمی کنند در محاذی اولین ميقات باید محرم شوند و فرقی در محاذات میان صحرا و دریا و هوا نیست.^۸
الشيخ النوري: اگر به هیچ یک از مواقيت عبور نکند باید از محاذات ميقات

(۱) ص ۱۲۶، ۲۹۰ م. آخر (۲) ص ۸۲ (۳) ص ۱۱۶ (۴) ص ۶۶
(۵) ص ۱۸۳ (۶) ص ۳۴۱ صغیر (۷) ص ۷۱ (۸) ص ۳۸ و ۳۹

احرام بندد.^۱

الشيخ الوحيد: نفس العبارة.^۲

احرام از خارج مسجد شجره

س: خانی به خیال این که حائض است خارج مسجد شجره محرم شده و عمره تمتع را انجام داده، فعلاً فهمیده که حائض نبوده و وظیفه او احرام از داخل مسجد بوده، تکلیف چیست؟

السید السیستانی: الأحوط الإحرام من مسجد الشجرة وعدم كفاية الإحرام من خارج المسجد لغير الحائض ومن بحكمها.^۳

السید الشیرازی: احرام او باطل است و اگر ممکن باشد به مسجد شجره مراجعت کرده نماز و غسل احرام به جا آورد و در مسجد نیت کند و نماز بخواند و در آن جا یا هر جای ذوالحلیفه تلبیه بگوید و احرام بعد از هر نمازی کافی است.^۴

الشيخ البهجت: حکم کسی را دارد که بدون احرام اعمال را انجام داده که در مناسک ذکر شده و اعمالش صحیح است.^۵

منه أيضاً: در جامع المسائل ص ۲۳۲ ملخصاً: اگر عذری داشت از احرام بستن در میقات مثل فراموشی یا عذر دیگر که مسووع ترک باشد ظاهراً از قبیل مرض و جهل به موضوع بدون تقصیر و ظاهر لحوق جهل به حکم است با عدم تقصیر پس بعد از زوال عذر اگر رجوع به میقات ممکن باشد برمی گردد و الا از همان جای خود می بندد و اگر متذکر نشد مگر بعد از تمام اعمال صحت بعید

(۴) کتبی.

(۳) ص ۸۰

(۲) ص ۷۱

(۱) ص ۸۵

(۵) کتبی.

نیست در خصوص حج و در غیر حج محل تأمل است.^۱
 الشيخ التبریزی: در حال اختیار هم احرام از داخل مسجد لازم نیست.^۲
 الشيخ الصافي: به نظر این جانب احرام از خارج مسجد شجره یعنی پشت
 مسجد کافی است.^۳
 الشيخ الفاضل: احتیاط واجب آن است که داخل مسجد شجره محرم شوند
 نه خارج آن.^۴ احرام از قسمت توسعه یافته مسجد شجره هم صحیح است.^۵
 حائض و نفساء می توانند در حال عبور محرم شوند و اگر نتوانند در حال عبور
 محرم شوند باید کنار مسجد محرم شوند.^۶

جواز الإحرام مع العلم بإرتكاب المحرم

السيد الخوئي: يجوز أن يحرم للعمرة المفردة أو التمتع مع العلم بأنه سيضطّر
 إلى التظليل المحرم بعد الإحرام ولا تضرّ ذلك بصحة إحرامه سواء كان في الحج
 الواجب أو المستحب.^۷
 الشيخ التبریزی: در متن مذکور با السيد الخوئي موافقت کرده اند.

تلبية الإحرام مع الريبة

السيد الشبيري: اگر زن اظهار تلبیه کند و در معرض ربه و تلذذ باشد بنا بر
 احتیاط حرام و باطل است.^۸

(۱) حاشیه ملاحظه شود. معظّم له بعد مترض ترک عمدی شده است، به مدرک مذکور مراجعه شود.

(۵) ۲۴۵م

(۴) ۲۴۴م

(۳) کتبی.

(۲) کتبی.

(۷) الصراط، ج ۲، ص ۲۳۰ (۸) ص ۵۶

(۶) ۲۵۰م

اعزام به ایران بعد از انعقاد احرام

س: شخصی در جحفه حالش به هم خورد و از ادامه برنامه احرام مأیوس شد، فقط این مقدار شد که به زید وکالت بدهد برای نیابت حج - نائب برای آن مریض به مکه آمد و عمره تمتع را تمام کرده مریض پس از چند روز که در مکه معالجه شد بهتر شد، خود آن مریض را مجدداً به جحفه بردند و محرم شد و آمد مکه متأسفانه مجدداً قبل از شروع به عمره حالش به هم خورد و او را که محرم شده بود به ایران برگرداندند؛ مریض مزبور چه تکلیفی دارد؟ و نائب چه تکلیفی دارد؟ باقی اعمال را انجام بدهد یا نه؟ اجرت دارد یا نه؟

السید الشیرازی: عمل نائب صحیح است و مریض نیز اگر قربانی یا پول قربانی به مکه یا منی بفرستد از احرام خارج می شود و به نظر این جانب قربانی در محل خود در ایران نیز می تواند ذبح کند و در نتیجه از احرام بیرون شود، ولی در این صورت برای حلال شدن زن باید بعداً خود مناسک را به جا آورد، به خلاف صورت اول که زن نیز به عقیده حقیر حلال می شود.^۱

* * *

الشیخ البهجت: راه احتیاط این است که نائب حج را تمام نماید و نسبت به اجرت مصالحه کنند و مریض به وظیفه محصور عمل کند و کسی را نائب کند که برای او به نیت عمره مفرده اعمال آن را بدون احرام به جا آورد و پس از سعی و قبل از تقصیر به مریض اطلاع دهند که خودش تقصیر نماید.^۲

الشیخ التبریزی: نیابت صحیح است و نائب مستحق اجرت است و در فرض مزبور که وقت عمره تمتع گذشته بر مریض چیزی نیست و چنانچه بعداً خوب شود، بنابر احتیاط خودش حجة الاسلام را به جا آورد.^۳

الشیخ الصافی: در فرض سؤال نایب باید حج تمتع را به نیابت از منوب عنه انجام دهد و مستحق اجرت است و بر منوب عنه حکم محصور مترتب است و احتیاط این است که منوب عنه علاوه بر انجام وظیفه محصور کسی را نائب بگیرد که به نیابت از او اعمال عمره، یعنی طواف و نماز و سعی را انجام دهد و بعد منوب عنه را اعلام کنند تا تقصیر کند برای خروج از احرام و بعد نائب طواف نساء را نیز احتیاطاً به نیابت از او انجام دهد.^۱

نسک مستحبی بدون اذن زوج

س: زنی بدون اذن شوهر برای انجام حج مستحبی به مدینه آمده و شوهر می‌گوید راضی نیستم عمره یا حج بهجا آوری؛ آیا این زن می‌تواند بدون احرام وارد مکه شود یا نه؟ و از جانبی نمی‌تواند از کاروان جدا بماند، باید با کاروان باشد.

السید الشبیری: اگر زن توبه کرده باشد، با احرام وارد مکه شود و عمره یا حج بهجا آورد و اگر از کار خود توبه نکرده باشد بی‌احرام وارد شود.^۲

الشیخ البهجت: نمی‌تواند.^۳

الشیخ التبریزی: باید در فرض مزبور محرم شود.^۴

الشیخ الصافی: در فرض سؤال که زن برای عبور از میقات مضطر است باید محرم شود به عمره مفرده و چون عبور از میقات بدون احرام جایز نیست، شوهر حق نهی از محرم شدن زوجه‌اش را که مضطر برای عبور است ندارد.^۵

(۴) کتبی.

(۳) کتبی.

(۲) کتبی.

(۱) کتبی.

(۵) کتبی.

حكم من دخل مكة بغير إحرام عامداً

السيد الخوئي^١: س: لو دخل مكة بلا إحرام جهلاً منه بوجوب الإحرام ثم رجع إلى بلاده، هل يلزمه الرجوع إلى مكة لأداء أعمال العمرة؟
ج: لا يجب عليه الرجوع.^٢ وفي الملحق، ص ٢٥٩: لو دخل مراراً بلا إحرام إنه مذنب وعليه الاستغفار فقط.

السيد السيستاني^٣: س: إذا دخل الحرم أو مكة بغير إحرام عمداً أو لعذر فهل يكون بقاءه فيه محرماً ليجب عليه الخروج فوراً أم لا؟
ج: الظاهر أن الدخول بغير إحرام حرام حدوثاً لا بقاءً.^٤
السيد الشيرازي^٥: حرمت دخول در حرم و مكة معظمه بدون احرام برای عامد حرمت تكلیفی است و اثر وضعی ندارد.^٦
منه أيضاً: فقط مخالفت حكم تكلیفی کرده، مثل این كه بی وضو دست روی نوشته قرآن گذاشته؛ لازم نیست كه وضو بگیرد و مجدداً با طهارت خط قرآن را مس کنند.^٧

الشيخ التبريزي^٨: فقط مرتكب فعل حرام شده، ولی اثر وضعی ندارد.^٩
الشيخ الفاضل: س: من دخل مكة مراراً ولم يعتمر وكان هذا عن علم وعمد فهل يجب عليه أن يأتي بما فات أم أنه مذنب فقط؟
ج: ليس عليه شيء وإنما عليه الاستغفار من الذنب فحسب.^{١٠}

(٤) شفاقي.

(١) الصراط، ج ٢، ص ٥٦ (٢) الملحق الأول، ص ٢٦ (٣) شفاقي.

(٦) جامع المسائل، ص ١١٥ و ١١٨.

(٥) شفاقي.

المرور في فضاء الحرم للإحرام

السيد الخوئي^١: س: هل يحرم المرور في فضاء الحرم بالطائرة بدون إحرام؟
ج: لا يحرم.^١

جواز الرجوع إلى المدينة بعد الإحرام في الشجرة

السيد الخوئي^٢: يجوز أن يحرم من الشجرة ويعود إلى المدينة ويسافر جواً من المطار.^٢

السيد الغلپایگانی^٣: س: آیا جایز است که بعد از احرام در میقات به طرف خلاف مکه معظمه برود و بعد از چند روز بیاید برای مکه؟ ج: مانع ندارد.^٣
السيد السيستاني^٤: س: هل يجوز لمن أحرم من مسجد الشجرة أن يرجع بعد الإحرام إلى المدينة المنورة؟ ج: يجوز في حد ذاته لكن يلزمه الاجتناب عن التظليل المحرم.^٤

الشيخ التبريزي^٥: وافق السيد الخوئي^٦ في المتن.

نسيان احرام و تذكر قبل از افعال خمسة مکه

س: اگر احرام حج را فراموش کند و متذکر نشود، مگر بعد از اعمال منی و قبل از اعمال خمسة مکه تکلیف چیست؟ و اگر به همین نحو باقی اعمال را انجام داد، حج مجزی است یا نه؟ اصیل باشد یا نائب؟
السيد السيستاني^٧: س: إذا نسي التلبية في إحرام الحج فتذكر بعد أعمال منى

(١) الصراط، ج ٣، ٢٢١ (٢) الصراط، ج ٢، ص ٢٠٢ (٣) آداب و احكام، ص ١٣٤ (٤) ص ٢٢١

وقبل الطواف فما حكمه؟

ج: يلبي متى ما تذكر ويأتي ببقية المناسك ويصح حجه^١ وقال دام ظله في ص ٧٣: وشمول هذا الحكم للعمرة المفردة محل إشكال، فراجع. وفي الملحق الأول، ص ٦٦، في ذيل مسألة ١٢٦: وكذا لو تذكر أو علم بالحكم عند الوقوف بالمزدلفة فإنه يحرم من مكانه...

السيد الشيرازي: ظاهراً به همين حال باقى را انجام دهد، حج مجزى است.^٢

الشيخ البهجت: عمل را تمام کند و احتياط آن است که به آن اكتفا نشود.^٣
 الشيخ التبريزي^٤: حج مجزى است، ولی بنا بر احتياط اگر نائب اجير باشد در اجرت به نسبت ترك احرام حج با مستأجر مصالحه کند.^٥
 الشيخ الصافي: در فرض مذکور بايد به محض اين که يادش آمد محرم شود، يعنى ليک ها را بگويد و اعمال را تمام کند و در اين حکم فرقى بين نائب و اصیل نیست و احتياط اين است که بعد از محرم شدن اعمال منى را (رمى و قربانى و حلق را) دوباره در حال احرام انجام دهد و از احرام خارج شود و سپس اعمال مکه را انجام دهد و اگر قبل از ظهر متوجه نشود که احرام را فراموش کرده، بعد از محرم شدن وقوف اضطرارى مشعر را نيز انجام دهد.^٥

فوت مُحرم بعد از دخول در حرم

الشيخ البهجت: اگر بعد از احرام و دخول حرم وفات نمود، مجزى از حجة الاسلام است و قضا ندارد.^٦ و احوط اقتصار بر متيقن است که وقوع موت در

(٤) كتيبى.

(٣) كتيبى.

(١) الملحق الثاني، ص ٧٢ (٢) كتيبى.

(٦) الجامع، ص ١٨٣

(٥) كتيبى.

حرم بعد از تلبس به احرام باشد.

أقول: اگر بین الاحرامین بمیرد و یا محرماً خارج حرم بمیرد به نظر معظم له باید قضای آن به جا آورده شود و فرمودند: این حکم در عمره مفرده هم جاری است در صورتی که واجب باشد.^۱

الشیخ التبریزی^۲: إذا مات الحاج بعد دخول الحرم اجزأ عنه ويسقط وجوب القضاء ولو كان مستقراً عليه؛ فراجع. (أقول: وإن لم يكن في حال الإحرام) الشیخ الفاضل: مضی بعض کلامه.

الشیخ المکارم: اگر حاج بعد از احرام بمیرد، حج او قبول است، چه در حرم بمیرد و چه خارج از حرم؛ فراجع.^۲



مرکز تحقیقات کلامی و فقهی اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

ملحقات طواف



مرکز تحقیقات کلام و فقه اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

الخروج عن المطاف

السيد الخوئي رحمته الله: س: هل إن الخروج إلى الرواق المحيط بالمطاف يعتبر خروجاً من المطاف ويأخذ حكمه؟
ج: لا مانع منه إذا لم يناف الموالاة.^١

فساد العمرة أو الحج

السيد الخوئي رحمته الله: س: لو فسدت العمرة أو الحجة بمفسد ما، كما لو طاف من غير طهارة أو نسي صلاة الطواف أو ما شاكل ذلك جهلاً ولم يلتفت إلا بعد الوصول إلى وطنه فهل إن إحرامه يفسد أو يبقى محرماً؟ وماذا يجب عليه حينئذ؟
ج: أمّا العمرة المتمتع بها فيبطل إحرامها ببطلانها إذا التفت إليه في وقت لا يتمكن من تدارك نسكها قبل الوقوف بعرفات وأمّا إحرام الحج فيبطل بفساد طوافه

بعد تمام شهر الحجّ وأما إحرام العمرة المفردة فلا يبطل مادام يمكنه إعادة نسكها بنفسه وإلا بنائبه ونسيان الصلاة لا يوجب البطلان في حجّ أو عمرة ويصلها أينما تذكّر.^١

الشيخ التبريزي^٢: يضاف إلى ذلك مقتضى بقائه على إحرامه في العمرة المفردة - وإن رجع إلى وطنه - اجتناب محظورات الإحرام إلى أن يأتي بعمرة مفردة على الأحوط وجوباً فإن لم يكن قادراً على ذلك فيستنيب من يعتمر عنه.^٣
الشيخ الفاضل: الإحرام باقية ويبقى هو محرماً إلى آخر الجواب الطويل.^٤

دقة العامة في الوقت

في صحيح ذريع المحاربي قال: قال لي أبو عبد الله^٥: صل الجمعة بأذان هؤلاء فإنهم أشد شيء مواظبة على الوقت.^٦

مسّ جدار الحجر والبیت

الإمام الخميني^٧: ضرر ندارد.^٨
السيد الكلایگانی^٩: احتیاط استحبابی در ترک است.^{١٠}
السيد السيستاني: كما أنّ الأحوط الأولى أن لا يمدّ الطائف يده حال طوافه إلى جدار الكعبة وأن لا يضع يده على حائط الحجر.^{١١}

(٢) الصراط، ج ٣، ص ١٧١ وفي الرابع، ص ١٥٠

(١) الصراط، ج ٣، ص ١٧١ وفي الملحق، ص ٢٩٢

(٣) الوسائل، أبواب الأذان، باب ٢

(٢) فراجع في الجامع، ص ٣٠٥

(٧) ص ١٥٨

(٦) شفاهي.

(٥) ص ١١٦

السيد الشبيري: بوسیدن خانه کعبه و دست گذاردن روی دیوار حجر و دیوار خانه کعبه از طرف شاذروان مانع ندارد.^۱

* * *

الشيخ البهجت: احوط آن است که دست به جانب بیت دراز نکند و دست روی حجر نگذارد.^۲

الشيخ التبريزي: گرچه احتیاط در ترک است، ولی اظهر جواز است.^۳
 الشيخ الصافي: احتیاط واجب ترک است. (این همان عبارت مناسک مرحوم السيد الگلپایگانی است) آیه الله صافی بر این عبارت حاشیه ندارند، ولی اصل این احتیاط وجوبی صحت ندارد به دو جهت: اول آن که در مناسک های قدیمی فقط کلمه احتیاط دارد نه وجوبی و ثانیاً در سال های اخیر که آن مرحوم مجدداً در این فرع بحث کردند و جواهر و نجات العباد را ملاحظه نمودند تقویت کردند جانب جواز را و فرمودند: چون کلمه احتیاط را مرحوم شیخ در مناسک آورده اند همان طور باشد، ولی احتیاط را استحبابی قرار می دهیم و حقیر هم در آراء المراجع وجه مطلب را به طور اجمال ذکر کرده ام.

الشيخ الفاضل: دست به دیوار کعبه گذاشتن یا روی حجر جایز است و به طواف ضرر نمی رساند.^۴ وفي حول الحج، ص ۷۴: الأحوط إعادة ذلك المقدار ولو بعد رجوعه إلى بلده،^۵

الشيخ المكارم: با عبارت مناسک امام موافق است.^۶

الشيخ النوري: جایز نیست و باید آن قسمت را اعاده کند.^۷

الشيخ الوحيد: والأحوط إستحباً أن لا يمدّ يده حال طوافه إلى جدار الكعبة

(۱) ص ۶۲ (۲) مناسک ص ۴۴، وفي المناسك العربي، ص ۱۲۴، فرع ۲۹۰

(۳) ۳۰۸ و ۳۰۹، مناسک جدید، ص ۱۷۸ (۴) مناسک امام معشی، ص ۲۰۰

(۵) ملخص، (۶) ص ۲۰۵ (۷) معشی، ص ۱۹۲

لاستلام الأركان أو غيره.^۱ والأحوط إستحباً أن لا يضع يده على حائط الحجر أيضاً.^۲

تنازع زوجین در بطلان طواف

س: هر یک از زن و مرد طواف نساء خود را صحیح و طواف نساء مقابل را باطل می‌داند، مباشرت جایز است یا نه؟

السیدالشیرازی: هرکدام طوافی به نیت طواف مشروع به جامی آورد که به عقیده خود طوافش طواف مستحبی است و به عقیده طرف طوافش طواف نساء می‌باشد.^۳

❖ ❖ ❖

الشیخ البهجت: اشکال ندارد.^۴
 الشیخ التبریزی: مباشرت بر هرکدام جایز است.^۵
 الشیخ الصافی: اشکال ندارد.^۶

قضاء طواف در غیر موسم

الإمام الخميني: مانع ندارد.^۷

السید الگلپایگانی: طواف عمره تمتع و طواف حج به عنوان نیابت از غیر، واجب است در موسم حج انجام بگیرد، یعنی طواف عمره تمتع را در اشهر حج و طواف حج را در ذیحجه روز عید و بعد از آن مگر این که منوب عنه فراموش کرده باشد.^۸

(۱) ۳۰۲م	(۲) ص ۱۲۸، ۲۰۳م	(۳) کتبی.	(۴) کتبی.
(۵) کتبی.	(۶) کتبی.	(۷) ۲۹م، نیابت.	(۸) شفاهی و احکام، ص ۷۸

السید الشبیری: می تواند قضاء طواف را در غیر ماه های حج به جا آورد، چه فراموش کرده باشد و چه باطل انجام داده باشد، مگر در مواردی که باید قضاء طواف عمره تمتع را قبل از طواف حج انجام دهد.^۱

السید السیستانی: س: إذا نسی الطواف أو أتى به باطلاً عن نسیان لبعض شروطه فهل يجوز تداركه في غير أشهر الحج؟
ج: إن كان طواف عمرة التمتع فإن تذكره بعد مضي وقته جاز له قضاؤه في أي وقت شاء وإن كان الأحوط أن يأتي به قبل مضي شهر ذي الحجة وإن كان طواف الحج فإن تذكره قبل مضي ذي الحجة تداركه فيه وإن لم يتذكر حتى انقضى الشهر قضاؤه في أي وقت شاء.^۲

الشيخ البهجت: س: إذا تبين له بعد إتمام أعمال الحج بطلان طوافه وسعيه للعمرة فما وظيفته؟

ج: يعيد الطواف والسعي والأحوط وجوباً في صورة الإمكان أن يعتمر عمرة مفردة.^۳ وفي ص ۲۱۰: يتدارك النقص بعد رجوعه إلى وطنه. ما دلّ الدليل على توقيته لا بدّ وأن يتدارك في وقته.^۴

الشيخ التبريزي: لا يجوز أن يطوف قضاءه في المحرم إذا أخر عبداً وإن كان ناسياً لا بأس به.^۵

الشيخ الصافي: با نظر حضرت السيد گلپایگانی مؤلف است و حاشیه ندارد.^۶

الشيخ الفاضل: مانع ندارد.

(۳) مناسک عربی ص ۲۰۹، ۷۵م

(۲) ص ۱۰۵

(۱) ص ۱۲۵

(۵) الصراط الرابع، ص ۱۵۶ (۶) کتبی.

(۴) شفاهی.

الشيخ المكارم: طواف حج تمتع را باید تا آخر ذی‌حجه به‌جا آورد و طواف عمره تمتع را باید در ماه‌های حج قبل از عرفات به‌جا آورد.^۱
 الشيخ النوري: مانع ندارد.^۲
 مؤلف: نظر آیه‌الله گلپایگانی رحمته‌الله مطابق با احتیاط است.

عدم جواز قران بین طوافین

الإمام الخميني رحمته‌الله: در قران بین طوافین اگر از اول یا در اثناء طواف اول قصد قران داشته احتیاط اعاده طواف است.^۳
 السيد الخوئي رحمته‌الله: لا يجوز القران بین الطوافین في الفريضة ولكن لا يعدّ الإتيان به إحتياطاً قراناً.^۴ وفي المناسك: الأظهر البطلان وذلك من جهة القران بین الطوافین في الفريضة.
 السيد السيستاني: نعم قد يبطل من جهة القران أي التابع بین طوافین بلا فصل بينهما بصلاة الطواف، لأنه غير جائز بین فريضتين. بل وكذا بین فريضة ونافلة وأما القران بین نافلتين فلا بأس به.^۵
 السيد الشبيري: در طواف واجب قران جایز نیست... و اگر قران کرد، هردو طواف باطل است مطلقاً.^۶

الشيخ البهجت: وافق السيد الخوئي رحمته‌الله.^۷
 الشيخ الصافي: قران بین طوافین حرام است در طواف واجب بلکه بنا بر

(۱) حاشیه ۲۹م (۲) معشای، ص ۶۲، ۲۸م (۳) ۱۰۸م، تلخیص دو مسأله، ص ۱۸۵

(۴) الثنية، ص ۸۵ (۵) ۱۶۲ ص (۶) ۱۲۰ ص (۷) ۱۲۸ ص

احتیاط لازم، سبب بطلان طواف می‌شود.^۱
 الشيخ الفاضل: نفس عبارة السيد الخوئي ؑ: لا يجوز القران بين الطوافين في
 الفريضة ولكن لا يعدّ الإتيان به احتياطاً قراناً.^۲
 الشيخ الوحيد: لا يجوز القران بين الطوافين بأن لا يفصل بينهما بصلاة الطواف
 في الفريضتين ولا في الفريضة والنافلة ويوجب بطلان الطواف الأول على الأحوط
 والطواف الثاني على الأقوى.^۳

قران بين طوافين

س: قران بين طوافين فقط حرمت تكلیفی دارد و یا حرمت وضعی هم دارد؟
 السيد السيستاني: قران بين دو طواف كه يکي فريضه است مبطل طواف
 می‌باشد.^۴
 السيد الشيرازي: قران موجب حرمت وضعی است و طوافين هر دو باطل
 است و فرقی در بطلان بين عالم و جاهل نیست.^۵

الشيخ البهبهت: اگر به نحو تعدد مطلوب باشد جایز است و الا جایز نیست.^۶
 الشيخ التبريزي ؑ: قرآن بين طوافين موجب بطلان طواف است.^۷
 الشيخ الصافي: بنا بر احتیاط لازم سبب باطل شدن طواف هم می‌شود و
 تفصیل آن در مسئله ۱۰۱ مناسک ذکر شده است.^۸
 الشيخ الفاضل: قران در طواف واجب جایز نیست و اگر از ابتدای طواف

(۱) فرع ۴۷۵ (۲) حول الحج، ص ۷۱ (۳) ص ۱۳۲ (۴) مهر دفتر.

(۵) الخاتم، (۶) مهر دفتر، (۷) کتبی، (۸) کتبی.

قصد قران داشته باشد احتیاط در اعاده طواف است، اما اگر بعد از تمام شدن طواف اول قصد قران کند طواف او صحیح است.^۱

الشیخ الوحید: للزيادة في الطواف خمس صور، إلى قوله دام ظله: إلا أنه لا يجوز القرآن بين الطوافين بأن لا يفصل بينهما بصلاة الطواف في الفريضتين ولا في الفريضة والنافلة ويوجب بطلان الطواف الأول على الأحوط و الطواف الثاني على الأقوى.^۲

تقديم طواف بر وقوف بدون إحرام

س: شخصی از ذوی الأعذار طواف حج و نماز و طواف نساء را بر وقوفین مقدم داشته، ولی جاهل به مسأله بوده که باید با احرام طواف را انجام دهد، ولی بعد از طوافها برای حج محرم شده و اعمال حج را انجام داده، ولی دیگر طوافها را بهجا نیاورده. چه تکلیفی دارد؟

السید الشیرازی: همان طوافها را اعاده کند کافی است و اگر برای خودش میسر نیست، استنابه کند.^۳

الشیخ البهبهتی: اگر می تواند خودش و الا نائبش طوافها را اعاده کند و کفایت آن بعید نیست.^۴

الشیخ التبریزی: اگر در مکه هست احتیاط کند به بستن احرام و طوافها را انجام دهد و اگر به محل برگشته و نمی تواند مباشرت کند، استنابه کند تا طوافها را انجام دهند و حج او محکوم به صحت است.^۵

(۲) شفا می.

(۳) شفا می.

(۴) ص ۱۳۲

(۱) ۵۶۷ و ۵۶۸ م

(۵) شفا می.

الشیخ المکارم: طواف‌ها را خودش و اگر میسر نیست استنابه کند و کفایت می‌کند.^۱

ابطال الطواف عن جهل والتذکر بعد الموسم

س: شخصی پس از رجوع از حج فهمید و یقین کرد که یک طواف او باطل بوده و نمی‌داند که طواف عمره تمتع بوده یا طواف حج، تکلیف او چیست؟

السید الشبیری: حج او محکوم به صحت است، ولی باید طواف باطل را تدارک کند به این که یک طواف به قصد مافی‌الذمة به‌جا آورد.^۲



الشیخ البهجت: یک طواف به قصد مافی‌الذمة به‌جا آورد و بنا بر احتیاط وجوبی بعد از حج یک عمره مفرده به‌جا آورد. ممکن است که طواف باطل مرتبط با عمره تمتع بوده و حج به‌حسب واقع مبدل به حج افراد شده باشد.^۳

الشیخ التبریزی: باید حج را اعاده کند.^۴

الشیخ المکارم: یک طواف به قصد مافی‌الذمة کافی است.^۵

الشیخ وحید: دو قاعده فراغ در طواف عمره و حج با یکدیگر تعارض دارند و ساقط می‌شوند و اصل فساد به معنای عدم کفایت برقرار است. هذا بحسب القواعد وأما بحسب النصّ والفتویٰ يحتاج إلى التأمل.^۶

(۴) شفاهی.

(۳) شفاهی.

(۲) شفاهی.

(۱) شفاهی.

(۶) شفاهی.

(۵) شفاهی.

اگر با لزوم استغابه خود مباشرت کرد

س: اگر برحسب ظاهر وظیفه او برای طواف و سعی و رمی استغابه بود، ولی با عسر و حرج خودش انجام داد، آیا عمل او صحیح و مجزی است یا نه؟
السید الشبیری: عمل او صحیح و مجزی است.^۱

* * *

الشیخ البهجت: صحیح است.^۲
الشیخ التبریزی^{رحمته}: حجت صحیح است، ولی اجزاء آن از حجة الاسلام اشکال دارد.^۳

منه أيضاً: اصل حج را اگر با مشقت و زحمت انجام داد فرموده‌اند: بعید نیست مجزی از حجة الاسلام باشد.^۴
الشیخ الصافی: در فرض سؤال عمل صحیح و مجزی است.^۵

یک طواف به قصد تکمیل طواف - طواف از داخل حجر

س: شخصی دور ششم طواف را از داخل حجر اسماعیل^{علیه السلام} به جا آورده و نماز و سعی و تقصیر را هم انجام داده و پس از فراغ عمره فهمیده که طواف ناقص بوده، یک طواف هفت شوط کامل به جا آورده، کافی است یا وظیفه دیگری دارد؟
السید الشبیری: احتیاطاً یک شوط طواف به جا آورد.^۶

* * *

الشیخ البهجت: در فرض مذکور، احوط اتمام طواف اول است به اتیان یک

(۴) ص ۳۲۸ مناسک کوچک.

(۳) کتبی.

(۲) کتبی.

(۱) کتبی.

(۶) کتبی.

(۵) کتبی.

دور و خواندن نماز طواف و سپس اعاده کند طواف و نماز و سعی را علی‌الاحوط.^۱

الشیخ التبریزی^۲: گرچه وظیفه اعاده یک شوط است، ولی چون طواف کامل به نیت انجام وظیفه بوده مجزی است، ولی چون که احتیاط این است که سعی و تقصیر را اعاده کند، در فرض ترک آن بنا بر احتیاط حج را اعاده نماید.^۳

الشیخ الصافی: در فرض سؤال بنا بر احتیاط یک شوط به قصد اتمام طواف ناقص انجام دهد و احتیاطاً سعی و تقصیر را نیز اعاده کند.^۴

علم به بطلان طواف بعد از حج

الإمام الخميني^۵: اگر کسی پس از انجام اعمال حج فهمید که در طواف عمره یا حج چند شوط از داخل حجر دور زده، حج او صحیح است ولی باید طواف را اعاده کند.^۶

السید الخوئی^۷: إن بدأ طواف عمرته من باب الكعبة أو حجرة إسماعيل جاهلاً بالحكم ولم يعلم بذلك إلا في منى بطلت عمرته ويتم عمله بقصد الأعم من الحج الأفراد والعمره المفردة ويعيد الحج من قابل.^۸

السید الغلپایگانی^۹: در صورتی که بعد از حج متوجه شود که طواف عمره تمتع او باطل بوده، حج او مبدل به حج افراد شده و باید عمره مفرده به جا آورد و در سال بعد هم حج تمتع را انجام دهد.^{۱۰}

السید السیستانی: إذا علم يبطلان طواف العمرة فيما إذا ضاق الوقت بحيث لا يمكنه إعادة الأعمال قبل زوال الشمس من يوم عرفة بطلت عمرته وعليه كفارة

(۴) ص ۱۲۲

(۳) کتبی .

(۲) کتبی.

(۱) کتبی.

(۵) الصراط، ج ۲، ص ۲۳۶ (۶) مجمع، ص ۴۷۹.

بدنة على الأحوط وهكذا الحكم فيما علم البطلان عند الوقوف بعرفات.^١
 مؤلف: آية الله سيستانی شش صورت تصویر کرده که به دو صورت اشاره شد.
 السيد الشيرازي: اگر مقداری از طواف را سهواً ترک کند یا به شکل غیر
 صحیح به جا آورد صور مختلف دارد چنانچه در ترک اصل طواف ذکر شد و
 ملخصاً اگر در وطن یادش آمد باید در صورت امکان خودش والا با استنا به
 کسری را به عمل آورد.^٢
 منه أيضاً: کسی که از داخل حجر دور زده، همان را تکمیل کند کافی است و
 لازم نیست استیناف کند.^٣

* * *

الشيخ البهجت: همان طواف و سعی را انجام دهد و به احتیاط وجوبی عمره
 مفردة هم به جا آورد (ورقه ویژه).
 الشيخ التبريزي: س: ما حکم من علم ببطلان طوافه أو سعيه لعمره التمتع
 بعد زوال يوم التاسع وهو في عرفة؟ ج: في مفروض السؤال بطلت عمرته وعليه
 إعادة الحج من قابل ولكن الأحوط أن يعدل إلى حج الأفراد ويتمه بقصد الأعم من
 الحج والعمره المفردة.^٤

الشيخ الفاضل: مثل قول السيد الغلپایگانی.^٥
 الشيخ الوحيد: أقول: صورت ترک طواف را متعرض است، ولی صورتی که
 بعد بفهمد باطل بوده، چه در عمره و چه در حج، متعرض نشده اند.^٦
 الشيخ النوري: بعد از حج فهمید که چند دور از طواف را در عمره از داخل
 حجر انجام داده است حج او صحیح است و باید طواف را اعاده کند.^٧

(٣) ٢٢٢

(٢) ص ٩٥، م ٣٧٦

(١) ص ١٠٧

(٤) الصراط، ج ٢، ص ١٥٠٥ و کذا فی ج ٣، ص ١٧١ (٥) ص ٨٣ حول الحج. (٦) ص ١٣٥

(٧) ص ١٨٦

تبدل شک به یقین در طواف و سعی

الإمام الخميني: اگر طواف یا سعی را در حال شک ادامه داد و بعد یقین به صحت پیدا کرد اشکال ندارد و طواف و سعی صحیح است.^۱

السید الخوئی: در فرض مسأله وظیفه‌اش از سر گرفتن سعی است و سعی در حال شک و ادامه آن صحیح و مجزی نیست.^۲

السید گلپایگانی: در صورتی که در سعی شک او مبتدل به یقین بشود و احراز عدد اشواط نماید و سعی را به رجاء کشف حال ادامه داده است، سعی او صحیح است و اما راجع به طواف اگر از دلیل طواف لزوم حفظ هر شوط استفاده شود، حکم به صحت مشکل است والا صحت بعید نیست.^۳

السید سیستانی: س: إذا أكمل سعيه متردداً في صحته أو شاكاً في عدد الأشواط ثم تيقن بصحته وعدم نقصان فيه ولا زيادة فهل يصح عمله؟

ج: الظاهر صحته.^۴ وفي آخر مناسكه ص ۳۷۷: إذا أتى بمقدار من شوط في الطواف أو السعي وهو في حال الشك في العدد فلا مانع من الإستمرة مع وجود الشك فيما لو ارتفع الشك بعد ذلك.

السید الشیرازی: صحیح است طواف و سعی.^۵ یقین به عدد اشواط در اثناء بعد از تردید و شک و یا یقین به عدد بعد از طواف محکوم به صحت است.

* * *

الشیخ البهبهت: با فرض تبدل به یقین محکوم به صحت است.^۶

الشیخ التبریزی: الأحوط إعادته بعد صلاة الطواف.^۷ و در مورد سعی هم فرموده: در صورت شک در اشواط یستأنف علی الأحوط ولو تيقن بعد بعدم

(۴) ص ۱۱۸

(۳) شاهی.

(۲) کتبی.

(۱) ص ۱۲۵

(۷) م ۱۴۷ فی الملحق.

(۶) کتبی؛ وفي المناسك مفرقات، ص ۱۵

(۵) م ۴۶۶

النقصان والزيادة.^١

الشيخ الفاضل: نباید در حال شک به طواف ادامه دهد، بلکه باید تروی کند
اگر اطمینان به یک طرف حاصل شد و الا باید طواف را از سر بگیرد.^٢
الشيخ الوحيد: متعرض فرع نیست.

المعذور من الطهارة المائية

الإمام الخميني: واجب است تیمم کند بدل از وضو یا بدل از غسل.^٣
السيد الخوئي: با عدم تمکن از وضو باید تیمم کند.^٤
السيد الكلبايگاني: احتیاط واجب آن است که صبر کند تا عذرش برطرف
شود و اگر عذرش تا تنگی وقت برطرف نشد، باید بدل از وضو یا غسل تیمم کند
و کسی که تیمم بدل از غسل جنابت کرده، بعد از آن که خودش طواف را به جا
آورد، احتیاطاً نائب هم بگیرد.^٥
السيد السيستاني: وإذا لم يتمكن المكلف من الوضوء لعذر فمع اليأس من
زواله يتيمم ويأتي بالطواف.^٦ وعلى المجنب الإغتسال للطواف ومع تعذر الإغتسال
واليأس من التمكن منه يجب الطواف مع التيمم والأحوط الأولى الاستنابة أيضاً.^٧
السيد الشيرازي: کسی که از وضو و غسل معذور است، اگر امید دارد که
عذرش برطرف شود، بنابر احتیاط باید صبر کند تا وقتی که امیدش قطع شد
آن وقت به جای وضو و یا غسل تیمم کند.^٨

* * *

الشيخ البهبهتي: بر حائض و نفساء بعد از انقضاء عادت و همچنین جنب باید

(٢) ٢٩١م

(٣) ص ١١٠

(٤) ٦٠٠م

(١) ٩٥٠م

(٨) ٣٧٩م

(٧) ص ١٤٧

(٦) ص ١٤٦

(٥) ص ٦٣

برای طواف غسل کنند و چنانچه توانایی بر غسل نباشد، با تیمم طواف کند و اگر مکلف نتواند وضو بگیرد، باید تیمم کند.^۱

منه أيضاً: المعذور يكتفي بطهارته العذرية كالمجبور والمسلوس والمستحاضة ويتطهر للطواف كما يتطهر للصلاة أما المبطلون فعليه الاستنابة في الطواف.^۲

الشيخ التبريزي^۳: المعذور يكتفي بطهارته العذرية كالمجبور والمسلوس.^۴
الشيخ الصافي: واجب است صبر کند تا عذرش برطرف شود و اگر عذرش تا تنگی وقت برطرف نشد، باید تیمم کند بدل از غسل یا وضو به طوری که در نماز عمل می‌کند و کسی که تیمم بدل از غسل جنابت کرده بعد از آن که خودش طواف کرد، احتیاطاً نائب بگیرد.^۵

الشيخ الفاضل: نفس العبارة للإمام^۶ ولكن با تعليق جملة (و وقت طواف تنگ شود).

اگر عذر داشته باشد از وضو و غسل واجب است تیمم کند بدل از وضو یا بدل از غسل.

الشيخ المكارم: نفس العبارة مع إضافة (ونتواند صبر کند تا عذر برطرف شود).
الشيخ النوري: حاشیه ندارد.

طرق الحدث أثناء الطواف

الإمام الخميني^۷: اگر در اثناء طواف حدث اصغر عارض شود، اگر بعد از چهار باشد، طواف را قطع و پس از طهارت باقی را تکمیل می‌کند و اگر پیش از چهار باشد، احتیاط واجب آن است که بعد از اتمام اعاده کند.^۸

(۴) ص ۷۸

(۳) ص ۱۴۴

(۲) ص ۱۱۸

(۱) ص ۱۰۳

(۵) ص ۱۰۹، طبع پنجم.

السید الخوئی^۱: محصل ضرر: قبل از نصف باطل و بعد از چهار و بدون اختیار صحیح و باقی را بیاورد.

صورت دیگر: بعد از نصف و قبل از تکمیل چهار یا بعد از تمامی چهار و با حال اختیار که در این دو صورت احتیاط تکمیل است و بعد اعاده اصل طواف؛ یک طواف به قصد اعم از تمام و اتمام.^۱

السید الگلپایگانی^۲: اگر در اثناء، بی اختیار غسل یا وضوی او باطل شود یا عذر دیگری پیش آید اگر بعد از شوط چهارم باشد، بعد از رفع عذر همان را تکمیل کند از محل قطع و اگر پیش از چهار باشد، اگر به نصف نرسیده باطل است و باید از سر بگیرد و اگر به سه شوط و نیم رسیده و به چهار نرسیده احتیاط اتمام و دو رکعت نماز و اعاده اصل طواف و نماز است.^۲

السید السیستانی: ۱- قبل از شوط رابع باطل است ولو این که حدث بعد از بلوغ نصف عارض شود. ۲- بعد از شوط رابع و بدون اختیار عارض شود که تکمیل کافی است. ۳- بعد از شوط رابع و با اختیار که احتیاط اتمام است و بعد اعاده.^۳

السید الشبیری: اگر در اثناء طواف محدث به حدث اصغر و یا اکبر شود اگر قبل سه و نیم باشد، پس از قطع و تحصیل طهارت طواف را استیناف می کند و اگر بین سه و نیم و چهار باشد اتمام و اعاده است بنا بر احتیاط واجب، و اگر بعد از چهار باشد اتمام می کند.^۴

الشیخ البهجت: صور مختلف: ۱- پیش از نصف باطل. ۲- بعد از نصف و از روی سهو و غفلت، همان را تکمیل کند. ۳- بعد از تجاوز از نصف و از روی عمد

باشد که ادامه محل تأمل است، باید از سر بگیرد.^۱
 الشيخ التبریزی رحمه الله: المشهور إذا كان قبل تمام أربعة أشواط بطل طوافها وإذا كان بعده صح ما أتت به ووجب عليها إتمامه بعد الطهر والإغتسال، والأحوط في كلتا صورتين أن تأتي بطواف كامل تنوي به الأعم من التمام والإتمام إذا وسع الوقت وإلا سعت وقصرت وأحرمت للحج ثم تقضي بعد الرجوع من منى قبل طواف الحج.^۲

الشيخ الوحيد: صور أربع: ۱- قبل از نصف باطل. ۲- بعد از چهار و بدون اختیار همان را تکمیل می‌کند. ۳- بعد از نصف و قبل از چهار بدون اختیار احوط تکمیل همان و اعاده است و یک طواف بقصد اعم از تمام و اتمام کافی است. ۴- بعد از نصف و قبل از چهار مع الاختیار، الأقوی البطلان.^۳
 أقول: مرحوم آقای خوئی درباره مبطلون احتیاط کرده‌اند که علاوه بر انجام خود مبطلون، استنابه هم بکند برای طواف و نماز.

وظیفه مستحاضه

الإمام الخميني رحمه الله: باید بر طبق وظیفه فرائض یومیه عمل کند.^۴
 السيد الخوئي رحمه الله: وظیفه او در طواف همان وظیفه او در نماز.^۵
 السيد گلپایگانی رحمه الله: به نحوی که در نماز عمل می‌کند در طواف نیز عمل نماید.^۶

السيد السيستاني: أمّا المستحاضة فالأحوط لها أن تتوضأ لكل من الطواف وصلاته إن كانت قليلة، وأن تغتسل غسلاً واحداً لهما وتتوضأ لكل منهما إن كانت

(۲) کتبی

(۳) ص ۱۱۸

(۲) ص ۱۴۲

(۱) ص ۱۰۳

(۶) شفاهی

(۵) کتبی

الاستحاضة متوسطة وأما الكثيرة فتغتسل لكلّ منهما من دون حاجة إلى الوضوء إن لم تكن محدثة بالأصغر وإلا فالأحوط الأولى ضم الوضوء إلى الغسل.^١

منه أيضاً: مضطربه باید به عادت خویشان خود مراجعه کند و اگر ممکن نباشد عددی بین سه و ده روز را برای خود حیض قرار دهد.^٢

السید الشیرینی: مستحاضه اگر وظایف خود را نسبت به نمازهای یومیه انجام داد و نماز خواند و بدون فاصله مشغول طواف شد، اگر مطمئن باشد که پس از نماز تا پایان طواف خون از او خارج نشده، لازم نیست وظایف خود را تجدید کند.^٣ و در مسأله ٣٩٩ فرموده: اگر مستحاضه بین طواف و نماز او فاصله نیفتد، می تواند نماز طواف را با همان حال بخواند، در صورتی که مطمئن باشد که پس از طواف تا پایان نماز خونی نیامده.

منه أيضاً: زنی که چند ماه خون دیده ولی عادت معنی پیدا نکرده یا عادتش از بین رفته اگر بیشتر از ده روز خون یک رنگ ببیند اگر تمام خونها زرد رنگ یا قرمز روشن بود همه استحاضه است و اگر همه سیاه و یا قرمز تیره بود باید به مقدار عادت بعضی از خویشان حیض قرار دهد و بنابر احتیاط مقدار عادت را از اول خونی که می بیند قرار دهد و اگر خویشان عادت معینی نداشته عادت خود را شش روز یا هفت روز قرار دهد.^٤

* * *

الشیخ البهجت: المعذور یکتفی بطهارته العذریة كالمجبور والمسلس والمستحاضة یتطهر للطواف كما یتطهر للصلاة أما المبطون فعليه الاستنابة فی الطواف.^٥

(٢) توضیح ص ١٢٤

(٣) ٣٩٧م

(٢) توضیح ص ١٠٧

(١) ص ١٥٠، ٢٩٦م

(٥) ص ١١٨

الشيخ التبريزي^١: وأما المستحاضة فالأحوط لها أن تتوضأ لكل من الطواف وصلاته إن كانت قليلة وأن تغتسل غسلاً واحداً لهما وتتوضأ لكل منهما إن كانت متوسطة وأما الكثيرة فتغتسل لكل منهما والأحوط ضمّ الوضوء إلى الغسل.^٢

الشيخ الفاضل: عبارت مناسک مرحوم امام^٣: آیا نماز و طواف برای زن مستحاضه یک حکم دارند یا هر کدام از طواف و نماز جدا و مستقل هستند؟ ج امام^٤: مستقل هستند؛ و الشيخ الفاضل حاشیه ندارند.^٥

الشيخ المكارم: ارجاع داده‌اند به فرع ٨٩ و در آن فرع فرموده‌اند: مستحاضه كثره هنگامی که غسل‌های نماز خود را به موقع به جا آورد غسل دیگری برای طواف بر او واجب نیست، تنها وضو می‌گیرد بنا بر احتیاط.^٦

الشيخ النوري: با نظر امام^٧ موافق است.^٨
الشيخ الوحيد: أما المستحاضة فإن كانت قليلة يجب عليها الوضوء لكل من الطواف والصلاة، وإن كانت متوسطة يجب عليها الغسل والوضوء والأحوط وجوباً الوضوء لكل منهما وإن كانت كثيرة فعليها الغسل والأحوط وجوباً أن تغتسل لكل منهما من دون حاجة إلى الوضوء وإن كانت محدثة بالأصغر.^٩

وظیفه حائض با قرص جلوگیری

الإمام الخميني^{١٠}: اگر سه روز ولو در باطن مستمر نباشد به احکام استحاضه عمل کند و طواف و نماز او صحیح است.^{١١}

السيد الغلپایگانی^{١٢}: س: زنی که به واسطه خوردن قرص یا تزریق آمپول جلو عادت زنانه را گرفته، لکن در ایام عادت روزی یک لحظه خون می‌بیند

(١) ص ١٢٥، ٢٩٦ (٢) محشی، ص ٢٢٩ (٣) محشی، ص ٢٢٢ (٤) محشی، ص ٢٢٢

(٥) ص ١٢٢ (٦) مجمع، ص ٢٧٢

چیست؟ ج: با انجام اعمال مستحاضه، طواف و نماز او صحیح است.
السید السیستانی: لا یجری علی الدم المتقطع فی مفروض السؤال (دواء استعمال کرده) حکم دم الحیض بل یجری علیه دم الاستحاضة بلا فرق بین کونه بصفة الحیض أو لا.^۱

السید الشبیری: خونی که در ایام عادت می بیند هرچند سه روز مستمر نباشد و صفات حیض را نیز نداشته باشد، حکم حیض دارد (مثلاً به وسیله قرص جلوگیری کرده باشد).^۲

* * *

الشیخ البهجت: إذا انقطع الدم بالعلاج المذكور فلیس بحائض.^۳
الشیخ الفاضل: عبارت امام علیه السلام در مناسک: بعضی خانم ها به جهت خوردن قرص، نظم عادت ماهانه شان به هم می خورد و در مدت طولانی خون و لک می بینند؛ وظیفه آنان چیست؟ فرموده: اگر خون سه روز استمرار داشته باشد، ولو این که در باطن باشد و شرایط حیض را داشته باشد، محکوم به حیض است و الا محکوم به استحاضه است.^۴

... اگر سه روز متوالی خون نبیند حکم حیض ندارد اگرچه در ایام عادت باشد و روزه اش صحیح و اعمال حج را می تواند انجام دهد و این خون احکام استحاضه را دارد.^۵

الشیخ المکارم: با نظر امام موافق است که اگر در باطن فرج هم سه روز به طور مستمر آلوده باشد، محکوم به حیض است.^۶
الشیخ النوری: با نظر امام موافق است.^۷

(۴) محشی، ص ۲۳۷

(۳) م ۱۷۱

(۲) ص ۱۰۲ و ۱۰۳

(۱) ملحق، ص ۹۲

(۷) محشی، ص ۲۳۰

(۶) محشی، ص ۲۲۳

(۵) الجامع، ص ۶۳

طواف زن مضطربه

سؤال از آیه الله خوئی^{ره}: زنی که پنجاه سال یا شصت سال قمری را به پایان رسانده و باز خون می بیند به اوصاف حیض در غیر ایام عادت تکلیف او در نماز و طواف چیست؟

جواب: از پنجاه سال تا تمام شدن شصت سال در فرض مزبور لازم است احتیاط یعنی جمع کند بین اعمال مستحاضه و تروک حائض یعنی نمازهای یومیه و روزه ماه مبارک رمضان را با اعمال مستحاضه بجا آورد و فقط بعداً روزه را قضا کند به قدر ایام اوصاف حیض که دیده و اما طواف پس اگر ممکن است تا پاک شدن صبر کند صبر کند و اگر ممکن نشد آن را هم در طواف واجب با اعمال مستحاضه بجا آورد و نائب هم برای طواف بگیرد.^۱



الشیخ البهبخت: مضطربه زنی که چند ماه خون دیده ولی عادت معینی پیدا نکرده اگر بیشتر از ده روز خون ببیند و همه یک جور باشد به عادت خویشان که عادت مشخص دارند مراجعه کند و اگر فقط چند روز نشانه حیض و چند روز نشانه استحاضه دارد در یک صورت تمام آن حکم حیض و در صورت دیگر باید بنابر احتیاط تا هفت روز را حیض قرار دهد و فی الجامع: اگر اقارب اختلاف داشتند احوط در غیر مستقره و ناسیه و متحیره اختیار هفت روز است.^۲

الشیخ التبریزی^{ره}: اگر بیش از ده روز خون ببیند و تمام دارای نشانه های حیض باشد شش روز یا هفت روز را حیض قرار دهد و بقیه را استحاضه و در فرض مزبور اگر چند روز آن نشانه حیض و چند روز دیگر نشانه استحاضه دارد اگر آنچه نشانه حیض دارد کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نباشد تمام آن

حيض است.^١

الشيخ الصافي: در فرض که بیشتر از ده روز خون ببیند و عادتش بهم خورده به عادت خویشان مراجعه کند چه عادت آنها هفت روز باشد یا کمتر یا بیشتر و اگر خویشان عادت ندارند یا مختلف باشند سه روز یا ۶ روز یا هفت روز را عادت و بقیه را استحاضه قرار دهند.^٢

الشيخ الفاضل: المضطربة تعين أيام حيضها بما ذكرناه في الرسالة العملية في أحكام الحائض فتحيض في تلك الأيام وتطوف في غير تلك الأيام مع مراعاة أحكام الاستحاضة.^٣

الشيخ الوحيد: زنی که عادتش بهم خورده اگر بیش از ده روز خون ببیند و همه دارای نشانه حیض باشد به عادت خویشان خود از شش روز یا هفت رجوع نماید و باقی را استحاضه و اگر عادت خویشان کمتر از این باشد مثلاً پنج روز باشد همان پنج روز را عادت حیض قرار دهد و تفاوت مابین پنج روز تا ۶ و ۷ را احتیاط کند به جمع بین تروک حائض و افعال مستحاضه.^٤

احتیاط یائسه بعد از پنجاه سال

س: آیا قرشیه و غیر قرشیه بعد از پنجاه سال تا شصت سال احتیاط کند به جمع بین تروک حائض و اعمال مستحاضه؟ در طواف چکار کند؟
السید السیستانی: في تعليقه على العروة قال السيد: واليائس يبلوغ سنين سنة في القرشية. قال دام ظله: بل مطلقاً على الأقوى وإن كان الأحوط في غير القرشية الجمع بين تروك الحائض و أفعال المستحاضة بعد بلوغها خمسين.^٥

(١) للفرع، توضیح ٩٠ (٢) توضیح ص ١٠٠ (٣) جامع المسائل ٧٥٨ م (٤) توضیح ص ٢٦٢

(٥) الجزء الاول ص ٢٢٥

السید الشیرازی: به نظر اینجانب قرشیه در شصت سال و غیر قرشیه در پنجاه سال یائسه می‌شود و احتیاط مزبور مشروع نیست.^۱

الشیخ البهجت: فرقی نیست.^۲

الشیخ التبریزی: به مقدار لازم برای طواف و نماز داخل مسجد شود و برای آن نائب هم بگیرد و در فرض امکان تأخیر باید اعمال را تأخیر بیندازد و اگر در طواف عمره تمتع باشد چنانچه در هنگام احرام بستن اینگونه باشد و تا آخر وقت ادامه پیدا کند طواف و نماز و سعی و تقصیر را رجاء بجا آورد و به نیت حج تمتع رجاء محرم شود و اعمال حج را به نیت ما فی الذمه بجا آورد و قبل از طواف حج احتیاطاً طواف و نماز عمره را اعاده کند و پس از اعمال حج احتیاطاً عمره مفرده بجا آورد و اگر پس از احرام خون دیده طواف و نماز عمره را رجاءاً بجا آورد و قبل از طواف حج تمتع طواف و نماز آن را احتیاطاً اعاده کند.^۳

الشیخ الصافی: در مورد قرشیه به نظر حقیر جای احتیاط نیست و به طور کلی در هر موردی که قائل با احتیاط شدیم وظیفه مردد است بین اتمام عمره تمتع به ورود در مسجد الحرام و انجام طواف و نماز طواف و سعی و تقصیر و سپس احرام برای حج تمتع و یا بقا بر همان احرام که به عنوان عمره انجام داده و قصد حج افراد و رفتن به عرفات و انجام سایر مناسک تا طواف نساء و نماز آن و سپس انجام عمره مفرده با طواف نساء و نماز آن و چون اکتفا به یکی از این دو صورت اکتفا بامثال احتمالی است و هر چند در صورت اولی مخالفت احتمالی نیز هست مع ذلک به نظر می‌رسد چون عمل با احتیاط و یقین بامثال واجب با ارتکاب مخالفت احتمالی پلحاظ ورود در مسجد الحرام ممکن است و تعیین

صورت ثانيه تحرّزاً عن الوقوع في مخالفة الحرام الاحتمالي معلوم نیست و تحصيل قطع بامتنال واجب بارتکاب حرام احتمالی مقدم بر اکتفا بامتنال احتمالی است باین ملاحظه وظیفه این است که عمره را با دخول در مسجدالحرام و طواف و نماز بقصد احتیاط تمام کند و بقصد حج تمتع احتیاط محرم شود و اعمال حج را بقصد ما فی الذمه اعم از حج تمتع یا افراد تمام کنند و قربانی نماید و سپس احتیاطاً عمره مفرده بقصد ما فی الذمه بجا آورد.^۱

الشیخ الفاضل: ملخص دو مسأله توضیح المسائل:

زنهای سیده در شصت سالگی و زنهای غیرسید در پنجاه سالگی یائسه می شوند یعنی خونی که بعد از این سن می بیند خون حیض نیست.

و در مسأله ۴۴۰: زنی که شک دارد یائسه شده یا نه اگر خونی ببیند و نداند حیض است یا نه بنا گذارد که یائسه نشده.^۲

الشیخ الوحید: زن بعد از تمام شدن شصت سال یائسه می شود و چنانچه خونی ببیند حیض نیست و احتیاط واجب آن است بعد از تمام شدن پنجاه سال تا تمام شدن شصت سال جمع کند بین احکام یائسه و غیر یائسه چه قرشیه باشد و چه غیر قرشیه.^۳

حیض در اثناء طواف

الإمام الخميني: اگر پیش از شوط چهارم باشد باید بعد از غسل طواف را اعاده کند با وسعت وقت و با ضیق وقت قبل از چهار جای عدول به حج افراد است و بعد از چهار عمره صحیح است، باقی را بعد از اعمال منی قبل از طواف حج یا بعد از آن بجا آورد.^۴

السید الخوئی^۱: مشهور آن است که پیش از نصف باطل و بعد از نصف مأتی به صحیح است و باقی را بعد از غسل تدارک نماید ولی احوط این است که بعد از پاکی در هر دو صورت یک طواف بقصد اعم از تمام و اتمام بجا آورد، این در صورت وسعت وقت است و اگر وقت ضیق باشد سعی و تقصیر نموده و پس از اعمال منی قبل از طواف حج یک طواف به قصد اعم از تمام و اتمام برای عمره بجا آورد.^۱

السید الغلهایگانی^۲: اگر حیض بعد از شوط چهارم باشد عمره او صحیح است پس سعی و تقصیر می نماید و پس از اعمال منی و رجوع به مکه و انجام طواف حج، باقیمانده طواف عمره را بجا آورد.

السید السیستانی: إن كان قبل إتمام الشوط الرابع بطل، وحكمها العدول إلى الأفراد أو الإتيان بالسعي والتقصير وقضاء الطواف بعد الحج مع ضيق الوقت - وإذا كان بعد الشوط الرابع صح ما أتت به وجب عليها إتمامه مع سعة الوقت و مع الضيق سعت وقصرت وأحرمت للحج ولزمها الإتيان بقضاء ما بقي من طوافها بعد الرجوع من منى و قبل طواف الحج^۳.

السید الشبیری: تلخیص از مسأله ۱۰۴ اگر احرام عمره تمتع بسته و در اثناء حیض عارض شد سعی را بر طواف مقدم می دارد و تقصیر می کند و لازم نیست مأیوس باشد از طهارت تا آخر وقت پس اگر قبل از فوت وقت عمره پاک شد طواف و نماز عمره تمتع را بجا آورد و اگر پاک نشد پس از مراجعت از منی قبل از طواف حج طواف عمره و نماز آن را بجا می آورد.^۴

(علی الظاهر) این عمل به عنوان عمره تمتع صحیح و مجزی است، نه از باب تبذل به حج افراد.^۴

الشيخ البهجت: پیش از نصف باطل و بعد از نصف (مأتی به) صحیح است باقی را بعد از غسل بجا آورد با وسعت وقت و احوط یک طواف به قصد اعم از تمام و اتمام، و اگر وقت ضیق است سعی و تقصیر نموده و برای حج محرم شود و کسری طواف را بعد از رجوع از منی قبل از طواف حج بجا آورد.^۱

الشيخ الوحيد: إن كان قبل إتمام الشوط الرابع، بطل طوافها و حكمها على الأحوط الوجوبي إنقلاب حجها إلى الأفراد وبعد الشوط الرابع وسعة الوقت فالأقوى عدم صحة ما أتت به وعليها الإستيناف وإن لم يسع الوقت فالأحوط أن تسعى و تقصر و تحرم للحج بقصد ما في ذمتها من الأفراد و التمتع فتأتي بما يجب على المتمتع وبعد الرجوع من منى تقضي ما بقي من طوافها قبل طواف الحج و بعد إتمام حجها تأتي بعمره مفردة.^۲

أقول: در فرضی که باید طواف را بعد از اعمال منی بجا آورد نظرها مختلف است مرحوم امام می فرماید: قبل از طواف حج با بعد از طواف حج بجا آورد و ظاهراً تخییر است مرحوم السید الخوئی می فرماید: قبل از طواف حج، الشيخ البهجت می فرماید: قبل از طواف حج، ظاهراً آیه الله گلپایگانی: بعد از طواف حج، آیه الله تبریزی: قبل از طواف حج، آیه الله سیستانی: قبل از طواف حج، آیه الله وحید: قبل از طواف حج.^۳

حكم الدم بعد اليأس

فی العروة: و يشترط أن يكون بعد البلوغ و قبل اليأس فما كان قبل البلوغ أو بعد اليأس ليس بحيض وإن كان بصفاته و البلوغ يحصل بإكمال تسع سنين و اليأس ستين سنة في القرشية و خمسين في غيرها.^۴

السید الخوئی: (فیه إشکال) والأحوط لها الجمع بين تروك الحائض وأفعال المستحاضة فيما بين الحدين.

السید السیستانی: خونی که پس از تمام شدن شصت سال می بینند حکم حیض ندارد و احتیاط مستحب برای زن های غیر قرشیه بعد از پنجاه سال تا تمام شدن شصت سال احتیاط به جمع بین تروک حائض و افعال مستحاضه است.^۱

السید الشبیری: زن های قرشیه بعد از تمام شدن شصت سال و غیر قرشیه بعد از پنجاه سال یائسه می شوند.^۲ و در ص ۱۰۳ زنی که شک دارد یائسه شده یا نه باید بنا بگذارد که یائسه نشده و زنی که بین پنجاه و شصت است و نمی داند قرشی است یا غیر قرشی حکم زنی را دارد که از پنجاه نگذشته است.^۳



الشیخ البهجت: زن های سیده بعد از تمام شدن شصت سال قمری شرعی و زن های غیر سیده بعد از تمام شدن پنجاه سال یائسه می شوند یعنی خون حیض نمی بینند. خونی که زن بعد از یائسه شدن می بیند حیض نیست.^۴

الشیخ التبریزی: خونی که دختر قبل از تمام شدن نه سال و زن بعد از یائسه شدن می بیند حیض نیست و... زنانی که سیده نیستند بعد از تمام شدن پنجاه سال تا تمام شدن شصت سال و نیز زن های سیده تا شصت سال اگر با نشانه های حیض یا روزهای عادت خود خون ببینند احتیاط کنند.^۵

الشیخ الصافی: زنان سیده بعد از تمام شدن شصت سال یائسه می شوند یعنی خون حیض نمی بینند و زنانیکه سیده نیستند بعد از تمام شدن پنجاه سال یائسه می شوند.^۶

(۳) مسأله ۴۴۵

(۲) توضیح ص ۱۰۲

(۱) ص ۹۱

(۶) ص ۸۵

(۵) توضیح ص ۷۸

(۴) ص ۶۴ (هر چند صفات حیض باشد) شفاهی.

الشيخ الفاضل: نظر ایشان مانند آقای یهجت و آقای سیستانی بدون احتیاط در بین ۵۰ و ۶۰.

الشيخ المكارم: زنان سیده و غیرسیده هر دو بعد از تمام شدن پنجاه سال یائسه می‌شوند یعنی اگر خونی ببینند خون حیض نیست مگر زنانی که از قبیله قریش باشند که آنها بعد از تمام شدن شصت سال یائسه می‌شوند.^۲
الشيخ الوحيد: محتاج به مراجعه است.

حج بدون طهارت مع النسيان

الإمام الخميني: در فرض نسيان حج او صحيح و طواف بر عهده او است و اگر خود قادر نیست نایب بگیرد و تا طواف ولو بواسطه نائب انجام نشده در احرام باقی است مگر اینکه عمره مفرده‌ای انجام دهد که مشتمل بر طواف نساء است.^۳
السيد الغلپایگانی: در فرض مسأله که صورت نسيان غسل است حج او صحيح است ولی باید طواف عمره و نماز آن و طواف حج و نماز آن را قضا کند هر چند در ماه ذیحجه نباشد و اگر متمکن نیست نایب بگیرد و احتیاطاً سعی را هم بعد از هر طواف بجا آورد و باید از زن خودداری کند تا اتمام طواف‌ها و چون طواف نساء وقت موسع دارد اگر ممکن است خودش برود به مکه و اگر ممکن نیست نایب بگیرد.^۴

السيد السيستاني: في الفرض طوافه و صلاته للنسكين باطلة و حكمه حكم ناسي الطواف فإن تيسر له القضاء بنفسه قضاها وإلا استتاب.^۵
السيد الخامنئي: يجب عليه إعادة الأعمال المشروطة بالطهارة أي

الطوافان و صلاتهما.^۱

السید الشیرینی: اگر اصل طواف را فراموش کرد یا به نحو غیر صحیح انجام داد جهلاً و به وطن آمده اگر ممکن است خودش طواف و نماز را تدارک کند و الا نایب بگیرد برای طواف نماز.^۲

* * *

الشیخ البهجت: شفاهی فرمودند: تدارک طواف و نماز کافی است.
 الشیخ الصافی: فرع ۳۷۸ و ۳۹۵ ملاحظه شود.
 الشیخ الوحید: تدارک طواف و نماز در صورت نسیان کافی است.^۳

طواف مستحبی با اصطکاک با نامحرم

السید الخوئی: لا يجوز للمرأة والرجل الطواف المستحب وتقيل الحجر مع إستلزامه اللبس الحرام^۴
 الشیخ التبریزی: وافق المتن.

. فرع

شخصی به قصد عمره مفرده مستحبی به نیت معصومین علیهم السلام احرام بست و محرم گردید بعد مردد شد که شاید احرام برای چند نفر صحیح نباشد مجدداً محرم شد به نیابت حضرت امام عسکری علیه السلام و اعمال را به قصد حضرت عسکری بجا آورد آیا این عمل صحیح است یا نه؟
 السید الشیرینی: صحیح است.

* * *

الشیخ التبریزی^۱: صحیح است احرام دوم باطل است و احرام اول او صحیح بوده و افعال را به قصد وظیفه انجام داده از قبیل خطا در تطبیق بوده و اشکالی ندارد. آقای نیری: الشیخ الصافی اشکال کرده است و فرموده است برای خروج از احرام اعمال را انجام دهد. الشیخ المکارم: صحیح است.

فرع

س: صدق زنی در عقد نکاح یک حج قرار داده شده و زن قبل از اینکه موفق به حج بشود فوت نموده است آیا حج برای زوجه متوفی لازم است یا نه؟ و در صورتی که حج واجب نباشد هزینه حج ملک ورثه زوجه است یا تفصیل است بین صورتی که می توانسته حج بجا آورد و اهماًل ورزیده و صورتی که برای او این فرصت بدست نیامده؟

الشیخ البهبهت: هزینه حج در ذمه زوج ثابت شده اگر حج مستقر شده باید برای او حج بجا آورند والا منتقل می شود به ورثه زن.^۱

الشیخ التبریزی^۲: تمام تعهدات مالی مبدل می شود بذمه و علی فرض تمکن و تسویف حج مستقر شده و باید حج برای او بجا آورند حج میقاتی و علی فرض عدم تمکن ملک ورثه است و حج لازم نیست.^۲

اگر رعایت ستر نشد طواف چه حکمی دارد

الإمام الخميني^۳: اگر عمدی باشد طواف صحیح نیست علی الأحوط و در غیر مورد عمد صحیح است مگر در جاهل مقصر علی الأحوط.^۳

السيد الخوئي^١: حالت مزبور باعث عدم صحت طواف نیست.^١ وفي الصراط: الإحتياط اللازم الستر.

السيد گلپایگانی^٢: س: اگر موی سر یا بعضی مواضع گردن نمایان باشد طواف او چه حکمی دارد؟

ج: اگر تعمد نباشد اشکال ندارد و در صورت تعمد فعل حرام بجا آورده ولی موجب بطلان طواف نمی شود.^٢

السيد السيستاني: الإخلال بشيء من الشعر أو الفصد أو الساق لا يخلّ بصحة طوافها على الأظهر وإن كان الأحوط لها أن تراعي حدود الستر الصلّاتي جميعاً.^٣ السيد الخامني: لا إشكال في طوافها وإن فعلت حراماً.^٤

السيد الشيرازي: برای بانوان پوشاندن مواز نامحرم واجب است ولی شرط صحت طواف نیست پس اگر بدون عذر نپوشانند مرتکب گناه بزرگی شده اند ولی طوافشان صحیح است.^٥ و در فرع بعدی داشتن حجاب شرط صحت طواف نیست.



الشيخ البهبهتي: يعتبر ستر العورة حال الطواف على الأحوط بل الأقوى.^٦ الشيخ التبريزي^٧: اگر اختیاراً طواف را در حال آشکار بودن مو انجام دهد باحتیاط واجب اعاده کند.^٧

الشيخ الفاضل: حکم عورة المرأة في الطواف حکمها في الصلاة.^٨ الشيخ الوحيد: على الظاهر موافق است با نظر آية الله خوئي^٩.

(٣) ص ١٠٣ ملحق

(٢) شفا می

(١) کتبی و فی الصراط ج ٣ ص ١٦٧

(٧) ص ٢٩

(٦) ص ١٢١

(٥) فرع ص ٢٦٤

(٢) ص ٣٠

(٨) حول الحج ص ٧٩ (٩) شفا می

وظیفه مسلوس و مبطون

الإمام الخميني: اگر در طواف و نماز طواف رعایت وظیفه‌ای که برای وضو و نماز دارید بنمایید حج شما صحیح است.^۱

منه أيضاً: درباره مبطون احوط آن است که در صورت تمکن هم شخصاً طواف کند و هم برای طواف نائب بگیرد.^۲

السید الخوئی: مسلوس به دستور نماز عمل می‌کند و احوط برای مبطون در صورت تمکن خود طواف کند و نائب هم بگیرد.^۳

السید الگلپایگانی: حکم مسلوس در طواف حکم نماز است ولی برای مبطون احتیاط آن است که خودش طواف کند و نایب هم بگیرد.^۴

السید السیستانی: المعذور یکتفی بطهارته العذریة کالمجبور والمسلوس والمبטون وإن کان الأحوط للمبטون أن یجمع مع التمكن بین الإتيان بالطواف وركعتيه بنفسه و بین الاستنابة لهما.^۵

السید الشبیری: شفاهی فرمودند: نظر من با نظر آیه الله خوئی یکی است به نحوی که در عبارت بالا مرقوم شد.

* * *

الشیخ البهجت: کسی که سلس دارد به همان دستوری که برای نماز خود طهارت می‌گیرد برای طواف نیز کافی است و اما مبطون باید برای طواف نایب بگیرد.^۶

الشیخ التبریزی: المعذور یکتفی بطهارته العذریة کالمجبور والمسلوس أما المبטون فالأحوط أن یجمع مع التمكن بین الطواف بنفسه والاستنابة.^۷

(۴) مجمع ج ص ۲۶۹

(۳) مسأله ۲۲۹

(۲) م ۲۹۹

(۱) ص ۱۴۰

(۷) ص ۱۴۴ م ۲۹۶

(۶) ص ۱۰۶ م ۲۹۹

(۵) ص ۱۵۰

الشیخ الفاضل: با امکان پس از هر حدث طهارت را تجدید کند و بنا بر احتیاط واجب نایب هم بگیرد.^۱

منه أيضاً: مبطون باید علاوه بر طواف خود نایب هم بگیرد.^۲

الشیخ الصافی: بنا بر احتیاط مبطون و مسلوس باید خود را از تعدی نجاست حفظ کرده طواف نماید و پس از طواف خود نایب هم بگیرد. عبارت فرموده مربوط به مناسک السید الگلپایگانی است و معظم له حاشیه ندارد.^۳

الشیخ المکارم: این احتیاط برای مسلوس و مبتلا به خروج ریح واجب نیست.^۴

الشیخ النوری: با نظر امام موافق است و حاشیه ندارد.^۵ مبطون باید نایب هم بگیرد.

الشیخ الوحید: إذا لم يتمكن المكلف من الوضوء وكان آيساً من حصول التمكن فيما بعد يتيمّم وأتى بالطواف وإذا لم يتمكن من التيمّم أيضاً ولو فيما بعد لزمته الاستنابة للطواف والأحوط الأولى أن يأتي هو أيضاً بالطواف من غير طهارة.^۶ منه أيضاً: نفس العبارة مع إضافة أنه مع التمكن يجمع بين الطواف وصلاته بنفسه وبين الاستنابة لهما وإن كان لا يبعد كفاية الاستنابة.^۷

الطواف مع النجاسة المنسية

الإمام الخميني: احتیاط واجب اعاده است.^۸

السید الخوئی: اگر نجاست بدن یا لباس را فراموش کرد و طواف نمود بنا بر اظهر طواف او صحیح است اگر چه اعاده آن احوط است و اگر بعد از نماز

(۱) فرع ۵۲۹ (۲) محشی، ص ۲۴۳ (۳) ص ۱۹۲، اخیر. (۴) محشی ص ۲۴۹

(۵) ص ۲۳۶ (۶) ص ۱۱۸ (۷) ص ۱۲۲ م ۲۹۳ (۸) ص ۱۱۲

متذكر شد حتماً باید اعاده کند.^۱

السيد الكلبي يگاني: احتياط لازم است که طواف را دوباره بجا آورد.^۲
السيد السيستاني: إذا تذكرها بعد طوافه صح طوافه على الأظهر وإن كانت
إعادته أحوط وإذا تذكرها بعد صلاة الطواف أعادها على الأحوط إذا كان نسيانه
ناشئاً عن إهماله وإلا فلا حاجة إلى الإعادة على الأظهر.^۳
السيد الشيرازي: اگر در اثناء طواف ببیند که لباس یا بدنش نجس است طواف
را قطع می کند و پس از تطهیر از همان محل قطع تمام می کند و هر چند قبل از
شوط چهار باشد و هر چند موالات بهم خورده باشد و فرقی نیست که قبلاً دیده و
فراموش کرده یا هیچ اطلاعی نداشته.^۴

الشيخ البهبهت: صحت طواف خالی از وجه نیست.^۵
الشيخ التبريزي: صح طوافه على الأظهر وإن كانت إعادته أحوط وإذا
تذكرها بعد صلاة الطواف أعادها.^۶
الشيخ الصافي: و اگر فراموش کرد و با بدن یا لباس نجس طواف کرد
احتياط لازم آن است که طواف را دوباره بجا آورد.^۷
الشيخ النوري: اگر فراموش کند نجاست را و طواف کند احتياط واجب
اعاده است.^۸

الشيخ الوحيد: إذا تذكرها بعد طوافه صح طوافه وإن كانت إعادته أولى وإن
تذكرها بعد صلاة الطواف فإن كان نسيانه عن عدم الإهتمام يعد صلاته عقوبة
لنسيانه وإلا فعليه الإعادة على الأحوط.^۹

(۴) مسأله ۲۰۹

(۳) ص ۱۵۲

(۲) ص ۶۲

(۱) مسأله ۳۰۲

(۸) ص ۱۷۱

(۷) ص ۸۰

(۶) ص ۱۴۶

(۵) ص ۱۰۷

(۹) ص ۱۲۳

محمول متنجس

الإمام الخميني: احتياط واجب أن است که از جامه‌ای که با آن نتوان نماز خواند مثل عرقچین و جوراب و انگشتر نجس اجتناب شود.^۱

السید الخوئي: بودن چیز نجس همراه انسان در طواف عیبی ندارد و همچنین است چیزهایی که در آن نماز خوانده نمی‌شود مانند همیان و کلاه و جوراب.^۲

السید الکلبایگانی: اگر ستر نباشد مانند تسبیح و چاقو اشکالی ندارد.^۳

السید السیستانی: لا مانع منه إذا لم یکن لابساً لها.^۴

السید الخامنی: الأحوط عدم حمل المتنجس حال الطواف وإن كان الأظهر جوازه فی غیر اللباس خصوصاً إذا كان المتنجس بغير الدم.^۵

السید الشیرازی: احتیاط استحبابی آن است که از جامه‌ای که نمی‌تواند ستر عورت کند اجتناب کند.^۶

* * *

الشیخ البهجت: بودن چیز نجس همراه انسان در طواف عیبی ندارد و همچنین است نجس بودن چیزهایی که در آن نماز خوانده نمی‌شود مانند همیان و جوراب و کلاه.^۷

الشیخ التبریزی: كما لا بأس بالمحمول المتنجس وكذلك نجاسة ما لا تتم الصلاة فيه.^۸

الشیخ الصافی: اگر ستر نباشد اشکال ندارد.^۹

(۱) ص ۱۱۱	(۲) ص ۱۶۲	(۳) شفاهی و مجمع ص ۴۷۳
(۴) ص ۱۰۶ ملحق	(۵) ص ۳۰	(۶) ص ۱۰۳
(۷) ص ۱۰۷	(۸) ص ۱۲۵	(۹) ص ۳۹۲

الشيخ المكارم: لباس های کوچک مانند جوراب و شب کلاه و همیان که به تنهایی با آنها نمی توان ستر عورت کرد اگر نجس باشد عیبی ندارد.^۱
 الشيخ النوري: احتیاط واجب اجتناب است.^۲
 الشيخ الوحيد: كما لا بأس بالمحمول المتنجس والأحوط الاجتناب عن نجاسة ما لا تتم الصلاة فيه.^۳

جواز مبادرت و عدم جواز

الإمام الخميني: احتیاط واجب آن است که اگر امید دارد که عذرش مرتفع شود صبر کند تا وقتی که وقت تنگ شود یا امیدش قطع شود.
 السيد الخوئي: س - کسی که وظیفه فعلی او تیمم است یا وضوی جبیره آیا می تواند به طواف و نماز مبادرت کند یا باید صبر کند تا آخر وقت؟
 ج - بله می تواند مبادرت کند ولی اگر تا آخر وقت عذرش برطرف شد عمل را اعاده کند.^۴

السيد الغلپایگانی: احتیاط واجب آن است که صبر کند تا آخر وقت.^۵
 السيد السيستاني: أقول: يظهر من السيد في توضيحه فرع ۷۲۳: إذا كان صاحب العذر عالماً ببقاء العذر إلى آخر الوقت أو كان مأیوساً من ارتفاعه يجوز له المبادرة إلى الصلاة في سعة الوقت مع التيمم فراجع.
 السيد الشيرازي: معذور از غسل یا وضو اگر امید رفع عذر را دارد بنا بر احتیاط باید صبر کند تا وقتی که امیدش قطع شد پس از قطع امید تیمم می کند.^۶

الشیخ البهجت: هرگاه مکلف نتواند وضو بگیرد تیمم نموده و طواف را بجا آورد.^۱

الشیخ التبریزی^۲: اگر نتواند وضو بگیرد تیمم نموده و طواف را بجا آورد.^۲
الشیخ الصافی: احتیاط واجب آن است که صبر کند تا عذرش برطرف شود و اگر عذرش تا تنگی وقت برطرف نشود باید تیمم کند.^۳

الشیخ الفاضل: در مسأله ۱۰ ص ۱۸۸ مناسک محشی با عبارت امام موافق است. (احتیاط واجب صبر است)

الشیخ المکارم: اگر معذور از غسل و وضو باشد می تواند بجای آن تیمم کند و طواف را بجا آورد.^۴

و در مسأله ۱۰ ص ۱۹۲ مناسک محشی با نظر امام موافق است. (احتیاط صبر است)

الشیخ الوحید: إذا لم يتمكن المكف من الوضوء و كان آيساً من حصول التمكن فيما بعد يتيمم وأتى بالطواف.^۵

حج بدون طهارت مع الجهل

الإمام الخميني^۶: تلخیص سئوال و جواب - دختری که در کودکی جنب شد و در سن بلوغ هم غسل جنابت نکرده و حج انجام داده؟

ج - با فرض آن که جنب بوده و بدون غسل حج انجام داده طواف و نماز او صحیح نیست و غسل های دیگر کفایت از غسل جنابت نمی کند ولی حج او صحیح است لکن باید طواف عمره و حج و طواف نساء و نماز آنها را خودش

(۳) ص ۷۸

(۲) مسأله ۲۹۱

(۱) ص ۱۰۳ و عربی، ص ۱۱۵

(۵) ص ۱۱۸

(۴) مسأله ۱۷۳

بجا آورد و اگر نمی تواند نائب بگیرد و تا طواف ها را به نحو مذکور انجام نداده از بوی خوش و ازدواج و محرماتی که با طواف نساء حلال می شود اجتناب نماید.^۱

السید الخوئی^۲: س: لو طاف طواف الحج أو العمرة وبعد الإنتهاء من الحج أو العمرة علم ان وضوئه كان باطلاً بوجود حائل فما الحكم؟

ج - إن كان في مكة والوقت باق يعيد وإن خرج الوقت أعني شهر ذي الحجة يبطل حجه.^۲ إن كان ذلك في وضوئه لطوافه الواجب فهو محرم فلا بد أن يعود فيتم العمرة.^۳

السید الکلبایگانی^۴: في الفرض اگر در ذی حجه متوجه شود بعد از ازاله حائل و انجام غسل یا وضو طواف حج و سعی و طواف نساء را بجا آورد و عمره مفرده نیز بجا آورد و در سال بعد حج واجب را بجا آورد. و اگر بعد از ذی حجه متوجه بطلان طواف شود عمره مفرده بجا آورد تا از احرام خارج شود و در سال بعد حج واجب خود را بجا آورد.^۲

السید السیستانی: في الفرض - يبطل حجها و عليها كفارة بدنة على الأحوط.^۵

السید الخامنئی: يجب عليه إعادة الأعمال المشروطة بالطهارة (أي الطوافان وصلاتهما).^۶

السید الشیرازی: تدارک طواف و نماز کافی است چه نسیان باشد و چه جهل ولی اگر اصل طواف را ترک کرده از روی عمد تا وقت آن بگذرد عمره او باطل است چه عالم به مسأله باشد و چه جاهل.^۷

(۳) الصراط، ج ۱، ص ۲۲۰

(۷) مسأله ۳۷۳

(۲) کتبی و فی الصراط ج ۱ ص ۲۲۰

(۵) ص ۹۲، ملحق، (۶) ص ۵۰

(۱) ص ۱۲۹ طبع پنجم

(۴) مجمع ص ۲۷۸

الشيخ البهجت: شفاهی فرمودند: همان طواف و نماز را تدارک کند کافی است.
 الشيخ التبریزی: في الصراط ج ۱ ص ۲۲۰ وافق السيد الخوئي في العمرة المفردة وقد تقدم نظر السيد الخوئي.

الشيخ الصافي: اگر در طواف عمره بوده حج او مبدل به افراد شده باید یک عمره به جا آورد و احتیاطاً حج را اعاده کند.^۱

الشيخ الفاضل: نفس عبارة السيد الخوئي في العربي الجديد ص ۶۹ حول الحج إن خرج الوقت بطل حجه و أما في العمرة المفردة فلا تبطل ويلزمه التدارك.^۲
 منه أيضاً: أفتى ببطان الحج إذا طاف من مقابل الباب أو الحجر (حجر إسماعيل) و ببطان إحرام العمرة أو الحج إذا فات وقت التدارك.^۳

الشيخ النوري: بعد از حج فهمید که وضویش باطل بوده - با تدارک طوافها و نماز حج او صحیح است.^۴

الشيخ الوحيد: محتاج به مراجعه است.

نسیان اصل طواف

السيد الخوئي: إذا نسي الطواف حتى رجع إلى بلده و واقع أهله لزمه بعث هدي إلى منى إن كان المنسي طواف الحج و إلى مكة إن كان المنسي طواف العمرة.^۵

نسیان غسل منى المیت

السيد الخوئي: ملخص السؤال و الجواب - س: لو كان عليه غسل منى المیت ونسي الغسل وأتى بأفعال الحج فهل حجه صحيح أم لا؟

(۳) ص ۸۰ حول الحج

(۲) ص ۷۳

(۱) فرع ۳۷۸ و ۳۹۵ ملاحظه شود.

(۶) الصراط ج ۲ ص ۵۰۲

(۵) ص ۳۹۷

(۴) مصدر ص ۸۶

ج: في مفروض السؤال إن كان قد أتى بالغسل المستحب شرعاً قبل طواف العمرة صح حجه ولا بأس به - وإن كان الإتيان به بعده بطل حجه^١ و وافقه التبريزي.

* * *

و في ص ٢٣٤: إذا طاف وصلى بدون طهارة من الحدث جاهلاً بالحكم حكمه حكم تارك الطواف عمداً ووافقه التبريزي.

الشيخ الفاضل: في مفروض السؤال إذا أتى بغسل واجب قبل طواف العمرة صح حجه وإلا بطل حجه^٢.

أقول: هذا في الحج وقال أيضاً في ص ٣٢: اعتمر عمرة مفردة ثم تبين له أن وضوئه كان باطلاً بعد رجوعه إلى بلده.

ثم قال في الجواب: إن كان ذلك في وضوئه الواجب لطوافه وصلاته فهو محرم لا بد أن يعود فيتم العمرة ويتحلل.

خون قروح و جروح

الإمام الخميني^{رحمته}: اگر تطهیر آن مشقت دارد لازم نیست ولی تا اندازه امکان باید تطهیر شود و اگر با تأخیر طواف می شود بی مشقت تطهیر کرد، احتیاط در تأخیر است.^٣

السيد الخوئي^{رحمته}: اگر اجتناب از آن سخت باشد برطرف کردنش لازم نیست.^٤

السيد گلپایگانی^{رحمته}: احتیاط واجب آن است که با خون زخم و جراحت که

(١) الصراط ج ٢ ص ١٩٩ (٢) حول الحج ص ٩ (٣) ص ١١١ خلاصه سه فرع

(٤) مآله ٣٠٠

در نماز عفو است طواف نکند و اگر بر طرف کردن و تطهیر آن ممکن نیست احتیاط واجب آن است که هم خودش با آن حال طواف کند و هم نائب بگیرد.^۱

السید السیستانی: لا بأس بنجاسة البدن أو اللباس بدم القروح أو الجروح قبل البرء إذا كان التطهير أو التبديل حرجياً وإلا وجبت إزالتها على الأحوط.^۲

السید الشبیری: احتیاط مستحب آن است که از خون قروح و جروح و خون کمتر از درهم اجتناب کند.^۳

* * *

الشیخ البهجت: نجاستی که در نماز بخشوده بود مانند خون کمتر از درهم و دم جروح و قروح در طواف بخشوده نیست.^۴

و فی العربی ص ۱۱۹: لا بأس بدم القروح والجروح فیما یشق الإجتنب عنه ولا تجب إزالته عن الثوب والبدن فی الطواف.

الشیخ التبریزی: لا بأس بدم القروح والجروح فیما یشق الإجتنب عنه.^۵

الشیخ الصافی: احتیاط واجب آن است که با خون کمتر از درهم و خون زخم و جراحت که در نماز عفو است طواف نکند.^۶

الشیخ المکارم: در مورد خون زخم‌ها اگر شستن آن باعث مشقت و عسر و حرج باشد ضرری برای طواف ندارد.^۷

الشیخ النوری: اگر تطهیر مشقت دارد تطهیر لازم نیست.^۸

الشیخ الوحید: لا بأس بدم القروح والجروح فیما یکون الإجتنب عنه حرجياً والأحوط الإجتنب عن نجاسة ما لا تتم الصلاة فيه.^۹

(۴) ص ۱۰۶

(۳) ص ۱۰۳

(۲) ص ۱۵۱

(۱) ص ۶۴

(۸) ص ۱۷۰

(۷) ص ۸۹

(۶) ص ۷۹

(۵) ص ۱۲۵

(۹) ص ۱۲۳

قطع طواف برای نظافت مسجد

الإمام الخميني^۱: اگر موالات بهم نخورده استیناف محل اشکال است.^۱
 السيد الخوئي^۲: قبلاً راجع به قطع مع العذر گفته شد.^۲
 السيد گلپایگانی^۳: بعد از شوط چهار وظیفه اتمام است و قبل از نصف استیناف و بعد از نصف و قبل از اكمال چهار احوط اتمام و اعاده است.
 السيد السيستاني: أقول: يستفاد من الحواشي المختلفة أنه يجوز القطع لحاجة أو ضرورة وإذا كان القطع قبل الأربع يستأنف الطواف وإذا كان بعد إكمال الأربع يتمه إذا لم تفته الموالاة العرفية وهذا في غير القطع لدرك الجماعة فإن فيها يتم ما بقي من الطواف مطلقاً.^۳

السيد الشبيري: اگر برای خاطر موانع خارجی مثل نظافت مسجد و مطاف طواف را قطع کند اگر بعد از شوط چهارم باشد طواف قبلی را اتمام می‌کند (مگر اینکه فاصله زیاد باشد) و اگر قبل از اتمام شوط چهارم بوده (اگر فاصله مختصر باشد) همان را اتمام و الا استیناف می‌کند.

* * *

الشيخ البهبخت: می‌تواند در کناری قرار گیرد تا بعد از تمام شدن کار آنها از آنجا که طوافش را قطع کرده ادامه دهد و صحیح است.^۴
 الشيخ التبريزي^۵: در فصل طواف چه اصل و چه متفرقه متعرض این فرع نشده‌اند.

(۱) ص ۱۲۷ طبع پنجم (۲) ص ۱۴۴ مناسک

(۳) الملحق مسأله ۲۳۶ و مسأله ۲۰۰ و مسأله ۳۱۰ مناسک و مسأله ۳۱۲ (مسأله ۳۱۲ مخصوص درک جماعت و درک

وقت فضیلت است). (۴) ص ۱۸۴

الشیخ الوحيد: بعید نیست بناگذاری بر تکمیل اشواط بعمل آمده از دو مسأله ۳۰۴ و ۳۰۶ ملاحظه فرمایید. خصوص فرع را متعرض نیستند.^۱

قطع طواف واجب

الإمام الخميني: قطع طواف مستحب جائز است بدون عذر و اقوی کراهت قطع طواف واجب است بدون عذر و احوط قطع نکردن است.^۲
 السيد گلپایگانی: قطع طواف واجب بدون عذر جائز نیست.^۳
 السيد السيستاني: بلکه بنا بر اظهر قطع آن مطلقاً (طواف الفريضة) گرچه برای کاری یا ضرورتی نباشد جائز است.^۴
 السيد الخامني: قطع طواف واجب جایز است اگرچه احوط عدم قطع است به نحوی که موالات عرفیه به هم بخورد.
 السيد الشيرازي: قطع کردن طواف واجب به نحویکه موالات عرفی طواف از بین برود و مجموعه طواف از صورت یک عمل خارج شود به مجرد خواهش نفسانی جائز نیست ولی قطع طواف مستحب اشکال ندارد.^۵

* * *

الشيخ البهبهتي: احوط عدم قطع طواف واجب است به نحوی که موالات عرفیه بهم بخورد پس اگر مرتکب قطع شد اقوی استیناف آن است.^۶
 الشيخ التبريزي: إذا خرج الطائف من المطاف إلى الخارج قبل تجاوزه النصف من دون عذر فإن فاتته الموالاة العرفية بطل طوافه.^۷

(۱) ص ۱۲۹ (۲) ط باقری ص ۱۵۲ مسأله ۱۵

(۳) احکام عمره ص ۶۲ و مجمع مسأله ۳۱ (۴) فی الملحق ص ۹۴ (۵) مسأله ۲۲۰

(۶) رساله شیخ ص ۲۴ (۷) ص ۱۵۲

س: هل يجوز قطع الطواف أو السعي إختياراً ثمّ الإبتداء من أول العمل؟ ج: لا يجوز القطع على الأحوط الأولى.^١

الشيخ الصافي: طواف واجب را بدون عذر نباید قطع کرد و قطع طواف استحبابی بدون عذر جایز است.^٢

الشيخ الفاضل: وكذا المفروض على الأقوى ويجوز الإستيناف قبل فوات المولات العرفية... ولا فرق في ذلك بين قطعه قبل الشوط الرابع أو بعده حتى لو قطعه في إثناء الشوط السابع واستأنفه من رأس فإنّ الطواف الثاني صحيح على الأقوى نعم قطع الطواف المفروض مكروه.^٣

الشيخ المكارم: بنا بر احتياط واجب قطع نکنند.^٤

الشيخ النوري: جائز است قطع طواف نافله را بدون عذر و اقوى كراهت قطع طواف واجب است بدون عذر و به مجرد خواهش نفس.^٥

الشيخ الوحيد: إذا خرج الطائف من المطاف في طواف الفريضة قبل تجاوزه الشوط الرابع من دون عذر فإن فاتته الموالاة العرفية بطل طوافه.^٦

ترک طواف پس از چهار دور

س: پس از سه دور یا چهار دور طواف را رها می‌کند و از سر می‌گیرد بدون قصد زیاده فقط برای اینکه دل چسب‌تر باشد آیا این طواف صحیح است یا نه؟

السید السیستانی: چنانچه جاهل قاصر بوده صحیح است و در جهل تقصیری محل اشکال است. بلی اگر قبل از چهار شوط از مطاف خارج شد و مشغول عمل

(٢) محشی ص ٢٠٩

(٣) للجامع ص ٨٠

(١) الصراط الرابع، ص ١٦٣ (٢) فرع ٢٨٠

(٤) ص ١٢٩ م ٣٠٢

(٥) ص ١٩٦ - ١٥ واجبات طواف.

آخری شد که عرفاً صدق کند طوافش را قطع کرده و یا قبل از چهار شوط و یا بعد از آن آنقدر صبر کرد که فوت موالاة عرفیه شد طواف دوم صحیح است.^۱
السید الشیرازی: در فرض جهل صحیح و در فرض علم بعد از فوت موالاة صحیح است.^۲

* * *

الشیخ البهجت: صحیح است.^۳
الشیخ الصافی: اگر چهار دور را تکمیل کرده باشد محل اشکال است و مقتضای احتیاط این است که آن را تمام کند و نماز طواف را بخواند و بعد طواف را استیناف کند.^۴

الشیخ الفاضل: بلی طواف دوم صحیح است.^۵

عجز از اتمام طواف و استنابه

الإمام الخمینی: شخصی که با عجز طواف را قطع کرده و وقت تنگ شد و حمل بر دوش هم ممکن نبود برای او نائب بگیرند.^۶
السید الخوئی: احتیاط آنکه برای باقیمانده نائب بگیرند و شخصاً بعد از زوال عجز احتیاطاً باقیمانده را بجا آورد و اصل طواف را اعاده کند.^۷ و در جواب کتبی فرموده‌اند: مجالی برای تبعیض در اشواط نیست و باید برای تمام عمل نائب بگیرد.

السید الگلپایگانی: بعید نیست گفته شود که طواف حکم نماز را دارد و تبعیض در اشواط آن در نیابت محتاج بدلیل است.^۸

(۱) مهر دفتر	(۲) الغانم.	(۳) مهر دفتر	(۴) کتبی
(۵) کتبی	(۶) ص ۱۹	(۷) ص ۱۷۱	(۸) شفاهی

السيد السيستاني: إذا علم مسبقاً عجزه عن إتمام الطواف إستتاب للتمام وكذا إذا طرأ عليه العجز قبل إتمام الشوط الرابع وأما إذا طرأ عليه العجز بعد إتمامه فالأقرب جواز الإستتابة للباقي.^۱

السيد الشيرازي: اگر در اثناء مریض شد و قطع کرد اگر قبل از ۳/۵ باشد بعد از بهبودی یک طواف کامل به جا آورد و اگر خوب نشد برای طواف کامل نائب بگیرد و اگر بعد از ۴ شوط بود برای تکمیل نائب بگیرد و کافی است و اگر بین ۳/۵ و ۴ بود برای اتمام نائب بگیرد و اگر خودش بهبودی یافت طواف را اعاده کند.^۲

و در ص ۶۹: اگر می توانند با وسیله ای مانند چرخ خودشان طواف کنند در مطاف و خودشان چرخ را راه ببرند، و الا بر روی دوش دیگران یا چرخ در داخل مطاف و الا نائب بگیرند تا در مطاف طواف کند.

مرکز تحقیقات اسلامی

الشیخ البهجت: اگر نتوانست طواف را تمام کند در آخر وقت نائب بگیرد وقد سبقه في هذا الرأي السيد الخوئي والإمام الخميني والشيخ الأراكي.^۳
اگر قادر بر اتمام نباشد تا تنگی وقت صبر کند، اگر به هیچ نحو نشد برای او نائب بگیرند در اتمام... عاجز طواف در چند مرحله انجام دهد، قبل از ۴ مع عدم فوت المولات، و بعد از ۴ مطلقاً.^۴

الشیخ التبریزی: وإن كان بعد الرابع فالأحوط أن يستنيب للمقدار الباقي و يحتاط بالإتمام والإعادة بعد زوال العذر.^۵
الشیخ الفاضل: اگر با عذر قطع کرد و نتوانست بجا آورد تا وقت تنگ شد و

(۳) آراء المراجع، قدیمی. (۴) مناسک، ص ۱۱۲ و ۱۶۱

(۲) ص ۶۷

(۱) ص ۱۰۶ ملحق

(۵) ص ۱۵۳

حمل هم ممکن نبود برای او نائب بگیرند و در فرع دیگر در عجز بعض، نائب برای کل طواف بگیرد.^۱

الشیخ المکارم: در مناسک متعرض نیابت در فرع مزبور نشده.
 الشیخ الوحید: إذ التجأ الطائف إلى قطع طوافه لمرض كصداع أو وجع في البطن فإن كان ذلك قبل إكمال الشوط الرابع لزمته الإعادة وإن كان بعده فالأحوط أن يستنيب للمقدار الباقي و يأتي بطواف كامل بقصد الأعم من الإتمام والتمام.^۲
 أقول: ظاهر این است که برای کل طواف نائب بگیرند یا لا اقل مطلق است.

قطع طواف برای درک جماعت

الإمام الخميني: جائز است قطع و از هر جا قطع کرد از همانجا اتمام کند و احوط اتمام و اعاده است و سزاوار نیست این احتیاط ترک شود.
 السيد الخوئي: قطع جائز است و بعد از نماز از هر کجا قطع نمود شروع و اتمام نماید.^۳

السيد الكلپایگانی: جائز است قطع بلکه مستحب است و از هر کجا قطع کرد بعد از نماز تمام کند. و احوط آنکه اگر قبل از چهار باشد اتمام و اعاده نماید.^۴
 و فی المجمع ۴۸: اگر قبل از اكمال چهار استیناف کند طواف و عمره او صحیح است لکن باید طواف ناقص را خودش یا نائب او تکمیل کند.
 السيد السيستاني: إذا قطع الطواف لدرك الصلاة الجماعة أتمه بعد الفراغ من صلاته من موضع القطع مطلقاً وإن كان الأحوط إعادته بعد الإتمام أيضاً إذا كان القطع قبل تمام الشوط الرابع.^۵

(۳) کتبی و منیة المسائل ص ۸۹، صراط النجاة، ج ۲، ص ۲۳۲.

(۱) ص ۲۰۵ معشی (۲) ص ۱۲۹

(۴) احکام عمره. (۵) ص ۱۶۰

السيد الشيرازي: قطع طواف برای رسیدن به نماز جماعت جائز است و بعد از نماز طواف را تمام می‌کند.^۱

* * *

الشيخ البهجت: در طواف اگر موالات عرفیه بهم نخورد اشکال ندارد و اگر بهم خورد و قبل از چهار بود احتیاط با اکمال آن و اعاده است ولی در سعی چون موالات معتبر نیست با فرض عذر که مورد سئوال است مانع ندارد.^۲

الشيخ التبريزي: در مناسک متعرض فرع مزبور نشده و فی الضميمة ص ۳۲: از جایی که قطع کرده بعد از نماز را ادامه دهد.

الشيخ الفاضل: جائز است بلکه مستحب است قطع کند برای رسیدن به نماز جماعت یا رسیدن به وقت فضیلت نماز واجب و از هر جا قطع کرد از همانجا بعد از نماز اتمام کند و احتیاط اتمام و اعاده است. بلی اگر بعد از چهارم بوده است اتمام کافی است.^۳ وفي الجديد: تخلل الجماعة لا تضر بالطواف قبل الأربعة أو بعدها إذا اشتغل به بعد الصلاة.^۴

الشيخ المكارم: در مناسک متعرض فرع نشده.

الشيخ الوحيد: و يستحب قطع الطواف وإن كان فريضة لإدراك صلاة الفريضة ثم يعود فيتم ما بقي من طوافه.^۵

لک در ایام عادت

الإمام الخميني: در فرض مزبور در ایام عادت ممکن است یک یا دو لکه کم‌رنگ ببیند این خون چه حکمی دارد؟

(۳) حاصل دو سؤاله ص ۲۰۶

(۱) حاصل سؤاله ص ۶۵ (۲) ص ۱۶۱

(۵) ص ۱۳۰

(۴) ص ۷۰

ج: حکم استحاضه دارد و باید به وظیفه مستحاضه عمل کند.^۱
 السيد الغلایگانی: س: به واسطه خوردن قرص و یا تزریق آمپول جلو
 عادت را گرفته لکن در ایام عادت روزی یک لحظه خون می بیند با وصف مذکور
 طواف و نماز او چگونه است؟

ج: با انجام اعمال مستحاضه طواف و نماز او صحیح است.^۲
 السيد السيستاني: لا يجري على الدم المتقطع في مفروض السؤال حكم دم
 الحيض بل يجري عليه حكم الاستحاضة بلا فرق بين كونه بصفة الحيض أو لا.^۳
 السيد الشيرازي: در فرض مسأله - خونی که در ایام عادت می بیند هر چند
 سه روز مستمر نباشد و صفات حیض نیز نداشته باشد حکم حیض را دارد.^۴
 و در مسأله ۴۰۲: اگر صاحب وقتیه و عددیه در وسط پاک شد و طواف نماز
 را در پاکی انجام داد و بعد لک دید اعمالش صحیح است.^۵
 و در مسأله ۶۴۴: اگر زنی در اثناء حیض مدتی پاک باشد حتی در باطن فرج
 حکم حیض ندارد. پس اگر در عرفات یا مشعر لک دید و یقین کرد که خون
 حیض است و قبلاً پاک نبوده گرچه به حسب عادت پاک بوده اعمال قبلی او
 صحیح است و باید حج تمتع را تمام کند.

الشيخ البهبهت: تعمل عمل المستحاضة إلا إذا علمت أن في باطن الفرج دمًا.^۶
 منه أيضاً: س: رؤية الدم في أيام العادة فهل يجوز المنع بالعلاج؟
 ج: إذا انقطع الدم بالعلاج فليست بحائض.^۷
 الشيخ التبريزي: اگر استمرار تا سه روز نداشته باشد استحاضه است و

(۳) ملحق ص ۹۲ س ۱۹۴

(۲) مجمع ص ۴۷۲

(۱) ص ۱۳۹ طبع پنجم مع التلخيص.

(۷) ص ۲۴۰

(۶) مسأله ۱۷۲

(۵) ۴۴۴ و ۶۲۴

(۴) مسأله ۲۰۰

اعمال مستحاضه را بايد انجام داد.^١
و في الصراط ج ٣ ص ١٨٨ نظر السيد الخوئي و الشيخ التبريزي: لا بأس
بالطواف والصلوة في الفرض.



مرکز تحقیقات و نشر علوم اسلامی

ملحقات نماز طواف



مرکز تحقیقات کلامی و فقهی علوم اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

الصلوة خلف المقام

الإمام الخميني^{ره}: اگر صدق خلف مقام نشد در یکی از دو جانب بجا آورد به طوری که گفته شود نزد مقام است و اگر ممکن نشد در دو جانب بجا آورد با ملاحظه نزدیکتر به مقام از دو جانب و خلف و اگر سه طرف مساوی باشد در خلف بخواند و دو طرف کافی نیست و اگر دو طرف صدق نزد مقام نکند اکتفا به پشت بعید نیست لکن احتیاط آن است که یک نماز پشت مقام و یک نماز در یکی از دو طرف با ملاحظه اقریب و احوط اعاده نماز است در صورت امکان در پشت مقام تا وقتی وقت سعی تنگ نشده.^۱

السید الخوئی^{ره}: و در صورت عدم تمکن با مراعات نزدیکی به مقام بنا بر احتیاط واجب در هر جای مسجد می تواند بجا آورد.^۲
منه أيضاً: إذا صلی خلف المقام بعیداً ثم تمکن قبل السعی قریباً من المقام لا تجب الإعادة.^۳

منه أيضاً؛ س: بعد الطواف لو انتظر خمسة دقائق، لوجد مكاناً خلف المقام؛
فهل يجب الإنتظار أم يصلي خلفه بعشرة أمتار؟

ج: لا يجب الإنتظار.^١

السيد الغلپایگانی^{رحمته}: اگر پشت مقام ممکن نشد در یکی از دو جانب مقام
بایستد و اگر نشد در هر جایی از مسجد که پشت مقام و دو طرف آن نزدیکتر به
مقام باشد.^٢

السيد السيستاني: فإن لم يتمكن من الخلف فالأحوط أن يجمع بين الصلاة
عنده في أحد جانبيه وبين الصلاة خلفه بعيداً عنه ومع تعذر الجمع يكتفي بالممكن
منهما ومع تعذرهما يصلي في أي مكان من المسجد مراعيّاً الأقرب فالأقرب إلى
المقام على الأحوط الأولى.^٣

السيد الشبيري: باید نماز طواف را پشت مقام ابراهیم^{عليه السلام} بجا آورد و به قدری
نزدیک باشد که بگویند (نزد مقام) و اگر موجب مزاحمت بود در نقطه دورتر پشت
مقام با رعایت الاقرب فالأقرب، و در یمین و یسار کافی نیست.^٤

الشيخ البهجت: احوط آن است که پشت مقام باشد به طوری که نزد مقام
صدق کند و با عدم تمکن، در یکی از دو جانب، و اگر آن هم ممکن نشد با
مراعات الأقرب فالأقرب به سوی خلف و دو جانب آن و در صورت دوران بین
بعضی مراتب خلف واحد جانبین جمع کند بین دو نماز بلکه اعاده پس از تمکن از
خلف تا آخر وقت امکان.

الشيخ التبریزی^{رحمته}: فإن لم يتمكن فيصل في أي مكان من المسجد مراعيّاً
الأقرب فالأقرب إلى المقام على الأحوط.

الشیخ الفاضل: باید خلف مقام باشد با رعایت الأقرب فالأقرب والا در دوجانب با صدق اقرب به مقام.^۱

الشیخ المکارم: بهمین اندازه که بگویند پشت مقام ابراهیم بجا آورده کافی است.^۲

الشیخ النوری: باید نماز خلف مقام باشد اگر خلف مقام احراز نشود نماز خوانده صحیح نیست.^۳ و در صورت ازدحام هر کجای مسجد بخواند کفایت می‌کند.^۴

الشیخ الوحید: ومع عدم التمكن من الإتيان بها قريباً من المقام يجوز الإتيان بها خلف المقام إلى ما يقرب من ظلال المسجد وإن لم يتمكن من ذلك صلى قريباً منه في أحد جانبيه.^۵



اگر تصحیح نماز ممکن نشد

الإمام الخميني: اگر نتوانست قرائت نماز را یاد بگیرد باید نماز را بهر ترتیبی که می‌تواند خودش بجا آورد و کافی است و به اقتداء به شخص عادل و استنا به هم اکتفا نکند اگر احتیاط کرد.^۶

السید الخوئی: هرگاه قرائت نمازگزار غلطی داشته باشد و نتواند درست کند اشکالی در اکتفا به آنچه می‌تواند در نماز طواف و غیر آن نیست و همان اندازه کافی است و در صورت سهل‌انگاری در تصحیح احوط آن است که بجماعت بخواند و نایب هم بگیرد.^۷

السید الگلپایگانی: و اگر تصحیح ممکن نشود نماز طواف را به جماعت

بخواند ولی به آن اکتفا نکند و واجب است به طور فردی نیز بخواند و اگر نایب هم بگیرد بهتر است.^۱

السید السیستانی: إن لم يتمكن من التصحيح أجزاء قراءة الحمد على الوجه الملحون إذا كان يحسن منها مقداراً معتداً به.^۲

السید الشیرازی: محرمی که قرائتش درست نیست باید طواف را تا آخرین وقت ممکن تأخیر بیاورد و الا نماز او باطل است و با عمد اگر تعجیل کرد طواف و نماز و اعمال بعدی باطل است.^۳ و اگر تا آخر وقت نتوانست تصحیح کند در آخر بهر شکل کافی است و کسی که تا آخر وقت هم قادر نیست تأخیر لازم نیست.^۴

منه أيضاً: کسی که توان تصحیح دارد و بنابر تصحیح ندارد احرام او منعقد نمی‌شود و کسی که در تصحیح سهل‌انگاری کرده و قرائت را تصحیح نکرده باید طواف و نماز و سعی و تقصیر را تا آخر وقت عمره تأخیر بیاورد.^۵ و در آخر وقت به قدر میسور بجا آورد ولو با تلقین دیگری و احتیاط استحبابی هم استثناءه است.

* * *

الشیخ البهجت: عمل به وظیفه یومیه لازم و کافی است بنا بر صحت جماعت در طواف و استثناءه در یومیه نیست.^۶

الشیخ التبریزی: باید خودش نماز را به نحو میسور بخواند و احتیاطاً بجماعت بخواند اگر ممکن شود و استثناءه هم بکند.^۷ و این در صورتی است که اهمال در تصحیح کرده باشد و اگر فی نفسه قاصر است میسور خود او کافی است.

(۴) ص ۱۳۴

(۳) ص ۱۳۴

(۲) ص ۱۷۰

(۱) ص ۸۱

(۷) ص ۱۶۴

(۶) ص ۱۶۲

(۵) ص ۸۵

الشیخ الصافی: اگر در تصحیح قرائت مقصر باشد، خود بخواند و احتیاطاً در صورت امکان نماز به جماعت و نائب هم بگیرد.^۱

الشیخ الفاضل: به هر نحو قدرت دارد بخواند و به جماعت خواندن حتی در فرض امکان هم واجب نیست.^۲

الشیخ المکارم: باید بهمان مقدار که توانایی دارد نماز طواف را بخواند و نائب گرفتن لازم نیست و خواندن نماز به جماعت اشکال دارد.^۳

الشیخ الوحید: فإن لم يتمكن منها حتى ضاق الوقت عن التصحيح فعليه أن يأتي بقرائته الملقونة والأحوط وجوباً أن يصلّيها جماعة ويستنيب أيضاً.

نماز طواف با یومیه

الإمام الخميني: احتیاط در همه موارد سؤال حاصل می شود. اما موارد سؤال: ۱- نماز طواف حج به نماز طواف نساء و بالعکس ۲- نائب بکسیکه نائب نیست ۳- نماز طواف واجب را به مستحب و بالعکس ۴ (یومیه ذکر نشده)

السید الخوئی: س: هل يجوز له أن يأتي بمن يصلي فريضة يومية ادائية أو قضائيه؟ ج- الأحوط ترك ذلك. (و قال التبريزي: لا بأس بذلك و هذا لمن كان متمكناً من التعلم وأما العاجز عن ذلك فيجزيه، صلاته من غير حاجة للإستئابة).^۵
السید گلپایگانی: الأحوط الاقتداء بمن يصلي صلاة الطواف إن أمكنه ذلك وإلا فيقتدي بمن يصلي اليومية برجاء المطلوبية.^۶

السید السيستاني: در نماز یومیه به احتیاط واجب اقتداء جایز نیست.^۷
السید الشیرازی: بنا بر احتیاط واجب در نماز طواف نمی توان به نمازهای

(۴) ص ۱۵۳

(۳) ص ۱۰۷

(۲) محشی ۲۶۰

(۱) کتبی.

(۷) کتبی

(۵) الصراط ج ۳، ص ۱۷۳ (۶) ص ۱۱۸

یومیة اقتدا کرد.^۱

و در ص ۸۷: اقتدا کردن در نماز طواف واجب به نماز طواف مستحب و بالعکس صحیح نیست.

الشیخ البهجت: اگر نماز طواف واجب نبود با نماز یومیة و احتیاطی و نماز طواف مستحبی بقصد رجاء مطلوبیت احتیاط بعمل می‌آید.^۲ و در ذخیره اشکال کرده‌اند.

الشیخ التبریزی^۳: فی الضميمة: احوط اقتدا به نماز طواف واجب است.
الشیخ الفاضل: س: آیا نماز طواف واجب را می‌توان با نماز جماعت یومیة بجا آورد؟

ج: صحت آن محل اشکال است.^۴

الشیخ الوحید: متعرض فرع نیست.

نسیان الصلاة و ترکها عن جهل أو عمد

الإمام الخميني^۵: فوریت عرفیه لازم است و در هر حال اگر تأخیر انداخت باید بجا آورد و مبطل طواف نیست.

السيد السيستاني: من ترك صلاة الطواف عالماً عامداً بطل حجه على الأحوط^۶ وحكم التارك لصلاة الطواف جهلاً حكم الناسي ولا فرق في الجاهل بين القاصر والمقصر.^۷

السيد الشيرازي: مبطل طواف نیست و اعاده طواف لازم نیست.

الشیخ البهجت: ترک نماز طواف از روی علم و عمد موجب بطلان حج است. زیرا بدون این نماز سعی باطل است.^۱

الشیخ التبریزی: اگر نماز طواف را فراموش کند و پس از خروج از مکه متذکر شود اگر بتواند باید برگردد به مکه و الا در هر جا یادش آمد بجا آورد و حکم کسی که نماز طواف را به جهت نادانی ترک کرده حکم کسی است که فراموش کرده و فرقی بین جاهل قاصر و مقصر نیست.^۲

منه أيضاً: من ترك صلاة الطواف عالماً عامداً بطل حجه لاستلزامه فساد السعي المترتب عليه.^۳

الشیخ المکارم: کسی که عمداً نماز طواف را ترک کند حج او باطل نیست فقط گناه کرده و باید تدارک کند.^۴

الشیخ الوحید: في صورة العلم والعمد بطل حجه على الأقوى^۵ وحكم التارك جهلاً حکم الناسي قصوراً أو تقصيراً.

محاذات زن و مرد در نماز

الإمام الخميني: بنا بر احتیاط مستحب باید زن عقب‌تر از مرد بایستد و اگر برابر یا جلوتر بایستد و با هم وارد نماز شوند بهتر اعاده است.^۶

السید الغلپایگانی: مکروه است در نماز زن جلوتر از مرد یا محاذی با او بایستد.^۷

السید الشبیری: یکی از احکام مخصوصه مکه مکرمه آن است که مرد و زن می‌توانند در کنار یکدیگر نماز بخوانند و بلکه زن می‌تواند جلوتر از مرد نماز

(۲) ص ۱۰۵

(۳) ص ۱۶۲

(۲) ص ۱۳۹

(۱) ص ۱۱۹

(۷) توضیح ۸۱۵

(۶) ۷ و ۸۸۶

(۵) ص ۱۳۸

بخواند هر چند فاصله نباشد و هیچ گونه کراهتی ندارد.^۱

الشیخ البهجت: در مسجد الحرام اشکال ندارد.^۲

الشیخ التبریزی: نماز آنها صحیح است.^۳

الشیخ الصافی: تساوی و تقدم زن کراهت دارد.^۴

الشیخ الوحید: در غیر مکه مکروه است. توضیح: در صورتی که زن مقدم باشد و با هم وارد نماز شوند باید نماز را اعاده کنند نظیر مرحوم السید الخوئی.

تقدم النساء فی الصلاة فی مكة

السید الخوئی: س: إذا كان الرجل یُصلّي صلاة الطواف أو أيّ صلاة أخرى فجاءت امرأة أخرى وصلت محاذية له أو أمامه وبينهما أقل من شبر فما حكم صلاتهما؟

ج: فی الفرض تبطل صلاة المتأخر فقط.^۵ (والفاضل: فی الجامع، ص ۹۴، نفس السؤال والجواب).

السید السیستانی: لا یجری فی مكة المكرمة (الحکم بعدم صحة الصلاة) فیجوز فیها التقدم والتأخر علی الأظهر.^۶

الشیخ البهجت: تقدم در مسجد الحرام در نماز طواف اشکال ندارد.^۷ وفي

الوسيلة الأظهر صحة صلاة كل من الرجل والمرأة مع المحاواة علی کراهية.^۸

(۴) ص ۱۸۳

(۳) ص ۵۰

(۲) ص ۱۶۱

(۱) ص ۸۳

(۸) ص ۱۸۶

(۷) ص ۱۶۱ م ۱۳

(۵) الصراط ج ۳ ص ۱۷۲ (۶) الملحق ص ۱۷۰

الشيخ التبريزي^١: رعایت فاصله در شهر مکه لازم نیست.^١
 منه أيضاً: الأظهر صحة صلاة كل منهما لعدم اعتبار الفاصل بينهما في الصلاة
 في مكة.^٢

الشيخ الصافي: اگر زن برابر مرد یا جلوتر بایستد نماز هر دو صحیح است
 چه با هم وارد نماز شوند یا به ترتیب، بلی، ثواب نماز هر کدام که بعد مشغول شده
 کمتر است.^٣

الشيخ الفاضل: نعم، الحكم بالبطان يجري في المسجد الحرام أيضاً إذا كان
 الرجل والمرأة مؤمنين لا مطلقاً إلى قوله: و مع ذلك في خصوص صلاة الطواف إذا
 استلزم رعاية هذا الشرط تأخير صلاة الطواف عن الطواف و تخلّ بالموالاة العرفية
 أو توجب العسر والحرّج فلا يلزم رعایتته وتصحّ الصلاة مطلقاً.^٤
 الشيخ المكارم: در مکه تقدم مانع ندارد.^٥

وضو با آبهای شرب

السيد الخوئي^٦: إن كان الماء لمالك سبّله للشرب فقط فلا يصح الوضوء به
 وكذا ماء زمزم إن فرض لمالك شخصي قسّر استعماله في جهة خاصه غير
 الوضوء.^٦

السيد السيستاني: إذا كانت مخصصة للشرب لم يجز الوضوء بها.^٧
 السيد الشيرازي: جایز نیست.^٨

(۱) توضیح ص ۱۶۰ (۲) المصدر (۳) توضیح ص ۱۸۲ (۴) الجامع، ص ۱۷۲

(۵) شفاهی (۶) الصراط ج ۳ ص ۱۲۵ (۷) ص ۱۷۵ ملحق (۸) کتبی

الشيخ البهجت: اگر بدون منع وضو گرفت حکم به صحت بعید نیست.^۱
 الشيخ التبریزی: لا يبطل وضوءه بذلك وإن كان ترك الوضوء بذلك الماء
 أحوط توقيراً للماء للشرب.^۲

الشيخ الصافي: با توجه به این که نوعاً حجاج از آبها برمی دارند و به
 مصارف مختلف مثل شستن سر و صورت و ریختن به بدن می رسانند و مسئولین
 منع نمی کنند، از سیره موجود استفاده جواز می شود.

الشيخ الفاضل: مسئولین دولت که برای شئون مختلف مسجدالحرام منصوبند
 و ضوابطی برای مسجد و متعلقات مسجد قرار داده اند غیر از کسی است که اصل
 آب را آورده و معلوم نیست که آب آورندگان چنین تضییقی برای حجاج قرار داده
 باشند علیهذا جواز بعید نیست.^۳

الشيخ الوحيد: محل شبهه قرار دادند.^۴
 مؤلف: مقتضی الاحتیاط ترك الوضوء بهذا الماء.

ملحقات سعی



مرکز تحقیقات علوم و معارف اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

ترک سعی جهلاً

الإمام الخميني: حکم ترک عمدی یا سهوی آن همان است که در طواف گذشت.^۱

أقول: در فصل فرموده: اگر کسی طواف را چه طواف حج یا عمره از روی جهل به مسئله به جا نیاورد و برگشت به محل خود باید حج را اعاده کند و یک شتر قربانی کند.^۲

السید الخوئي: ترک سعی خواه علم به حکم داشته یا نداشته و جاهل باشد و قبل از عرفات تدارک نشود حج باطل است و اعاده اش در سال بعد لازم است و اظهر این است که احرامش هم باطل خواهد شد گر چه احوط و اولی عدول به افراد است و به قصد اعم از حج افراد یا عمره مفرده تمام کند.^۳

السید الگلپایگانی: اگر کسی سعی را عمداً یا از جهت جهل و ندانستن مسئله ترک کرده و نتواند قبل از وقوف عرفات تدارک کند، حج او بدل به افراد می شود با

انجام عمره مفرده و باید سال بعد حج را اعاده کند هر چند مستطیع نباشد.^۱
 السيد السيستاني: فمن تركه عمداً او جاهلاً بالحكم او الموضوع و لم يتدارك
 قبل الوقوف بطل حجه.^۲
 و في الملحق: اذا علم ببطلان سعيه في عمرة التمتع أو الحج بعد انقضاء شهر
 ذي الحجة يحكم ببطلان حجه.^۳

الشيخ البهجت: سعی رکن است و ترک آن ولو با جهل اگر تدارک نشود قبل
 از عرفات موجب بطلان حج است و پس از انجام حج افراد اعاده حج در سال
 بعد لازم خواهد بود.^۴
 الشيخ التبريزي: لو تركه عمداً بطل حجه سواء في ذلك العلم بالحكم
 والجهل به.^۵
 الشيخ الوحيد: وكذلك من كان جاهلاً بالحكم أو الموضوع على الأحوط لو
 لم يكن أقوى البطلان، والأحوط الأولى الإتيان بأعمال العمرة المفردة.^۶

تأخير السعي

الإمام الخميني: از مسأله ۸ متفرقه استفاده می شود که اعاده ندارد هر چند
 تأخیر عمدی بوده.
 السيد الخوئي: س: ما حکم من أخر السعي في العمرة أو الحج إلى اليوم
 الثاني أو الثالث لغير عذر فهل يترتب عليه بطلان طوافه؟
 ج: نعم يعيد قبله الطواف وصلاته (الصراط ج ۲ ص ۲۴۱) وواقفه التبريزي.

(۲) ص ۱۲۳

(۳) ص ۱۱۸

(۴) ص ۱۷۴

(۱) ص ۸۶

(۶) ص ۱۴۴

(۵) ص ۱۶۴

السيد الغلپايگاني: والأقوى جواز تأخيرہ إلى الليل.^۱
 السيد السيستاني: لا يجوز تأخير السعي إلى الغد اختياراً (ملحق ص ۱۱۷).
 السيد الشبيري: اگر تا فردای طواف تأخير انداخت احتیاط اعاده طواف
 است.

الشيخ البهجت: س: من طاف و صلى في يوم و أجل سعيه إلى يوم آخر فهل
 يجب عليه يوم السعي أن يعيد الطواف و الصلاة؟
 ج: لا يجب ذلك.^۲

الشيخ الصافي: س: کسی که طواف کرده و سعی را به روز بعد یا روزهای بعد
 تأخير انداخته آیا اعاده طواف و نماز لازم است؟

ج: لازم نیست ولی اختیاراً نباید سعی را به روز بعد تأخير بیندازد.^۳
 الشيخ الفاضل: لو أخر إلى الغد يعيد الطواف قبله إذا أخر لغير عذر (حول
 الحج ص ۹۴).

الشيخ المكارم: اگر تأخير انداخت به فردا گناه کرده ولی اعمال او صحیح
 است.^۴

الشيخ الوحيد: بل الأحوط عدم تأخيرہ إلى الليل أيضاً ص ۱۴۴.

لزوم سعی عقیب طواف مستأنف

س: در مواردی که اصلاح یا تکمیل طواف لازم است آیا اعاده سعی هم
 لازم است یا نه؟

السيد الشبيري: اگر طواف را ناقص به جا آورده باشد اعاده سعی لازم نیست

و اگر طواف را باطل به جا آورده باشد در اعاده سعی تفصیلی است که در مناسک ذکر شده.^۱

الشیخ البهجت: احتیاط در اعاده سعی است.^۲

الشیخ التبریزی: بنا بر احتیاط سعی هم اعاده شود.^۳

الشیخ الصافی: بنا بر احتیاط در مورد اعاده طواف باید سعی را هم اعاده کند ولی اگر تکمیل طواف مربوط به اشواط بعد از شوط چهارم باشد اعاده سعی لازم نیست.^۴ الشیخ الفاضل: من: شخصی طواف عمره مفرده یا عمره تمتع یا طواف حج را از جهت جهل به شرایط یا فراموشی آن، باطل انجام داده وظیفه او چیست؟

ج: اگر با اعتقاد به صحت انجام داده عمره و حج او صحیح است ولی باید طواف و نماز آن را اعاده کند و احتیاط مستحب آن است که اعمال بعدی را نیز اعاده کند که یکی از اعمال بعدی سعی است.^۵

سعی رکوعی

۶ - مقداری از سعی را در حال خمیدگی (حال رکوعی) انجام داده، صحیح است یا نه؟

السید الشیرازی: سعی مزبور مانع ندارد.^۶

(۳) کتبی.

(۲) کتبی.

(۱) کتبی: به مسئله ۳۶۲ مراجعه شود.

(۶) کتبی.

(۵) تلخیص، مسأله ۲۴۲، حج و عمره.

(۴) کتبی.

الشیخ البهجت: اشکال ندارد و لازم نیست مستقیم باشد.^۱
 الشیخ التبریزی: سعی مزبور صحیح است.^۲
 الشیخ الصافی: ظاهراً کافی است اگر چه مراعات احتیاط خوب است.^۳

شروع سعی از مروه خطأً

السید السیستانی: لو بدأ بالمروة قبل الصفا ولو سهواً ألغى ما أتى به واستأنف السعي من الأول.^۴

السید الشیرازی: باید هر وقت فهمید مجدداً از صفا سعی نماید و اگر بعد از تقصیر متوجه شود سعی می‌کند و بنا بر احتیاط واجب باید تقصیر را اعاده کند و تا تقصیر نکرده از محرمات احرام اجتناب کند.^۵



الشیخ البهجت: لو بدء بالمروة قبل الصفا ألغى ما بيده واستأنف السعي من الأول.^۶
 الشیخ التبریزی: اگر از مروه شروع کرد و به مروه ختم کرد سعی او صحیح است، فی الصور الخمسة.^۷

الشیخ الصافی: اگر بعد از هفت شوط ملتفت به اشتباه شد و یک مرتبه دیگر سعی نمود اقوی صحت سعی است هر چند احوط اعاده سعی است.^۸

الشیخ التوری: باید سعی را اعاده کند.^۹
 الشیخ الوحید: اگر سعی را از مروه شروع کند در هر شوطی که باشد چه در شوط اول و چه پس از آن باید سعی را از سر بگیرد.^{۱۰}

(۴) ص ۱۷۲

(۳) کتبی

(۲) کتبی

(۱) کتبی

(۸) ص ۱۹۶

(۷) فرع ۱۵۴

(۶) ص ۱۳۶

(۵) مسأله ۵۴۹

(۱۰) ص ۱۷۲

(۹) ص ۱۲۹

بعض اشواط سعی در حال خواب

السید الخوئی^۱: سعی در حال خواب مجزی نیست.^۱
 السید الگلپایگانی^۲: اگر مقداری را که خواب بوده و باقی را به التفات بهجا آورد صحیح است.^۲

السید السیستانی^۳: من جاز له السعی محمولاً علی متن إنسان أو علی عربة وسعی به وقد غلبه النوم أثناء السعی فهل یصح سعيه؟
 ج: الظاهر بطلانه.^۳

السید الشیرازی^۴: اگر با التفات در عربانه نشسته و قصد قربت داشته و بعد خوابش برده اشکال ندارد نظیر وقوف در عرفات و روزه.^۴



الشیخ التبریزی^۵: الأحوط إعادة السعی بقصد الأعم من التمام والإتمام.^۵
 الشیخ الصافی^۶: صحت سعی در حال خواب معلوم نیست، بنابراین اگر بعد از نصف خواب رفته چنانچه سعی را از جایی که به خواب رفته بهجا آورد کافی است و احتیاطاً اصل سعی را اعاده نماید و در غیر این صورت باید سعی را از سر بگیرد.^۶

الشیخ الفاضل^۷: سعی در حال خواب محل اشکال است.^۷ و اگر خواب بعد از شوط چهارم بوده و بعد بیدار شده باید از محلی که خواب رفته سعی را ادامه دهد.^۸

الشیخ المکارم^۹: دلیلی بر عدم صحت نداریم.^۹

(۱) کتبی. (۲) الآراء ومجمع المسائل. (۳) الملحق الأول، ص ۱۲۰ (۴) ص ۱۶۰۹

(۵) ۹۵۶م (۶) الألف، ص ۱۸۲ (۷) فرع ۶۹۳ (۸) ۶۹۴

(۹) شفاهی.

الشیخ الوحید: صحیح نیست. وقوف بعرفات مورد نص است - علاوه، وقوف که عبارت از بودن است غیر از امر به سعی و حرکت است با التفات.

سعی با عربانه و چرخ

الإمام الخميني: جایز است سواره و بر روی عمل چه در حال اختیار و چه با عذر، لکن راه رفتن افضل است.

السید الشیرازی: در حال اختیار بنا بر احتیاط واجب باید خودش چرخ را راه ببرد و اگر دیگری او را سعی دهد صحیح نیست بنا بر احتیاط واجب.^۱

السید السیستانی: جایز است سوار بر حیوان یا غیر آن انجام دهد.^۲
و فی الملحق ص ۱۱۵ ملخصاً: من: هل يجوز السعي راكباً في حال الإختيار إذا كان المتولّي للتحريك شخص آخر وإنما هو يجلس فقط؟ ج: لا يجوز هذا في حال الإختيار فإنه من السعي به لا السعي بنفسه.

* * *

الشیخ البهجت: نظیر عبارت الشیخ الوحید.^۳

الشیخ التبریزی: لازم نیست در سعی پیاده باشد و سعی سواره بر حیوان یا چرخهای متداول جایز است.^۴

منه أيضاً: نعم يجوز إذا جلس باختياره^۵ و در فرع ۹۷۳ فرموده: فالسعي فيها محل إشكال و كذلك الطواف.^۶

الشیخ الفاضل: فی السؤال ۲۰۶: هل يجوز السعي في العربات الموجودة في السعي اختياراً مع العلم بأن الذي يتولّى تحريك هذه العربات شخص آخر والساعي

(۴) ص ۱۹۴

(۳) ص ۱۳۶ و ۱۳۸

(۲) ص ۲۵۲

(۱) ص ۱۴۱

(۶) و فرع ۹۷۵ و ۹۸۱

(۵) فرع ۳۱۲

جالس فقط؟ ج: نعم إذا جلس باختياره.^١

أقول: هذا نص عبارة السيد الخوئي رحمته في منية السائل سؤالاً وجواباً.
الشيخ المكارم: جاز است سواره و بر روی محمل چه در حال اختیار و چه
با عذر لکن راه رفتن افضل است.^٢
الشيخ الوحيد: لا يعتبر في السعي المشي فلا بأس بالسعي راكباً.^٣ و ص
١٤٤: من لم يتمكن من السعي بنفسه و لو بمساعدة غيره لأن يسعى به على متن
إنسان أو وسيلة أخرى.

اعتبار الموالاة في السعي

الإمام الخميني رحمته: در سعي موالاة معتبر نیست مگر شوط اول تمام نشده
باشد که در صورت فوت موالاة احتیاطاً از سر بگیرد.^٤
السيد الغلپایگانی رحمته: در سعي موالاة معتبر نیست.^٥
السيد السيستاني: إعتبار الموالاة بين أشواط السعي مبني على الإحتياط
اللزومي والعبرة فيها بالصدق العرفي.^٦
السيد الخامثي: يجوز الجلوس والنوم على الصفا والمروة أو بينهما للإستراحة
أثناء السعي بل يجوز ذلك بلا عذر أيضاً.
السيد الشبيري: مما يعتبر في السعي الموالاة العرفية في أشواطه^٧ (وقال: يعتبر
في السعي رعاية حصول الترتيب بين أجزاء السعي)^٨

(١) حول الجمع ص ١٩٢ در مناسك فرع ٦٨٦ فرموده: خلاف احتياط وجوبی است. (٢) ص ٢٩٧

(٣) ص ١٢٢ (٤) معشي مكارم. ص ٢٩١ (٥) ص ٢٧٢ . (٦) ص ١٢٢ ملحق.

(٧) ص ١٢٢ (٨) فرع ٥٦٦ ص ١٣١

- الشیخ البهجت: لزوم موالاة در غیر شوط اول معلوم نیست.^۱
- الشیخ التبریزی: احتیاط لازم موالاة عرفیه است به طوری که فصل معتد به در بین اشواط حاصل نشود.^۲
- الشیخ الصافی: موالاة در تمام اشواط سعی رعایت شود.^۳
- الشیخ الفاضل: س: هل يجب الموالاة في السعي وما مقدار وجوبها؟
- ج: نعم بمقدار الصدق العرفي المتوالي ومثله في الطواف.^۴
- الشیخ المکارم: احتیاط واجب مراعات موالاة عرفیه است.^۵
- الشیخ النوری: جایز است نشستن یا خوابیدن بین آنها برای رفع خستگی و لازم نیست عذری داشته باشد بنابر اقوی.^۶
- الشیخ الوحید: والأقوى إعتبار الموالاة العرفية في السعي بين الأشواط وأبعاضها.^۷

تکرار سعی برای استحباب هروله

- الإمام الخميني: اشكال دارد.^۸
- السيد الخوئي: بنابر اظهر اشكال ندارد اگرچه احوط اعاده سعی است.^۹
- السيد السيستاني: يشكل صحة سعيه إلا إذا كان جاهلاً قاصراً.^{۱۰}
- السيد الخامنئي: لا يجوز أن يفعل ذلك اختياراً ولكن سعيه صحيح في الفرض المذكور (نسيان الهرولة) وإن كان الأحوط إتمام السعي ثم إعادته.
- السيد الشبيري: زائد است ولی مبطل سعی نیست.^{۱۱}

(۱) آداب ص ۱۴۲	(۲) ص ۱۹۳	(۳) الألف ص ۱۸۳	(۴) العول ص ۹۷
(۵) المصدر.	(۶) ص ۲۴۱	(۷) ص ۱۴۲	(۸) ص ۱۶۴
(۹) ۳۳۴م	(۱۰) الملحق ص ۱۲۱	(۱۱) شفاهی.	

الشيخ البهجت: اشكال ندارد.^١

الشيخ التبريزي^٢: لا يضر بسعيه.^٢

الشيخ الصافي: اشكال ندارد.^٣

الشيخ الفاضل: اگر از جهل به مسأله تکرار شده احتیاطاً اعاده کند.^٤

الشيخ المكارم: هرگاه از روی ندانستن مسأله چیزی بر هفت دور اضافه کند حکمش حکم عمد است یعنی باید سعی را از نو به جا آورد.^٥ و در ص ١١٦: احتیاط آن است که برنگردد.

الشيخ الوحيد: ولو زاد في سعيه عالماً عامداً بطل سعيه ولا يبطل بالزيادة سهواً وكذلك جهلاً بالحكم وقال: إذا زاد في سعيه خطأً صح سعيه.^٦

چهارده مرتبه سعی

س: چهارده مرتبه سعی به جای هفت مرتبه در چه صورت صحیح است؟

السيد السيستاني: چنانچه از روی جهل و یا نسیان بوده صحیح است.^٧

وفي الملحق ص ١١٤: س: شخص سعی عشرة أشواط نسياناً ثم التفت إلى الزيادة فقطع سعيه وقصر ما ذا حكمه؟

ج: يصح سعيه ولا شيء عليه.

السيد الشبيري: در فرض جهل و سهو صحیح است.^٨

منه أيضاً: لو نوى أن يسعى أكثر من سبعة أشواط متعمداً بطل ما سعى مع هذا - القصد وأما ولو زاد ساهياً فللمسألة صور، الخامس: أن يلتفت بعد إكمال السبعة

(٤) فرع ٧٢٤ مع التحقيق.

(٨) الغاتم.

(٢) الصراط ج ٢ ص ١٨٣ (٣) الألف ٦١٥م

(٧) مهر دفتر.

(٦) ص ١٢٥

(١) كتنی.

(٥) ص ١١٠

الثانية ففي هذه الصورة صح سعيه بلا اشكال.^۱

* * *

الشيخ البهجت: در صورت جهل و نسيان مانع ندارد و در مناسک موجود است.^۲

الشيخ التبريزي: چنانچه از روی اشتباه اين کار را انجام داده و از روی علم و عمد نبوده سعی صحيح است.^۳

الشيخ الصافي: در صورت جهل به مسئله و تصور اينکه منظور از هفت مرتبه سعی نمودن اين است که در هر مرتبه برود و برگردد صحيح است.^۴

الشيخ الفاضل: کسی که می دانسته هفت شوط سعی کند منتهی فکر می کرده که هر رفت و آمد یک شوط است لذا چهارده شوط به جا آورده، اقوی اين است که همین سعی کافی است هر چند احتياط در اعاده است.^۵

منه أيضاً: اگر سعی را به قصد چهارده دور به جا آورد، سعی او باطل است.^۶ مؤلف: اگر از باب خطاء و تطبيق مبدء و مختم سعی را صفا بصفا خيال کرده و مقصود هفت شوط بوده سعی صحيح است و الا صحت در غير اين صورت محل اشكال است و مقتضای احتياط اعاده است.

ترك سعی نسياناً

السيد الخوئي: في الموارد التي يجب فيها إعادة الطواف يعيد فيها السعي و طواف النساء في طواف الحج، و يعيد السعي و التقصير في طواف العمرة. الصراط ج ۳ ص ۱۶۷.

(۲) کتبی.

(۳) کتبی.

(۲) مهر دفتر.

(۱) فرع ۵۴۶

(۶) احکام عمره، فرع ۵۷۵

(۵) ۷۲۱م

السيد الشبيري: و ترك سعی از روی عمد موجب بطلان حج و عمره می شود ولی جاهل به احکام فرعی سعی حکم دیگر دارد. ص ۱۳۶
و در ص ۱۴۴: اگر از روی فراموشی یا نشناختن خصوصیات سعی را ترک کرده یا آن را باطل انجام داده، هر وقت متوجه شود آن را اعاده می کند.

الشيخ التبريزي: لو ترك السعي نسياناً أتى به حيث ما ذكره وإن لم يتمكن مباشرة لزمته الاستنابة ص ۱۶۸.
الشيخ الوحيد: لو ترك السعي نسياناً أتى به حيث ما ذكره بالمباشرة وإن لم يتمكن بالاستنابة. ص ۱۴۴

قطع السعي اختياراً

السيد الشبيري: قطع سعی به مجرد خواهش نفسانی جایز نیست و رعایت موالات عرفی در اشواط واجب است و اگر قطع کرد باید استیناف کند و مجوزات قطع طواف مجوز قطع سعی هم می باشد.^۱
السيد السيستاني: نعم يجوز قطعه اختياراً على الأظهر لكن استأنفه بعد فوات الموالاة العرفية.^۲

انجام شلوط ششم سعی و اعزام به ایران

س: زنی در شلوط ششم سعی، حالش به هم خورده در عمره تمتع او را به ایران فرستادند، تکلیف او در فرض مزبور چیست؟

الشیخ البهجت: اگر از جهت مرض رفع حصر او شده برای خروج از احرام باید خودش و اگر نمی‌تواند نائیش اعمال عمره مفرده را به غیر از احرام به جا آورد ولی تقصیر را باید خودش به جا آورد با مراعات ترتیب و اگر از جهت مرض نمی‌تواند برود احتیاط آن است که به وظیفه محصور عمل نماید.^۱

الشیخ التبریزی^۲: با فرض انقضاء وقت عمره تمتع عمره‌اش باطل است و بنابر اظهر از احرام خارج شده.^۳

الشیخ الصافی: در فرض سؤال چنانچه برگشتن و تسمیم عمره برایش ممکن نیست باید شخصی را نائب بگیرد که باقی سعی را به نیابت او انجام دهد و بعد از آن به منوب عنه خبر دهند تا منوب عنه خودش تقصیر کند و از احرام خارج شود و تا این اعمال انجام نشده به حال احرام باقی است و چون عمره مذکوره مبدل به عمره مفرده شده لازم است، منوب عنه بعد از تقصیر کسی را نائب کند که از طرف او طواف نساء و نماز آن را هم به جا آورد.^۴

(۱) کتب.

(۲) کتب.

(۳) کتب.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

ملحقات تقصیر



مرکز تحقیقات و پژوهش در علوم اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

اكْتِفَا بِهِ نَاخِنْ كَرَفْتَن دَر تَقْصِير

السيد الخوئي^١: إذا قلم المحرم أظافره فأدمى اعتماداً على فتوى من جوزه
وجب الكفارة على المفتي على الأحوط.^٢

السيد السيستاني: المشهور تحقق التقصير بأخذ شيء من ظفر اليد أو الرجل و
لكن الأحوط عدم الاكتفاء به و تأخير الإتيان به عن الأخذ من الشعر.^٣
منه أيضاً: يجوز حلق الرأس للمتمتع بعد خروجه من الإحرام وقبل الحج و
ان كان الأحوط تركه.^٤

منه أيضاً: وجب الكفارة على المفتي على الأحوط.^٥

السيد الشبيري: وجب التكفير على المجيز في صورة و على المفتي في صورة
أخرى.^٥

الشيخ البهجت: وجبت الكفارة على المفتي.^۱
 الشيخ الفاضل: ظاهراً تراشیدن سر بین عمره تمتع و حج تمتع اشکالی ندارد، ولی رعایت احتیاط خوب است.^۲
 الشيخ المکارم: ولی احتیاط آن است که به کوتاه کردن ناخن به تنهایی اکتفا نکند.^۳

الشيخ الوحيد: لزم المفتي شاة المشهور و هو أحوط.^۴
 أقول: مراجع عظام دامت برکاتهم اکتفا به ناخن گرفتن را کافی می دانند هر چند احوط استحبابی آن است که قدری از موی سر یا محاسن بچینند.

تقصیر با موی عانه و زیر بغل

الإمام الخميني: اکتفا کردن به تقصیر موی زیر بغل یا عانه محل اشکال است.^۵
 السيد السيستاني: نظر معظم له در مناسک و دو ملحق مناسک به دست نیامد.
 السيد الشبيري: کوتاه کردن موی بدن و زیر بغل و عانه و ابرو برای تقصیر ظاهراً کفایت نمی کند.^۶

الشيخ الفاضل: حاشیه ندارد.
 الشيخ المکارم: حاشیه ندارد.
 الشيخ النوري: حاشیه ندارد.
 مؤلف: مقتضای احتیاط آن است که با سر و ریش و شارب تقصیر کند.

(۳) ص ۱۲۵ مع التلخیص. (۴) ۲۷۲ م

(۲) ص ۲۵۳

(۱) ۲۶۲ م

(۶) ص ۲۰۸

(۵) واجبات منی م (۱۱۲۹).

ترك التقصير مع الجهل

الإمام الخميني^۱: در این مسئله جهل حکم عمد را دارد.^۱
 السيد گلپایگانی^۲: وإن كان عمداً أو جهلاً منه بذلك مع التفات الجاهل تبطل متعته وينقلب حجه إلى الأفراد فيأتي ببقية المناسك على الترتيب ويقضي حجه في العام القابل على الأحوط.^۲

السيد السيستاني: إذا ترك التقصير عمداً فاحرم للحج فالظاهر بطلان عمرته و انقلاب حجه إلى الأفراد و الأحوط إعادة الحج في سنة أخرى أيضاً.^۳
 السيد الشيرازي: عمره تمتع او باطل می شود و حج مبدل به افراد می شود. عالم به مسئله باشد یا جاهل به اصل حکم یا فروع احکام تقصير و باید پس از حج، عمره مفرده به جا آورد و کفایت از حج می کند و اعاده در سال بعد لازم نیست.^۴

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

الشيخ البهبهتي: عمره اش فاسد و باطل و حج مبدل به افراد و احتیاط اعاده حج است در سال بعد، اگر عمداً ترک کرده باشد.^۵
 الشيخ الصافي: اگر عمداً ترک کرد حج مبدل به حج افراد و بنابر احتیاط واجب سال دیگر اعاده کند.^۶
 الشيخ الفاضل: بطلت عمرته و الأحوط ان يأتي بالحج الافراد والحج من قابل.^۷

الشيخ المكارم: کسی که از روی ندانستن تقصير را ترک کند حکمش حکم عمد است که باید حج افراد به جا آورد و احتیاط واجب آنکه بعد عمره مفرده به

(۲) ص ۱۰۰

(۳) ص ۱۷۹

(۱) ص ۱۷۶ طبع پنجم. (۲) ص ۱۵۲

(۷) ص ۱۲۵

(۶) ص ۱۱۳

(۵) ص ۱۱۴

جا آورد و حج صحيح است و احتياط مستحب اعاده حج است در سال بعد.^١
 الشيخ الوحيد: نفس عبارة السيد السيستاني و لم يتعرض للجهل بالخصوص
 و الظاهر أنه ألحقه بالعمد.^٢



مرکز تحقیقات و پژوهش در علوم اسلامی

ملحقات كفاره



مرکز تحقیقات کلامی و فقهی اسلامی

کفاره مخصوص صورت عمد است

السید الخوئي رحمه الله: هر عملی که از محرم از روی جهل و نسیان سر بزند کفاره ندارد، مگر موارد ذیل:

۱- طواف حج را فراموش نموده و با عیال خود نزدیکی نماید.
یا مقداری از سعی را در عمره تمتع فراموش کند و با عیال خود نزدیکی کند.
یا ناخنهای خود را بگیرد بخيال اینکه احرامش تمام شده
یا اینکه بعد از سعی و قبل از تقصیر به جهت ندانستن حکم با زن خود
نزدیکی کند.

۲- کسی که بی دلیل دست بر سر و ریش بکشد و یک یا دو مواز آن بیفتد.

۳- آنکه بدن خود را روغن مالی کند از روی نادانی.^۱

السید السیستانی: بمعنى أن ارتکاب المحرم أي عمل منها لا یوجب الکفارة

عليه إذا كان صدوره منه ناشئاً عن جهل أو نسيان ويستثنى موارد: ١ - ما إذا نسي الطواف في الحج أو العمرة و واقع اهله؛ ٢ - ما إذا نسي شيئاً من السعي في عمرة التمتع فأحل باعتقاد الفراغ؛ ٣ - من أمر على رأسه أو لحيته عبثاً فسقطت شعرة أو شعرات؛ ٤ - ما إذا اذهن.^١

السيد الشبيري: تمام كفارات تنها در صورت عمد لازم می شود مگر در كفاره صيد.^٢

* * *

الشيخ البهجت: هر عملی که از محرم از روی جهل و نسيان سر بزند كفاره ندارد مگر چند مورد.^٣

الشيخ التبريزي: ولا تجب عليه الكفارة إذا كان صدوره منه ناشئاً عن جهل أو نسيان.

الشيخ الصافي: بر ناسی و جاهل در غير صيد كفاره واجب نیست.^٤
(عبارة السيد الكلبي يگاني).

الشيخ الفاضل: هر يك از اموری که موجب كفاره است اگر با جهل به مسئله یا نسيان واقع شود كفاره ندارد.^٥

الشيخ المكارم: نفس عبارة الإمام: (و حاشیه ندارد)^٦

الشيخ النوري: در غير صيد ارتكاب از روی علم و عمد كفاره دارد.^٧

الشيخ الوحيد: ولا تجب الكفارة إذا كان صدوره منه ناشئاً عن جهل أو نسيان.^٨

(٢) اخير ص ١٧٢

(٣) ص ٨٥

(١) ص ١١٢ مع التلخيص. (٢) ص ٩٢

(٨) ص ٩٢

(٧) ص ٣٨٥

(٦) ص ١٣٩ معشى

(٥) معشى ١٣٢

شرايط كفاره

- الإمام الخميني^١: شرايط هدى در حيوان كفاره معتبر نیست.
 السيد الخوئي^٢: شرايط در قربانی در كفاره شرط نیست.
 السيد گلپایگانی^٣: لا يشترط فيه شروط الهدى.
 السيد السيستاني^٤: لا يعتبر وإن كان رعايتها فيها أحوط.
 السيد الشيرازي^٥: باید دارای شرایطی باشد که در قربانی حج تمتع لازم است.

* * *

- الشيخ البهجت^٦: آنچه از شرایط در قربانی ذکر شد در كفاره شرط نیست هر چند احتیاط مراعات است.
 الشيخ التبريزي^٧: حیوان كفاره شرایط قربانی را ندارد.
 الشيخ الصافي^٨: احتیاط مستحب رعایت آن شرایط است.
 الشيخ الفاضل^٩: شرایط هدى در حيوان كفاره معتبر نیست.
 الشيخ المكارم^{١٠}: هیچ یک از شرایط هدى در كفاره معتبر نیست.
 الشيخ النوري^{١١}: همان عبارت مرحوم امام قدس سره.
 الشيخ الوحيد^{١٢}: ما ذكرناه من الشرايط في الهدى لا تعتبر في ما يذبح كفارة وإن كان الأحوط مراعاتها فيه.

(١) مسائل متفرقه ص ٢٥٩ (٢) مثله ٢٠٩ (٣) ص ١١٧ (٤) الملحق ص ٨٤
 (٥) ص ٩٢ (٦) ص ١٤١ (٧) ص ٣٧٠ صغير (٨) ص ١٩٢
 (٩) ص ٢٣٠ محشئ م ١٥ متفرقه. (١٠) محشئ ص ٢٢٣ (١١) ص ٢٢٨
 (١٢) ص ١٦٨

محل ذبح كفاره

الإمام الخميني: و اگر در حج ترک کرد و برگشت به محل خود در محل خود بکشد و صدقه بدهد.^۱

السید الخوئي: در رساله ۲۸۷: اظهر این است که می تواند تا بازگشت به وطن تأخیر انداخته و هر جا بخواهد بکشد.

السید الکلبایگانی: اگر دسترسی به فقیر مؤمن نباشد یا تمکن مالی نداشته باشد در بلد خود بکشد و به فقیر مؤمن بدهد.^۲

السید السیستانی: فان لم یذبح فی مکه أو منی لعذر أو بدونه حتی رجع جاز له ذبحها أين شاء علی الأظهر.

السید الشبیری: حیوان كفاره باید دارای شرایط قربانی باشد.^۳
منه أيضاً: احتیاط واجب در كفاره صید و جماع - مکه و منی است و در سایر كفارات هر کجا ذبح کند کافی است.^۴

الشیخ البهجت: اظهر این است که می تواند ذبح را تا بازگشت به وطن تأخیر بیندازد.^۵

الشیخ التبریزی: الأظهر جواز تأخیرها إلى عودته من الحج فیذبح أين شاء - فی غیر صید.^۶

الشیخ الفاضل: اگر ترک کرد و برگشت به محل خود در محل خود بکشد و صدقه بدهد.^۷

(۴) ص ۹۲

(۳) ص ۹۲

(۲) شفامی.

(۱) طبع پنجم.

(۷) محشی ۲۷۸

(۶) ص ۱۳۷

(۵) ص ۱۰۱

الشيخ النوري: اگر از ذبح در مکه و منی خودداری کرد و به وطن برگشت در محل خود بکشد و صدقه دهد.^۱

الشيخ الوحيد: الأقوى في ما يلزم المحرم من الكفارة لغير الصيد جواز تأخيرها إلى أن يرجع إلى أهله.^۲

مصرف الكفارة

الشيخ البهبهت: و مصرفها الفقراء.^۳

الشيخ التبريزي: و مصرفها الفقراء و لا بأس بالأكل منها قليلاً مع الضمان.^۴

الشيخ الصافي: اگر در مکه و منی فقیری نبود که به او صدقه دهد و یا به هر جهت دیگر ترک شد در وطن ذبح کند و به فقیر بدهد.

الشيخ الفاضل: مصرف كفارات فقراء و مساكين هستند. بنابر احتیاط فقراء مؤمنین غیر سید می باشند.^۵

الشيخ المكارم: نفس عبارت فوق به اضافه (احتیاط آن است که كفاره غیر سادات به سادات داده نشود).^۶

الشيخ النوري: نفس عبارة الإمام.^۷

الشيخ الوحيد: و مصرفها الفقراء و لا يأكل منها إلا شيئاً قليلاً فإن أكل فعليه قيمة ما أكل و لا ضمان في القليل على الأقوى وإن كان أحوط.^۸

(۴) ص ۱۳۷ م ۲۸۴

(۳) مسئله ۲۶۹

(۲) ص ۱۱۵

(۱) ص ۲۸۴

(۸) ص ۱۱۵ م ۲۸۱

(۷) معنی ص ۴۲۹

(۶) معنی ص ۲۲۴

(۵) معنی ص ۲۳۰

ملحقات عمره



مرکز تحقیقات تکنولوژی آموزشی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

جواز احرام برای عمره مفرده از ادنی الحل

س: کسانی که از ایران به قصد عمره مفرده وارد جده می‌شوند آیا می‌توانند از مسجد تنعیم که ادنی الحل است محرم شوند؟
السید الشبیری: بلی، می‌تواند.^۱

و در جواب سؤالی فرموده‌اند: در صورتی که به مواقیت دیگر برخورد نکنند.



الشیخ الصافی: عبور از میقات یا محاذی آن برای قاصد مکه بدون احرام جائز نیست هر چند بخواهد عمره مفرده به جا آورد و لکن اگر معصیت کرد و از ادنی الحل محرم شد عمره او صحیح است.^۲

الشیخ الفاضل: بلی، چون تنعیم میقات عمره مفرده است و کسانی که از مواقیت معروفه عبور نکنند می‌توانند از آنجا محرم شوند.

الشیخ المکارم: میقات آنها حدیبیه است که تقریباً ۱۷ کیلومتر تا مکه فاصله

دارد و اگر از جاده قدیم بروند به حدیبیه برخورد می کنند و اگر نروند از محاذات آن کفایت می کند.^۱

عدم جواز

السید السیستانی: نمی توانند.^۲

الشیخ البهجت: نمی توانند و باید به یکی از مواقیت معروفه بروند.^۳
الشیخ التبریزی^۴: باید به جحفه یا میقات دیگر از مواقیت معروفه بروند و احرام از ادنی الحل مجزی نیست.^۵
الشیخ النوری: باید از جحفه یا شجره محرم شوند.^۵

جواز عمره در تمام سال حتی در اشهر حج

السید الگلپایگانی^۶: عمره مفرده را در تمام روزهای سال می شود به جا آورد و موقت به وقت مخصوص نیست.^۶
السید السیستانی: عمره مفرده در تمام ماه ها صحیح است و افضل آنها ماه رجب است.^۷

السید الشیرازی: در ایام تشریق محل اشکال است.^۸

(۱) مهر خاص.	(۲) مهر دفتر.	(۳) مهر دفتر.	(۴) مهر خاص.
(۵) مهر خاص.	(۶) احکام عمره ص ۱۵	(۷) ص ۱۵	(۸) المسائل المتفرقة.

الشيخ البهجت: و تصح العمرة المفردة في جميع الشهور وأفضلها شهر رجب.^١
 الشيخ الفاضل: س: هل يجوز لمن لم يحج أن يأتي بالعمرة المفردة في أشهر
 الحج مع العلم بأنه مستطيع للحج و في فرض عدم الجواز هل يجوز له الخروج من
 مكة على أمل أن لا يعود إليها للحج أم لا؟
 ج: لا مانع له من الإتيان بالعمرة المفردة و الخروج من مكة قبل أوان الحج
 لكن لو بقي إلى أوانه يجب أن يأتي بالحج حسب وظيفته...^٢

المحرّم هو خصوص الجماع

الشيخ التبريزي: المحرم على من لم يطف طواف النساء عمداً أو جهلاً أو
 نسياناً خصوص الجماع لا سائر الاستمتاع.^٣

العمرة المفردة قبل الحج و بعده

السيد الخوئي: يجوز له الإتيان بالعمرة المفردة قبل عمرة التمتع و بعد
 أعمال الحج.^٤

الخروج من المدينة جواً

السيد الخوئي: يجوز أن يحرم من الشجرة و يعود إلى المدينة و يسافر جواً
 من المطار.^٥

(١) ص ٥٥ (٢) حول الحج ص ٢٩ (٣) الصراط ج ٢ ص ٥٠٥
 (٤) الصراط ج ٢ ص ١٩٩ و وافقه التبريزي مد ظله. (٥) المصدر ص ٢٠٢ و وافقه التبريزي مد ظله.

الخروج في أثناء عمرة التمتع

السيد الخوئي رحمته الله: لا يجوز الخروج من مكة لمن دخل مكة لعمرة التمتع قبل أن يقضي عمرته.^١

احرام از جدّه

السيد الخوئي رحمته الله: يجوز لأهل جدة، الإحرام من جدة و لا يجوز لغيرهم.^٢

المراد بالشهر الهلالی

السيد الخوئي رحمته الله: يستحب الإتيان بالعمرة المفردة مكرراً والأولى الإتيان بها في كل شهر - والأظهر جواز الإتيان بعمرة في شهر وإن كان في آخره و بعمرة أخرى في شهر وإن كان في أوله.

س: هل الاعتبار بنفس الشهر أو بالعدد؟

ج: الاعتبار ليس بالعدد بل بنفس الشهر الذي أتم عمرته فيه و لو كان يوم الثلاثين منه و قد خرج في نفس اليوم فأراد أن يدخلها في اليوم الأول من الشهر الثاني وجب أن يحرم لدخوله فيها.^٣

السيد الشيرازي: مراد از ماه دیگر ماه قمری است نه گذشتن سی روز...^٤ و در بحث شفاهی، تقویت می کردند سی روز را.

(١) المصدر ص ٢٠٢ و واقفه التبریزی.

(٢) ص ٢٠٢

(٣) الصراط ج ٢ ص ٢١٢ و في منية السائل ص ١٦

(٤) ص ٨٣

أحكام العمرة المفردة

السيد السيستاني: س: من كان في مكة المكرمة وأراد الإتيان بالعمرة المفردة هل يجوز له أن يذهب إلى جدة ويحرم منها بالنذر؟

ج: يجوز ولكن لا يجب بل يمكنه الإحرام من التنعيم و نحوه.^١

و في ص ٦٣: س: الإحرام للعمرة المفردة لمن في مكة من أدنى الحل هل يجب أن يتم من التنعيم أو الحديبية أو الجعرانة؟

ج: لا خصوصية للمواضع الثلاثة بل يكفي الإحرام من حدود الحرم المكي من أي نقطة كانت.^٢

و في ص ٦٤: س: من أتى بعمرة مفردة في ذي الحجة ثم خرج من مكة و عاد إليها و بداله أن يأتي بحج الأفراد ندباً فهل يحرم من مكة؟

ج: يجوز وإن كان الأولى أن يخرج إلى بعض المواقيت ويحرم منها.^٣

و في الملحق الثالث ص ٤٠: س: المتواجد في مكة المكرمة إذا أراد الإتيان بحج الأفراد فمن أين يحرم له؟

ج: يجوز الإتيان من مكة نفسها.^٤

س: من أدى العمرة المفردة في شهر ذي القعدة وخرج من مكة وأراد الدخول إليها في شهر ذي الحجة فهو ملزم بالإحرام للدخول فيها فإن أراد الإحرام لعمرة مفردة أخرى فمن أين يحرم من مكة أم من أدنى الحل أم من أحد المواقيت؟

ج: إذا كان في الحرم فليحرم من الجعرانة أو الحديبية و نحوهما دون التنعيم لأنه يقع في الوقت الحاضر في مكة المكرمة وإن كان في خارج الحرم، فيما دون

(٣) فرع ١١٩

(٢) فرع ١١٧

(١) ملحق ٢ ص ٤١

(٤) الملحق الثالث ص ٧٠ مسألة ١٣٢

المیقات فالحکم كذلك مع مراعاة عدم دخول الحرم إلا محرماً وإن كان فیما يبلغ المیقات فلا بد من الإحرام من المیقات.

الشیخ الصافی: العبرة فی الشهر فی هذا المقام بالشهر الهلالي لا بثلاثین يوماً.^١

فاصله بین دو عمره

فی العروة: الأقوی عدم اعتبار فصل فیجوز إتیانها کل يوم.^٢
الإمام الخميني: في التحرير: و اختلفوا في مقدار الفصل بين العمرتين والأحوط فیما دون الشهر الاِتيان بها رجاء.^٣

و در رساله فارسی: اگر فاصله بین دو عمره کمتر از یک ماه باشد دومی را به قصد رجاء به جا آورد مطلقاً چه برای خود و چه برای خود و دیگری.^٤
السید الخوئی: و لا یجوز الاِتيان بعمرتين في شهر واحد فیما إذا كانت العمرتان عن نفس المعتمر أو عن شخص آخر وإن كان لا بأس بالایتيان بالثانية رجاء و لا یعتبر هذا الفصل إذا كانت إحدى العمرتين عن نفسه والأخرى عن غیره.^٥

السید الگلپایگانی: اقوی عدم اعتبار فاصله بین دو عمره است و حتی تکرار عمره در یک روز هم جایز است.^٦

السید السیستانی: یجوز الاِتيان بعمره في شهر وإن كان في آخره وبعمره أخرى في شهر آخر وإن كان في أوله...^٧

السید الخامنئي: در کمتر از یک ماه قصد رجاء بنماید.^٨

السید الشبيري: می توان در یک روز چندین عمره مفرد انجام داد چه برای

(١) ص ٦٦ (٢) فصل العمره. (٣) ج ص ٢٠٣ (٤) متفرقه عمره و حج م ٣

(٥) م ١٣٧ (٦) آخر ص ١٠٩ (٧) ص ١٣٧ (٨) ص ٢٨

خود باشد یا برای دیگری.^۱

الشیخ البهجت: اظهر عدم اعتبار فصل است.^۲

الشیخ التبریزی: نفس العبارة.^۳

الشیخ الصافي: قبل از انقضاء ماه دومی را به قصد رجا به جا آورد^۴ و در

فرع ۹۰۱ فرموده: در صورت تعدد فاصله معتبر نیست.

الشیخ الفاضل: اگر به نیابت از دیگری باشد رعایت فاصله لازم نیست.^۵

الشیخ المكارم: میزان این است که در هر یک از ماه‌های قمری می‌توان یک

عمره مفرده انجام داد.^۶

الشیخ الثوري: می‌تواند هر روز عمره به جا آورد.^۷

الشیخ الوحيدید: نفس عبارة السيد الخوئي الا قوله دام ظله (فی شهر واحد

على الأحوط)^۸

مؤلف: مقتضى الاحتياط أن يأتي بالثانية بقصد الرجاء.

المقيمون في جدة

السيد الخوئي: لا بد أن يبقى فيها مدة يصدق أن منزله فيها.^۹

السيد السيستاني: س: المقيمون في جدة من أين يحرمون للحج أو العمرة؟

ج: يجوز لهم الإحرام من جدة نفسها.^{۱۰}

و في الملحق الثاني ص ۶۰: يمكنه الإحرام من جدة بلا حاجة إلى النذر ولا

(۴) ورقة ص ۱۰

(۳) ص ۶۲ م ۱۳۷

(۲) ص ۸۹

(۱) ورقة ص ۱۱

(۸) مسئله ۱۳۴

(۷) مناسك.

(۶) محشی ص ۸۷

(۵) محشی ص ۸۴

(۹) الملحق ص ۲۶۵ م ۶۵ (۱۰) الملحق الثاني ص ۶۹

يجب عليه الذهاب إلى أحد المواقيت.

س: المقيمون في جدة التي تعدّ جدة مقراً لهم يعتمرون في كل شهر فهل يجزيهم الإحرام لها من أدنى الحل؟

ج: يجزيهم الإحرام من جدة نفسها وليس لهم الإحرام من أدنى الحل.^١

الشيخ التبريزي^٢: س: ساكن جدة هل يجوز له الإحرام منها سواء للعمرة المفردة أو العمرة التمتع في الحالات التالية إذا مضى على سكناه بها أكثر من ثلاث سنوات؟
ج: يكفي في هذه المدة للإحرام منها وإذا لم يمض هذه المدة، لا بد من الدخول في السنة الثالثة.^٣

وكذا النائب يحرم من جدة إذا كان من المقيمين في جدة.^٤
الشيخ الفاضل: س: هل يجوز للمقيمين في جدة أن يحرموا منها إذا كانوا يريدون النيابة عن شخص آخر لحج أو عمرة؟
ج: إذا كان النائب من المقيمين في جدة كما هو ظاهر السؤال، جاز الإحرام باعتبار أن من كان منزله دون الميقات كان إحرامه منه.^٥

عمره تمتع مفردة می شود

س: باذل بعلى بعد از عمره تمتع از بذل بر می گردد و شخص مبذول له...
خودش امکان مالی برای تکمیل ندارد تکلیف مبذول له چیست؟ آیا مبدل بعمره مفردة می شود (و یا مستأجر پشیمان می شود و حاضر نیست اجرت بدهد).
السيد السيستاني: چنانچه اتمام حج بر او حرجی باشد می تواند محرم به حج

(٣) ص ٧٢

(١) الملحق الثاني ص ٦٣ (٢) مع التلخيص الصراط الرابع ص ٧٠

(٤) جامع المسائل ص ٢٣ وكذا في ص ٣٩ فراجع.

تمتع نشود و احوط این است که عمره تمتع را تبدیل به عمره مفرده کند و طواف نساء به جا آورد.^۱

السید الشبیری: عمره تمتع او تبدیل به عمره مفرده می شود و احتیاط در انجام طواف نساء می باشد.^۲

و فرقی نیست بین این که مستأجر بگوید اجاره را فسخ کردم یا نگوید و امتناع از بذل داشته باشد، در هر دو صورت عمره مبذول له تبدیل به عمره مفرده می شود و احتیاط استحبابی بعد در انجام طواف نساء است.^۳

* * *

الشیخ البهجت: در حج بذلی تا قبل از دخول در احرام باذل می تواند از بذل برگردد ولی بعد از دخول در احرام نمی تواند و اگر بعد از عمره تمتع از بذل برگردد ولو عصیانا عمره او مفرده می شود و همچنین است حکم درباره اجیر.^۴

الشیخ التبریزی: بنا بر احتیاط بعد از اعمال عمره طواف نساء و نماز آن را به جا آورد و همچنین اجیر حکم سابق را دارد.^۵

الشیخ الصافی: در فرض مثال بنا بر احتیاط واجب بعد از اینکه مبذول له داخل در احرام شد باذل نمی تواند رجوع کند و مستأجر هم مطلقاً (چه قبل از احرام و چه بعد از آن) حق رجوع ندارد چون اجاره از عقود لازمه است.^۶

الجمع بین الأصلي و النیابی فی العمرة المفردة

السید السیستانی: س: هل يجوز الإتيان بعمره مفردة إصاله و نيابة عن نفسه و نيابة عن آخر. ج: لا يبعد جوازه.^۷

(۴) مهر دفتر.

(۳) الغاتم.

(۲) الغاتم.

(۱) مهر دفتر.

(۷) کتبی.

(۶) کتبی.

(۵) کتبی.

السيد الشبيري: مانع ندارد.^۱

* * *

الشيخ التبريزي: جایز است.^۲

الشيخ الصافي: ظاهراً مانعی نداشته باشد.^۳

الشيخ الفاضل: ملخص دو مسئله: در حج مستحبی و در عمره مفرد
مستحبی قصد انجام آن برای خود و به نیابت پدر و مادر یا چند نفر دیگر مانع
ندارد.^۴

الشيخ المكارم: احتیاط آن است که آن را به نیت خود به جا آورد و هر
مقدار از ثواب که می خواهد به دیگران هدیه کند.^۵



مرکز تحقیقات کتابخانه و اسنادی

(۱) شفاهی.

(۲) شفاهی.

(۳) شفاهی.

(۴) استثنائات حج و عمره ص ۷۶

(۵) استثنائات حج ۲ ص ۱۹۶

ملحقات حج تمتع



مركز تحقیقات تکنولوژی و علوم اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

تبدل حج آفاقی به مکی

السید الخوئی رحمۃ اللہ علیہ: إذا أقام البعيد في مكة فإن كانت استطاعته بعد إقامته في مكة وجب عليه حج الأفراد أو القران بعد الدخول في السنة الثالثة.^١

السید گلپایگانی رحمۃ اللہ علیہ: اگر دو سال به قصد مجاورت در مکہ بماند و بعد از دو سال مستطیع شود، حکم اهل مکہ را پیدا می کند.^٢

السید السبستانی: إذا أقام البعيد في مكة انتقل فرضه إلى حج الأفراد أو القران بعد الدخول في السنة الثالثة (و لا فرق في صور المسئلة)^٣

السید الشبیری: متعرض این فرع نشده.

* * *

الشیخ البهجت: اگر پس از اقامت در مکہ و داخل شدن در سال سوم استطاعت پیدا کرده حج افراد یا قران بر او واجب می شود.^٤

(١) م ١٢٥ ص ٦٠ وله رحمۃ اللہ علیہ تفصیل فی المسئلة فراجع. (٢) ص ١١٢ احکام ٢٧٩ (٣) ص ٦٨

(٤) ص ٥٣

الشيخ التبريزي^١: إذا كانت استطاعته بعد إقامته في مكة وجب عليه حج الأفراد أو القران بعد الدخول في السنة الثالثة هذا إذا كانت إقامته بقصد المجاورة.^١
 الشيخ الصافي: موافق السيد الكلبي^٢ است و حاشيه ندارد.
 الشيخ الفاضل: إن استطاع في مكة بعد إقامته فيها فينقلب فرضه إلى فرض المكي بعد الدخول في السنة الثالثة بشرط أن تكون الإقامة بقصد المجاورة.^٢
 الشيخ المكارم: کسی که خارج از مسافت مزبور باشد هر گاه در مکه بیش از دو سال اقامت کند وظیفه او وظیفه اهل مکه است مطلقاً.^٣
 الشيخ الوحيد: وجب عليه حج الأفراد أو القران بعد الدخول في السنة الثالثة سواء كانت إقامته بقصد المجاورة أو التوطن.^٤
 مؤلف: مقتضى الاحتياط في التبذل ما إذا كانت الإقامة بقصد المجاورة.

میقات حج تمتع مکه معظمه

الإمام الخميني^٥ - السيد الكلبي^٦: احرام از مکه فعلى كافى است.
 السيد الخوئي^٧: لا بد من الإحرام في الموضع المتيقن أنه مكة.^٥ (در جواب استفتاء کتبی: باید از مکه قدیم باشد)
 منه أيضاً: س: هل ان الأحكام الخاصة بمكة تخص مكة القديمة أم تشمل الجديدة؟

ج: الأحكام التي موضوعها مسمى مكة فنعم.^٦
 السيد السيستاني: المحلات المستحدثة اذا عدت جزءاً من المدينة المقدسة في العصر الحاضر جاز الإحرام منها على الأظهر.^٧

(٢) (ص ٦٠) ١٢٢

(٣) ص ٢٦

(٢) ص ٦٣

(١) ص ٦٧

(٥) طبع ١١ ص ٢٩٠ (٦) الصراط ج ٣ - ٢٦٦ (٧) ملحق ص ٥٨

السيد الخامنئي: يصح الإحرام للحج في أيّ مكان من مكة المكرمة الحالية و لكن الأحوط القديمة.^۱

السيد الشبيري: در محله‌های نوساز هم کفایت می‌کند.^۲

الشيخ البهبخت: احوط اقتصار بر مکه قدیم است.^۳

الشيخ التبريزي: بنا بر احتیاط لازم در صورتی که میسر باشد در مواضع مکه قدیم بوده باشد. در دو حد عقبه و ستین و ذی طوی.^۴
منه أيضاً: یضاف إلى جوابه (جواب السيد الخوئي): و لكن في بعضها على الأحوط وجوباً.

الشيخ الصافي: بنا بر احتیاط واجب مکه قدیم.^۵

الشيخ الفاضل: احرام از محل‌های تازه ساز هم جایز است.^۶

الشيخ المكارم: فرقی بین مکه قدیم و جدید نیست.^۷

الشيخ التوري: احرام صحیح است گر چه از محل‌های تازه ساز باشد.^۸

الشيخ الوحيد: الظاهر عدم الاقتصار على مكة القديمة وإن كان أحوط.^۹

خروج از مکه قبل از حج

الإمام الخميني: در ص ۱۷۶ در جواب فرموده‌اند: در صورت حرجی بودن احرام می‌توانند بدون احرام بروند.

السيد الخوئي: المحرم من الخروج هو الخروج إلى محل آخر و لا بأس

(۴) ضمیمه ۲۱

(۳) ص ۱۵۹

(۲) ورقه ۲

(۱) ص ۲۰

(۸) ص ۲۷۶

(۷) ص ۱۲۴

(۶) محشی ۳۱۰

(۵) کتبی.

(۹) ص ۱۵۱

بالخروج إلى أطرافها و توابعها^١ و في الملحق فرع ٥١: لا يجوز الخروج من مكة بعد الفراغ من عمرة التمتع إلا محرماً فلو خرج بدون إحرام عصى إذا لم يكن معذوراً ولكن ليس عليه شيء ولا يضر بصحة أعماله^٢.

و لا يجوز الخروج في أثناء العمرة^٣.

السيد الغلپایگانی^٤: در صورت حاجت اگر با احرام، رفتن برای او حرجی باشد می تواند بدون احرام خارج شود^٥.

السيد السيستاني: إلا أن يكون خروجه لحاجة وإن لم تكن ضرورة و لم يخف فوات الحج و في هذه الحالة إذا علم أنه يتمكن من الرجوع إلى مكة و الإحرام منها للحج فالأظهر جواز خروجه محلاً^٥.

السيد الشيرازي: و اگر با احرام خارج شدن مقدور نیست می تواند بدون احرام خارج شود و در ص ١٠٢ فرموده: ضرری به حج و نیابت او نمی زند و در صورت حاجت گناه هم مرتکب نشده.

الشيخ البهبهت: في الورقة الاستفتائية ص ٥١: کسی که می داند با خروج از مکه حج او فوت نمی شود و می تواند بدون احرام خارج شود و در بحث شفاهی فرمودند: حکم حطاب و حشاش را دارد.

الشيخ التبريزي^٦: لا يجوز له الخروج من مكة لغير الحج - إلى قوله في مسألة ١٥٣: المحرم من الخروج هو الخروج عنها إلى محل آخر ولا بأس بالخروج إلى أطرافها وتوابعها وعليه فلا بأس للحاج أن يكون منزله خارج البلد فيرجع إلى منزله أثناء العمرة أو بعد الفراغ منها^٦.

(١) م ١٥٣ (٢) ص ٢٥٨ (٣) ملحق ص ٢٦٤ م ٦٣ (٤) مجمع ص ٢٥٢

(٥) ص ٧٢ (٦) ص ٧٢

و في الضميمة ص ۱۶: قبلاً عمره مفردة به جا آورند و بعد از آن تا ماه هلالی تمام نشده می توانند به خارج تردد کنند و مجزی از عمره تمتع است.

الشیخ الصافی: اگر لباس احرام برای کار او خرجی باشد می توانند بدون احرام خارج شوند.^۱

الشیخ الفاضل: اگر یقین دارد که خروج از مکه لطمه به حج او وارد نمی کند خروج مانع ندارد حتی بدون احرام.

الشیخ المکارم: اگر بستن احرام مایه مشقت و خرج شدید باشد می تواند آن را ترک کند.^۲

الشیخ الوحید: ولا يجوز له الخروج من مكة لغير الحج إلا أن يكون خروجه لحاجة و لم يخف فوات الحج فيجب أن يحرم للحج من مكة و يخرج لحاجته.^۳

و قال في ص ۶۵: إذا خرج من مكة بعد العمرة من دون إحرام وتجاوز الميقات ففيه صورتان: الأولى: أن يكون رجوعه قبل مضي شهر عمرته فيلزمه الرجوع إلى مكة بدون إحرام فيحرم منها للحج. الثانية: أن يكون رجوعه بعد مضي شهر عمرته فتلزمه إعادة عمرته.

مؤلف: مقتضى الاحتياط عدم الخروج و مع الحاجة يخرج مع إحرام الحج.

فرع

س: با توجه به عدم جواز خروج از مکه بعد از عمره تمتع گاهی خروج قهری است مثلاً منزلی که برای حجاج گرفته اند از مکه بلکه از حرم خارج است یا اینکه راننده از طریق خارج مکه مسافر را به مقصد می رساند مثلاً او را از طریق مشعر به مکه می آورد با توجه یا بدون توجه تکلیف چیست؟ و اگر این خروج بعد

از مزی شهر هلالی باشد، إحرام مجدد لازم است یا نه؟
السید الشیرازی: خروج از مکه به توابع آن اختیاراً جایز است و ظاهراً
خروج مزبور موجب بطلان عمل نمی‌شود و در مورد سؤال احتیاج به احرام
مجدد نیست.^۱

* * *

الشیخ البهجت: در صورتی که حج فوت نمی‌شود خروج از مکه مانع ندارد.^۲
الشیخ التبریزی^۳: اگر از حرم خارج نشود احرام مجدد لازم نیست و
چنانچه خروج از توابع مکه از روی ناچاری باشد مانعی ندارد و احتیاط واجب
این است که بدون ضرورت در خارج حرم سکونت نکنند.^۴

الشیخ الصافی: در فرض سؤال عمره و حجش صحیح است لکن در صورت
توجه نباید خارج شود و اگر مضطر به خروج باشد و محرم شدن برای حج
برایش حرجی باشد با توجه هم می‌تواند خارج شود و در این صورت اگر از
عمره اولی سی روز گذشته باشد باید در صورت ممکن به میقات پرود و الا به هر
مقداری که ممکن است به طرف میقات پرود و اگر آن هم میسر نیست از ادنی
الحل برای عمره تمتع محرم شود و عمره اولی مفرد می‌شود و اگر فاصله کمتر از
سی روز باشد و در غیر آن ماهی که عمره اولی را به جا آورده وارد نشود به
احتیاط واجب در میقات محرم به احرام عمره تمتع شود و بعد از انجام عمره تمتع
محرم به احرام حج تمتع شود. و کسی که بعد از عمره تمتع بدون احرام از مکه
خارج شده و پس از گذشت یک ماه و یا بیشتر عصیاناً و یا جهلاً و یا نسیاناً بدون
احرام وارد مکه شده همان عمره اولی که انجام داده عمره تمتع محسوب می‌شود و
کافی است.^۵

الرجوع إلى مكة بعد مضي الشهر الهلالي

س: شخصی بیست و ششم ذی قعده از عمره تمتع فارغ شده و روز دوم ذی حجه به عرفات می‌رود و برمی‌گردد اختیاراً یا اضطراراً. آیا در مراجعت به مکه باید مجدداً برای عمره تمتع محرم شود یا نه؟ و علی فرض الأول باید بمواقیت معروفه برود یا نه؟

السید السیستانی: الثانية أن يكون رجوعه بعد مضي الشهر الذي اعتمر فيه ففي هذه الصورة فيلزمه الإحرام بالعمرة للرجوع إليها.^١
و قال دام ظله في الملحق الأول ص ٣٤: وأما إذا أراد الرجوع بعد مضي ذلك الشهر (الذي عمرته فيه) فلا يسوغ له دخولها إلا محرماً ويجوز له الإحرام للعمرة المفردة من أدنى الحل إذا بداله الرجوع إلى مكة (و يبقى في مكة إلى يوم التروية فيكون عمرته متعة و يحج حج التمتع) وإلا لزمه الإحرام لها من أحدها. فراجع السيد الشبيري: احتياطاً محرم شود و احرام از هر نقطه حل کافی است.^٢

* * *

الشيخ البهجت: از روایات استفاده می‌شود که تجدید احرام عمره تمتع لازم است ولی اگر به جا نیامد ضرری به عمره و حج نمی‌زند.^٣
الشيخ التبريزي: بنابر احتیاط به یکی از مواقیت رفته و از آنجا برای عمره تمتع محرم شود.^٤

الشيخ الصافي: در فرض سؤال بنابر احتیاط واجب باید به میقات برود و برای عمره تمتع محرم شود و عمره اولی در این صورت عمره مفردة می‌شود.^٥
الشيخ الفاضل: نعم إذا دخل في شهر آخر يجب الإحرام جديداً لعمرة التمتع.^٦

(٢) کتبی.

(٣) کتبی.

(٤) کتبی.

(١) مناسک ص ٧٢

(٦) الجامع ص ١١٣، وله دام ظله فروع في هذا الفصل.

(٥) کتبی.

احرام مجدد در یک ماه لازم نیست

الإمام الخميني: پس از انجام عمره مفرده می‌توانند از حرم خارج شوند و برای رجوع به مکه برای بار دوم و سوم و بیشتر احرام واجب نیست تا یک ماه هلالی ولی اگر مدینه رفته است باید در مسجد شجره محرم شود.^۱

السید الغلپایگانی: کسی که عمره به جا آورده و از حرم خارج شده و قبل از یک ماه رجوع می‌کند احرام مجدد لازم نیست.^۲

السید السیستانی: من خرج من مكة بعد الحج أو بعد العمرة المفردة يجوز له العود إليها من دون إحرام قبل مضي الشهر الذي أدى فيه عمرته. ص ۶۶، ولو مر على الميقات.^۳

السید الشیرازی: اگر خروج از احرام و خروج از مکه یک ماه نشده احرام لازم نیست و الا لازم است.^۴

الشیخ البهجت: می‌تواند پیش از گذشتن یک ماه بدون احرام وارد مکه شود.^۵

الشیخ الصافی: بر فرع مذکور حاشیه ندارد.
الشیخ الفاضل: در ماهی که محرم شده تجدید احرام لازم نیست.
الشیخ المکارم: اگر در همان ماه قمری وارد شود احرام لازم نیست.
الشیخ النوری: با امام موافق است.

الشیخ الوحید: يجوز له العود إليها من دون إحرام قبل مضي الشهر الذي أدى نسكه فيه.^۶

(۳) الملحق الثاني ص ۱۶ (۴) ص ۲۳۰

(۱) مفرقة ميقات م ۱۰ (۲) ص ۱۰۹

(۵) ص ۱۳۸ م ۵۰ (۶) ص ۵۸

تبدیل تمتع به حج افراد

الإمام الخميني: در فصل تبدل مسئله ۱ و ۲ مسئله ۸ استفاده می‌شود که اگر احرام عمره تمتع بسته به خیال آنکه در وقت خود می‌رسد ولی معلوم شد که به وقوف عرفات نمی‌رسد باید عدول کند به افراد و بعد از حج، عمره مفرده به‌جا آورد و همچنین کسی که وظیفه‌اش حج تمتع است و در وقت احرام بستن علم پیدا کند که با اتیان عمره به وقوف نمی‌رسد می‌تواند از اول محرم به حج افراد شود.^۱

السید الشیرازی: زنی که در میقات خائف است از درک عرفات در وقت خود یا شک دارد یا یقین دارد که نمی‌رسد باید حج افراد به‌جا آورد چه در میقات حائض باشد یا نه.^۲

منه أیضاً: اگر با اطمینان به عدم طرو حیض احرام عمره تمتع بست و بر خلاف انتظار حائض شد سعی و تقصیر به‌جا آورد و اگر قبل از فوت وقت پاک شد طواف و نماز را هم به‌جا آورد و الا بعد از منی به‌جا آورد و یأس از پاک شدن لازم نیست.^۳



الشیخ التبریزی: چنانچه حیض هنگام احرام یا پیش از احرام باشد در صورتی که وقت وسعت به‌جا آوردن عمره را نداشته باشد حج تمتع به حج افراد منقلب می‌شود باید بعد از حج افراد عمره مفرده به‌جا آورد.

و اگر حیض بعد از احرام بستن باشد در صورت عدم وسعت وقت مخیر است بین اینکه حج افراد به‌جا آورد با عمره مفرده، یا آنکه عمره تمتع را بدون طواف و نماز به‌جا آورد و پس از حج تمتع قبل از طواف حج طواف و نماز عمره

تمتع را قضا نماید.^١

موافق است با نظر مرحوم خویی.^٢

حج افراد مستحبی عمره مفرده ندارد

وعلى المفرد أن يأتي بعمره مفردة ويجوز الإتيان بها في تمام السنة هذا إذا كان حجه حجة الإسلام.

السيد الكلبي يكتفي: وأما لو كان حجه مستحباً أو مندوراً وحده لا مع عمره فيكفيه الإتيان بالحج وحده لم تلزمه العمرة المفردة.^٣

السيد السيستاني: س: حج استحباباً حج أفراد هل يلزمه العمرة المفردة أيضاً. ج: لا يلزم.^٤



الشيخ البهجت: و در غیر واجب ترک عمره جایز است. (افراد و قران) و حج تمتع واجب با شروع در عمره تمتع اگر چه مندوب باشد.^٥

الجمع بين الأصلي والنيابي في المستحبات

در عمره مستحبی جمع بین اصلی و نیابی مانع ندارد - الشيخ التبريزي والسيد الشيرازي شفاهی. و السيد السيستاني ص ٢١٠ حديث ٧٦

قال الصادق عليه السلام: لو أشركت ألفاً في حجتك كان لكل واحد حج من غير أن ينقص من حجتك شيء.

وروي: أن الله عزوجل جاعل له و لهم حجاً و له أجر الصلة إياهم.

(٣) عربی ص ٧٠

(٢) في الصراط ج ٣ ص ١٨٧

(١) ص ١٧

(٢) ملحق دوم ص ٣١ و ٤٢ (٥) جامع المسائل ص ٢١٢

عذر از انجام حج بعد از عمره

السید الکلبایگانی^۱: س: بعد از انجام عمره تمتع بیهوش شد و او را به ایران آوردند تکلیف چیست؟

ج: اگر سال اول استطاعت او بوده حج بر او واجب نیست در صورتی که فعلاً استطاعت نداشته باشد و اگر فعلاً استطاعت دارد باید عمره و حج را بهجا آورد و اگر از قبل حج بر او مستقر بوده باید حج را بهجا آورد.^۱
السید الشبیری: عمره تمتع تبدیل به عمره مفرده گشته و به احتیاط مستحب طواف نساء را به جا آورد.^۲



الشیخ الفاضل: س: إذا أتى المكلف بعمره التمتع ثم لم يتمكن من الإتيان بالحج لعذر من الأعذار وجاء إلى بلده فما الوظيفة؟
ج: لا شيء عليه بالنسبة إلى النساء فقد حلت له النساء بالتقصير في عمرة التمتع وأما وظيفته في الحج فإن كان مستقراً عليه قبل ذلك فعليه تداركه في القابل وإن لم يكن مستقراً أو كان قد حج حجة الإسلام قبل ذلك فلا شيء عليه.^۳

تقدیم طواف و سعی بر عرفات و کشف خلاف

الإمام الخميني^۴: زنها که ترس حیض دارند - پیرمردها یا پیرزنها که پس از مراجعت به واسطه ازدحام عاجزند.
اشخاص مریض، این سه طائفه اعمال آنها کافی است اگر چه بعد خلاف آن ظاهر شود.^۵

السيد الغلپایگانی^١: احوط و اولی اعاده طواف و نماز و سعی است.^١
السيد السيستاني: والأحوط الأولى إعادتها مع التمكن بعد ذلك إلى آخر
ذي حجة.^٢

السيد الشيرازي: اعاده طواف و سعی لازم نیست.^٣

الشيخ البهجت: تقديم جاز است ولی احتياطاً بعد از برگشت اعمال را تکرار
کند و در صورت عدم امکان نائب بگیرد.^٤
الشيخ التبريزي^٥: اگر سعی را مقدم داشت احتياط واجب آن است که در
وقتش آن را اعاده کند و اولی و بهتر اعاده طواف و نماز است.^٥

الشيخ الصافي: حاشیه ندارد.

الشيخ الفاضل: در مقدار مذکور حاشیه ندارد.

الشيخ المكارم: احتياط به اعاده در صورت امکان ترك نشود.^٦

الشيخ النوري: حاشیه ندارد.

الشيخ الوحيد: والأحوط تقديم السعي أيضاً وإعادته في وقته ولو عرض لهم
التمكن بعد التقديم فلا تجب لهم الإعادة.^٧

(٢) ص ٢٠١ جدید

(٣) کتبی.

(٢) ص ٢٠٨

(١) ص ٢٣٩ اخیر.

(٧) ص ٧٤

(٦) معشی ص ٣٩٧

(٥) ص ٢٣٢ صغیر.

ملحقات وقوفین



مرکز تحقیقات کلمه و نور علوم اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

١. الاختلاف في الهلال

الإمام الخميني (ع): ص ٤٣٨ محشى: باید تبعیت کند ولو با علم به خلاف و در ص ٤٤١: فرقی بین یک روز اختلاف و دو روز نیست.

السید الخوئی (ع): در صورت عدم علم به خلاف تبعیت لازم است و مجزی است و با علم به خلاف مجزی نیست.^١

السید گلپایگانی (ع): اگر احتیاط ممکن باشد بدون خوف باید عمل به وظیفه خود نماید حتی مع عدم العلم بالخلاف و اگر احتیاط ممکن نیست، تبعیت مجزی است ولو مع العلم بالخلاف.^٢

السید السیستانی: فان تيسر للمكلف أداء الأعمال في اوقاتها الخاصة المقررة صح حجه على الأظهر وأما إن لم يأت بها كذلك ولو لعذر فإن ترك أيضاً اتباع رأي القاضي في الوقوفين فلا شك في فساد حجه وأما مع اتباعه ففي صحة حجه

إشكال.^١ وفي الملحق: نحتاط في ذلك احتياطاً وجوبياً فلمن يرجع إلينا في التقليد أن يرجع في هذه المسألة إلى غيرنا مع مراعاة الأعلام.

السيد الشيرازي: در صورتی که علم به خلاف نداشته باشند باید به حکم قاضی اهل سنت عمل کنند.^٢

* * *

الشيخ البهجت: در صورت عدم علم به خلاف باید متابعت کنند و مجزی است.^٣

الشيخ التبريزي: إذا احتملت مطابقة الحكم للواقع وجبت المتابعة وترتيب جميع الآثار ويصح الحج والإحتياط حينئذ غير مشروع.^٤

الشيخ الصافي در ص ١٢٧: نص عبارة السيد الغلپايگاني «من أن المعيار التقية اگر تقيه باشد متابعت کافی است ولو با علم به خلاف و اگر تقيه نباشد باید به وظیفه خود عمل کند حتی با عدم علم به خلاف، در ورقه: احتياط واجب رعایت موازين شيعه است به قدر امکان از اختیاری عرفات و اضطراری ثم اختیاری مشعر.

الشيخ الفاضل: بر حسب عبارت پنج حاشیه ص ٤٣٨ موافق با مرحوم امام است.

الشيخ النوري: باید از حکم قاضی تبعیت کرد ولو با علم بخلاف.^٥

الشيخ الوحيد: فان احتملت مطابقة الحكم للواقع وكان الاحتياط مخالفاً لها أما فالأحوط الجمع بين ترتيب آثار ثبوت الهلال على حكمهم و الإتيان بوظيفته الأولية وإن كان الأقوى كفاية ترتيب الآثار على حكمهم.^٦

مؤلف: نوعاً مراجع فتوی داده‌اند به صحت حج در صورت احتمال مطابقت حکم قاضی عامه با واقع و السید السیستانی ارجاع به غیر داده است.

وقوف با اهل سنت

الإمام الخميني: بلکه در صورت علم به مخالفت نیز صحت عمل بعید نیست.^۱
السید الخوئي: با احتمال موافقت ترتیب آثار واجب است و احتیاط مشروع نیست.^۲

السید گلپایگانی: در صورت تقیه اقوی صحت حج و کفایت است هر چند عالم به خلاف باشد.^۳

السید السیستانی: في صورة الاختلاف قد يقال بحجية حكم القاضي في حق من يحتمل مطابقته مع الواقع ولكن هذا القول محل إشكال فإن تيسر للمكلف أداء الأعمال في أوقاتها صح حجه وإن لم يأت بها كذلك ولو لعذر ففي حجه إشكال.^۴
السید الخامنئي: تبعیت در تعیین موقف در روز عید صحیح و مجزی است.^۵
السید الشبيري: اگر عالم به خلاف نیست باید به حکم قاضی اهل سنت عمل کند.^۶

* * *

الشيخ البهجت: با احتمال موافقت اقوی کفایت است.^۷

الشيخ التبريزي: في صورة العلم بالخلاف - بإمكان الحاج في الفرض المذكور الخروج من منى إلى مكة يوم العيد الموافق لليوم التاسع واقعاً ثم الخروج من مكة إلى منى عصراً فيمر في طريقه على عرفات و يقف بها ولو لحظة واحدة

(۴) مع التلخيص ص ۱۸۶

(۳) ص ۱۰۹

(۲) م ۳۷۵

(۱) ص ۱۷۰

(۷) ص ۳۱

(۶) ص ۱۶۲

(۵) ص ۱۴۱

في السيارة قبل الغروب ثم يدخل المزدلفة ليقف فيها ولو لحظة واحدة في السيارة ثم نحى إلى منى ليقوم بأعمال اليوم العاشر.^۱

الشيخ الفاضل: بر شیعیان تبعیت لازم است خصوصاً در صورت عدم علم به خلاف.^۲

الشيخ المكارم: موافق است.^۳

الشيخ النوري: باید تبعیت کند ولو با علم به خلاف.^۴

مؤلف: مقتضای احتیاط انجام اعمال است، در اوقات معینه و اگر میسر نشد اعاده حج است در سال بعد مع الإمكان.

خواب در تمام وقت مشعر

س: پسر دوازده ساله‌ای را محرم کرده‌اند به احرام حج و برای رعایت حال صباوت شب مشعر او را از عرفات با ماشین بانوان و ضعفا فرستاده‌اند و در تمام شب در حال خواب بوده و پس از منقضی شدن وقت اضطراری مشعر مستوجه مسئله شده آیا مجرد عبور از مشعر الحرام کفایت از وقوف می‌کند یا نه؟

و بر فرض ثانی آیا وقوف اختیاری عرفه تنها کفایت نمی‌کند و در هر حال حج را با این نحو با تمام رسانده چه تکلیفی بر این صبی ممیز است و آیا تکلیفی بر ولی هست یا نه؟

السید الشیرازی: مجرد عبور از مشعر کافی نیست و حج صبی تبدیل به عمره مفرده می‌شود.^۵

الشیخ البهجت: ظاهر صحت حج و کفایت درک اختیاری عرفات است.^۱
 الشیخ التبریزی: اگر قبل از خواب قصد وقوف به مشعر را داشته مجزی است و اگر نه وظیفه اتیان به عمره مفرده بوده و در فرض مذکور که قصد عدول به عمره مفرده نکرده و ماه ذی حجه گذشته چیزی بر او نیست.^۲
 الشیخ الصافی: اگر قبل از وقت وقوف قصد وقوف مشعر را نموده و به خواب رفته تا وقت وقوف تمام شده صحت وقوف بعید نیست و اگر موقعی که از مشعر عبور می نموده قصد وقوف نموده، همان وقوف در حال عبور کافی است و حجب صحیح است و از جهت ترک وقوف بین الطلوعین باید یک گوسفند به عنوان کفاره ذبح کند و در صورتی که از روی عذر وقوف به مشعر ترک شده و فقط وقوف اختیاری عرفه انجام شده باشد احتیاط ترک نشود به اینکه اعمال را به قصد ما فی الذمه از عمره و حج انجام دهد و پس از آن چون هنوز مکلف نیست وظیفه دیگری ندارد.^۳

الحیاض فی المشعر

س: در حدود مشعر می فرماید: (من المأزمین إلى الحیاض إلى وادی محسر) حیاض کجا است و مقصود چیست؟
 السید الشبیری: حد مشعر از مأزمین تا وادی محسر است مأزمین و وادی محسر از حدود خارج از مشعر است و حیاض که احتمالاً حوضهایی بوده است که در اول وادی محسر قرار داشته معرف اول وادی محسر بوده است و فعلاً اثری از حیاض وجود ندارد.^۴

* * *

الشيخ البهجت: باید از عرف محل تحقیق شود.^١
 الشيخ التبریزی: فعلاً معلوم نیست و در معرفت حدود مشعر باید به عرف
 اهل محل رجوع شود.^٢
 الشيخ الصافي: مقصود از حياض حوضهایی است که در وادی محسر بوده
 است و حد مشعر همان بین المأزمین إلى وادی محسر است و لذا در صحیحه
 زرارہ از حضرت باقر (ع) و إلى الحياض... و در صحیحہ اسحاق بن عمار: ما بین
 المأزمین إلى وادی محسر، است.^٣

كفاية الوقوف الإضطراري ولو بخمس دقائق

السيد الخوئي: س: هل يتحقق الوقوف الإضطراري بالوقوف ولو بخمس
 دقائق في عرفات أو المشعر وكذلك وقوف من يخاف الزحام والنساء والمرضى
 ليلة العيد في المشعر؟
 ج: نعم يتحقق بذلك وقوفهم.^٤

قصد الوقوف قبل الوقت

السيد الخوئي: من نوى الوقوف بعرفة أو المشعر قبل الوقت ثم استوعب
 الوقت نائماً لا يجزيه ذلك.^٥

ترك البيتوة

السيد الخوئي: س: ما حکم من لم يبت بمنى بعض الليل أو كله لاشتغاله

(٢) ٢١١ م - الملحق ص ٢٢١

(٣) کتبى.

(٢) کتبى.

(١) کتبى.

(٥) الملحق ص ٢٢١

بتطويف بعض الحجاج؟

ج: إن عدّ ذلك عبادة له أيضاً كأن يكون يطوف لنفسه كما يطوفهم فلا شيء عليه.^۱

س: ذکرتم انه لا كفارة على من ترك المبيت بمنى واشتغل في مكة بالعبادة فهل مختصة بالصلاة والطواف أم تعم الأذکار والأدعية والصلاة على محمد و آل محمد؟
ج: نعم تشمل أي نوع من العبادة.^۲

المشعر الحرام (کوچ قبل از طلوع)

الإمام الخميني: احتياط وجوبی آن که قبل از نصف افاضه نکنند.

السید الشیرازی: بیتوته اول شب واجب نیست مستحب است.^۳

وقوف در تمام بین الطلوعین واجب نیست و حداقل واجب مسمای وقوف است ولی کسی که بین الطلوعین را در مشعر درک کرد نمی تواند قبل از روشن شدن هوا بلکه قبل از طلوع آفتاب خارج شود.^۴

وفي فرع ۶۴۷: الأحوط استحباباً مؤكداً عدم الإفاضة قبل منتصف الليل. زنان، اشخاص بیمار و ضعیف که وقوف اختیاری برای آنها مشقت دارد، اشخاصی که خوف برخورد به خطر دارند، کسانی که ارزاق عمومی را تأمین می کنند کسانی که باید همراه یکی از گروه نامبرده باشند، کسانی که برای تدارکات حجاج لازم است قبلاً حرکت کنند، بر آنها وقوف اختیاری واجب نیست. می توانند بعد از نصف شب کوچ کنند.

و خدمه کاروان که برای همراهی قبل از طلوع فجر کوچ کرده اند، اگر ممکن

باشد باید قبل از طلوع آفتاب خود را به مشعر رسانند.^۱

الشيخ الفاضل: في التحرير، الحج ص ١٢٩ يجوز الإفاضة من المشعر ليلة العيد بعد وقوف مقدار منها للضعفاء كالنساء والأطفال والشيوخ ومن له عذر كالخوف والمرض و لمن ينفر بهم و يراقبهم ويمرضهم والأحوط الذي لا يترك أن لا ينفروا قبل نصف الليل.



مرکز تحقیقات حج و عمره اسلامی

ملحقات جمرات



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

رمی در شب

الإمام الخميني: کسی که از رمی روز عذر دارد می تواند شب رمی کند شب قبل یا شب بعد و اگر از رمی روز یازدهم هم معذور است می تواند شب یازدهم بعد از رمی روز عید رمی روز یازدهم را هم به جا آورد.^۱

السید الخوئی: کسانی که در روز نمی توانند رمی کنند جایز است برای آنها رمی را شب آن روز انجام دهند^۲ و در کتبی - معذوریت زنها مطلق است ولی مال هر روزی را باید شب آن روز به جا آورند. پس رمی یازدهم را باید شب یازدهم به جا آورند نه شب دوازدهم.

السید الغلپایگانی: جایز نیست رمی جمره در شب مگر برای مریض و خائف و کسانی که از رمی در روز عذر داشته باشند و تا وقتی که خودشان بتوانند در شب رمی کنند نباید در روز برای خود نائب بگیرند و فرق نیست در جواز رمی در شب برای صاحبان عذر که شب قبل رمی کنند یا شب بعد.

السيد السيستاني: ويجزي للنساء وسائر من رخص لهم الإفاضة من المشعر في الليل أن يرموا بالليل (ليلة العيد)^١
 وقال في ص ٢١٧: يستثنى وجوب الرمي في النهار لكل معذور من المكث في منى نهائراً فيرمي بالليل.
 السيد الشيرازي: شب قبل رمي كند. ص ٢٣٦ و این رمی ادا است نه قضا و نه تعجیل.^٢

* * *

الشيخ البهجت: اگر در روز نتواند، تأخیر بیاندازد به شب و اگر می داند که روز نمی تواند شب قبل به جا آورد.^٣
 الشيخ التبريزي: نفس عبارة الوحيد او قريبة منها.^٤
 الشيخ الصافي: ص ١٥٢ مسأله ١٦٧: نفس عبارت السيد الكلپایگانی در رساله م ١٦٦ در ص ١٣١ مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی
 الشيخ الفاضل: شب بعد و شب قبل فرق نمی کند. و می توانند رمی دو روز را یک شب انجام دهند.^٥ و در ص ٣٤٣ محشی، صاحبان عذر می توانند شب عمل کنند هر وقت شب باشد.
 الشيخ الوحيد: يجوز للخائف على نفسه أو ماله أو عرضه وكذا الشيخ والنساء والصبيان والضعفاء الرمي ليلة ذلك النهار. و برای افراد استثنای شده در صورت ترس همه را در یک شب.^٦

أقول: أضيف إلى ذلك قوله دام ظله في آخر مناسكه ص ٣٨٨ يرمي النساء والضعفاء جمره العقبة في ليلة العيد بأنفسهم فان لم يتمكنوا منه أيضاً استنابوا

غيرهم للرمي نهاراً أما رمي الجمار يوم الحادي عشر و ما بعده فيستنيون و لا يجزي منهم الرمي ليلاً. وفي مسئلة ۴۳۳: و لو لم يتمكن من ذلك جاز الجمع في ليلة واحدة.^۱

رمی در طبقه فوقانی

الإمام الخميني: رمی در طبقه دوم جمرات جایز است و لازم نیست در طبقه اول رمی کند.^۲

السيد الخوئي: إذا زيد على الجمرة في ارتفاعها ففي الاجتزاء برمي المقدار الزائد إشكال.

السيد الكلایگانی: رمی در طبقه فوقانی خلاف احتیاط است.
السيد السيستاني: الأحوط في رمي الجمار المقدار الذي كان موجوداً منها في عصر النبي و الأئمة^۳.

السيد الخامشي: الظاهر جواز الرمي من الطابق الثاني وإن كان الأحوط الرمي من المكان المتعارف عليه سابقاً.^۴

السيد الشيرازي: رمی جمرات از طبقه فوقانی جایز و کافی است.^۵



الشيخ البهبهتي: میزان صدق رمی جمره است ولو از طبقه دوم باشد و حتی اختیاراً کفایت می کند.^۶

الشيخ التبريزي: المنقول منه عدم الجواز. و في الضميمة ص ۴۶: کفایت رمی از طبقه فوقانی محل اشکال است. مگر بتواند از بالا قسمت پائین جمره را

(۲) ص ۲۱

(۳) ص ۳۹۰

(۲) ص ۲۲۹

(۱) ص ۳۱۳

(۶) ص ۱۶۳

(۵) ورقه ص ۹ و مسئلة ۶۸۱

رمی کند و اگر در تمام روز متمکن نیست شب قبل رمی کند.
 الشيخ الصافي: رمی در مقدار اضافه بر جمره خلاف احتیاط است.
 (مناسک: مگر اینکه از بالا به قسمت قبلی بزند).^۱
 الشيخ الفاضل: در طبقه دوم جمرات رمی جایز است و لازم نیست رمی در
 طبقه اول باشد. متن عبارت امام علیه السلام ^۲
 الشيخ المكارم: ظاهر این است که به هنگام ازدحام مانعی ندارد از طبقه دوم
 رمی کند. ^۳
 الشيخ النوري: رمی در طبقه دوم جایز است. ^۴
 الشيخ الوحيد: إذا زيد على الجمرة في ارتفاعها فالأحوط أن يرمي المقدار
 الذي كان سابقاً. ^۵



عجز از بعض رمی

س: برای رمی سه سنگ ریزه قادر است برای باقی نائب بگیرد یا برای کل
 رمی؟
 السيد السيستاني: بنابر احتیاط نائب، هفت سنگ ریزه بزند به قصد انجام
 وظیفه اعم از اتمام یا تمام.
 السيد الشبيري: برای کل نائب می گیرد. ^۶
 * * *
 الشيخ البهجت: برای باقی. ^۷
 الشيخ التبريزي رحمته الله: برای کل رمی نائب بگیرد. ^۸

(۴) ص ۳۶۹

(۳) ص ۱۴۲

(۲) ص ۴۱۶

(۱) کتبی.

(۸) کتبی.

(۷) مهر دفتر.

(۶) الخاتم.

(۵) ص ۱۶۱

الشیخ الصافی: احتیاط آن است نائب چهار سنگ دیگر را بزند و بعد هم رمی را تماماً به نیابت انجام دهد.^۱

الشیخ الفاضل: احتیاط آن است که آن مقدار که خود قادر است خودش انجام دهد و نائب بقیه عمل را تمام کند و سپس یک بار نائب تماماً اعاده نماید.^۲

استنابه در رمی

س: کسانی که از رمی روز معذورند ولی می‌توانند شب رمی کنند آیا می‌توانند در روز نائب بگیرند؟

الإمام الخميني: معذور از رمی در روز جایز است شب آن روز یا شب بعد انجام دهد.^۳

السید الخوئي: في الملحق ص ۳۳۹ س: إذا علمت الزحام هل يجوز لها الاستنابة؟ ج: يجب الصبر و تحري الخلوة وإذا ذهبت إلى الجمرة و رأت زحاماً شديداً جازت الاستنابة ويجزي.

منه أيضاً: المريض الذي لا يرجى برؤه إلى المغرب يستنب لرميه و لو اتفق برؤه قبل غروب الشمس رمى بنفسه على الأحوط.^۴

السید الغلپایگانی: س: کسانی که از رمی روز معذورند ولی می‌توانند شب رمی کنند آیا می‌توانند در روز نائب بگیرند؟

ج: باید شب رمی کنند.^۵

السید السيستاني: إن جواز الرمي ليلاً فيما عدا رمى جمرة العقبة ليلة العيد

(۳) مع التلخيص معشى ص ۲۱۰

(۲) کتبى.

(۱) کتبى.

(۵) ص ۳۷۲ م ۹۶۲ - اخیر.

(۴) ص ۲۲۶

مختص بمن كان معذوراً عن المكث بمقدار الرمي في منى نهائراً كالخائف وأما النساء والضعفاء والمرضى ونحوهم ممن لا يتيسر لهم الرمي في النهار لكثرة الزحام فعليهم الاستنابة في ذلك وإن كان الأحوط الأولى الجمع بين الاستنابة و الرمي ليلاً.^١

السيد الشبيري: بیمار و کودک و ناتوان که رمی روز و شب برای آنها مشقت دارد و کسانی که رمی در شب و روز بر آنها حرجی است می توانند در روز نائب بگیرند.^٢

* * *

الشيخ البهجت: کسی که نمی تواند در روز رمی کند مثل پیرمرد و ضعیف جایز است رمی را شب آن روز انجام دهد با علم به عدم تمکن از رمی در روز.^٣ و بیماری که امید بهبودی تا مغرب را ندارد نائب بگیرد و اگر خوب شد اعاده لازم نیست.

الشيخ التبريزي: نفس عبارة السيد الخوئي.

الشيخ الصافي: حاشیه ندارد.

الشيخ الفاضل: حاشیه ندارد.

الشيخ المكارم: حاشیه ندارد.

الشيخ النوري: حاشیه ندارد.

الشيخ الوحيد: وافق السيد الخوئي في المقدار المذكور.

مؤلف: گفته شد که اگر از رمی روز عاجز است مقتضای احتیاط جمع بین استنابه و رمی در شب است.

رمی در یک شب یا دو شب

س: اگر از رمی روزها عاجز باشد و رفتن هر شب در جمرات برای او مشقت داشته باشد اجازه می‌دهید که در یک شب مثل شب یازدهم یا شب دوازدهم همه جمرات را رمی کند یا نه؟

السید السیستانی: در فرض مزبور که در روز نمی‌تواند یا حرجی است نائب بگیرد و تقدیم آن در شب قبل مجزی نیست.^۱

السید الشبیری: اگر از رمی شب قبل عاجز شد در روز برای رمی نائب می‌گیرد و در یک شب رمی چند روز جایز نیست.^۲



الشیخ البهجت: بر حسب نوشته آقای محفوظی دام عزه اگر تا شب دوازدهم انجام نداده و در روز متمکن نیست تمام رمی‌ها را به جا آورد با تقدیم قضاها بر ادا.^۳

الشیخ التبریزی: در فرض سؤال رمی روز اول را در شب قبل از آن به جا آورد و نسبت به رمی روزهای بعد که در شب هم برای او مشقت دارد برای رمی در آن روز نائب بگیرد.^۴

و اما نوشته آقای قدیری: اگر از رمی در روز معذور است می‌تواند شب قبل یا شب بعد رمی کند.

بنابراین شب عید فقط می‌تواند رمی روز عید را انجام دهد - و شب یازدهم می‌تواند رمی روز دهم و روز یازدهم و شب دوازدهم می‌تواند رمی یازدهم و دوازدهم را به جا آورد.

الشيخ الصافي: اگر رمی در شب مشقت زیاد که نوعاً قابل تحمل نیست نداشته باشد باید در هر شب رمی کند و اگر مشقت زیاد داشته باشد می تواند همه را در شب دوازدهم رمی کند.^۱

لزوم ترتیب در جمرات مطلقاً

الإمام الخميني: ترتیب در جمرات ثلاث واجب است و فرقی نیست که خلاف از روی عمد یا جهل یا سهو و نسیان باشد؟^۲
السید الگلپایگانی: فلو خالف الترتیب أعاد الرمي من أوله بالترتيب الأولى ثم الوسطى ثم جمره العقبة.^۳
السید السيستاني: وجب الرجوع إلى ما يحصل الترتیب و لو كانت المخالفة.^۴
السید الشیرازی: اگر به ترتیب به جا نیاورد باید دوباره به جا آورد و فرقی بین علم و عمد و سهو و نسیان و ندانستن نیست.^۵

الشيخ البهجت: اگر خلاف ترتیب شد واجب است دوباره رمی کند هر چند خلاف از روی جهل و فراموشی باشد.^۶
الشيخ التبريزي: نفس عبارة السيستاني والوحيد.^۷
الشيخ الصافي: اگر بر خلاف ترتیب رمی کند باید دوباره از سر بگیرد تا ترتیب به عمل آید.^۸

الشيخ الفاضل و الشيخ المكارم و الشيخ النوري: حاشیه ندارند.

(۱) کتبی. (۲) محشی ص ۴۱۰ (۳) ص ۱۹۵ (۴) ص ۲۱۶

(۵) محصل دو مسئله ص ۲۳۶ (۶) ص ۱۵۱ (۷) ص ۲۱۲

(۸) رمی جمرات.

الشیخ الوحید: وجب تحصیل الترتیب ولو كانت المخالفة عن جهل أو نسیان.^۱
مؤلف: نظرها در این فرع متحد است.

موالات در رمی جمره

السید الشیبری: در زدن چهار سنگ اول موالات مطلقاً معتبر است و در سنگ پنجم و ششم بر ناسی و جاهل موالات لازم نیست و بر غیر اینها لازم است و در سنگ هفتم مطلقاً موالات لازم نیست. ص ۱۷۹

استنابه در رمی برای مریض

الإمام الخمینی: مریض یا علیل یا شخص بی حال یا بیهوش نائبش به جا آورد و بنا بر احتیاط تا مأیوس از مباشرت نباشد نائب عمل نکند.

السید الخوئی: بیماری که امید ندارد تا مغرب بهبودی حاصل کند برای رمی نائب می گیرد و چنانچه اتفاقاً پیش از غروب آفتاب بهبودی یافت بنا بر احتیاط خودش نیز رمی کند.^۲

منه أيضاً: اگر مریض یا معذور مأیوس باشد از رفع عذر واجب است نائب بگیرد.

السید الگلپایگانی: اگر مریض مأیوس باشد از اینکه بتواند در وقتی که گفته شد رمی نماید، دیگری به نیابت او رمی نماید و اگر خوب شد اعاده لازم نیست اگر چه احوط است.^۳

و در مسئله ۱۶۶: تا وقتی که خودشان می توانند در شب رمی کنند نباید در

روز نائب بگیرد.

السيد السيستاني: أما النساء والضعفاء والمرضى ونحوهم ممن لا يتيسر لهم الرمي في النهار لكثرة الزحام أو غيرها فعليهم الاستنابة في ذلك وإن كان الأحوط الأولي الجمع بين الرمي ليلاً والاستنابة في النهار.^١

الشيخ الوحيد: من لا يتمكن من الرمي بنفسه إلى المغرب كالمريض الذي لا يرجى برؤه يستنيب لرميه ولو اتفق برؤه قبل غروب الشمس رمى بنفسه أيضاً على الأحوط.^٢

الشيخ التبريزي: زنى كه متمكن از رمى در شب هم نباشد نائب مى گیرد.^٣

الإستنابة فضولتاً و الرمي قضاءً

السيد الشبيري: کسی که وظیفه او نائب گرفتن است اگر بدون گفتن او دیگری برایش رمی کند کافی است و احتیاط مستحب آن است که به آن اکتفا نکند.^٤
رمی قضایی را یک ساعت حداقل قبل از رمی ادایی بهجا آورد.

ملحقات قربانی



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

تأخير قربانی عمداً

السيد الكلپایگانی^١: الرابع من واجبات الهدي الذبح يوم العيد فلا يجوز تأخيره اختياراً على الأحوط وإن كان الأقوى الجواز.^١

السيد السيستاني: الأحوط أن يكون الذبح أو النحر يوم العيد وإن كان الأقوى جواز تأخير إلى آخر أيام التشريق.^٢

وفي الورقة الأخيرة: يجوز التقصير يوم العيد وإن أخر الذبح.

السيد الخامشي: الأحوط عدم تأخير الذبح عن يوم العيد ولو أخره فالأحوط هو الذبح أيام التشريق.^٣

السيد الشبيري: و اگر ذبح را تأخير انداخت باید حلق یا تقصیر را نیز تأخیر بیندازد و ترتیب ساقط نیست.^٤

* * *

الشيخ التبريزي^٥: إذا ترك الذبح يوم العيد لعذر من الأعذار أو الجهل بالحكم

لزمه التدارك إلى آخر أيام التشريق وإن استمر العذر جاز تأخيرهُ إلى آخر ذي الحجة.^۱

منهُ أيضاً: وفي الصغير ص ۳۷۴ اگر متمکن از ذبح در منی باشد ولو مع التأخیر حلق یا تقصیر می‌کند و با آن از احرام خارج می‌شود و ذبح و سایر اعمال را تأخیر می‌اندازد.

الشیخ المکارم: بهتر است روز عید قربانی کند ولی تأخیر آن تا روز سیزدهم نیز جایز است.^۲

الشیخ الوحید: لا یبعد جواز تأخیر الذبح أو النحر إلى آخر أيام التشريق وإن كان الأحوط الأفضل يوم العيد.^۳
وإذا تركه عالماً عامداً وطاف فالظاهر بطلان طوافه و يجب عليه أن يعيده بعد تدارك الذبح.

مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی قربانی در مسلخ جدید

الإمام الخميني: ذبح در مسلخ جدید مجزی است.^۴
السید الخوئی: اگر تأخیر قربانی ولو تا آخر ذی حجه موجب عسر و حرج نوعی باشد ذبح در خارج منی اشکال ندارد.^۵
السید الگلپایگانی: چون تأخیر انداختن قربانی برای روز سیزدهم و روزهای بعد حرج نوعی دارد و احیاناً موجب گرفتاری و فساد می‌شود ذبح در مسلخ جدید مجزی است. و تأخیر لازم نیست.^۶
السید السیستانی: أما مع تعذر الذبح بمنی من جهة منع الحكومة لا لضيق

(۳) ص ۱۶۴

(۲) ص ۱۴۳

(۱) ۱۹۱ و ص ۲۱۹، مناسک کوچک.

(۶) شفاهی.

(۵) ص ۲۱۰

(۴) ص ۲۱۴

المكان بمنى فالأحوط الأولى الجمع بين الذبح بوادي محسر والصوم بدلاً عن الهدي. ملحق ص ۳۱۸: عدل عن الاحتياط الوجوبي إلى الأحوط الأولى.

السيد الخامثي: الذبح في المسلخ الجديد في الوضع الحالي صحيح ومجزى.^۱

السيد الشبيري: اگر قربانی در منی ولو مع التأخير امکان نداشته باشد یا با حرج همراه باشد یا باقی ماندن در احرام تا هنگام قربانی حرجی باشد لازم نیست در منی قربانی کند بلکه قربانی در مسلخ جدید که در وادی محسر است کافی است.^۲

* * *

الشيخ البهجت: ذبح در مسلخهای جدید که خارج از منی است با فرض عذر مانعی ندارد. ص ۱۶۴ و في العربي ص ۲۳۴ و شفاهی فرموده: ولو مع التأخير در منی پکشدند.

الشيخ التبريزي: وفي الضميمة ص ۴۴: باید ذبح در منی باشد «نه در وطن» و الا حج او اشکال دارد، بلکه بعید نیست باطل شود و اگر در خود منی ممکن نشود در اقرب اماکن به منی ذبح کند... در صورت عدم امکان در منی در مذبح فعلی مجزی است و نباید آن را در جای دیگر انجام داد.

الشيخ الصافي: با فرض امکان ذبح را از روز عید تأخیر نیاندازند و در منی ذبح کنند و ترتیب رعایتش لازم نیست.^۳

الشيخ الفاضل: ذبح در مسلخ جدید مجزی است.^۴

الشيخ المكارم: قربانی در قربانگاههای موجود کافی است، هرچند از محدوده منی خارج باشند.^۵

الشيخ الوحيد: إن لم يمكن الذبح بمنى إلى آخر أيام التشريق و لو لأجل التقية أو كان حرجاً عليه ذبح أو نحر في وادي محسر وإن لم يمكن منه أيضاً فالأحوط أن يذبح بمكة ومع عدم التمكن أو الحرج يذبح في أي موضع شاء من الحرم.^۱

تثليث قربانی

الإمام الخميني: احتياط تثليث است ولكن هیچ یک از این احتیاطها واجب نیست.^۲

السيد الخوئي: احتياط آن است که قربانی را سه قسمت نموده.^۳

السيد الگلپایگانی: اقول: آن مرحوم تعبیر به وجوب دارند.^۴

السيد السيستاني: أما الثلث الآخر فالأحوط وجوباً أن يتصدق به على فقراء المسلمين و لا يعتبر إيصاله إلى الفقير نفسه بل يجوز الإعطاء إلى وكيله.^۵

الشيخ البهبهتي: تثليث قربانی احوط است و با فرض عدم امکان این تکلیف ساقط است.^۶

الشيخ التبريزي: احتياط لازم تثليث است.^۷

السيد الشبيري مسئله ۷۶۹: خوردن و هدیه واجب نیست، بلی صدقه دادن واجب است و احتياط واجب آن است که از ثلث قربانی کمتر نباشد.

الشيخ الصافي: در مسئله ۱۹۰: واجب است که قدری از قربانی را خودش بخورد و قدری را هدیه بدهد و مقداری را به فقیر مؤمن صدقه دهد.^۸

(۱) ص ۱۶۲

(۲) ص ۲۰۹

(۳) مسأله ۲۰۴

(۴) ص ۱۴۰

(۵) ص ۲۰۳

(۶) ص ۱۶۵

(۷) ضمیمه ص ۲۴

(۸) ص ۱۶۱

الشیخ الفاضل: تثلیث مستحب است.^۱
 الشیخ الوحید: الأقوی لزوم إعطاء ثلث الهدی للفقیر المؤمن صدقة والأحوط إعطاء ثلثه للمؤمنین هدیة والأحوط أن يأكل شیئاً من هدیة و لو قليلاً و يجوز إعطاء سهم الفقیر إلى وکیلہ.^۲

تأخیر قربانی

الإمام الخميني: در فرض مسئله قربانی او صحیح است ولی باید ترتیب بین قربانی و حلق و اعمال مکه مراعات شود.^۳
 السيد الخوئي: اگر از روی علم و عمد قربانی را ترک نموده و طواف کرده ظاهر این است که طوافش باطل است و واجب است بعد از تدارک قربانی، اعاده‌اش نماید.



الشیخ البهجت: ولی اگر از روی علم و عمد قربانی را ترک نموده و طواف کرد ظاهر این نیست که طوافش باطل است...^۴
 و فی فرع ۱۵۴: تأخیر الذبح عن یوم العید خلاف الاحتیاط تکلیفاً و ان کان مجزئاً وضعاً.

الشیخ الصافي: واجب دوم قربانی است در روز عید و اگر به علتی در روز عید قربانی نکرد، باید تا آخر ذیحجه قربانی کند و احوط آن است که هر چه زودتر قربانی نماید.^۵

الشیخ الفاضل: بنابر اقوی باید قربانی بعد از رمی جمره عقبه باشد.^۶

(۴) ص ۱۳۸

(۳) ص ۲۱۸

(۲) ص ۱۶۹

(۱) پنج ص ۲۵۰

(۶) ص ۳۴۷ پنج در ص ۳۲۸

(۵) ص ۱۵۶

احتياط واجب آن است که ذبح هدی را از روز عید تأخیر نیاندازد.
منه أيضاً؛ فرع ۲۸۳ حول الحج؛ من لم يتمكن من الذبح في منى يوم العاشر
يكفيه الذبح في المسالخ الفعلية ولا مجال للتأخير.

ذبح در شب

الإمام الخميني: تأخير ذبح از روز عید جایز نیست علی الأحوط لكن اگر
تأخیر شد عمداً یا جهلاً یا نسیاناً ذبح در شب کفایت می‌کند.^۱
السید الخوئي: قربانی در شب مجزی نیست و فرقی بین عالم و جاهل
نیست.^۲

السید گلپایگانی: بر حسب ظاهر عبارات فقها، منع ذبح در شب مبنی بر
احتياط است اگر فقیهی فتوی بجواز بدهد، می‌شود این احتياط را به او رجوع
کرد.^۳

السید السيستاني: و الأحوط عدم الذبح في الليل مطلقاً حتى الليلي
المتوسطات بين أيام التشريق إلا للخائف.^۴
السید الشيرازي: باید در روز انجام بگیرد.^۵

الشيخ البهجت: س: اگر تا مغرب نتواند قربانی کند موقع اذان مغرب و بعد از
آن جایز است یا نه؟
ج: جایز است.^۶
الشيخ التبريزي: نفس عبارة الوحيد.^۷

(۲) ص ۱۲۶

(۳) شفاهی

(۲) کتبی.

(۱) متفرقه حدی م ۲

(۷) ص ۱۹۱

(۶) ص ۱۶۴

(۵) ص ۱۸۹

- الشیخ الصافی: ذبح در شب بر خلاف احتیاط است.^۱
 الشیخ الفاضل: ذبح در شب کفایت نمی‌کند.^۲
 الشیخ المکارم: ذبح در شب کفایت می‌کند.^۳
 الشیخ النوری: در مناسک محشی حاشیه ندارد.^۴
 الشیخ الوحید: لا یجزی الذبح فی اللیل وإن کان جاهلاً.^۵
 مؤلف: مقتضای احتیاط ذبح در روز است، هر چند روز بعد از عید باشد.
 مجوز ذبح در شب: الشیخ البهجت، الشیخ المکارم.

تأخیر قربانی از روز عید و جواز حلق

- السید الگلپایگانی: اگر ذبح در منی در ایام تشریق ممکن باشد تأخیر بیاندازد ولی حلق را روز عید انجام دهد.^۶
 السید الخوئی: اگر با تأخیر ممکن باشد، ذبح در منی و لو تا آخر ذیحجه حلق یا تقصیر نماید و محل شود و ذبح را با سایر اعمال تأخیر بیاندازد.^۷
 السید السیستانی: یجوز له تقدیم التقصیر أو الحلق علی الذبح و لکن بشرط تحصیل الهدی بمنی قبله علی الأحوط لزوماً.^۸
 السید الشبیری: اگر ذبح را تأخیر انداخت باید حلق و تقصیر را هم بتأخیر اندازد و ترتیب ساقط نیست.^۹

الشیخ البهجت: به هر تقدیر ترتیب لازم است تکلیفاً. جدید ص ۲۸، وضعاً

(۱) کتب.	(۲) ص ۲۵۸	(۳) ص ۳۱۹	(۴) ص ۲۵۵
(۵) ص ۱۶۳	(۶) مسائل السجین.	(۷) کتب.	(۸) للملحق ص ۱۲۰
(۹) ص ۱۸۹			

لازم نیست.^۱

الشيخ التبريزي^۲: اگر متمکن از تأخیر و ذبح در منی باشد اگر چه تا آخر ذبحه باشد حلق یا تقصیر نماید و محل شود و ذبح را تأخیر بیاندازد و همچنین طواف را.^۳

الشيخ الفاضل: تأخیر حلق جایز نیست.^۴

الشيخ المكارم^۵: تأخیر ذبح تا روز سیزدهم جایز است.^۶ و رعایت ترتیب در اینجا لازم نیست.^۷

الشيخ النوري: تأخیر حلق از روز عید جایز نیست.^۸

الشيخ الوحيد: لا یبعد جواز تأخیر الذبح أو النحر إلى آخر أيام التشريق وإن كان الأحوط الأفضل يوم العيد^۹ و در روز عید تقصیر کند.^{۱۰}
مجاز حلق: السيد الخوئي، السيد گلپایگانی، الشيخ التبريزي، الشيخ الصافي، الشيخ الفاضل، الشيخ النوري، الشيخ المكارم.

جواز الذبح في مطلق الحرم إذا منع الذبح في منى

السيد الخوئي في المعتمد: و شرح عبارة العروة - يجب أن يكون الذبح أو النحر بمنى.

إن يتمكن من الذبح في منى و لو إلى آخر ذي الحجة فمقتضى القاعدة هو الذبح يوم العيد في غير منى و يسقط اشتراط وقوع الذبح بمنى.

(۱) شفاهی. (۲) ص ۲۱۹ آخر. (۳) محشی ص ۳۶۵. (۴) محشی ص ۳۶۸.

(۵) محشی ص ۳۷۶. (۶) محشی ص ۳۶۲. (۷) ص ۱۶۳. (۸) شفاهی.

الشيخ الفاضل: لا بأس بالذبح في المجازر المعينة الفعلية.^١
 و في ص ١٢٧: قد ذكرنا في المناسك في مثل المورد، يكفيه الذبح في
 المسالخ الفعلية و لا مجال للتأخير.
 الشيخ الوحيد: إن لم يمكن الذبح بمعنى إلى آخر أيام التشريق نحر أو ذبح في
 وادي محسر وإن لم يتمكن منه ايضاً فالأحوط أن يذبح بمكة ومع عدم التمكن
 يذبح في أي موضع شاء من الحرم.^٢

النشأة التي لا قرن لها

السيد السيستاني: و احوط و اولی این است که در اصل خلقتش بی شاخ و دم
 نباشد.^٣
 السيد الشيرازي: و لا بأس بذيخ فاقد القرن خلقة كما لا بأس بذيخ مكسور
 القرن الخارجي و مقطوعه.^٤

الشيخ البهجت: تجزي إذا كانت كذلك في أصل خلقتها.^٥
 الشيخ التبريزي: احوط و اولی این است که قربانی در اصل خلقت هم بی
 شاخ و دم نباشد.^٦
 الشيخ الفاضل: كفايت نمی کند حتی اگر این نواقص در اصل خلقت همراه او
 باشد.^٧
 الشيخ الوحيد: احوط و اولی آن است که بر حسب اصل خلقتش بی شاخ و
 دم نباشد و معتبر است که شاخ داخلی او شکسته نباشد.

(١) حول الحج ص ١٣٣ (٢) ص ١٦٣ (٣) فرع ٣٨٥ ص ٢٨٦ (٤) ص ٧٠٥
 (٥) فرع ١٦٠ ص ٢٣٧ (٦) ع ٣٣٨ (٧) ع ٨١٢

مصرف الكفارة

السيد الغلپایگانی^١: مصرف كفاره فقير غير سيد است و اگر دهنده كفاره سيد باشد جایز است که كفاره خود را به سيد فقير بدهد و بنا بر احتیاط واجب باید فقير مؤمن باشد.^١

السيد السيستاني: يجب أن يتصدق بها على الفقراء و المساكين.^٢
السيد الخامني: مصرف الكفارات هو الفقراء و محل ذبح كفارة الصيد في العمرة مكة و في الحج منى و الأحوط أن يعمل على هذا النحو في الكفارات الأخرى أيضاً.^٣

السيد الشيرازي: باید تمام اجزاء حيوان كفاره را به فقير صدقه بدهد.^٤

وكيل با پول مشترك ده قربانی می خرد با تعیین وقت ذبح

الإمام الخميني^٥: اگر صاحبان پول راضی باشند اشكال ندارد.^٥
السيد الخوئي^٦: لا بد من التعيين لكل واحد منهم وقت اشتراء أو الذبح و لو بنحو الإجمال كعنوان الموكل الأول والثاني وهكذا. طبع ١١ ص ٢٩٥
السيد الغلپایگانی^٧: اگر صاحبان پول راضی باشند و ذابح وکالت از افراد داشته باشد اشكال ندارد.^٦

السيد السيستاني: لا بد حين الذبح من التعيين لكل واحد.^٧
السيد الشيرازي: اگر صاحبان پول راضی باشند اشکالی ندارد.^٨

* * *

(١) مجمع در ص ٥١١ (٢) ص ١٢٣ (٣) ص ٢٢ (٤) ص ٩٢
(٥) متفرقات منى م ٦ (٦) ص ٣٣٦ آخر (٧) الملحق ص ١٣٥ (٨) ص ١٩٠ م ٧٥٢

الشیخ الفاضل: بهتر است که وکالت بگیرد، در مقابل وجه مورد توافق یک گوسفند به نیابت او قربانی کند و مجاز باشد که برای ذبح هم نائب بگیرد.^۱

الشیخ المکارم: بر فرع امام حاشیه ندارد.^۲

الشیخ النوری: حاشیه ندارد.^۳

مؤلف: مقتضی الاحتیاط التعین عند الذبح.

قطع سر قربانی در حال حیات

الإمام الخميني: کار حرامی است لکن ذبیحه حلال است و کفایت از قربانی می‌کند.^۴

السید الخوئي: بنا بر احتیاط لازم ذبیحه حلال نیست.^۵

السید گلپایگانی: بعد از فزی اوداج اربعة اگر گردن قربانی و یا رگ نخاخ را در حالی که هنوز زنده است قطع نماید چه حکمی دارد؟

ج: کار حرامی است لکن ذبیحه حلال است و کفایت از قربانی می‌کند.^۶

السید الشیرازی: اگر هنوز زنده است گردن قربانی را قطع نکند، بنا بر احتیاط و اگر قطع کرد با ذبیحه معامله حلّیت نکند و در قربانی هم به آن اکتفا نکند.^۷

الشیخ الفاضل: حاشیه ندارد.

الشیخ المکارم: این کار حرام نیست ولی بهتر است این کار را نکنند.^۸

(۱) محشی ص ۲۵۸ (۲) محشی ص ۲۶۸ (۳) ص ۲۵۵ محشی.

(۲) متفرقه هدی م ۳۲ محشی ص ۳۶۵ (۵) منهاج م ۱۶۵۸ (۶) ص ۳۲۹

(۷) ص ۲۰۴ م ۸۱۰ (۸) محشی ص ۳۷۶

الشيخ النوري: حاشيه ندارد.
مؤلف: مقتضای احتیاط عدم اکتفا به این ذبیحه است.

ذبیح با استیل

السید الخوئي: يجوز الذبیح بسکین الاستیل أنه معدود من الحديد و لا مانع من الذبیح به.^١

السید السیستانی: جواز الذبیح بها لا یخلو عن شائبة إشکال، والإحتیاط فی محله.^٢

السید الخامثي: الاستیل أي الفولاذ المطلي بمادة مضادة للصدأ من الحديد ولا یضر طليه بمادة المضادة، لجواز الذبیح به.^٣
السید الشیري: ذبیح با چاقوی استیل اشکال ندارد، هر چند آهن نباشد و احتیاط مستحب در ترک است.^٤

* * *

الشيخ البهجت: اگر برنده باشد و تا آخر هم به استحکام و دوام باقی باشد مانع ندارد.^٥

الشيخ التبريزي: بنابر احتیاط استحبابی ترک شود.^٦
الشيخ الصافي: اگر کسی یقین کند که استیل حديد است برای او اشکال ندارد.^٧

الشيخ الفاضل: اشکال ندارد.^٨

(١) الصراط ج ١ ص ٣٩٢ (٢) الملحق، ص ١٢٦ (٣) ص ٢٣ (٤) ص ٢٠٣
(٥) شفاهي. (٦) ضمیمه ص ٢٢ (٧) کتب. (٨) محشی ص ٣٦٢

الشیخ المکارم: با هر فلز بزنده‌ای صحیح است.^۱
 الشیخ الوحید: به نظر مرحوم آقای خوئی رحمته عمل شود.
 مؤلف: مقتضی الاحتیاط أن يكون السكين من الحديد.

الهدی التام و الهدی الناقص

الإمام الخميني رحمته: اگر غیر از خصی یافت نشود بعید نیست کفایت ذبح خصی
 گر چه احتیاط در جمع بین آن و سالم است در ذی الحجه همان سال، یا سال بعد
 یا جمع بین ناقص و روزه (واجبات منی م ۱).
 السيد الخوئي رحمته: و يعتبر في الهدی أن يكون تام الأعضاء م ۳۸۴ - وقال: إن
 لم يتمكن من الواجد للشرايط أجزاء الفاقد و ما تيسر له من الهدی م - ۳۸۶ - و
 قبله ما ذكرناه من شروط الهدی إنما هو في فرض التمكن منه.
 السيد السيستاني: إذا لم يجد شيئاً من الأنعام الثلاثة واجداً للشرايط في أيام
 التشريق فالأحوط الجمع بين الفاقد لها و بين الصوم بدلاً عن الهدی.^۲
 السيد الشيرازي: شرايط صحت قربانی - مسن، و صحیح باشد معیوب و ناقص
 نباشد، لاغر نباشد، در صورت امکان خصی نباشد.

* * *

الشیخ البهبهت: اگر نتواند با شرايط تهیه کند هر چه ممکن باشد همان کافی
 است ولی احتیاط آن است که روزه هم بگیرد.^۳
 الشیخ التبریزی رحمته: نفس عبارة السيد الخوئي رحمته.^۴
 الشیخ الفاضل: حاشیه ندارد.

الشيخ المكارم: بعيد نیست کفایت خاصی در فرض و احتیاط در متن واجب نیست.^۱

الشيخ النوري: حاشیه ندارد.

الشيخ الوحيد: إن لم يتمكن من الواجد للشرايط في أيام التشريق فالأحوط أن يجمع بين الفاقد و البديل إلا إذا كان الفاقد خصياً فإنه يجزي مع عدم التمكن من غيره.^۲

مؤلف: اگر بداند که در طول ذیحجه هدی کامل یافت می شود احتیاط آن است که ثمن را نزد امینی بگذارد تا به وظیفه عمل کند. و اگر عالم به این موضوع نباشد مقتضای احتیاط جمع بین ناقص و روزه است و احوط از آن قربانی سالم است در سال بعد.

قربانی در وطن کافی نیست

السيد الغلپایگانی: قربانی در مکه یا وطن مجزی نیست.^۳

منه أيضاً: از احرام خارج شده ولی قربانی بر ذمه او است.^۴

السيد السيستاني: إذا اعتقد عدم وجوب الذبح لكونه إسرافاً فإن لم يذبح حتى مضت أيام التشريق بطل حجه على الأحوط.

السيد الشبيري: ذبح در مکه یا وطن جایز نیست.^۵

الشيخ البهجت: لا يكون الذبح إلا في منى و لا يجزى في غيرها.^۶

الشيخ التبريزي: لا بد في الهدي من ذبحه في منى ولو مع التأخير إلى آخر

(۴) ص ۲۳۱ م ۸۲۴ اخیر.

(۳) ص ۳۲۲ اخیر.

(۲) ص ۱۶۵

(۱) ص ۲۵۶

(۶) ص ۲۲۷

(۵) ص ۱۸۹ م ۷۴۵

ذی الحجة ومع عدم التمكن أو الحرج في التأخير فيذبح في أقرب مكان إلى منى والعالم بالحكم إن ترك الذبح على النحو المذكور عن عمد فحجه باطل وإن ذبح في بلده بالتوكيل.^۱

الشيخ الصافي: حاشیه ندارد.

الشيخ السوري: اگر جاهل بوده و فکر می کرده که عملش صحیح است از احرام خارج شده ولی قربانی بر ذمه او است.^۲

الشيخ الوحيد: ذبح هدی در وطن جایز نیست. كَلَنْ يَنْتَالَ اللَّهَ لُحُومُهَا وَلَا دِمَاؤُهَا وَلَكِنْ يَنْتَالُهُ التَّقْوَى مِنْكُمْ.^۳



مرکز تحقیقات و نشر علوم اسلامی

~ (۳) شفاهی.

(۲) مناسک معظم له ص ۲۲۳

(۱) الصراط ص ۵۱۱



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

ملحقات حلق



مرکز تحقیقات و پژوهش در علوم اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

حلق در شب

الإمام الخميني: در هر صورت اگر شب حلق کرد صحیح است و کفایت می کند.^۱
السید گلپایگانی: س: رمی الحاج و ذبح الهدي فغربت عليه الشمس فهل
يجوز أن يحلق بعد المغرب ليلة الحادي عشر.

ج: لا يبعد أجزاء الحلق في الليل في الفرض المذكور.^۲
أيضاً سؤال آخر: ما حکم من نسي الرمي أو الذبح أو الحلق يوم العيد ورمى أو
ذبح أو حلق أو قصر ليلة الحادي عشر نسياناً أو جهلاً أو عمداً؟
فأجاب: إن كان المنسي هو الحلق وقد حلق في ليلة الحادي عشر فالأجزاء
هنا لا يخلو من قوة.^۳

السيد السيستاني: إذا حلق الحاج أو قصر ليلة الحادي عشر لا يبعد الاجتزاء
به.^۴ و في الملحق الثاني: نعم يجزي.

السيد الشبيري: تأخير حلق و تقصير از روز عيد تا آخر ذی حجه جایز است و انجام آن در شب نیز صحیح است و کفایت می‌کند.^۱

الشيخ البهجت: احتیاط این است که در روز انجام شود.^۲ و في المحشى: اگر خلاف ترتیب عمل کرد ولو عمداً مشهور عدم وجوب اعاده است (اظهر عدم وجوب اعاده است). هر چند مآتن فرموده در دلیل آن تأمل است.^۳

رجع عن الاحتياط (المحفوظي).

الشيخ النوري: حلق در شب هم صحیح است و کفایت می‌کند.^۴
أقول: اضربنا عن ذكر الرمي و الذبح المنسيين لعدم الحاجة.

الأحوط للصورة الحلق

الإمام الخميني: احتیاط واجب حلق است.

السيد الكلبايگاني: حلق بر او متعین است به احتیاط واجب.^۵

السيد السيستاني: الأحوط وجوباً للصورة اختيار الحلق.^۶

السيد الشبيري: اگر حجة الاسلام انجام می‌دهد لازم است سر بتراشد هر چند سال اول حج او نباشد و اگر حجة الاسلام انجام نمی‌دهد و سال اول حج او است بنابر احتیاط مستحب سر را بتراشد.^۷

الشيخ الصافي: برای کسی که حج اول او است احتیاط واجب برای او تراشیدن موی تمام سر است.^۸

(۴) ص ۳۳۲

(۳) ص ۷۸

(۲) ص ۱۲۳

(۱) ص ۲۰۸

(۸) مسئله ۱۹۵ کتبی.

(۷) ورقه ص ۷

(۶) ملحق ص ۱۲۵

(۵) آخر ص ۳۳۳

حلق قبل از قربانی

س: قربانی در روز عید قربان بعلم و عذرهای مختلف انجام نمی‌گیرد و به روز یازدهم یا سیزدهم تأخیر می‌افتد آیا همان روز عید بعد از رمی جمره عقبه تقصیر کند تا از احرام خارج شود یا نه؟

السید الخامثی: فإن أخلَّ بالترتيب عمداً كان عاصياً و لكن لا يجب عليه إعادة الأعمال مترتبة على الظاهر.^۱

السید السیستانی: تقدیم تقصیر بر تحصیل قربانی در مکانی که قربانی صحیح است، بنا بر احتیاط واجب جایز نیست و به هر حال تا ذبح نکند از احرام خارج نمی‌شود.^۲

السید الشبیری: باید خروج از احرام را به بعد تأخیر اندازد.^۳



الشیخ البهجت: مانع ندارد.^۴

الشیخ التبریزی: بلی، در فرض سؤال در همان روز عید حلق نماید یا تقصیر می‌کند و از احرام خارج می‌شود و قربانی را روز بعد انجام می‌دهد.^۵

الشیخ الصافی: در صورتی که معذور از قربانی در روز دهم باشد خروج از احرام اشکال ندارد.^۶

الشیخ الفاضل: تأخیر حلق جایز نیست.^۷

الشیخ المکارم: رعایت ترتیب لازم نیست.^۸

الشیخ النوری: تأخیر حلق از روز عید جایز نیست.^۹

(۴) مهر دفتر.

(۳) الغانم.

(۲) مهر دفتر.

(۱) ص ۱۵۰

(۸) محشی ص ۳۷۶

(۷) محشی ص ۳۶۵

(۶) کتبی.

(۵) کتبی.

(۹) محشی ص ۳۶۲

محل حلق و تقصیر منی است

الإمام الخميني: محل تراشیدن سر و تقصیر نمودن منی است و جایز نیست اختیاراً در غیر منی.^۱

و اگر عمداً یا جهلاً یا نسیاناً حلق و تقصیر نکرد و از منی خارج شد باید برگردد برای انجام این وظیفه و اگر برگشت ممکن نباشد هر جا هست سر بترشد و موی خود را به منی بفرستد در صورت امکان.

السید الخوئی: إن كان عالماً و قصر في غير منی تجب عليه الكفارة وإن كان جاهلاً لم تلزمه الكفارة وعلى أي حال يجب عليه إعادة التقصير في وقته بمنی.^۲

السید الغلپایگانی: کسی که در غیر منی حلق نموده و اعمال مترتبه را هم به جا آورده، اگر جهلاً یا نسیاناً در غیر منی تقصیر کرده صحت آن بعید نیست گر چه احتیاط، حلق در منی و اعاده اعمال مترتبه است.^۳

السید السیستانی: ومن حلق رأسه في غير منی و لو متعمداً یجتزئ به ولكن يجب عليه أن يبعث بشعر رأسه إليها مع الإمكان.

السید الشیرازی: بنابر احتیاط لازم باید حلق و تقصیر در منی انجام شود.^۴ اگر حلق یا تقصیر در منی نبوده بنابر احتیاط باید اعاده شود و اگر وظیفه حلق بوده و سر را در خارج منی تراشیده بنابر احتیاط تیغ را بر سر بکشند و اگر در خارج منی حلق کرده و اعمال بعدی را به جا آورده بنابر احتیاط از احرام خارج نشده و باید اعمال بعدی را اعاده کند.^۵

(۱) واجبات منی ۱۱ (۲) فرع مناسک ص ۲۹۷ (۳) ص ۲۴۲ اخیر و ۲۴۲ فرع دیگر.

(۴) ص ۲۰۷ (۵) ص ۲۱۱

الشیخ البهجت: محل حلق یا تقصیر در منی است و در غیر منی کفایت نمی‌کند.^۱

الشیخ التبریزی^۲: مگر اینکه از جهت جهل به مسأله و غفلت، در غیر منی حلق کرده باشد که در این صورت اجزاء بعید نیست، هر چند احتیاط آن است که در صورت امکان به منی برگردد و حلق کند.^۳

الشیخ الصافی: همان.

الشیخ الفاضل: لو علم به بعد العود إلى بلدة حلق و بعث بشعره ولا يحتاج إلى إعادة الطواف. (حول الحج)

الشیخ المکارم: اگر کسی در غیر منی حلق یا تقصیر نماید در صورت جهل یا نسیان عمل صحیح است و اگر می‌تواند، به منی برگردد و سرخود را بتراشد و یا کوتاه کند.

الشیخ النوری: حاشیه ندارد.

حلق باید در روز باشد

السید الخوئی^۴: حلق در شب مجزی نیست.^۵

السید الخامنشی: الأحوط عدم تأخیر الحلق اختیاراً و فی صورة النسیان یجوز له الاتیان به بعد یوم العید.^۶

الشیخ التبریزی^۷: بنا بر احتیاط باید حلق در روز باشد. ضمیمه ص ۳۷ و همچنین تقصیر.^۸

(۳) کتبی.

(۲) مناسک معشیه، ۱۱۵۰م.

(۱) ص ۱۶۴

(۵) ضمیمه ص ۲۳

(۴) ص ۳۹

منه أيضاً: اذا تعذر على الحاج الذبح يوم العيد يجوز له الحلق أو التقصير ولكن لا يخرج عن الإحرام إلا بعد الذبح على الأحوط.^١
 . وفي ص ١٩١ فإن تمكن من التأخير و الذبح في منى حلق أو قصر وأحل بذلك.

الشيخ الصافي: متعرض مسئله نشده در مناسک.

الشيخ الوحيد: متعرض حلق در شب نشده.^٢

الشيخ الفاضل: س: لو لم يذبح يوم العاشر و لا يسع الوقت للذبح؟ ج: يحلق أو يقصر يوم العيد و لا يؤخر.^٣

الشيخ المكارم: در مناسک خود متعرض حلق در شب نشده.

تقصير به جای حلق

الإمام الخميني: اگر جاهل به مسئله بوده كفاره ندارد و در فرض علم احوط است و در فرض مسئله بنابر احتیاط باید حلق را انجام دهد و چنانچه اعمال مكه را به جا آورده اعاده کند.^٤

السيد الكلبايگاني: اگر جاهل به مسئله بوده كفاره ندارد و در فرض علم پرداخت كفاره احوط است. و در فرض مسئله بنابر احتیاط باید حلق را انجام دهد و چنانچه اعمال مكه را به جا آورده اعاده کند.^٥

السيد السيستاني: س: الحاج الذي يتعين عليه الحلق حسب فتوى مقلده إذا قصر عالماً بالحكم أو جاهلاً به فما تكليفه؟
 ج: إذا كان تقصيره عن عمد فهو آثم بذلك ولا يتحلل عن احرامه بذلك

(٢) العول ص ١٣٧ ملخصاً.

(٢) ص ١٧١

(١) ص ١٢٦

(٥) ص ٣٢٨

(٢) منفرقه ١١

التقصير عالماً كان أو جاهلاً و عليه الحلق في منى.^۱
 السيد الشبيري: در موردی که حاجی باید حلق کند اگر تقصیر کند از احرام
 بیرون نیامده و باید حلق کند و اگر جاهل به مسئله بوده کفاره ندارد.

الشيخ البهجت: حلق را واجب نمی‌داند.
 الشيخ التبريزي: حلق را واجب نمی‌دانیم بلکه او را هم مخیر بین حلق و
 تقصیر می‌دانیم. شفاهی و کتبی
 الشيخ الصافي: حاشیه ندارد.
 الشيخ الفاضل: بر فرع مذکور حاشیه ندارد.^۲
 الشيخ المكارم: سر تراشیدن واجب نیست.^۳
 مؤلف: مقتضای احتیاط حلق در منی است و اگر عامد در تقصیر بوده کفاره
 هم باید بدهد.

الحلق أفضل للمصرورة

السيد الخوئي: من كان ضرورة فالأحوط له أيضاً إختيار الحلق وإن كان
 تخييره بين الحلق و التقصير لا يخلو من قوة.

الشيخ البهجت: برای ضروره احتیاط مستحب سر تراشیدن است و تخيير
 بین حلق و تقصير خالی از قوت نیست.^۴
 الشيخ التبريزي: نفس عبارة الخويي.^۵

(۳) محشی ص ۳۹۱

(۲) محشی ص ۳۷۷

(۱) الفرع، الملحق الثاني، ص ۱۸۰ و ص ۱۸۱

(۵) ص ۲۰۰ و ص ۲۶۵ مناسک صغیر.

(۴) م ۴۰۹

- الشيخ الفاضل: احتياط مستحب برای او سر تراشیدن است.^۱
 الشيخ المكارم: صوره نیز مخیر است و سر تراشیدن متعین نیست.^۲
 الشيخ النوري: مخیر است بین تراشیدن یا کوتاه کردن مو و یا چیدن ناخن.^۳
 الشيخ الوحيد: نفس عبارة الخوئي^۴.

جواز حلق و تقصیر در شب

- الإمام الخميني^۵: حلق در شب هم صحیح است و کفایت می‌کند.
 السيد السيستاني: س: إذا حلق الحاج أو قصر ليلة الحادي عشر فهل يجزيه ذلك؟ ج: لا يبعد الاجتزاء به الملحق ص ۱۴۵ و في الملحق الثاني ص ۱۸۲:
 يجزي الحلق والتقصير ليلة الحادي عشر أو الليالي اللاحقة.
 السيد الشبيري: تأخير حلق و تقصير از روز عید تا آخر ذی حجه جایز است و انجام آن در شب نیز صحیح است و کفایت می‌کند.^۶

- الشيخ البهجت: س: آیا حلق و تقصیر در شب مجزی است؟ ج: مجزی است.^۷ الشيخ النوري: حاشیه ندارد و بر حسب ظاهر با نظر امام موافق است.^۸

خلاف احتیاط

- السيد الخوئي^۹: حلق در شب کافی نیست و فرقی بین عالم و جاهل نیست.
 کتبی و في الصراط ج ۳ ص ۱۸۹: الأحوط الاستحبابی إيقاعه في يوم الحادي

(۱) محشی ص ۳۶۹ (۲) محشی ص ۲۸۰ (۳) محشی ص ۳۶۵ (۴) ص ۱۷۸
 (۵) متفرقه حلق م ۲ (۶) ص ۲۰۸ (۷) طبع دوم ص ۱۸۹ (۸) ص ۳۷۰ محشی.

عشر إذا لم يقصّر في نهار يوم العيد ولكن الأقوى جوازه في ليلته (أي الحادي عشر) الحلق أو التقصير.

السيد الغلپایگانی: حلق در شب خلاف احتیاط است.^۱

الشیخ التبریزی: بنابر احتیاط باید حلق در روز واقع شود.^۲

الشیخ الصافی: حاشیه ندارد.

الشیخ المکارم: احتیاط در ترک است.^۳

مؤلف: مقتضای احتیاط حلق و تقصیر در روز است.

ان علم الإدماء مع الحلق

الإمام الخميني: باید سر بتراشد علی الأحوط.^۴

و وافقه الفاضل اللکرائی: حاشیه ندارد.

السيد الخوئي: إذا علم أنه يجرح رأسه فعليه أن يقصر أولاً ثم يحلق.^۵

السيد الغلپایگانی: اگر حلاق ماهر پیدا نشد تقصیر نماید و بعد در ماه ذی

حجه هر وقت متمکن شد حلق نماید.^۶

السيد السيستاني: يحلق بالماكينة الناعمة أو يقصر أولاً ثم يحلق بالموسى إن

شاء إذا كان مخيراً بين الحلق و التقصير ولو خالف أجزاء وإن كان آثماً. ص ۲۰۵

وفي الملحق الثاني ص ۱۸۳: س: إذا جرح رأس الحاج أثناء حلقه فسال دمه فما

حكمه؟ ج: لا شيء عليه.

السيد الشبيري: و چنانچه تراشیدن سر مستلزم خون آمدن از سر باشد این

(۱) ص ۳۲۲ آخر. (۲) ص ۳۶۵ (۳) محشی ص ۳۸۵ (۴) متفرقه حلق م ۲۰

(۵) م ۲۰۵ (۶) مجمع ج ۱ ص ۲۹۰

مقدار خون بیرون آوردن نیز جایز می‌گردد.^۱

* * *

الشیخ البهجت: بایستی اول تقصیر کند و مقداری از موی سر خود را چیده سپس سر بتراشد.^۲

الشیخ التبریزی^۳: فعلیه أن يقصر أولاً ثم يحلق.^۴
و در طبع صغیر م ۴۱۰ اگر خون به مقدار متعارف باشد می‌تواند سر بتراشد و فی الصراط ج ۲ ص ۵۱۰: لیس له أن يقصر قبل الحلق بل علیه الحلق ومن وجب علیه اختیار الحلق لو قصر قبل الحلق لو قصر قبل الحلق علیه الکفارة علی الأحوط.

الشیخ المکارم: سر تراشیدن واجب نیست ولی احوط است.^۵
الشیخ النوری: متعرض فرع نشده است.
الشیخ الوحید: و من تعین علیه الحلق و لم يتمكن إلا من الحلق المستلزم للإدعاء فلا شيء علیه.^۶
مؤلف: با فرض آنکه حلق بر شخص متعین باشد مقتضای احتیاط حلق است با کفاره در صورت علم به إدعاء و احوط از آن ضم تقصیر است به حلق.

کسی که از حلق معذور است

الإمام الخميني^۷: بعيد نیست لزوم و کفایت تقصیر در این مورد ولی احوط آن است که احتیاط را به غیر رجوع کند.^۸
السيد الغلپایگانی^۹: نفس عبارة الإمام^{۱۰}، بعيد نیست لزوم و کفایت تقصیر

(۱) ص ۲۱۷ (۲) ص ۱۴۳ م ۲۱۱ (۳) ص ۲۰۱ م ۲۰۵ (۴) محشی ص ۲۹۱

(۵) ص ۱۷۱ م ۲۰۲ (۶) منفرقه م ۲۳

در این مورد ولی احوط آن است که احتیاط را به غیر رجوع کند.^۱
 السيد السيستاني: الأقرب إجزاء التقصير عن الحلق إذا كان الحلق عليه
 حرجياً.^۲

السيد الشيرازي: اگر حلق برای او حرجی است تقصیر برای او کفایت می‌کند.^۳
 کسی که بیماری پوستی دارد و حلق برای او خطر دارد می‌تواند تقصیر کند.^۴

الشيخ البهجت: متعرض فرع نشده نظر به اینکه حلق را واجب نمی‌داند بلکه
 فرموده مطابق با احتیاط استحبابی است.

الشيخ التبريزي: س: من يتعسر عليه الحلق من جهة بعض الأمور السياسية
 والاجتماعية هل يجب عليه الحلق إذا كان ضرورة؟

ج: نعم يجب إلا إذا كان في الحلق حرجاً ومشقة فيجوز له التقصير حينئذ.^۵
 الشيخ الفاضل: رعایت این احتیاط (رجوع به غیر) در کلام حضرت امام
 لازم نیست.^۶

الشيخ المكارم: حلق واجب نیست.^۷
 مؤلف: در این فرع نظرها متقارب است.

حلق با تیغ

السيد الغلپایگانی: بنابر احتیاط واجب در حلق باید از تیغ استفاده کرد نه
 ماشین ته زن و یا نوره و امثال آن.^۸

(۱) مسائل متفرقه م ۸۵۹ (۲) الملحق الاول ص ۱۴۷ محصل السؤال والجواب. (۳) ص ۲۱۴، م ۸۵۵

(۴) ص ۲۱۵، م ۸۵۸ (۵) ضح ص ۱۴۸ (۶) محشی ص ۳۸۰ (۷) ص ۳۹۱

(۸) ص ۳۳۳

السيد السيستاني: يجوز مع الماكينة وإن كان الأحوط الأولى اختياراً الحلق بالموسى.^۱

السيد الشيرازي: تراشیدن سر با هر وسیله‌ای باشد کافی است و ظاهراً ماشینی که مثل تیغ مو را از بیخ می‌زند کافی است ولی کندن و سوزاندن و داروی نظافت کفایت نمی‌کند.^۲

* * *

الشيخ البهجت: اگر ماشین مثل تیغ باشد کافی است و همچنین دواء که مو را ازاله کند.^۳

مؤلف: مقتضای احتیاط حلق با تیغ است.



مرکز تحقیقات و نشر علوم اسلامی

مسائل متفرقه



مرکز تحقیقات و پژوهش در علوم اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

جواز بقا بر تقلید میت

السید الخامنی: بقاء جایز است هر چند میت اعلم باشد.
السید السیستانی: حکم بعد از فوت او حکم زنده بودنش است.^۱
السید الشیرازی: جایز است بقا در جمیع مسائل، مگر اینکه متوفی اعلم باشد
که بقا واجب است.^۲



الشیخ البهبهتی: بقاء در مسائلی که در آنها تقلید کرد جایز است و اگر متوفی
اعلم باشد بقا واجب است.^۳

الشیخ التبریزی: حکم بعد از فوت او حکم زنده بودنش است در صورتی
که فتوای او در نظر مقلد باشد و فراموش نکرده باشد.^۴
الشیخ الصافی: اگر عمل کرده یا آنرا یاد گرفته و ملتزم به عمل شده بقاء

(۱) توضیح المسائل.

(۲) شفا می.

(۳) توضیح المسائل.

(۴) توضیح المسائل.

جایز است و اگر اعلم باشد واجب و بعید نیست جواز بقاء در سایر مسائل.^۱
 الشيخ الفاضل: بقاء جایز است و در صورت اعلمیت بقاء لازم است و فرقی
 بین مسائل عمل شده و عمل نشده نیست.^۲

الشيخ المكارم: بقاء جایز است بلکه اگر اعلم باشد واجب است به شرط
 آنکه عمل کرده و یا برای عمل یاد گرفته باشد.^۳

الشيخ النوري: بعد از فوت مقلد خود باید از مجتهد حی تقلید کند و کسی که
 به بعض مسائل مجتهدی عمل کرده و مجتهد فوت نموده می تواند در تمام مسائل
 از او تقلید کند.

منه أيضاً: در صورتی که مقداری به فتوای مجتهد متوفی عمل کرده باشد
 می تواند در تمام مسائل باقی باشد مگر آنکه حی اعلم باشد. م ۹
 الشيخ الوحيد: جایز است بقا حتی در مسائلی که عمل نکرده.^۴

تغسیل عامه برای شیعه

س: تغسیل و تکفین عامه کافی است یا نه؟
 السيد السيستاني: اگر تغسیل میت شیعه باشد کافی نیست.^۵
 السيد الشبيري: تکفین عامه کافی است و تغسیل آنها بنا بر مشهور کافی
 نیست و اگر بر طبق نظریه شیعه امامیه نباشد به طور مسلم جایز نیست.

الغانم ۱۴ع ۲/۲۲۲



(۱) توضیح المسائل. (۲) توضیح المسائل. (۳) توضیح المسائل. (۴) شفاهی.

(۵) مهر دفتر.

الشیخ البهجت: کافی نیست بنابر اعتبار ولایت در صحت عبادت پس حتی
الامکان احتیاط مراعات شود.^۱

الشیخ التبریزی^۲: در صورت وجود شیعه دوازده امامی تغسیل و تکفین میت
شیعه توسط غیر شیعه محل اشکال است.^۳

الشیخ الصافی: در حال اختیار کافی نیست.^۴

الشیخ الفاضل: تجهیز میت شیعه آنچه عبادی است مانند غسل و نماز باید
توسط شیعه دوازده امامی باشد و از غیر ۱۲ امامی کافی نیست و آنچه توصلی
است مثل کفن و حنوط و دفن توسط عامه کافی است.^۵

ماسک در حال ضرورت

الشیخ البهجت: احتیاط در ترک است ولی کفاره ندارد و برای مرد که
اشکالی ندارد.

الشیخ الفاضل: استفاده از ماسک برای زن و مرد در حال ضرورت اشکال
ندارد و کفاره هم ندارد، هر چند دوخته باشد.^۶

الصلاة منفرداً في المسجد أفضل

عن الكافي: عن البرنطي عن أبي الحسن^۷ قال: سألته عن الرجل يصلي في
جماعة في منزله بمكة أفضل أو وحده في المسجد الحرام فقال: وحده.^۸

(۴) کتبی.

(۳) کتبی.

(۲) کتبی.

(۱) مهر دفتر.

(۵) فی الجدید فرع ۲۱ (۶) الوافی ج ۲، الحج ص ۱۰ الشمرانی.

الفرق بين الشك وسواس

س: فرق بين كثير الشك و وسواسي چیست؟

السيد السيستاني: وسواسي کسی است که شکش غیر عقلایی است ولی كثير الشك شکش عقلایی است ولی زیادتر از معمول حالت شک به او دست می‌دهد.^۱
السيد الشيرازي: كثرت شك در اثر عدم اجتماع حواس است و وسوسة تضییقی است که در اثر یقین نکردن یا دیر یقین کردن پیدا می‌شود. الخاتم.
آقا زاده سيد محمد: آقا قائل به احتیاط است.

* * *

الشيخ البهبهت: منشأ در آنها فرق دارد.^۲

الشيخ التبريزي: وسواسي کسی است که شک او خارج از متعارف است و نوعاً در عمل شک می‌کند، اما كثير الشك کسی است که به حد وسواس نرسیده و کسی که به طور عادت در هر سه نماز متوالی شک کند، كثير الشك است.^۳
الشيخ الصافي: كثير الشك کسی است که در نظر عرف زیاد شک می‌کند ولی به حد وسواس نرسیده و مخصوصاً که فرموده‌اند اگر در سه نماز یا در یک نماز سه مرتبه شک کند كثير الشك است و حال آنکه چنین شخصی وسواسي محسوب نمی‌شود.^۴

الشيخ الفاضل: كثير الشك في الطواف لا يعتني بشكه كما في الصلاة والمرجع فيه هو الصدق العرفي.^۵

الشيخ المكارم: كثير الشك بودن یک امر عرفي است یعنی مردم بگویند او بسیار شک می‌کند.^۶

(۱) مهر دفتر.

(۲) مهر دفتر.

(۳) کتبی.

(۴) کتبی.

(۵) جامع المسائل ص ۸۹ (۶) الأخير ص ۲۱۶

جواب سؤال عامه

س: حجاج فرق عامه مراجعه می کنند و تکلیف حج و عمره خود را سؤال می کنند طبق فقه عامه یا خاصه جواب داده شود.

السید السیستانی: طبق مذهب سائل جواب دهد و می تواند در کنار آن طبق مذهب شیعه هم حکم را بیان کند.

بلی، اگر ظاهر سؤال او این نباشد که جواب را طبق مذهب خود می خواهد می تواند به جواب طبق مذهب شیعه اکتفا نمود.^۱

السید الشبیری: بر طبق فقه خاصه جواب داده شود.^۲



الشیخ البهبهت: طبق مذهب حق.^۳

الشیخ التبریزی: اگر بر طبق مذهب عامه جواب داده شود مانعی ندارد و بر طبق فقه خاصه هم می توان جواب داد.^۴

الشیخ الصافی: ظاهراً بر طبق نظر شیعه بگوید هم مجزی باشد.^۵

الشیخ الفاضل: چنانچه به طور مطلق سؤال کند بر وفق مذهب خاصه جواب داده شود اما اگر از مذهب عامه سؤال کردند بر طبق عامه جواب داده شود.^۶

بین الطلوعین

س: بین الطلوعین از نظر جواز استظلال و عدم جواز جزء شب است یا روز؟

السید السیستانی: جزء شب است.^۷

(۴) کتبی.

(۳) مهر دفتر.

(۲) الخاتم.

(۱) سؤال از نجف.

(۷) مناسک.

(۶) کتبی.

(۵) کتبی.

السيد الشبيري: به نظر اینجانب سوار شدن بر مرکب سر پوشیده در شب نیز جایز نیست.^۱

الشيخ البهجت: در استظلال از روز محسوب نمی شود.^۲
 الشيخ التبريزي: حرمت تظليل بين الطلوعين مانند شب مبنی بر احتیاط است.^۳

الشيخ الصافي: در فرض سؤال بين الطلوعين جزء شب محسوب می شود.^۴

جواز الصيام للمسافر في المدينة (مخصوص بثلاثة أيام)

س: آیا مسافر در مدینه منوره می تواند از استحباب روزه سه روز اکتفا کند به یک روز یا دو روز؟

السيد الشبيري: مخصوص سه روز است.^۵

الشيخ الفاضل: سه روز است ولی اگر مشکلی پیش آید که نتواند سه روز را تمام کند مانع ندارد.^۶

الشيخ المكارم: مخصوص سه روز است، در نذر هم حقیر اشکال دارم.^۷

الزوج سني و الزوجة شيعية

السيد الشبيري: اگر به خبری که راجع به طواف وداع است عمل کنیم و بگوئیم همان طواف وداع به جای طواف نساء است حکم به صحت بعید نیست و

(۴) کتبی.

(۳) کتبی.

(۲) کتبی.

(۱) کتبی.

(۷) شفاهی.

(۶) مناسک.

(۵) شفاهی.

الا حکم به تمکین زوجه در وطی از زوج مذکور محل تأمل است.^۱

الشیخ التبریزی^۲: اگر ممکن است که زوج را وادار کند به طواف نساء و الا حکم به وجوب تمکین برای زوج مذکور مشکل است و اگر زن مکره بر جماع شد حرجی بر او نیست.^۲

الشیخ الوحید: اگر قاعده اُزموهم بما أُلزموها علی أنفسهم اطلاق داشته باشد حتی در این مورد که زوجه شیعه است حکم به جواز تمکین بعید نیست ولی بحث در اطلاق قاعده است.^۳

الأغسال المستحبة

السید السیستانی: القسم الأول ما يستحب لأجل إيقاع فعل كالغسل للإحرام أو لزيارة البيت والغسل لوداع قبر النبي صلى الله عليه وآله ثم قال بعد سطور: هذه الأغسال قد ثبت استحبابها بدليل معتبر والظاهر أنها تغني عن الوضوء.^۴

السید الشبیری: انسان با غسلهای مستحبی که استحبابش ثابت باشد که در مسئله ۶۵۱ گفته شد می تواند کاری که مانند نماز وضو لازم دارد انجام دهد. ص ۱۶۰ توضیح و در مسئله ۶۵۱ بیست و سه غسل ذکر کرده است.

الشیخ البهجت: چهارده غسل به عنوان اغسال زمانی و شش غسل به عنوان اغسال مکانی و چند غسل به عنوان اغسال بعد از فعل ذکر کرده اند ولی درباره کفایت اغسال از وضو چیزی نفرموده.^۵

(۴) المنهاج ص ۱۲۰

(۳) شفاهی.

(۲) شفاهی.

(۱) شفاهی.

(۵) توضیح ص ۱۲۰ أنظر السطر الأخير.

منه أيضاً: تذکر داده می‌شود که هیچ یک از غسل‌های مستحب کفایت از وضو نمی‌کند.^۱

راجع به رجوع به فتوای مجتهدی که فتوی به جواز می‌دهد در احتیاط وجوبی مجتهد دیگر بعد از عمل فرمودند مانع ندارد.^۲

آقای قدیری و آقای محفوظی هم حاضر بودند.

الشیخ التبریزی^{رحمه الله}: انسان می‌تواند با غسل‌های مستحبی که در مسئله ۶۵۱ ذکر شده کاری که مانند نماز وضو لازم دارد انجام دهد.^۳

الشیخ الصافی: انسان نمی‌تواند با غسل مستحبی کاری که مانند نماز وضو لازم دارد انجام دهد.^۴

الشیخ الفاضل: غسل زیارت جای وضو را نمی‌گیرد.^۵

الشیخ الوحید: انسان با غسل‌های مستحبی که در مسئله ۶۵۰ ذکر شده می‌تواند کاری که مانند نماز وضو لازم دارد انجام دهد.

بعض آن اغسال که در مسئله ۶۵۰ ذکر کرده عبارت است از:

غسل جمعه و بعضی اغسال لیالی شهر رمضان، غسل عید فطر، عید قربان، غسل شب عید فطر بعد از غروب، غسل روز هشتم و نهم ذی حجه، غسل احرام، غسل دخول مکه، غسل زیارت خانه کعبه، غسل داخل شدن مدینه منوره، غسل داخل شدن حرم پیغمبر^{صلی الله علیه و آله}، غسل وداع قبر مطهر آن حضرت، غسل زیارت حضرت سید الشهداء از نزدیک، غسل توبه از فسق و کفر و باز اغسال دیگری ذکر کرده و فرموده: و اما غسل‌هایی که رجاءاً به‌جا آورده می‌شود از وضو کفایت نمی‌کند.^۶

(۳) توضیح ص ۱۱۸

(۲) شقامی.

(۱) توضیح طبع ۱۹ ص ۱۰۹

(۶) توضیح ص ۲۹۵.

(۵) چهل مسئله.

(۴) توضیح ص ۱۲۳

بوی گازوئیل و بنزین

س: گرفتن بینی از بوی گازوئیل در حال احرام چه حکمی دارد؟
السید الشیرازی: ظاهراً لازم نیست.^۱

* * *

الشیخ البهجت: اگر محرز نیست که بوی بد است مانع ندارد.^۲
الشیخ التبریزی: احتیاط مستحب ترک آن است.^۳
الشیخ الصافی: ظاهراً اشکال ندارد.^۴

احرام از تنعیم در روز و استظلال

س: مردها در مسجد تنعیم محرم می‌شوند برای عمره آیا می‌توانند روز از ماشین مسقف استفاده کنند؟
الإمام الخمینی: مکه منزل است و استظلال در آن مانع ندارد.
السید الگلپایگانی: با آن که مکه محسوب می‌شود استظلال مانع ندارد.^۵
السید السیستانی: الحکم بالجواز مشکل جداً فالاحتیاط لا یترک
السید الشیرازی: نمی‌تواند با ماشین مسقف برود تا مسجد الحرام و اگر چه در شب باشد.^۶

* * *

الشیخ البهجت: احتیاط در ترک است.^۷
الشیخ التبریزی: احتیاط لازم ترک استظلال در تنعیم و در حرکت از آنجا

(۴) کتبی.

(۳) کتبی.

(۲) کتبی.

(۱) کتبی.

(۷) ص ۱۵۹ م ۳

(۶) ص ۲۶

(۵) شفاهی.

تا مسجد الحرام یا محل اقامت است.^۱

بنابر احتیاط تظلیل در هنگام راه رفتن در منی و عرفات ترک شود. و احتیاط آن است که در شهر مکه هم تظلیل نشود - و همچنین از هتل تا مسجد الحرام احتیاط در ترک است.^۲

ولی رفتن زیر سایبانهای ثابت مانع ندارد.^۳

الشیخ الصافی: نسبت به عبارت مرحوم السید الگلپایگانی رحمته (کسی که از تنعیم محرم می شود با فرض آنکه فعلاً داخل مکه است استظلال مانع ندارد)، حاشیه ندارد.^۴

الشیخ الفاضل: نسبت به عبارت امام رحمته که فرموده «چون تنعیم جزء مکه شده و مکه منزل است استظلال مانع ندارد» حاشیه ندارد.^۵

الشیخ المکارم: حاشیه ندارد.^۶

الشیخ النوری: حاشیه ندارد.^۷

الشیخ الوحید: لا بأس بالاستظلال بالسيارات المسقفة بعد وصوله مكة.^۸

الظل الثابت (مثل تونل)

السید الخوئی رحمته: در تونلهای مکه و منی تا جمرات استظلال مانع ندارد. کتبی و قال لا یحرم السیر تحت الظل الثابت.^۹

السید السیستانی: بنابر اظهر در ثوابت جایز است.^{۱۰} وقال: لا بأس بالتظیل بالأجسام الثابتة.^{۱۱}

(۱) ص ۲۵۶	(۲) ص ۲۵۰ صغیر	(۳) ص ۳۲۹ صغیر	(۴) مناسک اخیر ص ۱۸۸ م ۲۶۳
(۵) ص ۱۷۱	(۶) ص ۱۷۵	(۷) ص ۱۶۲	(۸) ص ۱۱۰ م ۲۶۸
(۹) کتبی	(۱۰) ص ۱۹۵	(۱۱) ص ۱۲۴	

السيد الخامثي: يجوز الاستظلال بما لا يكون فوق رأسه كالسير على جنب المحمل أو في ظل الجدار ونحوه.^۱

السيد الشيرازي: عبور از سایه بان ثابت مثل پلها و تونلهای کوتاه مانع ندارد و بنا بر احتیاط از تونلهای طولانی خودداری کند.^۲ حرمت سایبان اختصاص به سر قرار دادن ندارد بلکه اگر در سمت راست یا چپ باشد جایز نیست.^۳

* * *

الشيخ البهجت: سير از داخل تونل از استظلال ممنوع نیست.^۴

الشيخ التبريزي: مانع ندارد.^۵

الشيخ الصافي: در شهر مکه عبور از تونلها مانع ندارد.^۶

الشيخ الفاضل: حرمت استظلال سایه ثابت را شامل نمی شود.^۷ از کشتارگاه

تا جمرات از طریق مسقف رفتن مانع ندارد.^۸

الشيخ المكارم: از کشتارگاه تا جمرات از طریق مشاة مسقف رفتن مانع ندارد.^۹

الشيخ الوحيد: كما لا بأس بالتظليل بالأجسام الثابتة كالجبال والجدران

والأشجار.^{۱۰}

استظلال در مکه بعد از نزول

السيد الغلپايگاني والإمام والأراكي: جایز است هر چند در حال تردد

باشد برای مسجد الحرام یا مذبح و جمرات - مناسک ثلاثة.

السيد السيستاني: إذا نزل المحرم في مكان جاز الاستظلال له.^{۱۱}

(۱) ص ۲۵	(۲) ص ۳۶	(۳) فرع ۲۲۵	(۴) کتبی
(۵) ضمیمه ص ۲۴	(۶) کتبی.	(۷) محشی ص ۱۶۶	(۸) ص ۱۷۵
(۹) محشی ص ۱۷۹	(۱۰) ص ۱۰۹	(۱۱) ص ۱۳۵	

السيد الخامنئي: وأما بعد النزول في منزل كمنى و عرفات و غيرهما فيجوز له ذلك.^۱

الشيخ البهجت: بنا بر احتياط واجب نمی تواند استظلال کند.^۲
 الشيخ التبريزي: احتياط آن است که در شهر مکه هم تظليل نشود.^۳
 الشيخ الصافي: اشکال ندارد، اگر چه در حال رفت و آمد برای کارهای منزل باشد.^۴ در شهر مکه و منی و عرفات بعد از منزل کردن تا قبل از کوچ استظلال مانع ندارد، هر چند در رفت و آمد برای حوائج باشد.^۵
 الشيخ الفاضل: در مقدار مذکور حاشیه ندارد.^۶
 الشيخ المكارم: در محله‌های جدید مکه می تواند برای رفتن به مسجد الحرام در ماشینهای مسقف سوار شود یا زیر سایه پرود بعد از نزول.^۷
 الشيخ النوري: حاشیه ندارد.^۸
 الشيخ الوحيد: فيجوز التظليل في المنزل مطلقاً و لو كان في حال السير ذهاباً و اياباً سواء كان الظل ساكناً أو سائراً فلا بأس بالاستظلال بالسيارات المسقفة بعد وصوله مكة.^۹

سير بسوی مسجد یا عرفات یا جمرات

السيد السيستاني: الحكم بالجواز مشكل جداً و الاحتياط لا يترك.^{۱۰}
 السيد الشيرازي: در حال حرکت به سوی منی و عرفات در مکه چتر بر سر

(۱) ص ۲۶	(۲) ص ۱۷۴ جدید.	(۳) ص ۳۴۹ صغیر.	(۴) ص ۵۷
(۵) ص ۲۰۱	(۶) ص ۱۶۶	(۷) معشی ص ۱۷۱، حاشیه بر عبارت امام ندارد.	
(۸) ص ۱۵۸	(۹) ص ۱۱۰	(۱۰) ص ۱۳۵	

گرفتن یا با ماشین مسقف سوار شوند جایز نیست.^۱
 أقول: مرحوم امام و السيد الغلپایگانی جایز دانسته و مرحوم السيد الخوئي
 فرموده در مورد مذبح که از شؤون منی و حج است مانع ندارد.^۲

استظلال در شب

الإمام الخميني: جایز بودن آن به نظر بعید نیست.^۳
 السيد الخوئي: جایز نیست و كفاره دارد.^۴
 السيد الغلپایگانی: بعید نیست که بگوئیم استظلال در شب نیست.^۵
 السيد السيستاني: يجوز الاستظلال في الليل إذا لم تكن السماء ممطرة على
 الأحوط.^۶
 السيد الخامنئي: الظاهر اختصاص حرمة التظليل في النهار وإن كان الأحوط
 تركه في الليل أيضاً ولا يترك هذا الاحتياط في الليالي الممطرة أو الباردة ما لم يصل
 حد الحرج.^۷
 السيد الشيرازي: در شب نیز جایز نیست هر چند در شب حرکت کند.^۸
 عدم الجواز: الخوئي، الشيرازي، التبريزي والوحيد.

* * *

الشيخ البهجت: مقتضای خطاب روایات واصل منع مختص به سایه انداختن
 از آفتاب است و در شب منعی نیست.^۹
 الشيخ التبريزي: ترك تظليل در شب احتیاط وجوبی است.^{۱۰}

(۱) ص ۲۵	(۲) کتبی.	(۳) ص ۹۱	(۴) کتبی.
(۵) کتبی و شفاهی.	(۶) الملحق ص ۷۷	(۷) ص ۲۶	(۸) ص ۳۵
(۹) کتبی.	(۱۰) ضمیمه ص ۲۳		

الشيخ الصافي: احتياط مستحب ترك استظلال است در شب.^۱
 الشيخ الفاضل: جواز استظلال در شب بعيد نیست، محشی و في حول الحج
 در شب مانع ندارد و كفاره هم ندارد.^۲
 الشيخ المكارم: استفاده از ماشینهای سر پوشیده در حال احرام در شبها یا
 بين الطلوعين جایز است.^۳
 الشيخ النوري: جواز استظلال در شب بعيد نیست.^۴
 الشيخ الوحيد: عمومیت حرمت استظلال برای شب محل اشکال است و
 الأحوط الاجتناب.^۵
 مؤلف: قائل به جواز: صافی، مکارم، فاضل، بهجت، نوری، خامنه‌ای،
 سیستانی، گلپایگانی و امام.

الطواف المستحب مع اللمس

السيد الخوئي: لا يجوز للمرأة و الرجل الطواف المستحب و تقبيل الحجر
 مع استلزامه اللمس الحرام.^۶
 منه أيضاً: من: إذا تبين له بعد سنوات بطلان طوافه في العمرة المفردة فماذا
 عليه؟
 ج: الظاهر بقاءه على إحرامه فيجب عليه الاجتناب عن المحرمات إلى أن
 يأتي بتمام أعمال العمرة بنفسه و مع عدم التمكن فنيابة.^۷
 أقول: وافقه الشيخ التبريزي.

(۱) مناسک. (۲) چهل مسأله ص ۱۳ (۳) ص ۱۷۵ (۴) (۲) ص ۱۳۹
 (۵) شفاهی. (۶) الصراط ج ۳ ص ۱۶۸ و وافقه التبريزي. (۷) الصراط ۳ ص ۱۶۸

نظافة المسجد

س: ما ذا يصنع الحاج مع ما يرى من تنظيف المسجد بنحو ينتقل النجاسة إلى جميع المطاف؟

الإمام الخميني: علم به نجاست پیدا نمی شود و با فرض شک نباید اعتنا شود.^۱

السيد الخوئي: ج: ما ذكرت من انتقال النجاسة إلى جميع المطاف بعيد للغاية، والاجتناب عن التلوّث لمن يتيقن بذلك سهل بلبسه الحذاء وإن لم يتيسر على فرض بعيد فالضرورات تبيح المحظورات.^۲

السيد گلپایگانی: اگر علم حاصل شود از جهت تقیه محکوم به صحت است.^۳

و في الأخير ص ۳۹۶: علم پیدا نمی شود و با فرض شک نباید اعتنا کند. السيد الشيرازي: ما يعنى كه با آن تطهير می شود اگر به آن آب گفته شود ولو بالاستصحاب تطهير بی اشکال است.^۴

الشيخ التبريزي: هو محكوم بالطهارة اذا لم تعلم نجاسته^۵ على فرض اليقين و عدم تيسر الاجتناب فالضرورات تبيح المحذورات.^۶

الشيخ الفاضل: حاشيه ندارد.

الشيخ النوري: حاشيه ندارد.

الشيخ المكارم: حاشيه ندارد.

مؤلف: ونظير كلام السيد الخويي نظر السيد گلپایگانی.

(۱) محشى ص ۴۳۷ (۲) الصراط ج ۳ ص ۱۷۰ و وافقه الشيخ التبريزي. (۳) شفاهى.

(۴) كتيبى. (۵) الصراط ج ۲ ص ۵۰۲ (۶) ص ۱۵۱

أيضاً مؤلف: کسی که بخواهد احتیاط کند، نعلینی از لاستیک یا چرم بپوشد که مانع سرایت نجاست به پا شود.

خاک و سنگ حرم و قرآن در مسجدین

الإمام الخميني: از صفا و مروه جایز نیست و از مشعر مانع ندارد.^۱
منه أيضاً: راجع به قرآن‌های مسجد الحرام، نفس العبارة المذكورة عن السيد الغلپایگانی.

السيد الخوئي: س: هل يجوز إخراج شيء من تراب أو حجر منطقة الحرم المحيطة بمكة المكرمة؟ ج: لا مانع من ذلك.
السيد الغلپایگانی: انتقال خاک و سنگ حرم بنا بر احتیاط واجب جایز نیست.^۲

منه أيضاً: در ص ۳۹۸: از صفا و مروه جایز نیست و باید برگرداند - برداشتن قرآن بدون اینکه از متصدی ذی ربط اجازه بگیرد جایز نیست و باید برگردانده شود.

السيد الشيرازي: اجزاء مساجد و صفا و مروه باید به محل اصلی برگردانده شود و سایر موارد حرم لازم نیست.^۳

* * *

الشيخ البهبهت: برداشتن خاک و سنگ از مسجد الحرام و صفا و مروه جایز نیست و اگر آورده باید برگرداند ولی از سایر اماکن حرام نیست.^۴
الشيخ التبريزي: نفس المذكورات.^۵

(۱) محشی ص ۲۳۷ م ۲۵ (۲) ص ۱۹۰ آخر الشيخ الصافي موافق است. (۳) کتبی.

(۴) آخرین مسئله مناسک. (۵) الصراط ج ۳ ص ۱۹۳

الشيخ الفاضل: بر فرع مذکور حاشیه ندارد.

الشيخ المكارم: حاشیه ندارد.

الشيخ النوري: حاشیه ندارد.

حرمة التخليل مع العمرة المستحبة

السيد الخوئي: هل تراحم الحرمة حرمة التخليل في الإحرام أصل استحباب العمرة المستحبة لو فرض انحصار تأدية هذا الاستحباب بارتكاب هذه الحرمة؟
ج: لا تراحم لإنشاء الإحرام في العمرة المستحبة.^۱

گوشت منجمد و مرغ بلغاری و مهر ذبح شرعی

الإمام الخميني: اگر ندانند از کجا وارد شده یا بدانند که از بلاد مسلمین است مانع ندارد و اگر بدانند از بلاد کفر است در صورتی محکوم به حلّیت است که وارد کننده مسلمان باشد و احتمال بدهند که احراز تذکّیه آن را کرده است.^۲

السيد الخوئي: س: ما هو حكم الاطعمة والاشربة المشكوك فيها؟ ج: نعم تحل ما لم يكن المأكول من اللحوم التي يلزم العلم بتذكيته حتى يحل الأكل وإن كان المشكوك فيها ظاهراً فقط (أي لا يحل أكله).^۳

السيد الغلپایگانی: گوشتی که معلوم باشد از بلاد کفار است محکوم به نجاست است، مگر آنکه از دست مسلم گرفته شود با احتمال آنکه این مسلم احراز تذکّیه شرعی آن را نموده باشد و مهر و نوشته حجّیت نیست مگر یقین به

(۱) الصراط ج ۳ ص ۱۹۳ ووافقه التبریزی.

(۲) محشی ص ۲۲۴

(۳) الصراط المعشی ص ۳۸۹

صدق آن باشد.^۱

السید الشبیری: به احتمال آنکه وارد کنندگان مسلمان احراز تذکیه کرده‌اند محکوم به طهارت و حلیت است.^۲

الشیخ التبریزی^{رحمه الله}: یضاف إلى جوابه^{رحمه الله} [جواب السید الخوئی]: والمشكوك منها محکوم بالنجاسة إذا كان الحيوانات مما يعتبر تذکيته بالذبح أو النحر. مؤلف: مقتضای احتیاط اجتناب است مگر به طریق شرعی احراز تذکیه نموده باشد.

طواف نساء در عمره مفرده و حج بر همه واجب است

الإمام الخميني^{رحمه الله}: پیر مردان و پیر زنان و عنین باید طواف نساء به‌جا آورند.^۳ احتیاط آن است که نائب طواف نساء را به قصد ما فی الذمه به‌جا آورد گر چه می‌تواند به نیت منوب عنه انجام دهد.^۴

السید الخوئی^{رحمه الله}: كما يجب على الرجال يجب على النساء و النائب يأتي بطواف النساء عن المنوب عنه لا عن نفسه.^۵

السید الگلپایگانی^{رحمه الله}: بر هر حاجی واجب است و تفاوتی بین زن و مرد و بالغ و غیر بالغ نیست حتی برای طفل غیر ممیز.^۶

لازم است طواف نساء را از جانب منوب عنه به‌جا آورد.^۷

السید السیستانی: و النائب يأتي بطواف النساء عن المنوب عنه لا عن نفسه.^۸ السید الشبیری: طواف نساء بر مرد و زن و خنثی و کودک و بزرگ و اخته

(۱) مجمع ج ۲ ص ۳۳۷ (۲) شفاهی. (۳) محشی ص ۴۰۸ (۴) ص ۴۰۵

(۵) م ۴۱۷ (۶) ص ۳۴۹ اخیر. (۷) ص ۳۴۹ (۸) ص ۲۱۰

حتی پیرمردان و پیر زنان واجب است و اگر قبل از طواف نساء بمیرد باید از ترکه او طواف نساء به جا آورند.^۱

الشیخ البهجت: بر آنها هم که هیچ عمل زناشویی انجام نمی دهند طواف نساء واجب است.^۲

الشیخ الصافی: حاشیه ندارد.

الشیخ الفاضل: در فرع اول با امام موافق است ولی در فرع دوم فرموده انجام طواف نساء به نیت منوب عنه محل اشکال است.^۳

ولی در مناسک خود فرموده نائب باید طواف نساء را به نیت منوب عنه انجام دهد.^۴

الشیخ المکارم: حاشیه ندارد.

الشیخ النوری: در دو فرع مذکور از امام قدس سره حاشیه ندارد.^۵

الشیخ الوحید: يجب على الرجل و لو كان خصياً وعلى المرأة و لو كانت كبيرة. والنائب يأتي بطواف النساء عن المنوب عنه.^۶

مؤلف: انظار مراجع در این فرع متحد است.

یک طواف نساء یا چند طواف نساء

الإمام الخميني: یک طواف نساء برای تمام آنها کفایت می کند.^۷

السید الخوئي: بلی دو طواف لازم است برای هر دو احرام با قصد حج

(۴) ص ۳۳۱

(۳) محشی ص ۳۹۲

(۲) ص ۲۰۰ جدید.

(۱) مسأله ۸۷۲

(۷) محشی ص ۳۹۲

(۶) ص ۱۷۵

(۵) محشی ص ۳۸۵ و ص ۳۸۹

یا عمره.^۱

السید الگلپایگانی^{رحمته}: من: چند عمره به جا آورده و در هیچ کدام طواف نساء انجام نداده.

ج: یک طواف کفایت می‌کند.^۲

السید السیستانی: في الحج و العمرة. ج: يلزمه الطوافان على الأحوط. وفيمن اعتمر عدة مرات؟ ج: لا يكفي ذلك على الأحوط فيأتي بطواف النساء بعددها.^۳

السید الخامنئي: هر چند حلیت به یک طواف نساء حاصل می‌شود ولی باید برای هر عمره طواف جداگانه به جا آورد.^۴

السید الشیرینی: هر عمره مفرده یک طواف نساء مستقل دارد.^۵



الشیخ البهجت: احتیاط دو طواف نساء است. شفاهی
الشیخ التبریزی^{رحمته}: طواف نساء در عمره مفرده جزء عمره است و باید برای هر عمره طواف نساء مستقل به جا آورد.^۶

الشیخ الصافی: ظاهر این است که در عمره مفرده طواف نساء واجب است و ترک عمدی آن جایز نیست، اگر چه در صورتی که چند عمره انجام داده و طواف نساء را عمداً و یا سهواً ترک کرده باشد بعید نیست که برای خروج از احرام طواف نساء عمره آخری کافی باشد.^۷

الشیخ الفاضل: برای هر کدام باید طواف نساء به جا آورد.^۸

الشیخ المکارم: یک طواف نساء برای تمام آنها کافی است.^۹

(۱) استفتاء کتبی. (۲) مجمع ج ۱ ص ۴۷۲ (۳) ملحق ص ۱۵۳ (۴) ۱۲۰ فرع.

(۵) ص ۲۲۱ (۶) شفاهی. (۷) ألف ص ۲۶۵ (۸) حول الحج.

(۹) الأخير ص ۳۸۱

الشیخ النوری: حاشیه ندارد.^۱
مؤلف: مقتضای احتیاط تعدد طواف است به تعدد احرام.

قصد الإبطال

فرع: آیا قصد ابطال طواف موجب بطلان طواف می شود یا نه؟
السید الشبیری: لا یوجب البطلان (آقای سید احمد حسینی نقلاً عن الشبیری).^۲
الشیخ التبریزی: موجب نمی شود. شفاهی

اگر نفر بعد از ظهر حرجی باشد

الإمام الخميني: زنها هم در کوچ کردن بعد از ظهر حکم مردان را دارند و نمی توانند قبل از ظهر کوچ کنند مگر از ماندن تا بعد از ظهر معذور باشد.^۳
السید الگلپایگانی: زنها هم باید مثل مردان تا ظهر دوازدهم در منی بمانند مگر از ماندن تا ظهر معذور باشند.^۴
السید السيستاني: وإن منعهم الزحام من النفر بعد زوال اليوم الثاني عشر فإن أمكنهم المبيت في منى في تلك الليلة من غير حرج و مشقة تعين وإلا جاز لهم الخروج منها قبل الزوال.^۵
السید الشبیری: بانوان نیز حکم مردان را دارند و نمی توانند قبل از ظهر کوچ کنند مگر از کوچ کردن بعد از ظهر معذور باشند.^۶

(۴) ص ۳۷۸ م ۹۷۹

(۳) محشی ص ۴۰۴

(۲) شفاهی.

(۱) ص ۳۸۵

(۶) م ۹۶۸

(۵) الملحق ص ۱۵۶

الشيخ البهجت: کوچ کردن از منی بعد از ظهر دوازدهم جایز است.^۱
 الشيخ التبریزی: و تجوز لغيرهما الإفاضة من منی بعد ظهر اليوم الثاني عشر.^۲

الشيخ الصافي: قبل از ظهر کوچ جایز نیست.^۳ معذورین می توانند شب دوازدهم رمی کنند و کوچ کنند.^۴
 الشيخ الفاضل: قبل از ظهر نمی توانند تفر کنند مگر اینکه از ماندن تا بعد از ظهر معذور باشند.^۵

الشيخ المكارم: نظیر عبارت الشيخ الفاضل را ذکر کرده اند.^۶
 مؤلف: قدر متیقن از جواز نفر بعد از زوال ظهر است و قبل از ظهر جایز نیست، مگر اینکه بودن تا بعد از زوال برای او حرجی باشد.
 الشيخ النوري: حاشیه ندارد.
 الشيخ الوحيد: و يجوز النفر من منی بعد ظهر اليوم الثاني عشر.^۷

وظیفه خنثای مشکل در حج

السید الشیرازی: به نظر اینجانب بعید نیست که ماهیت ثالثه باشد نه مرد است و نه زن و از نظر احکام مخیر است در اخذ یکی از دو حکم مثلاً در تظلیل مخیر است بین استظلال و عدم استظلال.^۸
 الشيخ المكارم: در احکام متضاده که قابل جمع نیست مخیر است و در احکامی که قابل جمع است احتیاط کند.^۹

(۴) فرع ۸۳۶

(۳) مسئله ۲۱۲

(۱) ص ۱۲۹ پیوسته در منی، (۲) ص ۲۰۹

(۸) شفاهی.

(۷) ص ۱۷۹

(۶) ص ۴۱۴

(۵) ص ۲۰۲

(۹) شفاهی.

حج مخالف

في العروة: إذا حج المخالف ثم استبصر لا تجب عليه إعادة الحج إذا كان ما أتى به صحيحاً في مذهبه وإن لم يكن صحيحاً في مذهبنا.^١

السيد الخوئي^{رحمته}: لا يجب عليه طواف النساء بعد الاستبصار.^٢

السيد گلپایگانی^{رحمته}: اگر مخالف مستبصر شود اعاده حجهی که بنا بر مذهب خود صحیح انجام داده لازم نیست.^٣

السيد السيستاني: س: إذا كانت الزوجة مؤمنة و الزوج من المخالفين فلذا ترك طواف النساء من الحج فهل يجب على الزوجة الامتناع عن المقاربة حتى يطوف؟
ج: لا يجب عليها ذلك.^٤

السيد الشبيري: حج او صحيح است ولي اگر طواف وداع را انجام نداده باشد به احتياط واجب بايد طواف نساء را انجام دهد.^٥

الشيخ البهبهت: مسلمان غير شيعه چنانچه حج به جا آورد و بعد شيعه شود اعاده حج بر او واجب نیست در صورتی که حج را بر طبق مذهب خود یا مذهب شيعه به طور صحيح به جا آورده باشد.^٦

الشيخ التبريزي^{رحمته}: إذا حج المخالف على الطريقة الشيعية بإرشاد شيعي و كان المخالف يعتقد عدم الفرق بين الفريقين في فروع الحج يجزيه حجه في الفرض الصراط ج ٢ ص ٤٩٨

(این را به مناسبت ذکر کردم هر چند عکس عنوان مسئله است).

الشيخ الصافي: در فرع مذکور حاشیه ندارد.

(٢) ملحق ص ١٥١

(٣) احكام ص ٢٢

(٤) ص ٢٦

(١) م ٧١

(٥) کتب.

مؤلف: الفقهاء العظام المذكورون في هذه الورقة متوافقون في الحكم بعدم الإعادة في هذا الفرع.

فوت الصلاة في الحرمين

س: اگر نماز مسافر در حرمین قضا شد آیا در تدارک قضا تخیر بر قرار است یا نه چه در حرم باشد و چه خارج حرم؟
ج: مرحوم سید در عروه در فصل قضاء صلوات در مسئله ۱۱ متعرض نفس فرع شده و احتمال تخیر را داده است و در پایان فرموده الأحوط القصر مطلقاً و محشین همه حکم به قصر نموده‌اند - عروه - پنج حاشیه.

الخروج عن المطاف

السید الخوئی: س: هل الخروج إلى الرواق المحيطة بالمطاف يعتبر خروجاً عن المطاف؟ ج: لا مانع منه إذا لم يناف الموالاة.^١

فرع

السید السیستانی: س: هل يجوز للمحرم وضع سماعة التلفون على أذنه؟
ج: محل اشکال و الأحوط تركه.^٢

فرع

السید الشبیری: اگر زن إجهار به تلبیه کند و در معرض ریه و تلذذ باشد بنا بر

احتیاط حرام و باطل است.

منه أيضاً: شخصی با علم به حرمت تماس با نامحرم در حین طواف از روی شهوت با بدن زنی تماس پیدا می‌کند و از این تماس متلذذ می‌شود آیا طواف او اشکال دارد. ج: طواف او صحیح است.^۱

لزوم لباس احرام در اعاده طواف و سعی

السید الشبیری: لباس احرام لازم است یا احتیاط وجوبی است یا احتیاطاً برای اعاده.^۲

الشیخ الفاضل: لازم نیست.^۳



السید الشبیری: زنی غسل جنابت یا مس میت در ذمه داشته و فراموش کرده و بعد غسل حیض داشته و انجام داده و بعد از حج متوجه شده، تکلیف چیست؟ ج: غسل حیض او کفایت از اغسال دیگر می‌کند.^۴

جواز الإحرام مع العلم بأنه یرتکب الاستظلال

السید الخوئی^۵: یجوز أن یحرم للعمرة المفردة أو التمتع مع العلم بأنه سیضطر إلى التظلیل بعد الإحرام ولا یضر ذلك بصحة إحرامه سواء كان في الحج الواجب أو المستحب.^۵

(۳) ع ۵۱۲

(۲) ملخص فرع ۲۸۴ ص ۱۲۲

(۱) ص ۲۱۲

(۵) الصراط ج ۲ ص ۲۳۰ و قاله الشیخ التبریزی.

(۴) ص ۱۲۶

تقديم الطواف والسعي

السيد الخوئي^١: س: امرأة قدّمت الطوافين والسعي على الوقوف لعذر طرّ
الحيض ثم بعد الرجوع من منى كشف عن عدم العذر فهل يجب عليها إعادة
الطوافين والسعي أم لا؟ ج: الأولى الإعادة من غير لزوم - وهذا الحكم جار أيضاً
في كل من قدم الطواف والسعي على الموقفين لعذر.^١

جواز الخروج من مكة قبل طواف الحج

السيد السيستاني^٢: س: هل يجوز الخروج للمتمتع من مكة المكرمة قبل إتيان
طواف الحج؟ ج: الظاهر جوازه.^٢

نماز مقيم در مكة معظمه در عرفات و مشعر و منى
و مكة بعد از رجوع

الإمام الخميني^٣: تمام است.^٣

السيد الخوئي^٤: تمام.^٤

الشيخ البهجت: تمام.^٥

الشيخ التبريزي^٦: تمام است اگر مجموع ایاب و ذهاب هشت فرسخ نباشد.^٦

الشيخ الصافي: تمام.^٧

(٣) ص ٢٦٥

(١) الصراط ج ٢ ص ٢٣١ (٢) مناسك صغير سيستاني ص ٢٤٠

(٧) ص ٢٧٥

(٦) ضمیمه ص ٢٧

(٥) م ١٠٣٢

(٤) ص ٢٩٤

الشیخ الفاضل: تمام.^۱

الشیخ المکارم: تمام.^۲

الشیخ النوری: تمام.^۳

سؤالات حج سال ۱۴۲۰ هـ ق

مستحاضه قبل از انجام اغسال می تواند وارد مسجد الحرام شود یا نه؟

الشیخ البهجت: اقوی جواز مکث است اگر چه احوط اجتناب است.^۴

الشیخ التبریزی: احتیاط مستحب آن است که بعد از غسل برای طواف

وارد شود.^۵

الشیخ الصافی: اقوی جواز است و احوط و اولی ترک.^۶

مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی اسلامی

مبدء و مختتم نصف شب را در بیتوته و در احیاء به عبادت در مکه تعیین

فرمایید؟

الشیخ البهجت: احتیاط برای کسی که نصف اول را بیتوته می کند بین غروب

و طلوع آفتاب است و کسی که نصف دوم را می ماند بین غروب و طلوع فجر

است و احیاء در مکه تمام شب تا طلوع فجر.^۷

الشیخ التبریزی: احیاء در مکه بدل از بیتوته تمام شب است و در مبیت به

منی تا طلوع فجر است.^۸

الشیخ الصافی: در بیتوته منی نصف بین غروب شرعی و طلوع آفتاب و در

(۴) دفتر.

(۳) ص ۲۹۵

(۲) م ۱۱۷۷

(۱) ص ۲۴۲

(۸) کتبی.

(۷) دفتر.

(۶) کتبی.

(۵) کتبی.

احیاء به مکه از غروب شرعی تا طلوع صبح ملاحظه شود.^۱

سه دور یا چهار دور طواف را انجام داده و بعد آن را رها می‌کند و
ملفی تلقی می‌کند و استیناف می‌کند بدون قصد زیاده آیا طواف مستأنف
صحیح است؟

الشیخ البهجت: ظاهر صحت طواف است.^۲

الشیخ التبریزی: اگر طواف کامل را به قصد وظیفه فعلیه انجام داده طوافش
صحیح است.^۳

الشیخ الصافی: عمل مذکور اشکال ندارد و قرآن نیست.^۴

الشیخ الفاضل: بلی، طواف دوم صحیح است.^۵

بعضی از رمی را قادر و بعض دیگر را عاجز است ابتداءً و یا در اثناء برای
کل رمی استنابه کند یا برای بعض؟

أيضاً الشیخ الصافی: برای مقدار عجز استنابه کند و بعد احتیاطاً برای کل
رمی هم نائب بگیرد. کتبی

الشیخ البهجت: همان بعض را استنابه کند و فرقی ندارد. دفتر. (نظر الشیخ
الفاضل ص ۶۲) کالمذکورین

الشیخ التبریزی: مقداری را که قادر است خود رمی کند و بعد دیگری
استنابه کند برای رمی کل.

(۱) کتبی.

(۲) دفتر.

(۳) کتبی.

(۴) کتبی.

(۵) کتبی.

طواف مستحبی به نیابت از غیر با آنکه آن غیر خودش در مکه است و توانایی هم دارد جایز است یا نه؟

الشیخ البهجت: در صورت تمکن اشکال دارد.^۱

الشیخ التبریزی: اشکال دارد.^۲

الشیخ الصافی: بر حسب بعضی اطلاقات حکم باستحباب بعید نیست.^۳

لزوم ترتیب در اعمال منی تکلیف است و یا وضعی هم هست؟

الشیخ البهجت: ترتیب در اعمال ثلاثه منی تکلیفی است.^۴

الشیخ التبریزی: وضعی هم هست لکن جهلاً و نسیاناً اگر مخالفت شد ضرر ندارد.^۵

الشیخ الصافی: ترتیب تکلیفاً و وضعاً بنابر احتیاط لازم است بلی جهلاً و نسیاناً مضر نیست.^۶

معذورین که جایز است طواف و سعی را بر وقوف مقدم دارند، تقدیم طواف نساء هم جایز است یا نه؟

الشیخ البهجت: بین طواف نساء و طواف حج در این جهت فرق نیست علی الأشهر والأظهر.^۷

الشیخ التبریزی: خائف بر نفس می تواند مقدم دارد و همچنین زنی که بعد از اعمال منی نمی تواند تا پاکی بماند و نمی تواند نائب بگیرد، احتیاطاً مقدم به دارد.

کتبی

(۴) دفتر.

(۳) کتبی.

(۲) کتبی.

(۱) دفتر.

(۷) دفتر.

(۶) کتبی.

(۵) کتبی.

الشیخ الصافی: جایز بلکه در بعض موارد لازم است پلی در صورت تمکن بعد از منی بنا بر احتیاط اعاده کند و با عدم تمکن استنابه.^۱

* * *

کسی که نماز طواف عمره تمتع را به عللی جهلاً یا نسیاناً یا مسامحة و تعباً نخوانده و عمره را تمام کرده؟

الشیخ البهجت: اگر با اعتقاد صحت سعی و تقصیر کرده فقط نماز را بخواند و الا بعد از نماز سعی و تقصیر را هم اعاده کند.^۲

الشیخ التبریزی^۳: در صورت جهل و نسیان فقط نماز را بخواند و الا باید طواف را با سایر اعمال تا آخر به جا آورد.^۴

الشیخ الصافی: با جهل و نسیان فقط نماز را بخواند و در غیر فرضین نماز را با اعمال مترتبه به جا آورد.^۵



مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی
تخمین پول حج

س: پولی که برای حج ودیعه نهاده شده و سال بر آن بگذرد خمس دارد یا نه؟

السید الگلپایگانی^۶: اگر از درآمد همان سال باشد صرف در مؤونه شده و خمس ندارد.^۷

السید السیستانی: اگر برای حج واجب واریز کرد، خمس ندارد.^۸
منه أيضاً: في فرع ۳۱۳ ذکرتم عدم وجوب الخمس فيما يُودع في مؤسسة الحج والزيارة للحج و العمرة الواجبين وإن مرّ عليه سنوات ووجوبه فيما يودع

(۴) کتبی.

(۳) کتبی.

(۲) دفتر.

(۱) کتبی.

(۶) کتبی

(۵) احکام ص ۶۷

للحج المستحب والعمرة كذلك وزيارة السيدة زينب عليها السلام، فما الفرق بينهما؟
ج: باعتبار أن الشخص لا يتيسر له الذهاب إلى الحج وخرجي عليه إلا من
هذا الطريق فلو أمكنه الذهاب إلى الحج بأن يتمكن من شراء دور شخص آخر
مثلاً، فما يودعه لا يستثنى من الخمس.^۱

السيد الشيرازي: تخميس پولی که برای حج واریز کرده لازم نیست.^۲

* * *

الشيخ البهجت: در صورتی که اگر در همان سال حج می کرد خمس نداشت
اگر طریق عقلایی تقدیم اجرت است بر سال حج اظهر عدم وجوب خمس است
مگر آنکه در وقتش حج ننماید که باید اجرت را تخمیس نماید واجباً أو مستحباً.^۳
الشيخ التبريزي رحمته الله: تخمیس آن لازم است هر چند از درآمد سال برای حج
واریز کرده باشند و پس از سال نوبت حج آنها برسد.^۴
الشيخ الصافي: بعد از استقرار خمس به مال تصرف در آن بدون اذن حاکم
شرعی جایز نیست.^۵ خمس ندارد.^۶

الشيخ الفاضل: در حج واجب خمس ندارد و در حج مستحبی و عمره
مستحبی باید تخمیس کند.^۷

منه أيضاً: اگر قبلاً حج بر او مستقر نشده باید خمس آن را بدهد.^۸
الشيخ الوحيد: مالی را که خرج سفر حج و زیارتهای دیگر می کند از مخارج
مالی حساب می شود که در آن سال خرج کرده و اگر سفر او تا مقداری از سال بعد
طول بکشد آنچه از سال بعد از منافع سال قبل خرج می کند باید خمس آن را بدهد.^۹

* * *

(۱) دفتر استفتائات حج. (۲) کتبی. (۳) ص ۱۶۵ (۴) ضمیمه ص ۸

(۵) توضیح ص ۲۵۵ (۶) فرع ۹۴۵ (۷) چهل سؤاله ص ۹. (۸) ۱۳۷۲ مناسک.

(۹) توضیح المسائل ص ۵۰۲

المجازر الجديدة تقع خارج منى في المعيصم فما الحكم؟
 الشيخ التبريزي^١: ج: إذا لم يمكن الذبح في منى و لو بالتأخير إلى آخر ذي
 حجة و لا في المكان الأقرب فالأقرب إلى منى يجزي الذبح في المكان المذكور و
 لا يجوز في مكان آخر أبعد منه.^٢

أجوبة من السيد السيستاني مدّ ظلّه

س: تعذر الذبح في منى؟
 ج: مع تعذر الذبح في منى و في وادي محسر لا يبعد الاجتزاء بالذبح في أي
 موضع من الحرم.
 وفي جواب آخر: لا يجزي الذبح في بلده فإن أمكنه الذبح في موضع من
 الحرم في أيام النحر فهو وإن لم يمكنه ذلك فوظيفته الصوم.^٣
 س: إذا بقي الحاج في منى ليلة الحادي عشر من دون نية المبيت لأنه كان
 يعتقد عدم وجوبه فهل عليه الكفارة؟
 ج: الظاهر عدم ثبوت الكفارة عليه.
 س: هل يكفي الإشتغال بالعبادة في مكة من أول الليل إلى نصفه و هل يكفي
 في العبادة النظر إلى الكعبة و و قراءة القرآن وإطافة الحبيب والإجابة عن الاسئلة
 الدينية؟

ج: الإشتغال بالعبادة في مكة في النصف الأول من الليل لا يوجب سقوط
 وجوب المبيت بمعنى في النصف الثاني وإنما يوجب الإشتغال بالعبادة من قبل
 منتصف الليل إلى الفجر وتكفي الأعمال المذكورة مع الإتيان بها بقصد القرية،

لصدق كونه في طاعة الله تعالى.

* * *

س: زن به واسطه دستگاه طبّی از خروج خون مستحاضه جلوگیری می‌کند ولی در باطن موجود است آیا این زن حکم طاهر را دارد؟
 الشيخ البهجت: اگر خون خارج نشود حکم به استحاضه نمی‌شود.^۱
 الشيخ التبریزی: تا وقتی خون خارج نشده - ولو بواسطه پنبه - حکم استحاضه را ندارد.^۲

الشيخ الصافي: مادام که خون خارج نشده حکم طاهره دارد.^۳

* * *

در سال جاری گوشت قربانی ذخیره و به کشورهای فقیر ارسال می‌شود آیا مجزی از سهم فقیر می‌باشد یا نه؟
 الشيخ البهجت: اگر یقین ندارد که به مؤمن برسد کافی نیست.^۴
 الشيخ التبریزی: اگر احراز نشود که سهم فقیر به فقیر مؤمن رسیده کفایت نمی‌کند.^۵

الشيخ الصافي: اگر یقین دارد بایصال سهم مؤمن کافی است والا خیر.^۶

* * *

اگر در اثناء طواف شک کند و مردد شود که در حدّ است یا خارج شده آیا آن مقدار را تدارک کند یا نه؟

الشيخ البهجت: می‌تواند استصحاب بقاء در مطاف نماید.^۷

الشيخ التبریزی: چنانچه قبلاً در حد بوده به شکس اعتنا نکند.^۸

الشيخ الصافي: قاعدة فراغ یا تجاوز در احراز طواف هم جاری است، تدارک مقدار مذکور لازم نیست.^۱

زنی که از رمی عاجز است می تواند زن را استنابه کند یا باید نائب مرد بگیرد؟

الشيخ البهجت: هر یک از زن و مرد می تواند دیگری را نائب کند.^۲

الشيخ التبريزي: می تواند زن را نائب قرار دهد.^۳

الشيخ الصافي: نیابت زن اشکال ندارد.

اگر ذبح در منی تا به آخر ذی حجه میسر نباشد در مکه جدید یا وادی معیصم

یا جای دیگر ذبح چه صورت دارد؟

الشيخ البهجت: اقرب به منی ذبح کند والا أظهر لزوم ذبح در مکه قدیم است.^۴

الشيخ التبريزي: باید در مکانی که عرفاً اقرب الأماكن به منی است ذبح

نماید.^۵

الشيخ الصافي: در صورت امکان اقرب به منی مراعات شود.^۶

الشيخ الوحيد: در منی و اگر نشد وادی محسّر که مورد نص است و اگر نشد

مکه و اقرب به منی دلیل ندارد و قاعدة میسر مخصوص نماز است.^۷

نماز با عامه

الإمام الخميني: س: جماعت عامه تمام و نمازگزاران در مسجد هستند آیا

با شرایط موجود نماز بخوانم یا به منزل بیايم و با شرایط صحت در خانه بخوانم؟

ج: می‌تواند در همانجا و بر طبق نماز آنان بجا آورد.^۱
 السيد الخوئي رحمه الله: إذا تابع المصلي المؤمن جماعة المخالفين في صلاة جهرية لا يجب عليه الجهر بل يتعين عليه الإخفات.^۲
 السيد گلپایگانی رحمه الله: نماز با عامه در حال ضرورت بی اشکال است و در غیر حال ضرورت شرکت خوب است لکن نماز را با شرایط کامل اعاده کند.^۳
 السيد السيستاني: تجوز الصلاة خلفهم ولكن لا بد للمأموم أن يقرأ لنفسه إخفاتاً إن أمكنه وإلا يقرأ في نفسه ويجوز السجود على ما لا يصح السجود عليه إذا لم يتيسر في مكانه ما يصح السجود عليه.^۴
 السيد الشيرازي: احتیاط در عدم اکتفا به آن است و در فرض عدم تقيه ظاهراً اعاده لازم است.^۵



الشيخ البهبهتي: با شرایط تقيه مانعی ندارد و مجزی است ولی باید وظیفه منفرد مراعات شود.^۶
 الشيخ التبريزي رحمه الله: تنها با آنها همراهی کند و قرائت را ولو بنحو حدیث نفس بخواند و این نماز مجزی است.^۷
 و در ص ۳۷۹: اگر در مساجد جایی که سجده بر آن صحیح باشد مثل موزایک و سنگ، آنجا نماز بخواند.
 الشيخ الفاضل: باید در منزل با رعایت شرایط معتبره بخواند مگر تقيه اقتضای غیر آن را داشته باشد.
 الشيخ المكارم: موافق است.

(۴) الملحق ص ۱۶۷

(۳) ص ۳۹۶ اخیر.

(۱) محشی ص ۴۳۳ م ۲۵ (۲) الصراط، ص ۱۰۲

(۷) ص ۳۷۸ جدید.

(۶) جدید ص ۴۰

(۵) کتبی

الشيخ النوري: بر فرع امام حاشيه ندارد.^١
مؤلف: نظر آية الله گليايگانی اقرب به احتياط است.

بعض الفروع المتفرقة

س: إذا صلى جماعة مع العامة فهل تترتب أحكام الجماعة كالرجوع إلى الإمام في مورد الشك واغتفار زيادة الركوع؟
السيد الخوئي: نعم تترتب الأحكام سوى القراءة فإنه لا بد من القراءة.^٢

الشيخ التبريزي: يعلق على جوابه (و في زيادة الركوع إشكال).
س: إذا صلى جماعة مع العامة فهل يصح أن يسجد على ما لا يصح السجود عليه في غير مورد التقية؟
ج: السيد الخوئي: لا يجوز مع المندوحة و وافقه التبريزي.
الشيخ البهجت: با وجود مندوحة مجزى نیست و شفاهی فرمودند: با عدم حفظ شرایط نماز را اعاده کند.

الشيخ الفاضل: س: شرکت در نماز جماعت اهل سنت کفایت از نماز واجب می کند؟ ج: بلی کفایت می کند.^٣

الشيخ الفاضل: س: در جماعت عامه رعایت اتصال نمی شود می توانیم اقتدا کنیم؟

ج: اختیاراً و با وسعت وقت به آن قسمت ها نروید. بلی اگر اتفاقاً جماعت به پا شد و در آنجا بودید اقتدا کنید و نماز صحیح است ولی اگر کسی بداند و اختیاراً

- برود و اقتدا کند اکتفا به آن نماز مشکل است و احتیاطاً نماز را اعاده کند.^۱
- الشیخ الفاضل: س: اقتدا به نماز مغرب اهل سنت چه حکمی دارد؟
- ج: با توجه به فاصله بین اذان و اقامه اکتفا به آن صحیح است.^۲
- الشیخ الفاضل: س: گاهی در نماز آیه سجده می‌خوانند و همه به سجده می‌روند و شیعه هم همراهی می‌کند؟
- ج: احتیاطاً این نماز را اعاده کند.^۳
- الشیخ الفاضل: س: اگر نماز جماعت تمام شده ولی هنوز صفوف بهم نخورده آیا اذان و اقامه ساقط است؟
- ج: ساقط نیست.
- الشیخ الفاضل: س: حکم افطار شیعه در مسجدین چیست؟
- ج: اگر اتفاقاً آنجا بودند و ناچار به افطار تقیه‌ای شدند صحیح است و قضا ندارد ولی اختیاراً انجامش خلاف احتیاط است.^۴

نماز مسافر در حرمین شریفین

- الإمام الخميني: اختصاص به مسجد اصلی ندارد در جاهای توسعه داده شده هم جاری است.^۵
- السید الگلپایگانی: بلکه در دوشهر مکه و مدینه می‌تواند نماز را تمام بخواند.^۶
- السید الخوئی: بلکه می‌تواند در تمام شهر مکه و مدینه نمازش را تمام بخواند.^۷
- السید الخامنه: الظاهر أن موضوع الحكم عنوان البلدین من دون فرق بین

(۱) مع التلخیص ص ۲۳۴ حج و عمره

(۲) ص ۲۳۵

(۳) ص ۲۳۶

(۴) ص ۲۴۵ (۵) ص ۲۵۷

(۶) توضیح ص ۲۳۷

(۷) توضیح ص ۲۳۳

الأمكنة القديمة والجديدة.^١

السيد السيستاني: لا يختص بالمناطق القديمة في مكة المكرمة والمدينة المنورة بل يشمل الإمتدادات الحديثة أيضاً.^٢
السيد الشبيري: احوط قصر است حتى در مسجدین.

* * *

الشيخ البهجت: در اضافات احتیاط واجب قصر است.^٣ در تمام شهر مکه و مدینه
الشيخ التبريزي: لا يختص بالمسجدين بل يشمل البلدین القديمین.^٤
الشيخ الصافي: در مسجدین مخیر است.^٥
الشيخ الفاضل: مخیر است در مسجدین و فرقی بین بناء اصلی و فعلی
نیست.^٦ وفي حول الحج: يشمل الحكم لما يسمى مكة فعلاً.^٧
الشيخ المكارم: مخیر است در مسجدین و اضافات فعلی و آئنده.^٨
الشيخ النوري: در تمام شهر مدینه و مکه مخیر است هر قدر وسعت پیدا
کند.^٩

الشيخ الوحيد: در شهر مکه قدیم و مدینه زمان حضرت رسول ﷺ مخیر
است گرچه احوط در غیر مسجدین قصر است.^{١٠}

نوافل در حرمین

در حج سال ۱۴۱۸ چند فرع پیش آمد که محتاج به استفتاء از مراجع فعلی
شد چون قبلاً معلوم نبود.

(۱) ص ۵۱	(۲) ص ۱۷۱، ملحق.	(۳) ص ۱۷۵.	(۴) شفاهی
(۵) ص ۲۷۷	(۶) ص ۲۴۳	(۷) ص ۴۸	(۸) توضیح ص ۲۳۷
(۹) ص ۲۳۰	(۱۰) توضیح		

۱- در اماکن تخییر مثل مکه و مدینه طیبه اگر مسافر اختیار تمام نمود آیا نوافل ساقط می‌شود و بر فرض سقوط به نحو عزیمت است یا رخصت؟
السید الشبیری: به نظر اینجانب وظیفه مسافر شرعی در همه اماکن قصر صلاة است.^۱

* * *

الشیخ البهجت: ساقط است و به نحو عزیمت.^۲
الشیخ التبریزی: نوافل ساقط است و استحباب ندارد و مقصود از سقوط به نحو عزیمت همین است ولی منافات با اتیان آنها به قصد رجا ندارد.^۳
الشیخ الصافی: ظاهراً نوافل ساقطه از مسافر در مورد سؤال ساقط است بلی اتیان آنها برای کسی که تمام را اختیار کرده رجا مانعی ندارد.^۴
۲- اگر نماز مسافر در حرمین فوت شود آیا حکم تخییر باقی است؟

نماز مقیم در مکه مکرمه بعد از مراجعت از مواقف

الإمام الخمینی: اگر مسافت شرعیه بین مکه و عرفات محقق نباشد و از عرفات به مکه بر می‌گردند به عنوان محل اقامت و بعد از مکه قصد مسافرت می‌کنند نمازشان تمام است در مراجعت و در خود مکه.^۵
السید الخوئی: در صورتی که مسافت شرعیه بین مکه و عرفات محقق نباشد وظیفه در عرفات و مشعر و در مراجعت به مکه تمام است.^۶
السید الگلپایگانی: در برگشت از محلی که رفته و در محل اقامت شکسته بخواند.^۷

(۱) کتبی

(۲) کتبی

(۳) کتبی

(۴) کتبی

(۵) ص ۲۹۲ طبع ۱۴۱۱ (۶) مجمع ص ۱۹۸

(۷) ص ۲۶۵

السيد الخامنئي: نماز در عرفات و منى تمام است.^١
 السيد السيستاني: اذا كانت المسافة من نهاية مكة الحالية الى عرفات ثم المشعر ثم منى فمكة أربعة وأربعين كيلومتراً أو أكثر قصر في صلاته في هذه الأماكن وإلا أتم فيها نعم في الصورة الثانية إذا كان ناوياً للسفر من عرفات و كان رجوعه إلى مكة لا من جهة كونها محل إقامته بل من جهة وقوعها في طريقه كان حكمه القصر من مشعر و منى وأما في مكة فتخير بين القصر والتمام لأنه من مواطن التخيير للمسافر.^٢

الشيخ البهجت: باید نماز را تمام بخواند.^٣
 الشيخ التبريزي: نماز تمام است.^٤ اگر مجموع ایاب و ذهاب ٨ فرسخ نباشد. منه أيضاً ص ١٧٧: یحتاج بالجمع بین القصر والایتمام فی عرفات ومشعر و منى.
 الشيخ الصافي: نماز او تمام است مگر اینکه انشاء سفر جدید داشته باشد.^٥ ص ٣١٢ نماز تمام است.
 الشيخ الفاضل: باید تمام بخواند.^٦
 الشيخ المكارم: باید تمام بخواند.^٧
 الشيخ النوري: تمام است.^٨

الصلاة في الكعبة وفوقها

في الغروة: الأحوط ترك الفريضة على سطح الكعبة وفي جوفها اختياراً ولا بأس بالنافلة وكذا لا بأس بالفريضة حال الضرورة.

(١) ص ٢٢ (٢) ملحق ص ١٧٢ (٣) مسألة ١٠٣٢ (٤) ضمیمه ص ٢٧
 (٥) ص ٢٧٥ (٦) ص ٢٢٢ (٧) مسألة ١١٢٧ (٨) ص ٢٩٥

وفي المحشي بحاشية الأعلام الخمسة قال السيد الخوئي: وإن كان الأظهر جواز فعلها في جوفها مع الركوع والسجود.

السيد الشيرازي: احتياط آن است که در حال اختیار نماز واجب یا مستحب نخواند (در سطح کعبه).^۱

و اما در داخل کعبه نماز واجب در حال اختیار مکروه و نافله اشکال ندارد. السيد السيستاني: احتياط واجب ترک نماز واجب است در کعبه و بام در حال اختیار و در حال ناچاری اشکال ندارد^۲ و نماز مستحب اشکال ندارد.

* * *

الشيخ التبريزي: در حال اختیار احتياط واجب ترک نماز واجب بر بام کعبه است و ظاهر جواز نماز در کعبه است در حال اختیار و نماز مستحب بر بام و کعبه اشکال ندارد.^۳

نماز جماعت با عاقله

الإمام الخميني: تخلف از جماعت اهل سنت اگر خلاف تقیه باشد جایز نیست.^۴

السيد الخوئي: بلی مجزی است در صورتی که قرائت حمد و سوره را خود آهسته بخواند.^۵

السيد الغلپایگانی: در حال ضرورت بی اشکال است و در غیر حال ضرورت شرکت با آنان خوب است لکن با تمکن اعاده کند.

السيد السيستاني: تجوز الصلاة خلفهم ولكن لا بد للمأموم أن يقرأ لنفسه

(۱) توضیح ص ۲۱۶. (۲) توضیح ص ۱۹۵. (۳) توضیح، ص ۱۶۱. (۴) ص ۲۵۸.

(۵) کتبی.

إخفاتاً إن أمكنه وإلا يقرء في نفسه.

السيد الخامنئي: مجزية إن شاء الله.^١

السيد الشيرازي: مناسب است در نماز جماعت اهل سنت شرکت کنند ولی بنا بر احتیاط نماز را دوباره بخوانند.^٢

الشيخ البهجت: با شرایط تقیه مانع ندارد و مجزی است ولی باید وظیفه منفرد مراعات شود. - ورقه ص ١١ و در جامع ص ٥١٣
و اعتبار عدم مندوحه در حال عمل یقینی است و اما مندوحه مکانی و زمانی پس اعتبار آن موافق با احتیاط است ص ١١.

الشيخ التبريزي: با آنها همراهی کند و قرائت را ولو به نحو حدیث نفس بخواند و این نماز مجزی است.^٣
الشيخ الصافي: اگر موجب تألیف عامه و دفع اتهام از شیعه باشد اعاده ندارد.^٤

الشيخ المكارم: حق این است که چنین نمازی کفایت از نماز واجب می کند و اعاده آن لازم نیست و در مسئله وقت و مانند آن از آنها پیروی می کند.^٥
الشيخ النوري: رعایت مندوحه لازم نیست.^٦

نماز جماعت بالاستدارة

السيد في العروة: يجوز على الأقوى بالاستدارة حول الكعبة والأحوط عدم تقدم المأموم على الإمام بحسب الدائرة.^٧

(٣) کتبی ١ و فی المفید ص ٢٨

(٢) ص ١٢

(١) ص ٥١

(٦) ص ٣٨٧ و ص ٣٨٨ (٧) فرع ٢٥.

(٥) ص ١٨٠

(٤) ورقه ص ١١.

الإمام الخميني: لا يخلو من إشكال (في تعليقه على العروة) و در مناسک فارسی: با وضع فعلی نیاز به اعاده ندارد.

السيد الخوئي: في القوة إشكال بل منع (في تعليقه على العروة).

السيد گلپایگانی: مأوم اقرب از امام نباشد بالنسبة إلى الكعبة و احوط عدم تقدم المأوم على الإمام.

السيد السيستاني: يشكل الصلاة حول الكعبة بالاستدارة.^۱

السيد الخامنئي: الصلاة حول الكعبة بالاستدارة تجزي.^۲

السيد الشيرازي: نماز جماعت به نحو استداره في نفسه اشكال ندارد.^۳

الشيخ التبريزي: اقتدا صوری است و باید مأوم به وظیفه فردی عمل کند لذا اقتداء مانع ندارد.^۴

الشيخ البهجت: با انحفاظ نسبت در صف مأومین با امام و با انحفاظ نسبت امام به کعبه در تمام دور حتی اطراف حجر اسماعیل و عدم حائل بین هر مأوم و آنکه به او متصل است دور نیست تصحیح نماز جماعت به طور استداره در اطراف کعبه.^۵

الشيخ الفاضل: در غیرمورد تقيه صلاة استداره جایز نیست.^۶

الشيخ المكارم: امام به حسب دایره متقدم و به کعبه نزدیک تر باشد بنابر احتیاط - حاشیه

(۴) شفاهی.

(۳) کتبی.

(۲) ص ۵۱

(۱) کتبی.

(۵) جامع، ص ۵۱۸. (۶) ص ۲۲۳

اتمام نماز به خیال ماندن ده روز

س: به خیال اینکه ده روز در مدینه می ماند نماز را تمام خوانده بعد از دو روز معلوم می شود که مجموع توقف در مدینه هشت روز است وظیفه او نسبت به نمازهایی که خوانده و آینده چیست؟

السید السیستانی: اگر به خیال اینکه رفقایش می خواهند ده روز در محلی بمانند قصد کند که ده روز در آن جا بماند و بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی ادائی بفهمد که آنها قصد نکرده اند اگر چه خودش هم از ماندن منصرف شود و تا مدتی که در آنجا هست باید نماز را تمام بخواند.^۱

السید الشیرازی: ظاهراً چنین شخصی مسافر است و حکم کسی را دارد که از اول می داند که مدت اقامت کمتر از ده روز است.^۲

الشیخ التبریزی: چنانچه اشتباه منشأ شده که قصد ده روز بنماید نمازش تمام است ولی اگر قصد کرده تا روز معین مثلاً جمعه می ماند و فکر می کرده که از امروز تا آن روز ده روز است نمازش شکسته است ولی نمازهایی که قبلاً تمام خوانده قضا ندارد.^۳

الشیخ البهجت: در فرض مرقوم نماز تمام است.^۴
الشیخ الصافی: نمازهایی که تمام خوانده صحیح است و تا در مدینه است هم باید تمام بخواند.^۵

(۴) کتبی.

(۳) کتبی.

(۲) کتبی.

(۱) فرع ۱۳۶۱

(۵) کتبی.

استفتاءات جدید

س: احرام از ادنی‌الحل که میقات عمره مفرده است باید از اولین نقطه حل که متصل به حرم است انجام شود یا با فاصله ولو یک کیلومتر قبل از حرم کافی است یا میزان ادنی‌الحل عرفی است؟

السید السیستانی: ادنی‌الحل معیار است در همه مرزهای حرم.

السید الخامنشی: میزان صدق ادنی‌الحل است.

ادنی‌الحل میقات عمره مفرده است برای خصوص کسی که در مکه مکرمه حضور دارد و برای احرام برای عمره مفرده خارج می‌شود، نه برای کسی که از خارج وارد مکه می‌شود، و میزان خروج الی خارج حرم برای احرام است، اگرچه کمی با خط حدود حرم فاصله داشته باشد.

مرکز تحقیقات اسلامی

الشیخ البهجت: عرفی است ولو خیلی فاصله کم باشد.

الشیخ التبریزی: میزان ادنی‌الحل عرفی است. والله العالم.

الشیخ الصافی: کسی که در مکه است و می‌خواهد عمره مفرده به‌جا آورد از ادنی‌الحل (اولین نقطه عرفی) متصل به حرم محرم شود و فاصله نگیرد. والله العالم.

الشیخ الفاضل: میزان ادنی‌الحل عرفی است.

الشیخ المکارم: میزان ادنی‌الحل عرفی است.

س: کسی که از طریق عراق به مکه می‌رود و باید در وادی عقیق محرم شود آیا در این وادی طولانی نقطه خاصی به‌نظر حضرت عالی میقات است یا موکول به‌نظر اهل منطقه باید عمل شود و خود اهل محل هم مختلف جواب می‌دهند این وادی که اولش به عنوان مسلخ و قسمت وسط آن غمره و قسمت سوم آن

ذات عرق است بین خود اهل محل مورد گفتگو است و قسمت خاصی را تعیین نمی‌کنند؟

السید السیستانی: از هرجایی از وادی عقیق احرام مجزی است.
السید الخامنشی: نقطه خاصی اعتبار ندارد، میزان صدق وادی عقیق است.

الشیخ البهجت: طلب افضل از اول وادی است.^۱
الشیخ التبریزی: تمام وادی عقیق میقات است و در تعیین مناطق آن به اهل آن مکان مراجعه می‌شود و اگر مورد اختلاف شد از جایی که محرز است از وادی عقیق است احرام می‌بندند. والله العالم.
الشیخ الصافی: بنابر احتیاط از اول محل مذکور محرم شود. والله العالم.
الشیخ الفاضل: تحصیل اطمینان لازم است. و احرام در هر سه موضع نامبرده جایز و صحیح است، ولی از مسلیخ و پس از آن، از غمره افضل است.
الشیخ المکارم: اگر آنچه مطابق مشهور در عرف محل است عمل کرده صحیح است.

س: در منی روز ۱۲ ذی حجه غسل کرده، به قصد انجام اعمال مکه و بدون وضو به مکه آمده و طواف و نماز و سایر اعمال را انجام داده است و می‌داند که در مکه پنج عمل باید انجام دهد آیا اعمال به نحو مذکور صحیح و مجزی است یا نه؟

السید السیستانی: غسل زیارت خانه خدا مستحب و مجزی از وضو است.
السید الخامنشی: غسل کفایت نمی‌کند و در اعمال مشروط به وضو باید

وضوء بگیرد و اگر بدون وضوء انجام داده اعاده لازم است.
غیر از غسل جنابت هیچ یک از اغسال مجزی از وضوء نیست، و اگر عمل
مشروط به طهارت را بدون وضوء انجام داده باید اعاده کند.

الشیخ البهجت: مجزی نیست.

الشیخ التبریزی: بلی صحیح و مجزی است. والله العالم.

الشیخ الصافی: طواف و نماز که بی وضوء انجام شده اند باطلند و باید اعمال
مکه را حتی سعی دوباره انجام دهد. والله العالم.

الشیخ الفاضل: غسل مستحبی کفایت از وضوء نمی کند. لذا در فرض سؤال
طواف ها و نمازهای آن صحیح نیست. و سعی را که با اعتقاد به صحت انجام داده
مجزی و صحیح است، هر چند احتیاط مستحب است که سعی را نیز اعاده کند.
الشیخ المکارم: هرگاه غسل واجب یا مستحب معتبری انجام داده اعمال
مذکور صحیح است.

س: بعد از وقوف به عرفات سکتہ مغزی کرده و او را شبانه به مشعرالحرام
آورده اند و به او وقوف اضطراری داده اند و بعد او را به بیمارستان مکه برده اند و
تا پایان ذی حجه در حال سکتہ است اگر اولیاء این بیمار یا سایر مؤمنین بقیه
اعمال او را تبرعاً به جا آورند کافی است یا نه و با فرض عدم کفایت وظیفه
چیست؟

السید السیستانی: حج او باطل است و بعد از بهوش آمدن اگر می تواند
اعمال عمره مفرد را ولو با نایب گرفتن برای طواف و سعی آن را انجام دهد.
السید الخامنی: اعمال تبرعاً کافی نیست و حج او صحیح است و باید اعمال

حج را ولو با استنابه انجام دهد و تا انجام نداده به احرام باقی است. انجام نیابت دیگران بدون وکالت از شخص مکلف، صحیح و مجزی برای مکلف نیست، و اگر بقیه اعمال با مباشرت یا وکالت خودش در آن سال انجام نشود، حج آن سالش صحیح نیست، و خودش تا اعمال خروج از احرام به نحو صحیح انجام نگرفته، در احرام باقی است.

الشیخ البهجت: حج صحیح است و سؤال ۷۵ دارد اگر کسی محصور شد برای بقیه اعمال نائب می‌گیرد و حاجش صحیح است.

الشیخ التبریزی: در فرض مزبور اولیاء شخص مزبور از طرف او اعمال را انجام دهند و کافی است. والله العالم.

الشیخ الصافی: در فرض سؤال اگر شخص مذکور بی‌هوش شده و هنوز بی‌هوش است به حال احرام باقی است اعمال نیابتی دیگران تبرعاً کافی نیست و بعد از به‌هوش آمدن باید به اعمال عمره مفرده از احرام خارج شود. والله العالم.

الشیخ الفاضل: ظاهر سؤال این است که شخص مزبور وقوف اضطراری مشعر را نیت نکرده و قهراً ترک شده است، لذا بنابر احتیاط واجب حج او باطل است و اعمال انجام‌شده توسط دیگران کافی نیست، و بنابر احتیاط واجب برای خارج شدن از احرام اعمال عمره مفرده انجام دهد.

الشیخ المکارم: حج او صحیح است، ولی باقیمانده اعمال را هرچه می‌تواند خودش به‌جا آورد و بقیه را نایب بگیرد و اگر هوشیار نیست، ولی او برای او نائب بگیرد.

س: نائب در حج تمتع عمره تمتع را انجام داده و از احرام عمره خارج شده متوب عنه اظهار می‌دارد که من از استنابه حج متصرفم و به‌هرجهت تمکن اداء

اجرت حج را ندارم خود را به زحمت نیانداز، تکلیف نائب و منوب عنه چیست؟
السید السیستانی: باید حج را به همان نیت انجام دهد مگر این که متمکن نباشد یا مستلزم حرجی باشد که معمولاً تحمل نمی شود.

السید الخامنشی: از منوب عنه کفایت نمی کند مگر نائب به جا آورد و نائب می تواند بین حج و عمره از عمل منصرف شود و منوب عنه یعنی اجیرکننده باید اجرت را به نائب بدهد.

شخصی که عمره تمتع انجام داده، اگر حج بر او واجب نباشد، می تواند از انجام حج منصرف شود و به جا نیاورد، ولی اگر برای انجام حج اجیر شده، باید پس از انجام عمره تمتع، حج تمتع را هم از باب وفا به قرارداد اجاره انجام دهد، و حق انصراف از انجام را ندارد، و عذر اجیرکننده در پرداخت اجرت، مجوز ترک وفاء به عقد اجاره و انصراف از انجام حج نیست، مگر آن که قرارداد او را با اقاله منحل سازند، و در صورت توافق بر اقاله و حل قرارداد، از اجرت قراردادی به نسبت آنچه از اعمال عمره که انجام داده استحقاق مطالبه دارد، نه تمام اجرت را.

الشیخ البهجت: عمره مبتوله می شود و اجیرکننده ضامن اجرت مقدار عمل شده است.

الشیخ التبریزی: در فرض مزبور که منوب عنه اجرت حج را نمی دهد نایب می تواند بعد از انجام عمره تمتع یک طواف نساء انجام دهد و آن را عمره مفرده قرار دهد، و نسبت به مقداری که برای منوب عنه انجام داده اجرت مطالبه کند. والله العالم.

الشیخ الصافی: در فرض سؤال کسی که نائب را اجیر نموده نمی تواند اجاره را فسخ نماید و نایب باید حج را انجام دهد و مستحق اجرت است. والله العالم.
الشیخ الفاضل: اجاره از عقود لازمه است و مستأجر نمی تواند منصرف شود.

اجیر نیز پس از انجام عمره تمتع باید حج تمتع را انجام دهد و شرعاً هیچ‌کدام نمی‌توانند تخلف کنند.

الشیخ المکارم: احتیاطاً طواف نساء را انجام دهد و می‌تواند اجرت را به اندازه عملش به تصدیق اهل اطلاع از کسی که به او پیشنهاد نیابت کرده بگیرد.

س: بعضی فقهاء عظام فرموده‌اند که کسی که عمره مفرده مستحبی در اشهر حج انجام دهد و تا روز ترویبه در مکه بماند عمره مفرده او متعه می‌شود و لیس له الا أن یحجّ حجّ التمتع، آیا این تمتع قهری در مطلق حج است چه مستحب و چه واجب و چه اصلی باشد یا نیایی یا مخصوص به حج استحبابی است؟

السید السیستانی: اختصاص به حج استحبابی ندارد و اگر عمره را به نیابت انجام داده حج را نیز به همان نیت باید انجام دهد.

السید الخامنئی: صحبت از انقلاب مفرده به تمتع نیست بلکه صحبت از اجزاء دومی از اولی است که در عمره مستحب مجزی است.

اختصاص به صورت حضور در مکه مکرمه تا روز ترویبه ندارد، بلکه با انجام عمره مفرده استحبابی در یکی از اشهر حج، می‌تواند آن را عمره تمتع به حساب آورد، و به دنبال آن حج تمتع در همان سال به‌جا آورد، به شرط آن‌که عمره مفرده استحبابی را برای خود به‌جا آورده باشد، و حج استحبابی را هم بخواهد برای خودش به‌جا آورد، و برای حج نیایی یا حج واجب صحیح و مجزی نیست.

الشیخ البهجت: فرق نمی‌کند.

الشیخ التبریزی: در حکم مزبور بین حج واجب و حج مستحب و بین حج اصلی و حج نیایی فرقی نیست. والله العالم.

الشیخ الصافی: در فرض سؤال قدر متیقن حج استحبابی است. والله العالم.

الشیخ الفاضل: در مطلق حج است، ولی باید حج را به نیت همان کسی که عمره مفرده را برای او انجام داده است انجام دهد نه به طور مطلق. مثلاً اگر عمره مفرده را برای خودش انجام داده است می تواند آن را تبدیل به عمره تمتع کند و برای خودش حج تمتع انجام دهد. و چنانچه عمره مفرده را برای غیر انجام داده حج تمتع را نیز برای همان شخص انجام دهد.

الشیخ المکارم: در حج استحبابی شخص می تواند عمره مفرده خود را مبدل به عمره تمتع کند و به دنبال آن حج به جا آورد.

س: طواف و نماز طواف را با بدن نجس یا لباس نجس به جا آورده جهلاً یا نسیاناً آیا اعاده لازم است یا نه؟ و تکلیف او نسبت به اعمال مترتبه چیست؟
السید السیستانی: طواف در صورت جهل به موضوع یا نسیان صحیح است و همچنین نماز ولی اگر قبل از نماز شک داشته و تفحص نکرده و بعد از نماز آن را دیده است به احتیاط واجب باید نماز را اعاده کند و در مورد نسیان نیز اگر منشأ آن بی اعتنائی بوده اعاده نماز بنا بر احتیاط لازم است.

السید الخامنه: در جهل به موضوع اعاده ندارد و اگر نسیان کرده احوط اعاده است و سعی با اعتقاد به صحت طواف اعاده ندارد ولی طواف نساء با بطلان طواف اعاده شود.

الشیخ البهبهت: باید خودش طواف و نماز را اعاده کند و با عدم تمکن استنابه کند و اعمال مترتبه صحیح است.

الشیخ التبریزی: در فرض جهل، طواف و نماز آن صحیح است و در فرض نسیان در طواف صحیح است و در نماز طواف باید اعاده کند. والله العالم.

الشیخ الصافی: در فرض سؤال در صورت نسیان طواف و نمازش را اعاده

کند و احتیاطاً سعی را نیز اعاده کند و در صورت جهل به موضوع نجاست اعاده ندارد و طواف و نماز صحیحند و اگر جاهل به حکم بود نیز طواف و نماز و سعی را اعاده نماید. والله العالم.

الشیخ الفاضل: در صورت نسیان طواف صحیح است، ولی نماز را اعاده کند. و اعمال مترتبه را که با اعتقاد به صحت انجام داده صحیح است. اما در صورت جهل به حکم، طواف و نماز را اعاده کند، ولی اعمال مترتبه مثل صورت قبل است.

الشیخ المکارم: اعاده لازم نیست.

س: احرام برای عمره یا حج واجب تکلیفی است یا شرطی؟ و فرق بین تکلیفی و شرطی کجا ظاهر می شود؟

السید السیستانی: احرام از اجزاء واجب عمره و حج است و احتمال این که واجب شرطی باشد درست نیست و ثمره واجب شرطی این است که مثل وضوی نماز می شود اگر به نیت دیگری احرام بست می تواند عدول به نیت دیگری کند.

السید الخامنشی: هیچ کدام و تا اعمال را انجام نداده به احرام باقی است و بدون احرام نمی تواند وارد مکه شود.

وجوب احرام برای عمره یا حج، هم واجب تکلیفی است، زیرا که از مناسک است، و هم واجب شرطی است، زیرا که صحت بقیه اعمال در صورت تذکر قبل از عمل و امکان تدارک احرام منوط به احرام است.

الشیخ البهجت: شرط ذکری است در حج تمتع بنابر اقوی و در عمره شرط مطلق است بنابر احوط.

الشیخ التبریزی: احرام جزء مناسک عمره و حج است مثل سایر اعمال

عمره و حج. والله العالم.

الشیخ الصافی: احرام برای صحت حج و عمره شرط است و با ترک احرام در غیر مورد جهل و نسیان حج و عمره باطلند. والله العالم.

الشیخ الفاضل: برای هردو واجب شرطی است، ولی در حج ذکری و در عمره واقعی است. و فرق آن در موردی ظاهر می‌شود که انسان حج را فراموش کند یا جهلاً ترک کند تا اعمال تمام شود که در این صورت حج او صحیح است. ولی اگر احرام عمره را فراموش کند یا جهلاً ترک کند تا اعمال تمام شود عمره‌اش باطل است.

الشیخ المکارم: احرام جنبه شرطی دارد و بدون آن عمل باطل است.

س: در حج بعد از حلق یا تقصیر از احرام خارج می‌شود ولی بوی خوش و نساء قبل از سایر اعمال بر حرمت باقی است آیا در عمره مفرده بعد از تقصیر و قبل از طواف نساء این حکم جاری است یا نه؟

السید السیستانی: فقط استمتاع بر او حرام است.

السید الخامنی: بعد از تقصیر و قبل از طواف نساء از همه محرمات احرام خارج می‌شود مگر نساء.

اگر طواف واجب عمره و نماز آن را هم انجام داده باشد، طیب بر او حلال است، فقط می‌ماند نساء، که با طواف نساء و نماز آن بر او حلال می‌شود.

الشیخ البهبهت: قبل از طواف نساء فقط زن و آنچه مبتنی بر آن است حرام است.

الشیخ التبریزی: هرچند به حسب نظر مشهور بعد از حلق یا تقصیر در عمره مفرده و قبل از طواف نساء جمیع محرمات احرام به شخص حلال می‌شود

فقط حرمت نساء باقی می ماند، لکن احتیاط این است که از جمیع محرمات احرام قبل از طواف نساء اجتناب شود. والله العالم.

الشیخ الصافی: در عمره مفرد بعد از حلق یا تقصیر همه محرمات غیر نساء حتی بوی خوش حلال می شوند و حکم مذکور مخصوص حج تمتع است. والله العالم.

الشیخ الفاضل: در عمره مفرد بعد از تقصیر همه چیز حلال می شود به جز زن. الشیخ المکارم: در عمره مفرد قبل از طواف نساء تنها نساء برای او حرام است.

س: شخصی عمره مفرد انجام داده و قبل از این که طواف نساء به جا آورد انشاء عقد نکاح کرده آیا این عقد صحیح است یا نه و بر فرض بطلان موجب حرمت ابدی می شود یا نه و موجب کفاره می شود یا نه؟ خصوصاً در صورت مباشرت.

السید السیستانی: عقد صحیح است ولی هرگونه استمتاع جایز نیست و اگر مباشرت با علم و عمد باشد موجب کفاره است.

السید الخامنی: حرمت ابدی ندارد و لکن عقد باطل است و در صورت علم کفاره هم دارد.

اگر پیش از انجام طواف نساء و نماز آن، عقد زواج خوانده، در هر صورت آن عقد باطل است و در صورتی که با علم به حرمت باشد، موجب حرمت ابدی نیز می شود، و در صورت جهل به حرمت موجب حرمت ابدی نمی شود، اگرچه در صورت نزدیکی پس از عقد و پیش از توجه به بطلان آن احوط ترتیب آثار حرمت ابدی است.

الشیخ البهجت: باطل است.

الشیخ التبریزی: بنا بر احتیاط قبل از طواف نساء در عمره مفرد باید از جمیع محرمات احرام اجتناب شود. والله العالم.

الشیخ الصافی: حکم عقد قبل از خروج از احرام را دارد یا علم به حکم موجب حرمت ابدی است. والله العالم.

الشیخ الفاضل: بنا بر احتیاط واجب عقد باطل است. ولی موجب حرمت ابدی نمی‌شود و می‌توانند تجدید عقد کنند و چنانچه نمی‌دانسته کفاره ندارد هرچند مباشرت کرده باشد. بلی چنانچه علم به حرمت عقد و مباشرت داشته کفاره دارد.

الشیخ المکارم: عقد مذکور باطل است و اگر حکم را بداند موجب حرمت ابدی است و اگر دخولی صورت گیرد یک شتر بر هر یک از مرد و زن و همچنین بر عاقد در صورت علم لازم است.

س: فرموده‌اند شخص متمتع بعد از عمره تمتع مرتبط بالحج است حتی یقضیه و نباید خارج شود آیا حرمت خروج خارج شدن از حرم است یا نفس مکه معظمه؟

السید السیستانی: به احتیاط واجب از مکه نباید خارج شود مگر برای حاجتی هرچند ضروری نباشد.

السید الخامنی: جایز است و موجب بطلان عمره نمی‌شود و تجدید عمره لازم نیست به شرط این که وثوق به ادراک حج داشته باشد خروج از مکه مانع ندارد.

الشیخ البهجت: ظاهراً مکه است که احتیاط فرموده‌اند.

الشيخ التبريزي: به مقداری که حوالی مکه محسوب شود می تواند خارج شود. والله العالم.

الشيخ الصافي: شخص مذکور نباید از مکه خارج شود. والله العالم.

الشيخ الفاضل: ملاک خارج شدن از شهر مکه است.

الشيخ المكارم: در صورتی که به مناطق نزدیک برود و مطمئن است باز می گردد مانعی ندارد.

س: بعضی از کوه های مکه که داخل حرم است افرادی اعم از حکومتی و عادی سیم خاردار کشیده اند و به نظر می رسد که حیا زت کرده اند برداشتن حصاة جمرات از دامنه های این کوه ها که سیم کشیده اند اشکال دارد یا نه؟

السيد السيستاني: اشکال ندارد.

السيد الخامنئي: اگر به قصد احیاء باشد باید با رضایت تحجیر کننده باشد و نیز اگر مشکوک باشد که به چه قصدی تحجیر شده چون اباحه سنگ ها شرط است و باید احراز شود.

الشيخ البهبخت: اشکال ندارد.

الشيخ التبريزي: از جهت مذکور در سؤال مانعی ندارد، از جهت این که ممکن است خوف خطر باشد نباید برود، ولی برداشتن سنگریزه و صرف آن در رمی جمرات مانعی ندارد. والله العالم.

الشيخ الصافي: ظاهراً اشکال ندارد. والله العالم.

الشيخ الفاضل: باید احراز اباحه کنند.

الشيخ المكارم: از مناطقی که به عنوان حیا زت سیم کشی شده نباید سنگ برداشت مگر این که علم به رضایت داشته باشند.

س: آیا بدار برای معذورین از طهارت مائیه بلکه مطلق ذوی الاعذار جایز است یا نه؟ و علی فرض الجواز اگر قبل از انقضاء وقت عذر برطرف شد باید اعاده کنند یا نه؟

السید السیستانی: بدار در صورت یأس جایز است و اعاده لازم نیست هرچند در وقت، عذر برطرف شود.

السید الخامنی: اگر امیدی به رفع عذر دارد احتیاط کند. بعد از دخول وقت عمل مشروط به طهارت، بدار جایز است حتی با رجاء ارتفاع عذر در اثنای وقت اگرچه احوط در صورت اخیر ترک بدار است، و در هر صورت اگر عمل را انجام داد و بعداً اتفاقاً عذر در اثنای وقت برطرف شد، اعاده واجب نیست، ولی با علم به ارتفاع عذر در اثنای وقت بدار صحیح نیست و باید تا ضیق وقت منتظر بماند.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

الشیخ البهبهت: جایز است مگر علم به برطرف شدن عذر داشته باشد. الشیخ التبریزی: اگر مأیوس بود بدار جایز است و در تیمم برای نماز در این صورت اعاده واجب نیست و در غیر نماز و تیمم آن در صورت رفع عذر در وقت اعاده لازم است. والله العالم. الشیخ الصافی: در فرض سؤال اگر امید زوال عذر در آخر وقت را داشته باشند احتیاط در تأخیر است. والله العالم.

الشیخ الفاضل: معذور چنانچه بداند تا آخر وقت عذرش برطرف نمی شود می تواند به مجرد ورود اعمال را با وضو یا غسل جبیره ای یا تیمم انجام دهد. اما چنانچه امید دارد تا زمانی که در مکه است عذرش برطرف شود احتیاط واجب آن است که صبر کند و اگر تا آخر وقت عذرش برطرف نشد طبق وظیفه معذور عمل کند. و چنانچه بعد از عمل به وظیفه معذور عذرش برطرف شد چنانچه

علم داشته عذرش برطرف نمی‌شود اعاده واجب نیست، ولی اگر امید داشته که عذرش برطرف می‌شود بنا بر احتیاط باید اعمال را با غسل و وضو اعاده کند.

الشیخ المکارم: بدار برای ذوی الاعذار بنا بر احتیاط واجب جایز نیست مگر این که یقین داشته باشد که تا آخر وقت عذر برطرف نخواهد شد و در صورتی که تا آخر عذر برطرف شود بنا بر احتیاط اعاده لازم است.

س: اگر برخلاف تقیه عمل کرد فقط حرمت تکلیفی دارد یا عملی را که انجام داده است باطل است؟

السید السیستانی: عمل صحیح است.

السید الخامنی: اگر خلاف تقیه عمل کرد مثل مهر گذاشتن نمازش باطل است.

اگر عمل برخلاف تقیه به صورتی باشد که موجب وهن مذهب و شین بر شیعه باشد، حرام و باطل است.

الشیخ البهبهتی: صحت عمل مورد تأمل است.

الشیخ التبریزی: در موردی که تقیه واجب است اکتفاء بر عمل خلاف تقیه باطل است. والله العالم.

الشیخ الصافی: صحت عملی که برخلاف تقیه باشد مشکل است. والله العالم.

الشیخ الفاضل: صحت عمل نیز مشکل است.

الشیخ المکارم: اصل عمل اشکال دارد.